

سورة الاحقاف



انشارات

فصلنامه اشارات ایام، شماره ۴۷ (پیاپی ۱۸۸)، زمستان ۱۴۰۲ کد: ۲۹۶۸
پرونده ویژه: شهادت سردار سلیمانی، دهه فجر انقلاب اسلامی و بعثت
صاحب امتیاز: اداره کل پژوهش‌های اسلامی رسانه
مدیر مسئول: حجت‌الاسلام صادق لیراوی
جانشین مدیر مسئول: حجت‌الاسلام سلمان رضوانی
سردبیر: سیدصادق سیدنژاد
نظارت و ارزیابی: مریم سقلاطونی

با همکاری: سیدمحمدحسین حسینی هرندی، سیدعلی محمدی متکازینی،
حمید رحمانی، سیدصادق سیدنژاد و فاطمه جهانگیر

صفحه‌آرا: الهه صابری

چاپخانه: زلال کوثر

شمارگان: ۳۰۰

بها: ۸۰۰۰۰ ریال

نشانی: قم، بلوار امین، مجموعه صداوسیما، اداره کل پژوهش‌های اسلامی رسانه،
تلفن: ۰۲۵ - ۳۲۹۲۳۸۵۲

تهران: جام جم، ساختمان شهید رهبر، طبقه زیرین، تلفن: ۰۲۱-۳۳۰۴۷۳۸، نمابر: ۰۲۱-۳۳۱۶۹۹۷
مشهد: خیابان امام خمینی (ره)، جنب باغ ملی، ساختمان صبا، طبقه سوم، تلفن: ۰۵۱-۳۳۳۱۵۱۸،
نمابر: ۰۵۱-۳۳۳۱۵۱۶

سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۲۵۵

سامانه مخاطبان: ۰۲۵.۳۳۹۲۰۵۵



www.irc.ir



info@irc.ir

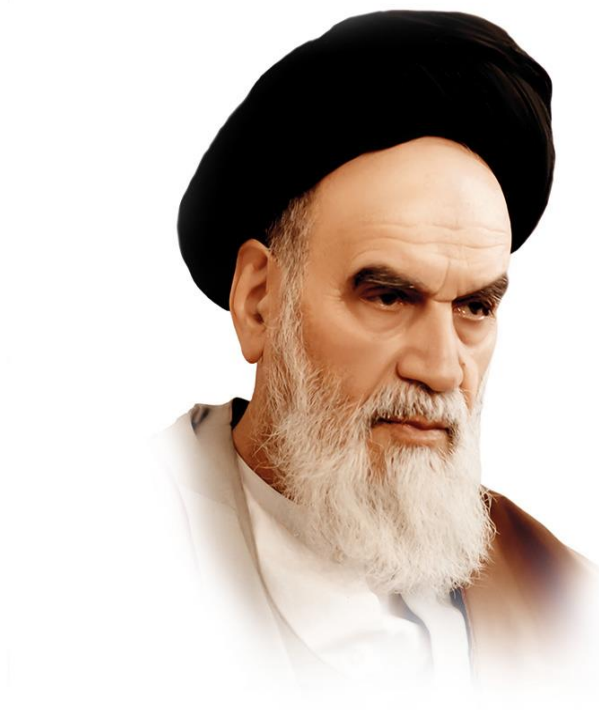


@iribirc



@irc_ir





بعثت حضرت محمد ﷺ در سرتاسر دهر؛ «مِنَ الْأَزَلِ إِلَى الْآبَدِ»، روزی شریف‌تر از آن نیست؛ برای اینکه حادثه‌ای بزرگ‌تر از این حادثه اتفاق نیفتاده است. حوادث بسیار بزرگ در دنیا اتفاق افتاده است؛ بعثت انبیای بزرگ، انبیای اولوالعزم و بسیاری از حوادث بسیار بزرگ، لکن حادثه‌ای بزرگ‌تر از رسول اکرم ﷺ در عالم وجود نیست، غیر از ذات مقدس حق تعالی و حادثه‌ای بزرگ‌تر از بعثت او هم نیست؛ بعثتی که بعثت «رسول ختمی» است و بزرگ‌ترین شخصیت‌های عالم امکان و بزرگ‌ترین قوانین الهی. و این حادثه در یک همچو روزی اتفاق افتاده است. (صحیفه امام، ۱۳۵۸، ج ۱۲، ص ۴۱۹)



روز «بعثت»، تحقیقاً بزرگ‌ترین روز در تاریخ بشریت است. روز ولادتِ برجسته‌ترین و شریف‌ترین مفاهیم و ارزش‌هاست. بعثت نبی اکرم علیه الصّلاة والسّلام، یک حرکت عملی بود تا بشر را از یک سو به سرمنزل کمال فردی، روحی و معنوی و از سوی دیگر به تعالی زندگی اجتماعی و اصلاح وضع جوامع برساند. مسئله این است که در بعثت پیغمبر، آنچه به مردم هدیه شد، فقط تعدادی مفاهیم خشک و ارائه طریقی که رهرویی در آن نیست و کسی زمام امور مردم را در آن راه در دست ندارد، نبود. از لحظه اول، این بعثت در وجود خود آن بزرگوار و سپس در روح و جان و در عمل مؤمنین به این پیام، تحقّق یافت و جاهلیّت، از لحظه اول، از این پیام ضربه خورد و با آن مقابله کرد. این، خصوصیت بعثت انبیاست. (بیانات در دیدار کارگزاران در روز عید مبعث، ۱۳۷۴/۰۹/۲۹)

فهرست مطالب

سخن سردبیر	۷
گزیده نیایش‌های زمستانی	۹
آینه روزها	۱۲
۴ دی - فرخنده میلاد حضرت عیسی‌بن مریم <small>علیه السلام</small>	۱۴
۶ دی - وفات ام‌البنین <small>علیها السلام</small> ، همسر امام علی <small>علیه السلام</small>	۱۷
و مادر حضرت عباس <small>علیه السلام</small>	۱۷
۷ دی - تشکیل نهضت سوادآموزی به فرمان حضرت امام خمینی <small>علیه السلام</small> (۱۳۵۸)	۲۴
علم و علم‌آموزی	۲۴
۹ دی - روز بصیرت و میثاق امت با ولایت	۲۷
۱۳ دی - ولادت حضرت فاطمه زهرا <small>علیها السلام</small> و روز مادر	۳۵
۱۶ دی - روز شهدای دانشجو	۴۱
۱۷ دی - اعلام منع حجاب از طرف رضاخان	۴۶
مخالفت امام خمینی <small>علیه السلام</small> با کشف حجاب	۴۸
۱۹ دی - قیام خونین مردم قم	۵۱
۲۳ دی - روز اول رجب؛ فضیلت ماه رجب	۵۵
۲۳ دی - ولادت امام محمدباقر <small>علیه السلام</small>	۵۶
۲۵ دی - شهادت امام هادی <small>علیه السلام</small>	۶۱
۲۶ دی - فرار شاه از ایران	۶۸
۲ بهمن - ولادت امام نهم حضرت جواد <small>علیه السلام</small>	۷۳
۵ بهمن - ولادت حضرت علی‌بن ابی‌طالب <small>علیه السلام</small>	۸۲
۷ بهمن - رحلت حضرت زینب <small>علیها السلام</small>	۸۸

- ۱۷ بهمن - روز شهادت امام کاظم علیه السلام ۹۹
- ۲۴ بهمن - میلاد امام حسین علیه السلام و روز پاسدار ۱۰۵
- ۲۵ بهمن - ولادت حضرت ابوالفضل علیه السلام و روز جانباز ۱۱۲
- ۲۶ بهمن - ولادت حضرت امام سجاد علیه السلام ۱۲۰
- ۲ اسفند - ولادت حضرت علی اکبر علیه السلام و روز جوان ۱۲۵
- ۶ اسفند - ولادت امام زمان علیه السلام ۱۳۱
- ۱۴ اسفند - روز احسان و نیکوکاری ۱۳۸
- ۲۲ اسفند - آغاز ماه مبارک رمضان ۱۴۳
- ۲۵ اسفند - بزرگداشت پروین اعتصامی ۱۵۰
- پرونده ویژه (شهادت سردار سلیمانی، دهه فجر انقلاب اسلامی و بحث) ۱۵۶
- ۱۳ دی - شهادت سردار سپهبد سلیمانی ۱۵۶
- دهه فجر انقلاب اسلامی ۵۷ ۱۸۱
- مبعث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۲۱۵

سخن سردبیر

«اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ؛

بدانید که خداوند، زمین را پس از مرگش زنده می‌گرداند». (حدید: ۱۷)

آنان که ودیعه الهی بَصْر را با نعمت بصیرت در وادی ولایت خرد و مهرورزی شاکرانه به کار بسته‌اند و با مشاهده جلوه‌گری انوار جمال حق در نهانگاه‌های سایه جمالش، بی‌درنگ زبان به حمد و ثنا گشوده‌اند که:

با صد هزار جلوه برون آمدی که من

با صد هزار دیده تماشا کنم تو را

آری! این رهپویان میدان حقیقت با خرق پرده‌های مجازی صورت، زمستان را بهاری می‌بینند که سفیدی برف آن از ضرورت تحصیل صداقت و بی‌رنگی و سردی هوای آن از اهمیت حفظ سلامت و گرمابخشی دل‌ها با آنها سخن می‌گوید.

و با یادآوری بنی‌آدم، اعضای یک پیکرند وظیفه «حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ»

(آل عمران: ۹۲) را به ایشان گوشزد می‌کند.

انسان در کلاس زندگی از هر اتفاق و پیشامدی می‌تواند پیاموزد به شرط آنکه دست از زندگی غریزی برداشته، وظیفه‌محوری را سرلوحه خود قرار دهد؛ به اصطلاح چشم‌ها را بشوید و به‌گونه‌ای دیگر به پدیده‌ها نگاه کند... وگرنه بنابر سخنی که از عیسی بن مریم علیه السلام نقل شده است: «لَنْ يَلِجَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ مَنْ لَمْ يُولَدْ مَرَّتَيْنِ» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۱۱)؛ کسی که از عادات و غرایز رونگرداند و تولد دیگری پیدا نکند، به حقایق عمیق هستی آگاهی نمی‌یابد. در همان زندگی در سطح جمادی و حیوانی متوقف شده و از دستیابی به مقام و مرتبه آدمیت که غایت آفرینش او محسوب می‌گردد، محروم گشته، دچار خسران مبین می‌شود.

براین اساس، ضمن گرامیداشت قدوم بیداربخش فصل زمستان که از آن در آموزه‌های دینی، گاهی به‌عنوان مثالی زیبا برای تصور معاد یاد شده است تا اهل تدبیر با تعمق در اتفاقاتی که در طول زمستان در طبیعت به وقوع می‌پیوندد، به تمام شبهات احتمالی که ممکن است درباره وقوع حتمی رستاخیز برای بسیاری از انسان‌های حتی مؤمن مطرح گردد، پاسخ دهند؛ زیرا تبیین درست مجموع وقایع زمستان به دلالت آموزه‌های دینی، ظرفیت معادباوری را در اغلب قریب به اتفاق افراد ارتقا می‌بخشد.

آن کس که بر سفره بندگی بنشیند و با سرمشق قراردادن رهنمودهای اولیای الهی، همواره با دیده عبرت‌آموز به مسائل نگاه کند، بدون تردید می‌تواند از همه امور بیاموزد و از جمله آنهاست: وقایع ایام‌الله‌ها و مناسبت‌های زمستان سال ۱۴۰۲ خورشیدی، نظیر: عید مبعث، ایام جشن‌های شعبان و میلاد خجسته حضرت مولی‌الموحدين امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و روزهای دهه فجر انقلاب شکوهمند اسلامی و... .

در این شماره نشریه اشارات، از سرکار خانم **مریم سقلاطونی** که چند سال در مقام نویسندگی و سردبیری این نشریه زحمات فراوانی کشیدند سپاس‌گزاری می‌کنیم و برای ایشان در دیگر عرصه‌های فرهنگی و ادبی آرزوی موفقیت داریم. همچنین از درگاه خداوند، علو درجات را برای مرحوم حجت‌الاسلام **سیدعلی حسینی ایمنی**، سردبیر اسبق، خواهانیم.

در این شماره کوشیده‌ایم مجموعه مطالب مناسبی به‌صورت تلفیقی اعم از آثار تولیدی جدید و به‌گزینی از متون برجسته شماره‌های قبلی را در اختیار برنامه‌سازان و کارشناسان قرار دهیم و متعاقب آن امیدواریم با ارزیابی مجدد مطالب شماره‌های گذشته و بهره‌گیری از دیدگاه‌های مدیران، برنامه‌سازان و کارشناسان، زمینه تداوم هرچه بهتر کار با طرح تکمیلی جدیدی ناظر به نیازهای واقعی رسانه فراهم شود.

منبع

شیرازی، صدرالدین (۱۳۸۳ق)، **شرح اصول کافی**، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

گزیده نیایش‌های زمستانی

زیبایی این صبح دل‌انگیز برفی.
خدایا، به لحظه‌لحظه روزم رنگ
محبت و مهربانی‌ات را ببخش.

❖ پروردگارا! طبیعت، خواب زمستانی
خود را آغاز کرده تا در بهاری
خجسته، دوباره به جوانه بنشیند.
یاری‌مان کن مانند درختان، به
شکوفایی بیندیشیم و روح و
جانمان را از سبزی یاد تو سرشار
گردانیم. ما را که بی‌قرار رسیدن به
نور و روشنی هستیم.

❖ خداوند مهربان! این روزها که
برف، این نشانه روشن
خداوندی‌ات بر ما می‌بارد و دل و
جانمان را سرشار از امید به
زندگی و رویش می‌کند، از تو
می‌خواهم نور بندگی‌ات را
بیش‌ازپیش بر دل‌هامان بتابانی
و ما را به حقیقت زندگی و
آفرینش نزدیک‌تر گردانی.

❖ پروردگارا! زمستان، فصل سرد و
زیبای زمین از راه رسیده و کوه‌ها
با دامنه‌هایی پر از برف هر صبح
به ما سلام می‌گویند. دشت بر
این همه برکت لبخند می‌زند و

❖ ای خداوند پاکی‌ها! دانه‌های
سپید برف، چون فرشتگان بر
زمین فرود می‌آیند و ما را به دوری
از آلودگی‌ها فرامی‌خوانند.
یاری‌مان کن تا همچون روزهای
برفی و سرد زمستان، روح خویش
را بیالاییم و امیدوار و مصمم در
جاده‌های موفقیت، گام برداریم.
❖ معبود من! در این لحظه‌های سرد
زمستانی، دستان پرسخاوتت را
بگشا تا وجودم لبریز از زمزم زلال
ذکر تو گردد.

❖ ای خداوند مهربان! از تو
سپاس‌گزارم، به‌خاطر این همه
یک‌دستی که بر پیشانی زمین
حک کرده‌ای. زمستان را آفریدی
تا در بارش مداومش، آلودگی از
همه جا پاک شود. از تو
سپاس‌گزارم و عاجزانه از تو
می‌خواهم، مرا مدد دهی تا به
شکرانه این همه پاکی به تهنیت
درون و پالایش جانم بپردازم.

❖ خدایا! تو را سپاس، به عدد همه
دانه‌های برف که بر شانه زمین
نشسته است. تو را سپاس به

همه بی‌نهایت‌ها، دوست می‌دارم، پس یاری‌ام کن تا برایت بنده‌ای صادق باشم.

❖ در روزی سرد، وجودی دلگرم و خدایی مهربان دارم. زمستان است و من در تمام ثانیه‌هایش به امر پروردگارم نفس می‌کشم و زندگی می‌کنم، باشد که روزگارم به رضایت خدایم ختم شود.

❖ خدایا! هر نفسی که می‌کشم، وجودم به عشق تو زنده می‌شود، تو که پروردگار جهانی و به من و همه مخلوقات، نهایت زیبایی‌ها را بخشیدی، تو که چهار فصل زیباییت را به ما ارزانی داشتی. زمستانی پُربار عنایت فرما و به من نیز توفیق ده تا همه روزهایم لبریز از کارهای نیک باشد. من شیفته پاک‌ی و سفیدی برفم، قلبم را چون برف سفید و پاکیزه گردان.

❖ وقتی رودخانه به دریا وصل می‌شود، آرام می‌گردد. آرام که شد، تازه بخار می‌شود. سپس ابر پدید می‌آید و باران می‌بارد. انسان نیز باید بداند، در مسیر وصل شدن به دریای بی‌نهایت الهی قرار دارد. خدایا، در این صبح زیبای زمستان، به ما توفیق

خیابان، هوای سالم زیستن را تنفس می‌کند. کمک کن در این زمستان زیبا، به قله‌های بلند انسانیت ره‌سپار شویم.

❖ زمستان، ترانه‌خوان بهار است. می‌آید و با خود امید می‌آورد که به دنبالش فصلی زیبا در راه است. فصل نوشدن، فصل شروع‌هایی که قرار است با تو رنگ دیگری بگیرند. من این آغازها را دوست دارم و در هر آغاز، نام تو را می‌برم که تویی آغاز و انجام.

❖ خدایا! در این لحظات سرشار که همه چیز بوی برف گرفته است، موج لطف تو، روحم را می‌نوازد. با اولین گام‌های عبورم، راهی دریچه گشوده مهربانی تو شده‌ام، مرا از تدبرکنندگان در خلقت زیبای برف و بارانت قرار بده!

❖ آسمانِ آبی، خورشید طلایی و برف سفید، تنها گوشه‌ای از نعمت‌های زیبای خداست که برایمان آفریده؛ برای ما که شادمانه زندگی کنیم و در این دنیا که هر گوشه‌اش با یاد پروردگارمان تزیین شده است، از خویش نامی نیک به یادگار بگذاریم. خدایا، من تو را بیش از

❖ یادمان باشد، با آمدن زمستان، اجاق خاطره‌ها را روشن بگذاریم، تا دچار سردی فاصله‌ها نشویم.

❖ برای سرزمینمان زمستانی را آرزو می‌کنیم که کوچه‌هایش پربرف، مردمانش امیدوار و خونگرم و باصفا و خانه‌هایش گرم از محبت و همدلی و یکرنگی، بدخواهانش مأیوس و سردرگم و ناامید، دوستانش صمیمی و پر امید باشد.

❖ سردی زمستان می‌تواند زمینه‌ای باشد برای کم‌کردن فاصله‌ها اگر نگاه‌های پر مهر را قدر بدانیم و از نثار آن به همدیگر به بهانه‌های واهی دریغ نوزیم.

توجه و تدبر در آیات و نشانه‌های معرفت را عطا فرما!

❖ در لحظه‌های زمستانی من، وقتی کائنات، تسبیح‌گوی نام تو هستند، به نام تو، ای که مهربانی‌ات بی‌انتهاست، ای خالق پاک!

❖ تمام لحظه‌های زندگی‌ام را دنبال تو می‌گردم، فرقی نمی‌کند هوا صاف باشد یا بارانی. گرم باشد یا مثل همین زمستان، سرد. مهم این است که من یاد تو را همیشه و همواره در دلم زنده نگه می‌دارم که یاد تو آفتاب قلب من است.

آینه روزها

۱۷ دی: اعلام منع حجاب از طرف
رضاخان

۱۹ دی: قیام خونین مردم قم
(۱۳۵۶ش)

۲۰ دی: شهادت میرزاتقی خان
امیرکبیر (۱۲۳۰ش)

۲۲ دی: تشکیل شورای انقلاب به
فرمان حضرت امام خمینی علیه السلام
(۱۳۵۷ش)

۲۳ دی: ولادت حضرت امام
محمدباقر علیه السلام (۵۷ق)

۲۵ دی: شهادت حضرت امام علی
النقی الهادی علیه السلام (۲۵۴ق)

۲۶ دی: فرار شاه معدوم
(۱۳۵۷ش)

۲۷ دی: شهادت نواب صفوی،
طهماسبی، برادران واحدی و ذوالقدر
از فداییان اسلام (۱۳۳۴ش)

۲۹ دی: روز غزه
۲ بهمن: ولادت حضرت امام
محمدتقی علیه السلام «جوادالائمه» (۱۹۵ق)

۵ بهمن: ولادت حضرت امام
علی علیه السلام (۲۳ سال قبل از هجرت) - روز
پدر - آغاز ایام البیض (اعتکاف)

مروری بر مناسبت‌های مهم
شمسی و قمری زمستان

۴ دی: ولادت حضرت عیسی علیه السلام -
روز بزرگداشت رودکی

۵ دی: روز ایمنی در برابر زلزله و
کاهش آثار بلایای طبیعی

۶ دی: وفات حضرت ام‌البنین علیه السلام -
روز تکریم مادران و همسران شهدا

۷ دی: تشکیل نهضت سوادآموزی
به فرمان حضرت امام خمینی علیه السلام
(۱۳۵۸ش)

۹ دی: روز بصیرت و میثاق امت با
ولایت

۱۱ دی: آغاز سال ۲۰۲۴ میلادی
۱۳ دی: ولادت حضرت فاطمه

زهرا علیه السلام (هشت سال قبل از هجرت) و
روز زن - تولد حضرت امام خمینی علیه السلام
رهبر کبیر انقلاب اسلامی (۱۳۲۰ق) -

روز جهانی مقاومت - شهادت الگوی
اخلاص و عمل؛ سردار سپهبد قاسم
سلیمانی به دست استکبار جهانی

۱۶ دی: روز شهادت دانشجو
(شهادت سیدحسین علم الهدی و
همرزمان وی در هویزه)

۲ **اسفند:** ولادت حضرت علی اکبر علیه السلام (۳۳ق) - روز جوان

۵ **اسفند:** روز بزرگداشت خواجه نصرالدین طوسی - روز مهندسی

۶ **اسفند:** ولادت حضرت قائم علیه السلام (۲۵۵ق) - روز جهانی مستضعفان

۸ **اسفند:** روز حمایت از بیماران نادر

۱۴ **اسفند:** روز احسان و نیکوکاری - روز ترویج فرهنگ قرض الحسنه

۱۵ **اسفند:** روز درختکاری

۱۸ **اسفند:** روز بزرگداشت سیدجمال‌الدین اسدآبادی - سالروز تأسیس کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد کشور

۲۰ **اسفند:** روز راهیان نور

۲۱ **اسفند:** روز بزرگداشت نظامی گنجوی

۲۲ **اسفند:** روز بزرگداشت شهدا - سالروز صدور فرمان حضرت امام خمینی علیه السلام مبنی بر تأسیس بنیاد شهید انقلاب اسلامی (۱۳۵۸ش) - روز اول ماه مبارک رمضان

۲۵ **اسفند:** بزرگداشت پروین اعتصامی

۲۹ **اسفند:** روز ملی‌شدن صنعت نفت ایران (۱۳۲۹ش)

۶ **بهمن:** سالروز حماسه مردم آمل - روز آواها و نواهای ایرانی - روز بزرگداشت صفی‌الدین ارموی

۷ **بهمن:** ارتحال حضرت زینب علیه السلام (۶۲ق) - تغییر قبله مسلمین از بیت‌المقدس به مکه معظمه (۲ق)

۱۲ **بهمن:** بازگشت حضرت امام خمینی علیه السلام به ایران (۱۳۵۷ش) و آغاز دهه مبارک فجر انقلاب اسلامی

۱۴ **بهمن:** روز فناوری فضایی

۱۷ **بهمن:** شهادت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام (۱۸۳ق)

۱۹ **بهمن:** مبعث حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله (۱۳ سال قبل از هجرت) - روز نیروی هوایی

۲۲ **بهمن:** پیروزی انقلاب اسلامی ایران و سقوط نظام شاهنشاهی (۱۳۵۷ش)

۲۴ **بهمن:** ولادت حضرت امام حسین علیه السلام (۴ق) - روز پاسدار

۲۵ **بهمن:** ولادت حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام (۲۶ق) - روز جانباز

۲۶ **بهمن:** ولادت حضرت امام زین‌العابدین علیه السلام (۳۸ق) - روز صحیفه سجاده

۲۹ **بهمن:** قیام مردم تبریز به مناسبت چهل‌مین روز شهادت شهدای قم (۱۳۵۶ش) - روز اقتصاد مقاومتی و کارآفرینی

۴ دی - فرخنده میلاد حضرت عیسی بن مریم علیها السلام

ریشه عمده ستم‌پذیری‌ها و ظلم و جنایات موجود در عالم از این قبیل تصویرسازی‌ها در آیین‌های الهی ریشه دارد.

برای تشخیص حق از باطل از دو راه می‌توان کمک گرفت: الف) تأمل در سیره و رفتار انبیای گذشته الهی که هریک با فرعون‌ها و نمرودها... که سران استکبار آن دوران به حساب می‌آمدند چه برخوردی داشتند؟ با توجه به این نکته مهم که اساس تعلیمات همه انبیا و ادیان وحیانی یکی است، فقط شیوه‌ها و کم و کیف احکام آنها با توجه به شرایط زمانی و مکانی تفاوت داشتند.

براین اساس هرگز در اصول تعالیم آنها تعارضی وجود نداشته است. بنابراین نمی‌توان گفت پیامبری از پیامبران الهی با طاغوت‌های زمان خود به مبارزه و جهاد تا پای جان می‌پرداخت، ولی پیامبری دیگر در مقابل جنایات و ستمگری‌های طاغوت‌های زمان خود به‌طور کلی ساکت بود و با آنها سازش می‌کرد. ب) شیوه دیگر، بررسی آیات مربوط به سیره حضرت عیسی علیه السلام در

یکی از جفاهای بزرگی که بر حضرت عیسی علیه السلام همانند بسیاری دیگر از انبیای الهی شده است، تحریف آیین و رفتار و سیره آن حضرت است. کاش حتی برای لحظاتی، جهانیان فرصت می‌یافتند تا مسیح‌بن مریم را آنچنان که بود می‌شناختند، نه آن‌گونه که ارباب قدرت و شهرت دنیاپرست توصیف می‌کند. از آنجاکه حق‌طلبی و مبارزه با ظلم و ستم و حمایت از مستضعفان با منافع و خواست سلطه‌گران مستکبر هم‌خوانی نداشت، در فرایند تحریف شخصیت و سیره فردی و اجتماعی و آموزه‌های مکتبی او چنان وانمود کردند که آیین حضرت مسیح علیه السلام منحصر در برخی آداب معنوی صرف است، لذا در تمام دوره نبوتش تنها به موعظه و نصیحت مستکبران و تجاوزکاران اکتفا نموده و هیچ‌گونه درگیری با آنها پیدا نکرد. حتی معتقدند اگر کسی به ناحق بر صورت یکی از یاران و پیروان او سیلی می‌زد به جای توصیه به اعتراض و انتقام، از آنها می‌خواست طرف دیگر صورت خویش را پیش آورند... .

می‌کردند» (جوادی آملی، ۱۳۷۳، ج ۷، ص ۵۶۹-۵۷۱). در ادامه آیت‌الله جوادی با اشاره به آیه ۱۴ سوره صف «قَالَ الْخَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ... فَأَيَّدَنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَيَّ عَدُوَّهُمْ...» می‌نویسند: «این آیه نمایانگر آن است که اصل نبرد در جریان دین مسیحیت به‌عنوان یک اصل مسلم بود که خدای سبحان به مؤمنین می‌گوید: ای مؤمنان مانند خواریین دین عیسی باشید. این چنین نیست که مسیحیت در رهابیت خلاصه شده باشد...، لیکن اساس دین مسیح ﷺ همانند دین کلیم و خلیل و... همانا اسلام است که در متن قوانین خود جریان جهاد با طاغیان و ایثار و نثار در این راه و شوق شهادت و مانند آن را به همراه دارد». (همان)

حضرت امام خمینی ﷺ هم در این باره رهنمودهای روشنگرانه‌ای دارند، از جمله در یک مورد می‌فرمایند: «... حضرت عیسی ﷺ که این اشخاصی که تابع او هستند خیال می‌کنند حضرت عیسی ﷺ فقط یک معنویاتی می‌گفته است... اگر می‌خواست مسئله بگوید و مسئله‌گو بود، دیگر چرا دارش می‌کشیدند؟ دیگر چرا اذیتش می‌کردند؟» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰، ص ۱۵۸)

قرآن کریم است. در آیات بسیاری به وقایع دوران زندگی و اوصاف و ویژگی آن حضرت و در آیاتی دیگر به موضوع مبارزه عیسی بن مریم ﷺ با طغیان‌گران بنی‌اسرائیل پرداخته شده است. حضرت آیت‌الله جوادی آملی درباره مبارزه حضرت عیسی ﷺ با طاغیان می‌نویسد: مبارزه حضرت مسیح ﷺ با طغات بنی‌اسرائیل، جزو راه‌هایی است که در طی طریق ولایت رسالت پیموده است.

«فلما أَحَسَّ عِيسَى مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ:

مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ». (آل عمران: ۵۲)

چنین نبود که مسیح فقط به موعظه بسنده کند، بلکه وقتی وی کفر را از بنی‌اسرائیل احساس کرد فرمود: کیست که ما را در این سیر الی‌الله نصرت کند. خدای سبحان می‌فرماید: ما با وحی، خواریون را گفتیم که از عیسی حمایت کنید... سخن خواریون این است: پروردگارا! ما ایمان آوردیم به آنچه که بر پیامبر نازل کردی و از رسالت هم پیروی کردیم، ما را با شاهدان ثبت‌نام کن. (همان: ۵۴)

در ادامه خداوند می‌فرماید: خواریین گفتند: ما پایداریم و این گفتنشان به تأیید ما بود، چون مدت‌ها، ایمان خود را حفظ کرده بودند و به‌دنبال عیسای مسیح حرکت

معرفی کتاب

بشیر صالح (ویژه‌نامه میلاد حضرت مسیح علیه السلام)

پدیدآورنده: محبوبه معلمی
ناشر: مرکز پژوهش‌های اسلامی
صداوسیما

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۰
تعداد صفحات: ۱۰۵

این اثر که با هدف تبیین ابعاد مختلف زندگی حضرت مسیح علیه السلام به نگارش درآمده است، مشتمل بر سه بخش است.

بخش اول: سیمای مسیح علیه السلام

این بخش هشت فصل دارد.

فصل اول: زندگانی مریم علیها السلام، فصل دوم: تولد مسیح علیه السلام، فصل سوم: معجزه‌های حضرت عیسی علیه السلام، فصل چهارم: پندهای حضرت عیسی علیه السلام، فصل پنجم: سخنان حق تعالی به حضرت عیسی علیه السلام، فصل ششم: پاره‌ای از اعتقادات مسیحیان، فصل هفتم: صعود آسمانی و فصل هشتم: حضرت عیسی علیه السلام از نگاه امام خمینی علیه السلام

بخش دوم: برگزیده متون ادب فارسی (اشعار و متون ادبی)

بخش سوم: همراه با برنامه‌سازان، پیشنهادهای کلی و برنامه‌ای، پرسش‌های مردمی، مسابقه‌ای و کارشناسی و معرفی کارشناس.

در جای دیگر می‌فرمایند: «مگر امکان دارد که حضرت مسیح تعلیمش این باشد که ظلم را قبول کن، صورتت را این‌طور بگیری، وقتی می‌زندی، آن طرف را می‌گیری، این تعلیم خدا نیست. این تعلیم مسیح نیست. حضرت مسیح با زور مخالف است.» (همان، ج ۱۱، ص ۱۳۲)

و امام باز در جایی ضمن تبریک عید میلاد حضرت مسیح علیه السلام می‌فرمایند: «عید سعید میلاد مسیح پیامبر عظیم‌الشان که برای طرفداری مظلومان و برقراری عدل و رحمت، مبعوث و با گفتار آسمانی و کردار ملکوتی خود، ظالمان و ستمکاران را محکوم و مظلومان و مستضعفان را پشتیبانی فرمود بر ملت‌های مستضعف جهان و ملت مسیح و مسیحیان هم‌میهن مبارک باد.» (همان، ج ۱۱، ص ۷۸)

منابع

۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۳)، **تفسیر موضوعی قرآن کریم**، قم: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
۲. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸)، **صحیفه نور**، تهران: مرکز تحقیقات اسلامی سپاه و نمایندگی ولی فقیه.

۶ دی - وفات ام البنین علیها السلام، همسر امام علی علیه السلام

و مادر حضرت عباس علیه السلام

فدایی راه امامت، معلم کلاس معرفت، دادرس و پناه درماندگان، کوبنده عظمت پوشالی ستمگران، خدمتکار فرزندان زهرای مرضیه، مادر علم دار نهضت عاشورا، ارادتمند صادق رهبر کربلا و مددکار زینب در پیام‌رسانی خون شهیدان دشت بلاست و...

حضرت ام‌البنین علیها السلام یکی از بانوان تربیت‌شده در مکتب اهل‌بیت علیهم السلام است که به دلیل آراستگی به ارزش‌های انسانی و اسلامی او را ام‌الفضائل نامیده‌اند. وی مظهر مهر و وفا، گوهر دریای عشق، معنی صبر و استقامت، مادر سلطان بصیرت، همسر و پیرو ولایت،

آیت‌الله غروی اصفهانی (کمپانی) در توصیف مصائبش گوید:

چشمه خور از فلک چارمین
آه دل پرده‌نشین حیا
دامنش از لختِ جگر لاله‌زار
مرغ دلش زار چو مرغ هزار
کعبه توحید از آن چارتن
قائمه عرش از ایشان به پای
نغمه داوودی بانوی دهر
ناله و فریاد جهان‌سوز او
مفتقر از ناله بانوی دهر

(دیوان کمپانی، ۱۳۳۸، ص ۱۲۰-۱۲۲)

او در اوصافی چون: وفاداری به اسلام و اهل بیت علیهم السلام، ادب، ادب‌آموزی، ولایت‌دوستی، شجاعت، سخنوری، آراستگی به معرفت و دانایی و... در طول تاریخ، اسوه و سرمشق است.

پس از واقعه عاشورا با بصیرتی که داشت با مدیحه‌سرایی و عزاداری به بیدارگری و پیام‌رسانی مشغول شد. نقل است چون کاروان کربلا به مدینه رسید و طلایح‌دار آن «بشیر» از طرف حضرت سجاد علیه السلام مأمور شد که خبر را به ساکنان مدینه برساند و این مأموریت را در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله با خواندن اشعاری به انجام رساند:

يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مَقَامَ لَكُمْ بِهَا
فَقِيلَ الْحُسَيْنُ عليه السلام فَأَدْمَعِيَ مَدْرَأُ
الْجِسْمُ مِنْهُ بِكَرْبَلَاءَ مُصْرَجٌ
وَالرَّأْسُ مِنْهُ عَلَى الْقَنَاهِ يَدْرَأُ

ای مردم مدینه! دیگر مدینه جای ماندن نیست، حسین علیه السلام کشته شد. پس باید چشم‌ها بر او پیوسته بگیرند. جسم او در کربلا آغشته به خون و سرش بالای نیزه‌ها گردانیده شد. (ابن‌طاووس، ۱۴۱۹، ص ۱۹۸)

مدینه غرق در ماتم و عزا شد... ام‌البنین بی‌درنگ خود را به بشیر رساند و عرضه داشت: بشیر از

حسین علیه السلام بگو... . بشیر عرض کرد: بانو شهادت فرزندان را تسلیت می‌گویم.

بانوی جان‌برکف ولایت گفت: از حسینم چه خبر آوردی، فرزندانم به فدای حسین علیه السلام. (مامقانی، ۱۳۵۰، ج ۲، ص ۱۲۸)

وقتی خبر شهادت امام حسین علیه السلام را شنید، هرگز از سرنوشت چهار فرزند خود از بشیر چیزی نپرسید. اول کاری که کرد بیرق سوگ در عزای فرزندان فاطمه علیه السلام برافراخت و گریه سر داد و باز از او شنیدند که می‌فرمود: همه فرزندانم و آنچه در زیر این آسمان کی بود است، فدای حسین علیه السلام. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵، ص ۴۰۳)

این بانوی پرده‌نشین عفاف و عصمت در بدرقه فرزندان در سفر همراهی با امام حسین علیه السلام صحنه‌های فراموش‌نشده را خلق نمود و در پایان خداحافظی خطاب به عباس و عبدالله و عثمان و جعفر، چهار فرزند دلبنده، به آنها سفارش کرد: پسرانم! عزیزانم! چشم و دل مولایم، حسین علیه السلام و فرمان‌بردار او باشید. (عبدالامیر انصاری، ۱۳۷۵، ص ۲۴)

منابع

۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحارالانوار*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
 ۲. عبدالامیر انصاری، محمدرضا (۱۳۷۵)، *ام البنین نماد از خودگذشتگی*، ترجمه: موسی دانش، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
 ۳. محلاتی، ذبیح‌الله (۱۳۶۸)، *ریاحین الشریعه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۴. ابن طاووس (۱۴۱۹ق)، *اللّهوف علی قتلی الطفوف*، قم: انتشارات معد.
 ۵. کمپانی، محمدحسین (۱۳۳۸)، *دیوان کمپانی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۶. مامقانی، شیخ عبدالله (۱۳۵۰)، *تنقیح المقال فی احوال الرجال*، نجف اشرف: بی‌نا.
- و اینک در جریان رسیدن کاروان کربلا به مدینه ضمن استقبال پرشکوه از آن در کنار پیام‌آوران بزرگ نهضت حسینی علیه السلام؛ یعنی حضرت سجاد علیه السلام و زینب کبری علیه السلام با هدف بیدارگری و پاسداری از آرمان امام حسین علیه السلام در مأموریت بزرگ پیام‌رسانی عاشورا با تمام وجود پا به میدان نهاد و ضمن بهره‌گیری از استعداد فوق‌العاده‌اش در سخنوری و ذوق شعرسرایی از طریق سرودن اشعار حماسی و مدیحه‌مراثی در مجالس یا سر مزار مظلومان بقیع، به افشای جنایات یزید و یزیدیان پرداخت و حقیقت را با برشمردن فضایل و مظلومیت‌های امام حسین علیه السلام و یارانش برملا ساخت.
- «... لو کانَ سَيْفُهُ عَبَّاسَ فِي يَدَيْهِ لَادَنَا مِنْهُ أَحَدٌ؛ ... اگر عباس دست در بدن و شمشیر در کف داشت، چه کسی را یارای نزدیک شدن به او بود». (محلاتی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۲۹۴)

بررسی و تحلیل اشعار و مراثی و مدایح ام‌البنین
فضایل ام‌البنین در شعر شاعران شیوه‌های پیام‌رسانی عاشورایی ام‌البنین
فضایل ام‌البنین در زیارت‌نامه‌ها راز عزاداری‌های ام‌البنین در بقیع جلوه‌های ادب‌آموزی ام‌البنین در حضرت عباس علیه السلام
پاسداشت حریم ولایت و امامت در سیره و رفتار ام‌البنین
مهم‌ترین درس‌های مکتب ام‌البنین برای شرایط کنونی جامعه اسلامی
شناخت ام‌البنین در آینه اوصاف و القاب حضرت عباس علیه السلام
ام‌البنین الگوی مادران و همسران شهدای اسلام
درس‌های ام‌البنین در صحنه بدرقه کاروان امام حسین علیه السلام
به سوی کربلا
فضیلت‌آموزی ام‌البنین در استقبال از کاروان خاندان شهدای کربلا در مدینه
ام‌البنین و تربیت فرزندان شهدای کربلا

محورهای برنامه‌سازی

- خاندان ام‌البنین، مهد پرورش سخنوران و شجاعان
- درس‌های ایثارگری ام‌البنین
- افتخار ام‌البنین بر خدمت‌گزاری به اولاد فاطمه علیها السلام
- باید و نبایدهای شاگردی در مکتب ام‌البنین
- نمونه‌هایی از ادب‌آموزی ام‌البنین به فرزندان
- منزلت ام‌البنین از منظر اهل بیت علیهم السلام
- ام‌البنین به روایت بزرگان تواضع و فروتنی ام‌البنین در برابر خاندان وحی
- نمونه‌هایی از ولایت‌پذیری و ولایت‌دوستی ام‌البنین
- شهامت و شجاعت ام‌البنین
- مقام و منزلت ام‌البنین در سخنوری و شاعری
- عوامل مؤثر در تکوین شخصیت والای ام‌البنین
- سیره و رفتار ام‌البنین پس از عاشورا

شعر**نور چشم**

کسی که چار پسر داشت نور چشم ترش
 به وقت دادن جان یک نفر نمانده برش
 دلش گرفته چرا یک نفر کنارش نیست
 بدون ماه، چه شب‌ها که صبح شد سحرش
 عجب حکایت سختی ست مرگ این مادر
 هنوز مانده به ره، دیدگان پر گهرش
 تمام دل خوشی‌اش چهار صورت قبر است
 چهار صورت زیبا همیشه در نظرش
 اگر چه همره زینب نبود ام بنین
 ولی شنید و شکست از غم حسین کمرش
 نبود تا که ببیند چگونه حمله‌ها
 زدند تیر، به چشم حسینی قمرش
 نبود تا که ببیند چگونه ریخت زمین
 به خاک علقمه ای وای پاره جگرش
 نبود تا که ببیند بدون عباسش
 چه آمده به سر خواهران خون جگرش
 نبود شکر خدا ور نه شام را می‌دید
 نبود صحنه بزم شراب در نظرش
 اگر چه صورت او را کسی کبود ندید
 به وقت دادن جان یک نفر نمانده برش

حواد حیدری**حادر خاکی**

چادر خاکی به سر شیون فراوان می‌کند
 گریه‌های بی‌هوا همچون یتیمان می‌کند
 می‌رود بالای صورت‌های قبر
 اهل شهر را به صرف روضه مهمان می‌کند

کار او گشته حضور و نوحه‌خوانی در بقیع
با همین کارش زیارت را چه آسان می‌کند
آمده از ره بشیر آن قاصد کربُلا
بین بصیرت را فدای حال شیران می‌کند
او نگفت هرگز، بشیر احوال عباسم بگو
او سؤالاتش فدای حال سلطان می‌کند
تا خبر دادند به او از ماجرای دشت طف
هر شب عمرش ببین شام غریبان می‌کند
زینب آورده برایش یادگار از واقعه
یک سپر ام‌البین را جسم بی‌جان می‌کند

علی صمدی

عزیز زهرا

سلام ما به تو ای هاجر چهار ذبیح
درود ما به تو ای مریم چهار مسیح
سپهر نورفروز سه اختر و یک ماه
عجب نه خوانم اگر مادرت به ثارالله
سلام بر تو و ابناء و شوهرت مادر
به عطر دامن عباس پرورت مادر
ادب به قامت زهراییات قیام کند
وفا به غیرت عباس تو سلام کند
سلام زینب کبرا و حضرت سجاد
به خون پاک بنین تو پاک مادر باد
اگرچه با همه گفتی کنیز زهرایی
به چشم آل محمد عزیز زهرایی
تو بعد فاطمه در بیت وحی فاطمه‌ای
تو آسمان ادب را همیشه قائمه‌ای

غلامرضا سازگار

اهل بیت علیهم السلام و بزرگان، ام البنین در خانه علی علیه السلام، ام البنین و عاشورا به سوی ابدیت، کرامت‌های ام البنین و... است.

بخش دوم: دربردارنده تعدادی شعر و متن ادبی در بیان فضایل ام البنین علیها السلام است.

بخش سوم: مشتمل بر پیشنهاد‌های برنامه‌سازی، سؤالات مسابقه‌ای، پرسش‌های کارشناسی و مردمی و... برای کارشناسان و برنامه‌سازان رسانه ملی است.

معرفی کتاب

مادر فضیلت‌ها

پدیدآورنده: علی آقاچانی قناد
ناشر: مرکز پژوهش‌های اسلامی
صداوسیما

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۲

این اثر که با هدف معرفی شخصیت و فضایل حضرت ام البنین علیها السلام به نگارش درآمده است مشتمل بر سه بخش است:

بخش اول: هفت فصل دارد، مشمول موضوعاتی چون: مشخصات ام البنین، مقام ام البنین از نگاه

۷ دی - تشکیل نهضت سوادآموزی به فرمان حضرت امام خمینی (ره) (۱۳۵۸)

علم و علم‌آموزی

درخت تو گر بار دانش بگیرد
به زیر آوری چرخ نیلوفری را

ناصر خسرو

در آموزه‌های اسلامی اعم از آیات و روایات و سیره اولیای الهی به علم‌آموزی و ثمرات و ویژگی‌های بسیار والای آن، تأکید فراوانی شده است. به‌عنوان مثال گفته شده که علم؛ هدف آفرینش جهان، یکی از اهداف بعثت انبیا، وجه ممیزه بشر، یکی از لوازم مدیریت و رهبری، سرچشمه ایمان، تقوا، خداترسی و قدرت و ... است.

هیچ محدودیت جنسیتی، زمانی و مکانی به‌عنوان بهانه‌ای برای ترک تحصیل دانش پذیرفته نیست.

در یک کلام می‌توان گفت از نظر اسلام، تحصیل علم از حقایق زندگی، یک ضرورت مطلق است و هیچ قید و شرطی ندارد، نه قید زمانی، مکانی و فردی و نه هیچ قید و محدودیت دیگری.

از حدیث معروف «اطلبوا العلم ولو بالصین؛ علم را طلب کنید، اگرچه در

چین باشد» (شیخ حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۲۷، ص ۲۷)، درمی‌یابیم که از نظر اسلام، طلب علم، فریضه‌ای است که جا و مکان خاصی ندارد.

همچنین حدیث «أُطْلِبَ الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ؛ ز گهواره تا گور دانش بجوی» (کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۲۶) نشان می‌دهد علم‌آموزی محدودیت زمانی ندارد.

همچنین حدیث بسیار معروف «طَلَبَ الْعِلْمُ فَرِيضَةً عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَمَسْلَمَةٍ؛ علم‌آموزی بر هر مرد و زن مسلمانی واجب است» (ابی‌فراس، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۷۶). احادیث معروف دیگری که هرکدام دلیل و نشانه محکمی است بر اثبات وجوب و ضرورت آموزش و تعلیم و تعلم در اسلام.

براین اساس در روایتی رسول الله ﷺ می‌فرماید: «أَشَدُّ النَّاسِ حَسْرَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ امْتَنَهُ طَلَبُ الْعِلْمِ فِي الدُّنْيَا فَلَمْ يُطَلِّبْهُ وَ رَجُلٌ عَلَّمَ عِلْمًا فَانْتَفَعَ بِهِ مَنْ سَمِعَهُ مِنْهُ دُونَهُ؛ روز قیامت حسرت و پشیمانی کسی بیشتر است که در دنیا برایش

همچنین در روایتی رسول خدا ﷺ فرمود: «بازرزش‌ترین مردم، عالم‌ترین آنها و کم‌ارزش‌ترینشان، کم‌علم‌ترین آنها است». (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۹۵)

منبع

۱. متقی، علی بن حسام‌الدین (۱۴۱۹)، *کنز العمال*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲. ابی‌فراس، وارم (۱۴۱۰)، *تنبيه الخواطر و نزهة النواظر*، قم: مکتبه الفقیه.
۳. کاشانی، فیض (۱۴۰۶)، *الوافی*، اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین علی علیه السلام.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳)، *من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵. عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴)، *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام الاحیاء التراث.
۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، *بحار الانوار*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

امکان طلب علم بود، ولی آن را طلب نکرد و یا علمی را به دیگران آموخت، ولی خود از آن بهره‌ای نبرد و به آن عمل نکرد». (متقی، ۱۴۱۹، ج ۱۰، ص ۱۳۸)

همچنین حضرت علی علیه السلام نقل می‌کند، شنیدم که رسول خدا فرمود: «طلب علم بر هر مسلمانی واجب است. تحصیل دانش کنید از هر کجا که گمان فراگیری در آن باشد و نور دانش را از کسانی که اهلیت آموزش دارند، استفاده کنید که آموختنش برای خدا، حسنه و طلب آن، عبادت و مذاکره و مباحثه آن، تسبیح و عمل به آن، جهاد و آموختنش به مردم نادان، صدقه و بذل کردنش به اهل علم، وسیله نزدیکی به خدای متعال است؛ زیرا با علم است که حلال از حرام شناخته می‌شود و علم علامت راهنمایی به سوی بهشت و همدم انسان در زمان ترس و وحشت و رفیق او در غربت و تنهایی است». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۷۱)

مقداد بن اسود می‌گوید: «شنیدم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: فرشتگان از روی میل و رغبت، بال و پر خود را برای طالب علم فرش می‌کنند تا وی بر آن گام نهد». (همان)

شعر**دانش، مایه توانمندی و دوری از بدی‌ها**

به دانش گرای و بدو شو بلند
ز دانش در بی‌نیازی بجوی
ز نادان بنالد دل سنگ و کوه
توانا بود هر که دانا بود

چو خواهی که از بد نیابی گزند
و گر چند سختیت آید به روی
ازیرا ندارد بر کس شکوه
ز دانش دل پیر برنا بود

فردوسی**علم، میوه جان و مایه فخر آدمی**

گویند عارفان هنر و علم کیمیاست
فرخنده طائری که بدین بال و پر پرد
تو مردمی و دولت مردم فضیلت است
چون معدن است علم و در آن روح کارگر
آن را که دیبه هنر و علم در بر است
جان شاخه‌ایست، میوه آن علم و فضل و رای
اعمی است گر به دیده معنیش بنگری
ز آن گنج شایگان که به کنج قناعت است
سر، بی‌چراغ عقل گرفتار تیرگی است
در آسمان علم، عمل برترین پر است
با دانش است فخر، نه با ثروت و عقار
جان را هر آنکه معرفت آموخت مردم است

وآن مس که گشت همسر این کیمیا طلاست
هم‌دوش مرغ دولت و هم‌عرصه هماست
تنها وظیفه تو همی نیست خواب و خاست
پیوند علم و جان سخن گاه و کهرباست
فرش سرای او چه غم از زآنکه بوریاست
در شاخه‌ای نگر که چه خوش‌رنگ میوه‌هاست
آن کو خطا نمود و ندانست کآن خطاست
مور ضعیف گر چو سلیمان شود رواست
تن بی‌وجود روح، پراکنده چون هباست
در کشور وجود، هنر بهترین غناست
تنها هنر تفاوت انسان و چارباست
دل را هر آنکه نیک نگه داشت پادشاست

بروین اعتصامی**والایی رهاورد دانایی**

بدان کوش تا زود دانا شوی
نه دانای آن کس که والاتر است
نبینی ز شاهان که بر تخت‌گاه
اگرچه بمانند دیر و دراز

چو دانا شوی زود والا شوی
که بالاتر است آن که دانایتر است
ز دانندگان باز جویند راه
به دانا بودشان همیشه نیاز

ابوشکور بلخی

۹ دی - روز بصیرت و میثاق امت با ولایت

امام حسین علیه السلام و عاشورا نبودند و به همین دلیل روز عزای امام حسین علیه السلام را به جشن تبدیل کردند.

می‌توان گفت نهم دی، روز غلبه جنود الهی بر جنود شیطان است. روز خروش ملت ایران و آشکارساختن خشم مقدس در برابر اهانت‌ها و حرمت‌شکنی‌های عده‌ای مزدور وابسته به اجانب نسبت به مقدسات است. روز نهم دی در واقع روز نه گفتن ملت ایران به سران فتنه و آری گفتن به نظام اسلامی و بیعت مجدد مردم با آرمان‌های والای حضرت امام خمینی علیه السلام و رهبر فرزانه انقلاب اسلامی است. مردم در این روز بزرگ، پشت فتنه‌گران را به خاک مالیدند.

روز نهم دی، روزی است که مردم ایران نشان دادند دشمنان خود و انقلاب خود را به‌خوبی می‌شناسند و هرگز فریب حیل‌ها و نیرنگ‌های آنان را نمی‌خورند. نهم دی روزی است که مردم ایران نشان دادند که با بصیرت‌اند و در میان گرد و غباری که فتنه‌گران به‌پا کرده‌اند هرگز، نه راه را گم می‌کنند و نه دست از راهبر واقعی که همانا ولایت فقیه است،

در انقلاب اسلامی ایران، روزهای ماندگار تلخ و شیرین فراوانی چون: ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ پیروزی شکوهمند مردم بر طاغوت، ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ حمله عراق به ایران، سوم خرداد آزادسازی خرمشهر، ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ رحلت بنیان‌گذار جمهوری اسلامی و... وجود داشته است. حماسه نهم دی ۱۳۸۸؛ یعنی حضور عاشورایی مردم حماسه‌ساز و ولایت‌مدار ایران اسلامی، نقطه عطفی در تاریخ انقلاب و برگ زرین دیگری در افتخارات مرد و زن ایرانی محسوب می‌شود.

در فتنه سال ۸۸ تعدادی از خواص مردود که در انتخابات ریاست‌جمهوری شکست خورده بودند، دست به طغیان زده، همه‌چیز و همه‌کس را متهم کردند و حتی حاضر شدند با دشمنان قسم‌خورده نظام، همسو و همراه شوند و مستقیم از بیگانگان خط گرفته و به نسخه‌های آنها عمل کنند و تا حد براندازی نظام پیش رفته و کشور را به اغتشاش بکشانند.

اوج حرکت این افراد در روز عاشورا گویای این حقیقت بود که آنها معتقد به ارزش‌ها و مظاهر اسلامی از جمله

- ۹ دی، میبین کوثر و ابتر بود که گفتند خامنه‌ای کوثر است، دشمن او ابتر است.
 - ۹ دی، عاشورا بود و ایران کربلا.
 - ۹ دی، ثمره خون شهید مطهری‌ها، بهشتی‌ها، آیت‌ها، باکری‌ها، همت‌ها و ... بود.
 - ۹ دی، تاریخ نبود، بلکه خود تاریخ‌ساز بود.
 - ۹ دی، روز بخشش فریب‌خوردگان و روز غضب بر فتنه‌گران توسط امت بود.
 - ۹ دی، آموخت که نیازی نیست همیشه ولیّ، در بین باشد، بلکه کافی است، ولیّ در دل باشد.
 - ۹ دی، نور بصیرت الهی بود در دل‌های امت.
 - ۹ دی، ۹ دی بود و بس.
 - این گونه بود روز نهم دی ماه در تاریخ انقلاب اسلامی با عنوان روز «بصیرت»، تبدیل به یوم‌الله و ماندگار گردید. در این روز ماندگار و تاریخی، ملت همیشه در صحنه ایران اسلامی، حماسه‌ای دیگر آفرید و دشمنان خدا و دینش را مأیوس و ناامید ساخت و قلب امام زمان (عج) و نائب بر حقش حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (دامت برکاته) را شاد کرد.
- منبع**
- <http://nahad.kaums.ac.ir/Default.aspx?PageID=72&NewsID=63>
- برمی‌دارند و در نهایت روز نهم دی، روزی است که مردم مسلمان و انقلابی ایران نشان دادند که به این خواست حضرت امام (ع) که فرمودند: «پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به مملکت‌تان آسیب نرسد» به‌خوبی در عمل پایبند هستند. آری ۹ دی، سوزش خیانت جمل و نهروان را کمی خنک کرد و از تکرار غربت ۲۵ ساله جلوگیری.
 - ۹ دی، ایران، بدون درخواست سفیر حسین، بیعت مجدد کرد و بر سر بیعتش ماند.
 - ۹ دی، ندای هل من ناصر بلند نشد، ولی فریاد لیبیک یا حسین تا آسمان به گوش همه رسید.
 - ۹ دی، زمستان بود، ولی درخت انقلاب در آن سرمای زمستان گل داده بود.
 - ۹ دی، در ایران بود، ولی پایه‌های کاخ سفید در مکان و کاخ سبز معاویه زمان را لرزاند.
 - ۹ دی، مانور اعلام آمادگی یاران آخرالزمان مهدی (عج) بود.
 - ۹ دی، شروع حرکت یک فرهنگ بود؛ یعنی «عزت‌خواهی».
 - ۹ دی، یک روز بود، ولی خیرٌ من الفِ شهر.

بر پایه این سخن، جامعه‌ای که از بصیرت لازم برخوردار باشد، نه تنها حق را می‌بیند و باطل را در چهره‌های گوناگون تشخیص می‌دهد، بلکه عملاً از حق، جانبداری و از پیشوایان حق، اطاعت می‌کنند. چنین جامعه و مردمی، با رهبران الهی، صادقانه رفتار می‌کنند و در عوض، در سختی‌ها و مشکلات، معتمد آنهایند و در دام دشمنان قرار نمی‌گیرند.

مردمی که امام علی علیه السلام بر آنها حکومت می‌کرد به دلیل آنکه بصیرت نداشتند، به‌سادگی در دام دشمن افتادند، آنها نتوانستند چهره روشن و زیبای حق را مشاهده کنند. از این‌رو نه از حق، جانبداری می‌کردند و نه از امام خویش فرمان‌بری داشتند. با امام خود، یکرنگ نبودند و امام نیز نمی‌توانست در بحران‌ها به آنها اعتماد کند. لذا مقام معظم رهبری با هدف تبیین نقش بصیرت در پیشبرد اهداف نظام اسلامی و ضرورت افزایش و تقویت آن در توده‌های مردم جامعه اسلامی می‌فرماید: «ملتی که بصیرت دارد و مجموعه جوانان کشور وقتی بصیرت دارند، آگاهانه حرکت می‌کنند و قدم برمی‌دارند... بصیرت، وقتی بود، غبار آلودگی فتنه نمی‌تواند

نقش بصیرت در جامعه

مردم در جوامع مختلف به اعتبار قدرت نفوذ و تأثیرگذاری بر اندیشه‌ها و رفتار دیگران و همچنین میزان تأثیرپذیری متفاوت‌اند. در هر جامعه‌ای، تعدادی اندک به دلیل موقعیت ویژه‌ای که دارند بر رفتار و ارزش‌های دیگران تأثیر می‌گذارند. این گروه، با نام‌های خواص، نخبگان، برگزیدگان و... شناخته می‌شوند. گروه دیگر که اکثریت جامعه را تشکیل می‌دهند از آنان به‌عنوان توده مردم یاد می‌شود. مرز میان خواص و عوام مردم، همان بصیرت و آگاهی است.

بی‌تردید، یکی از مهم‌ترین رازهای شکست حکومت امام علی علیه السلام، سوءاستفاده دشمنان از بی‌بصیرتی برخی از دوستان ایشان بود. حضرت علی علیه السلام در این‌باره می‌فرماید: «ای کوفیان! من به سه خصلت [که در شما هست] و دو خصلت [که در شما نیست]، گرفتار آمده‌ام؛ گوش دارید، اما کرید، زبان دارید، اما لالید و چشم دارید، اما کورید. [و اما آن دو خصلتی که ندارید:] نه هنگام دیدار، آزادمردانی هستید صادق، و نه به گاه سختی، برادرانی معتمد. (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴، ص ۱۴۲)

به دست در تاریکی‌ها، در پرتو نور (چراغ) به راه درست می‌رود». (ح ۳۶)
امام علی علیه السلام: «هرکس که تفکر و اندیشیدنش عمیق باشد، بصیرتش بهتر می‌شود»، در سخنی دیگر می‌فرماید: «هرکس که بیندیشد، بینا می‌شود» و در روایتی دیگر آمده است: «کسی که اندیشه ندارد، بصیرت ندارد». (ح ۳۸ - ۴۳ و ۴۴)

۲. دانش‌آموختن

رسول خدا صلی الله علیه و آله: «دانش، زندگی‌بخش دل‌ها و روشنی‌بخش دیدگان از کوری، و نیروبخش بدن‌های تواناست». (ح ۵۳)

حضرت علی علیه السلام: «با دانشمندان هم‌نشینی کن تا بصیرت پیدا کنی». (ح ۵۷)

۳. عبرت‌آموختن

حضرت علی علیه السلام: «عبرت‌گرفتن مداوم، به بصیرت می‌انجامد و بازیستادن از خطا و گناه را نتیجه می‌دهد». (ح ۶۳)

آن حضرت در خطبه‌ای از خطبه‌های نماز جمعه خطاب به مردم فرمود: «آیا در آثار گذشتگان، مایه‌های عبرت و بصیرت نیست». (ح ۶۴)

و نیز: «رحمت خدا بر کسی که اندیشید و عبرت گرفت، و عبرت گرفت و بینا شد». (ح ۶۲)

آن را گمراه کند و به اشتباه بیندازد. اگر بصیرت نبود انسان ولو با نیت خوب، گاهی در راه بد قدم می‌گذارد. شما در جبهه جنگ اگر راه را بلد نباشید، اگر نقشه‌خوانی بلد نباشید، اگر قطب‌نما در اختیار نداشته باشید، یک وقت نگاه می‌کنید و می‌فهمید در محاصره دشمن قرار گرفته‌اید، راه را عوضی آمده‌اید، دشمن دارد بر شما مسلط می‌شود؛ این قطب‌نما همان بصیرت است. (بیانات مقام معظم رهبری در جمع مردم چالوس و نوشهر، ۱۳۸۸/۰۷/۱۵)

عوامل رشد بصیرت

در مجموعه سخنان اهل بیت علیهم السلام به مسئله بصیرت‌داشتن و تحصیل آن، عوامل رشد و آثار و موانع آن توجه فراوانی شده است که در ادامه به دلیل اهمیت زیادی که عوامل رشد بصیرت در زندگی هر فردی دارد، به برخی از روایات آن، به طور مختصر اشاره می‌شود. در روایات از موضوعاتی به‌عنوان عوامل رشد بصیرت یاد شده است که از جمله آنهاست:

۱. تفکر و اندیشه

رسول خدا صلی الله علیه و آله: «اندیشیدن، حیات‌بخش دل شخص بابصیرت است، همانگونه که شخص چراغ

علاوه بر آن در روایات معصومان علیهم‌السلام، عوامل افزایش بصیرت آمده است: نصیحت‌پذیری، زهد و پارسایی، اخلاص و نیت پاک، تدبیر قبل از عمل، ترک پرخوری و زمان‌شناسی و... (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۹۰، ص ۱۲-۷۵)

منابع

1. شریف‌الرضی، محمدبن حسین (۱۴۱۴ق)، *نهج‌البلاغه*، تحقیق و تصحیح: صبحی صالح، قم: هجرت.

2. محمدی‌ری‌شهری، محمد (۱۳۹۰)، *فرهنگ‌نامه بصیرت*، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.

3. <https://farsi.khamenei.ir>

محورهای برنامه‌سازی

■ بررسی نقش بصیرت مردم و مسئولان در حفظ سلامتی سیاسی و فرهنگی و... جامعه معرفی فتنه‌های مهم دشمنان در دوره حاکمیت نظام اسلامی درس‌ها و عبرت‌های فتنه‌انگیزی دشمنان در چهار دهه حاکمیت نظام جمهوری اسلامی تجزیه و تحلیل تأثیر برخورداری از بصیرت در زندگی فردی و اجتماعی آحاد جامعه اسلامی تبیین بسترهای عمومی بروز فتنه در جوامع اسلامی

۴. تقوای الهی

حضرت علی علیه‌السلام: «تقوا و پروا از خداوند، داروی درد دل‌های شما و مینا و بصیرکننده کوری قلب شما و شفابخش بیماری بدن‌ها و اصلاح‌کننده تباهی سینه‌ها و پاک‌کننده آلودگی جان‌ها و روشنی‌بخش ضعف چشم‌های شماست». (ح ۶۵)

۵. یاد خداوند

حضرت علی علیه‌السلام: «خداوند تبارک و تعالی، یاد (خدا) را صیقل‌دهنده دل‌ها قرار داده است، گوش‌های سنگین‌شده دل‌ها، با یاد خدا، شنوا می‌شود و چشم‌های (کور و) تار شده دل‌ها به‌وسیله آن بینا می‌گردد. (ح ۷۱) و نیز: «هرکس خدا را یاد کند، بصیرت می‌یابد». (ح ۷۲)

۶. دعا و نیایش

■ امام صادق علیه‌السلام: «بار خدایا! از تو می‌خواهم هدایت از گمراهی را، و بیناشدن از کوری را، و به راه‌آمدن از کجروی را (به من عطا کن)». (ح ۹۰)

■ و روایتی دیگر: «به نام بزرگی‌ات، از تو می‌خواهم که خشنودی‌ات را در هنگام خشم، گشایش را در هنگام رنج (و گرفتاری)، روشنایی را در وقت تاریکی، و بصیرت را در زمان درهم‌شدن امور بر اثر فتنه‌ها (نصییم کنی)». (ح ۸۹)

- شاخص‌های مهم جلوگیری از وقوع فتنه‌ها در آموزه‌های دینی
- بررسی نقش بصیرت رهبران در خنثی‌سازی فتنه‌ها در تاریخ ایران
- معرفی برخی مصادیق زیانبار عدم وجود بصیرت در مقابله با توطئه دشمنان
- موانع رشد بصیرت در آحاد جامعه اسلامی
- معرفی چهره‌های بابصیرت معروف تاریخ اسلام و ایران
- عوامل سکوت یا همراهی برخی جریان‌های داخلی با فتنه‌انگیزان
- مهم‌ترین عوامل نفوذ فتنه‌گران در ارکان سیاسی و اجتماعی جامعه
- نقش تحقق سبک زندگی اسلامی در خنثی‌سازی فتنه‌ها
- اهمیت و ضرورت بصیرت‌افزایی مستمر در جامعه اسلامی
- چگونگی برخورد نهادها و سازمان‌های فرهنگی با رهنمودهای رهبری در عرصه بصیرت‌افزایی
- بررسی نقاط قوت و ضعف آثار تولیدی در زمینه بسط بصیرت‌افزایی (فیلم، کتاب، ویژه‌نامه، برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی و...)
- چگونگی برخورد مدیران در بسط‌سازی برای تحقق اهداف پروژه بصیرت‌افزایی
- شیوه‌های مخالفت عوامل داخلی دشمنان در گسترش بصیرت ابزارهای اصلی دشمنان در پیشگیری از ترویج بصیرت
- دلایل کوتاهی برخی خواص از شرکت در برنامه‌های بصیرت‌گستری
- آسیب‌شناسی برنامه‌های بصیرت‌افزایی مراکز آموزشی
- معرفی مراکز موفق در پیشبرد پروژه بصیرت‌گستری
- علل کوتاهی نهادها و سازمان‌های فرهنگی در به‌کارگیری تجارب حاصل از مقابله با فتنه ۸۸
- بررسی کم‌وکیف همکاری نهادهای علمی و مراکز تحقیقاتی با مسئولان اجرایی در پیشبرد برنامه‌های بصیرت‌افزایی
- علل تساهل و تسامح مسئولان مربوطه با عوامل فتنه‌های گذشته
- نتیجه کوتاهی در تبیین ریشه‌های فتنه‌آفرینی گذشته در به‌وجودآمدن فتنه‌های جدید
- علل کوتاهی در جلوگیری از فعالیت ابزارهای ارتباطی مرتبط با فتنه‌انگیزی دشمنان

- ارزیابی کارآیی شیوه‌های بصیرت‌گستری گذشته و راه‌های ارتقای آنها
- راه‌های تقویت احساس مسئولیت همگانی در پیشبرد پروژه‌های بصیرت‌گستری
- معرفی پرچمداران بصیرت‌افزایی در تاریخ تشیع و دوران انقلاب اسلامی
- افشا و معرفی برنامه‌های فتنه‌انگیز دشمنان برای مردم و کارگزاران نظام اسلامی
- تبیین راهکارهای مقابله با فتنه‌سازی دشمنان علیه کشورهای اسلامی
- راه‌های تشکیل جبهه متحد اسلامی در برابر فتنه‌های سران استکبار جهانی
- شناسایی راه‌های هم‌افزایی همکاری حوزه و دانشگاه در پیشبرد پروژه‌های بصیرت‌افزایی
- شناسایی موانع گسترش بصیرت و راه‌های مقابله با آن
- معرفی نتایج مقابله‌نکردن با فتنه‌های دشمنان در زمان مناسب
- تبیین راه‌های مشارکت جوانان در پروژه بصیرت‌افزایی
- بررسی و تبیین عوامل دلسردسازی مردم در مقابله با عوامل فتنه
- تبیین جدیدترین برنامه‌های دشمنان در جلوگیری از بسط بصیرت‌افزایی
- شیوه‌های مقابله دشمنان با روش‌های بصیرت‌افزایی نهادهای سازمان‌های فرهنگی انقلاب اسلامی
- معرفی موفق‌ترین ابزارها و شخصیت‌ها و شیوه‌ها در مقابله با توطئه دشمنان در عرصه بصیرت‌افزایی
- معرفی برترین محصولات مؤثر در بصیرت‌افزایی اعم از فیلم و کتاب و...
- زیان‌های مصلحت‌اندیش‌های نادرست در شکست یا عدم موفقیت کامل برنامه‌های بصیرت‌گستر ملی
- بررسی نقش منفی عدم هماهنگی برنامه‌های قوای سه‌گانه کشوری در پیشبرد برنامه‌های بصیرت‌افزایی
- معرفی بهترین طرح‌های بصیرت‌افزایی محققان و کارشناسان برای مردم و مسئولین

- بررسی تطبیقی رهنمودهای رهبری در مقابله با فتنه‌های گذشته با توصیه‌های خواص بی‌بصیرت
- تبیین برکات و آثار عملکرد به‌موقع مردم در فتنه‌های گذشته
- شناسایی نقاط ضعف و قوت عملکرد مسئولان در فتنه‌های گذشته با هدف عبرت‌آموزی
- بررسی و تبیین عملکرد دشمنان در استفاده از غفلت‌ها و کوتاهی مردم و مسئولان نظام اسلامی در فتنه‌های سال‌های اخیر
- معرفی شیوه‌های جلوگیری از ایجاد بستر مناسب برای فتنه‌انگیزی دشمنان
- تبیین وظایف مردم در قبال فتنه‌انگیزی دشمنان با توجه به آموزه‌های اسلامی
- چگونگی تعامل متقابل مردم و مسئولین در شرایط فتنه‌انگیزی دشمنان
- شناسایی وظیفه مردم در مقابل خواص بی‌بصیرت در شرایط ایجاد فتنه دشمنان از معارف اسلامی
- معرفی فتنه‌های بزرگ تاریخ اسلام و درس‌ها و عبرت‌هایی که از آنها می‌توان گرفت
- تبیین سیره فردی و اجتماعی اولیای الهی در مقابله با فتنه دشمنان
- معرفی شیوه‌های اولیای الهی در رویارویی با فتنه‌انگیزان
- چگونگی تعامل با جریان‌های سیاسی داخلی در شرایط فتنه‌انگیزی دشمنان
- راه‌های برخورد با تفرقه‌افکنان در شرایط شعله‌ورشدن فتنه‌ها
- حدود تسامح حکومت اسلامی در برخورد با همراهان فتنه‌گران
- معرفی نشانه‌های فتنه‌گران برای مردم و مسئولان
- معرفی عوامل و زمینه‌های پیدایش فتنه‌ها و چگونگی جلوگیری از تحقق آن
- تبیین نقش منافقان در وقوع فتنه‌ها و راهکارهای مقابله با آنها
- تبیین عملکرد رسانه‌های دشمنان در فتنه‌های گذشته و راه‌های مقابله با آن در فتنه‌های آینده
- چگونگی تعامل با شبکه‌های اجتماعی و راهکارهای جلوگیری از مشارکت آنها در برنامه‌های فتنه‌گران

۱۳ دی - ولادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و روز مادر

یا فاطمه الزهراء أغیثینی

می دانم

می دانم رنج‌ها را چگونه باید نوشید

و این درسی است که تو آموزگارم بوده‌ای

یک جرعه از مدام ماتم تو،

گلوی عالمی را گرفته است

این رنج رنج تمامی نسل‌هاست

در وسعت سبز تو

ای آموزگار ظرافت

تو این‌گونه رنج‌ها را تحقیر می‌کنی

علی صفایی حائری

بانوی بانوان عالم آشنا شد. از جمله آن‌هاست: فاطمه، صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، راضیه، مرضیه، محدثه، زهرا، ام‌الائم، ام‌ابیها، ام‌النُجباء... .

فاطمه علیها السلام کوثر الهی

زمانی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دو تن از فرزندان پسر خود؛ یعنی عبدالله و قاسم را از دست داد، دشمنان آن حضرت را شماتت کردند و زخم زبان زدند. از جمله این افراد، عاص بن وائل بود که آن حضرت را ابتر؛ یعنی مقطوع‌النسل خواند.

چنین شماتتی برای رسول خدا صلی الله علیه و آله سخت آزاردهنده بود. از این رو خداوند

خلاصه زندگی حضرت فاطمه علیها السلام

فاطمه زهرا علیها السلام در روز جمعه بیستم جمادی‌الثانی سال دوم بعثت و به نقلی سال پنجم بعثت دیده به جهان گشود و در سال دهم بعثت مادر بزرگوارش را از دست داد و در سال دهم هجری پدر گرامی‌اش از دنیا رفت.

و حضرتش نیز ۷۵ تا ۹۵ روز پس از رحلت پدر، چشم از جهان فروبست. برای حضرت زهرا علیها السلام نام‌ها و کنیه‌هایی ذکر شده است که هر یک به بُعدی از شخصیت آن حضرت اشاره دارد. با بررسی این اسامی و القاب می‌توان با برخی از ویژگی‌های این

فراوانی برای جهان هستی شد تا جایی که اگر فاطمه نبود، ثمره همه زحمات پیامبر بر باد رفته و اکنون نامی از اسلام راستین بر جای نمانده بود. دفاع از حریم ولیّ خدا و حفظ جان او در مقابل هجمه سنگین کوردلان، برملاسازی انحراف امت در اولین لحظات تشکیل نطفه شوم خیانت، معرفی صراط مستقیم محمدی، فاطمی و علوی به تشنگان هدایت تا روز قیامت و اتمام حجت بر جمع کثیری از دین‌داران بی‌بصیرت، همگی رسالتی بود که از عهده هیچ‌کس جز زهرای بتول علیها السلام بر نمی‌آمد. پرورش هادیان دین و حافظان مرزهای ظریف دیانت از یک سو و تبیین کتاب و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و دریافت تأویل بسیاری از آیات و اخبار غیبی الهی و ثبت آن در صحیفه فاطمی از دیگر سو، خیرات و برکاتی است که از هیچ چشمه‌ای جز کوثر الهی فاطمه نخواهد جوشید. آری، فاطمه، همان کوثر الهی است که خداوند به شکرانه عطای آن به رسول خویش، دستور به نماز و قربانی می‌دهد. (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۶ و ۱۰۷)

کلام نور

خداوند ایمان را برای پاکی شما از شرک قرار داد.
نماز را برای پاک‌شدن شما از تکبر واجب کرد.

با نازل کردن سوره کوثر از پیامبرش دلجویی کرده، وی را خشنود ساخت. برای کوثر بالغ بر ۲۵ معنا و مصداق ذکر کرده‌اند که بارزترین آنها وجود مبارک حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است. علامه طباطبایی رحمته الله علیه در المیزان بیان کرده است: با توجه به معنای آخرین آیه این سوره که دشمنان، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را ابتر معرفی می‌کنند، لذا منظور از کوثر، فقط کثرت نسل آن حضرت است.

فخر رازی هم در تفسیر خود تصریح دارد که مراد از کوثر، فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله است، چون این سوره در ردّ کسی نازل شد که به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله طعنه زد و گفت: او بی‌فرزند است. پس معنای کوثر آن است که خداوند نسلی به او عطا کرد که در گذر زمان باقی می‌مانند. از این رو روزی که فاطمه علیها السلام چشم به جهان گشود، دشمن پیامبر ابتر و ناامید شد.

فاطمه علیها السلام کوثر نام گرفت. خیر کثیری که خدا به پیامبرش عطا فرمود و بدین وسیله نه فقط نسل و ذریه پاک‌ترین بندگان خدا را در زمین گسترش داد، بلکه وجود عرشی آن بانوی پاکیزه، منشأ خیرات و برکات

امر به معروف را به منظور اصلاح جامعه مقرر فرمود.

نیکی به پدر و مادر را جهت در امان ماندن از عذاب و خشم الهی واجب ساخت.

شراب خواری را به خاطر پاکی از زشتی‌ها ممنوع کرد. (طبرسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۹۹)

منابع

۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۴)، **فاطمه (علیها السلام) اسوه بشر**، تحقیق و تنظیم: حجت‌الاسلام مهدی آقایی، قم: مرکز نشر اسراء.
۲. طبرسی، ابی‌منصور احمد بن علی بن ابی‌طالب (بی‌تا)، **الاحتجاج**، لبنان: مؤسسه اعلمی و اهل‌البیت.

در سرای آب و گل پرورده است
کو مرا با خون دل پرورده است

رهی معیری

آرام دل و قرار جانم
بر دست تو بوسه می‌فشانم
محبوب منی پس از خداوند
ای داده به راه من جوانی

زکات را برای تزکیه نفس و افزایش روزی شما لازم دانست.

روزه را برای استحکام و استواربخشی به اخلاص وضع کرد.
حج را برای هرچه استحکام‌یابی دین قرار داده است.

عدل و دادگری را برای امنیت و آرامش دل‌ها مقرر ساخت.

پیروی از اهل‌بیت (علیهم‌السلام) را برای تحقق نظام جامعه لازم شمرد.

امامت حضرات معصومین (علیهم‌السلام) را برای در امان ماندن از تفرقه و اختلاف‌ها قرار داده است.

جهاد در راه خداوند را برای حفظ و صیانت مسلمین و عزت اسلام لازم نموده است.

صبر و شکیبایی بر سختی‌ها و ناملایمات را برای استحقاق پاداش بندگان قرار داد.

شعر

مهربان مادر

مهربان مادر چو شاخ گل مرا
می‌فشانم خون دل در پای او

تکیه‌گاه

ای مادر خوب و مهربانم
شکرانه آن همه محبت
ای مظهر عشق و مهر و لبخند
چون روح بهار سبز مانی

آینه آفتاب انثار

سرچشمه آب زندگانی

گلبنگ فرشتگان صدایت
ای در همه عمر تکیه‌گاهم
شد مهر تو چلچراغ راهم
خورشید نشسته در نگاهت

ای باغ بهشت زیر پایت
ای شور و نشاط هر پگاهم
ای چشم و چراغ جان روشن
تا جلوه کند به بارگاهت

محمد رضا سهرابی نژاد

شرمنده که امروز به یادت کمتر
مظلوم‌ترین عاشق دنیا!... مادر!...

میلاد عرفان پور

مظلوم‌ترین عاشق دنیا

ای دل‌نگران! که چشم‌هایت بر در
جزرنج چه بود سهمت از این همه عشق؟!...

محورهای برنامه‌سازی مناسب روز زن و روز مادر

- بررسی تأثیر تقویت وفاداری زنان در استحکام خانواده
- بررسی شیوه‌های همسررداری در سیره فاطمی و علوی
- بررسی شیوه‌های نظام‌مندی حقوق زن در اسلام
- بررسی فرهنگ‌سازی و ترویج رعایت حقوق زن در خانواده
- بررسی بایسته‌های زنان و خانواده در مهندسی فرهنگی
- نقش تعداد فرزندان با سلامت روانی مادران
- بررسی معیار الگوی زن مسلمان ایرانی
- بررسی تطبیقی جایگاه مادر در فرهنگ جاهلی و اسلامی
- بررسی ویژگی‌های مادر شایسته از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی
- بررسی نقش مادران در بهداشت روانی اجتماعی
- بررسی نقش مادران در پیشرفت تحصیلی کودکان
- بررسی نقش مادران در سعادت جامعه از دیدگاه امام خمینی علیه السلام
- بررسی نقش تربیتی زنان و مادران در تربیت یاران حضرت مهدی علیه السلام

- جایگاه مادر از منظر قرآن و حدیث
- شناخت زن از دیدگاه اسلام و تقابل آن با مکاتب غربی
- ضرورت توجه به تفاوت تربیت دختران و پسران به‌عنوان زنان و مردان آینده در تعلیم و تربیت اسلامی
- بررسی نقد مؤلفه‌های شناخت زن در روان‌شناسی غرب از نگاه اسلامی
- بررسی مقام مادر در فرهنگ اسلام
- تبیین اکرام به والدین از دیدگاه قرآن
- قرآن و نقش مادران در تربیت نسل جوان
- قرآن و نقش تربیتی مادر در خانواده
- بررسی نقش زن در خانواده از منظر قرآن
- بررسی آموزه‌های اسلام درباره شخصیت زن
- بررسی جایگاه حقوقی زن در نهج‌البلاغه
- بررسی حقوق و نقش زنان در جامعه از منظر امام خمینی علیه‌السلام
- بررسی نقش زنان به‌عنوان مدیران خانواده‌ها (مدیریت مصرف در خانه)
- بررسی نقش زنان در رعایت الگوی مصرف
- بررسی پیامدهای اشتغال زنان در جامعه
- تبیین نقش زن در سامان‌دهی اقتصاد خانواده
- بررسی وظایف اقتصادی زن در اجتماع
- نقش زن در ساماندهی و مدیریت اقتصاد خانواده
- واکاوی نقش زن خانه‌دار در جهاد اقتصادی
- نگاه ادیان آسمانی و دین اسلام به جایگاه مادر

معرفی کتاب

یاس بهشتی (بسته مناسبتی ویژه
حضرت فاطمه علیها السلام)

تنظیم و تدوین: دفتر پژوهش‌های
کاربردی - گروه تاریخ و مناسبت‌ها
تهیه‌کننده و ناشر: مرکز پژوهش و
سنجش افکار، اداره کل پژوهش‌های
اسلامی رسانه

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۴

معرفی اثر: این کتاب با محوریت
زندگی حضرت فاطمه علیها السلام در ۱۹۹
صفحه و شش بخش به شرح زیر
تدوین شده است.

بخش اول: شخصیت‌شناسی؛ در
این فصل، مباحثی ذیل شش فصل
آمده است.

فصل اول: زندگینامه، فصل دوم:
القاب، فصل سوم: ویژگی‌ها، فصل
چهارم: ازدواج، فصل پنجم: شهادت و
فصل ششم: از دید دیگران.

بخش دوم: سیره‌شناسی؛ در این
فصل با هدف اشاره به سیره حضرت
زهرا علیها السلام در طی هفت فصل مباحثی به
این شرح آمده است.

فصل اول: الگوی زنان، فصل
دوم: سیره فردی، فصل سوم: سیره

عبادی، فصل چهارم: سیره خانوادگی،
فصل پنجم: سیره تربیتی، فصل
ششم: سیره اجتماعی و فصل هفتم:
سیره سیاسی.

بخش سوم: اندیشه‌شناسی؛ در
این بخش مباحثی چون: خداشناسی،
ضرورت نشر و ترویج معارف توحیدی،
گلوآژه‌های نیایش، دوست‌داشتنی‌های
دنیا، اهتمام به احادیث نبوی، فلسفه
احکام، صفات شیعیان و... به چشم
می‌خورد.

بخش چهارم: متون ادبی؛ مطالبی
تحت عناوین: شعر، متن ادبی، حکایت
و زیرنویس در این بخش آمده است.
بخش پنجم: ایده‌ها و موضوعات
برنامه‌سازی (مناسب برای گروه‌های
خانواده، جوان، کودک و نوجوان،
مخاطبان عام و خاص، اقتصادی،
سیاسی و معارف).

بخش ششم: منبع‌شناسی در
موضوع حضرت فاطمه علیها السلام؛ در این
بخش حدود چهل اثر در زمینه زندگی
و سیره و فعالیت‌های حضرت
فاطمه علیها السلام معرفی شده است.

۱۶ دی - روز شهدای دانشجو

آن، به سود بشریت است و این، یکی از زیباترین ارزش‌های انسانی است. و آنگاه که آرمان مطلوب او الهی و آرزوی همه پیامبران خدا است، این ارزش، در صدر همه نیکی‌های بشری قرار می‌گیرد و در هیچ ترازوی مادی نمی‌گنجد. پذیرش این تفکر، همان عامل خیره‌کننده‌ای است که به مجاهدان راه حقیقت، نیرویی برای باطل‌ساختن همه محاسبات جبهه خصم می‌بخشد و چنان‌که به تجربه دانسته شده است، دشمن حقیقت را دچار بن‌بست و عجز و حیرت می‌سازد.

هنگامی‌که به نام دانشجوی شهید می‌رسیم، این یقین در ما پدید می‌آید که پذیرش شهادت و اقدام به جهادی که بدان منتهی شده، از سر خودآگاهی و با اراده روشن‌بینانه بوده است، و این ارزش عمل را مضاعف می‌کند. بدین دلیل است که دانشجویان شهید که در شمار سرآمدان ایمان و ایثار آگاهانه بوده‌اند، ستارگان همیشه درخشانی هستند که هر جویای حقیقت می‌تواند راه خویش را با آنان بیابد.

شانزدهم دی، سالروز شکل‌گیری حماسه خونین هویزه به‌دست دانشجویان پیرو خط رهبری و به فرماندهی دانشجوی شهید، سیدحسین علم‌الهدی است. این دانشجویان رزمنده در سال ۱۳۵۹، عملیاتی را در هویزه و سوسنگرد آغاز کردند و پیروزی‌های مهمی به‌دست آوردند. نیروهای اسلام با وجود اینکه تجهیزات نظامی در اختیار نداشتند، تا آخرین قطره خون به دفاع از سرزمین ایران اسلامی پرداختند، مظلومانه به شهادت رسیدند و حماسه هویزه را آفریدند. به پاس تجلیل از رشادت‌های دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، به‌ویژه شهید علم‌الهدی، شانزدهم دی، روز «شهدای دانشجو» نام گرفت.

پیام حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی به کنگره شهدای دانشجو:

بسم الله الرحمن الرحيم

شهادت بدین معنا است که یک انسان، برترین و محبوب‌ترین سرمایه دنیوی خویش را نثار آرمانی سازد که معتقد است زنده‌ماندن و بارورشدن

شهید علم‌الهدی از ولادت تا شهادت

نام پدر: سیدمرتضی، محل ولادت: اهواز، سال ولادت: ۱۳۳۷/۷/۸، محل شهادت: اهواز (هویزه)، تاریخ شهادت: ۱۳۵۹/۱۰/۱۶، مزار: خوزستان - هویزه (گلزار شهدای هویزه)

اشاره

در سال ۱۳۳۷ در خانواده مجاهد بزرگ، آیت‌الله سیدمرتضی علم‌الهدی در اهواز دیده به جهان گشود. از شش سالگی به فراگیری قرآن پرداخت. بسیار اهل مطالعه بود. در دبیرستان با تشکیل انجمن اسلامی و سخنرانی، فعالیت‌های خود را آغاز نمود. در سال ۱۳۵۶ در رشته تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد تحصیل خود را ادامه داد. وی از مبارزان دوران ستم‌شاهی بود و در شهرهای مشهد، کرمان و اهواز فعالیت سیاسی انجام می‌داد و در سنین ۱۴ تا ۲۱ سالگی چندبار توسط رژیم ستم‌شاهی، زندانی و شکنجه شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، عضو اولین شورای تشکیل‌دهنده سپاه پاسداران در خوزستان بود. قبل از شروع جنگ، وقت خویش را صرف امور فرهنگی می‌نمود. از اوایل جنگ

امروز دشمنان کمین‌گرفته نظام اسلامی ما با شیوه‌های گوناگون برآنند که رونق جهاد و شهادت را در چشم مردم ما به‌خصوص جوانان و به‌ویژه دانشجویان بشکنند، و این برای کسانی که عادت کرده‌اند با راحت‌طلبی و تغذیه از ذخیره شرف و شجاعت و غیرت مجاهدان سرافراز، زندگی را بگذرانند بسی مطبوع و دلنشین است، پس آنان نیز دانسته یا نادانسته به این خط‌مشی خصمانه کمک می‌کنند. توصیه اینجانب به شما دانشجویان عزیز و همه جوانان عزیز این کشور آن است که این عامل قدرت ملی و شاخص ایمان خالصانه را از دست ندهید و آن را بزرگ بشمارید. شهیدان سرافراز خود را تجلیل و تقدیس کنید، آخرین وصایای آنان را که غالباً رشحاتی از فیض و هدایت الهی است با چشم تدبیر بخوانید. ابزار قدرت خود را از دست ندهید، آن را به‌کار بیندازید و به کمک و حمایت الهی امیدوار باشید.

والسلام علیکم ورحمه الله

سیدعلی خامنه‌ای

۱۳۸۱/۱۰/۱۵

بزرگ اشاعه فساد نمود و با دعوت از افراد مفسد و بی‌بندوبار کشورهای دیگر در قالب سیرک‌های سرگرم‌کننده سعی کرد جوانان را از تفکر و تلاش برای آبادانی ایران و نجات خویش از ظلم ستمگران بازدارد و اندیشه آنان را منحرف سازد. در آن زمان که سیدحسین نوجوانی چهارده ساله بود، یکی از این سیرک‌ها در اهواز برپا شد و او که پی به عمق این فاجعه برده بود، تصمیم گرفت مانع از تحقق اهداف رژیم شود و جامعه را از این خطر بزرگ نجات بخشد. بدین ترتیب پس از بررسی‌های دقیق، حسین و دوستانش در ساعتی که سیرک تعطیل بود، آنجا را به آتش کشیدند. عمل متهورانه نابودی سیرک با موفقیت انجام شد و عوامل آن به کشورهایشان بازگشتند. این اولین مبارزه علنی حسین با رژیم طاغوت بود.

دشت سرخ

از آغاز مرحله دوم عملیات، مدتی می‌گذشت و بیشتر یاران حسین پرواز کرده، حالا فقط او، قدوسی و حکیم مانده بودند با شش موشک. تانک‌ها هر لحظه نزدیک‌تر می‌شدند و دیوانه‌وار شلیک می‌کردند. تعداد سنگرها زیاد بود. عراقی‌ها

در اهواز مستقر بود و سازماندهی بسیجیان اعزامی از سراسر کشور به جبهه‌های نبرد را به عهده داشت. پس از گذشت دو ماه از جنگ، نقطه حساس مرزی؛ یعنی هویزه را برای خود انتخاب کرد و برای تشکیل سپاه پاسداران و سازماندهی عشایر عازم این منطقه شد.

او و جمعی از دانشجویان، پیرو خط امام در حماسه هویزه (۱۶ دی ۱۳۵۹) به دریای تانک‌های دشمن که آنها را محاصره کرده بودند حمله‌ور شدند. حسین پس از شهادت هم‌زمانش با فریاد الله اکبر، آخرین گلوله‌های باقی‌مانده آرپی‌جی را به سوی دشمن شلیک نمود و چند تانک مهاجم را منهدم کرد، اما با تمام‌شدن مهمات و تنگ‌تر شدن حلقه محاصره، چون مولایش امام حسین (علیه السلام) به شهادت رسید و جان‌به‌جان آفرین تسلیم نمود.

سه حکایت درباره شهید سیدحسین علم‌الهدی اولین گام

حدود سال ۱۳۵۱ بود که رژیم طاغوت با هدف به ابتذال‌کشاندن جامعه، اقدام به تشکیل یک مرکز

او شلیک کرد. پیکر او به آسمان رفت و روحش را به آسمانیان تقدیم کرد. وقتی به زمین بازگشت، چفیه، صورت گلگون او را پوشانده بود. سکوت، هویزه را فراگرفت و شب به پابوسی دلیرمردان دشت سرخ آمد.

زیباترین لبخندها

صدای آشنای برادر آهنگران حال‌وهوای خاصی به مسجد جزایری بخشیده بود. سیدحسین در کنار جولا نشسته بود و سینه می‌زد، اما فکرش در جای دیگری بود، «چند روز است که از آنها بی‌خبرم؟ نباید بگذارم این جنگ مرا از آنان غافل کند و بینمان فاصله بیندازد. آنها منتظرند.» از جا برخاست و به جولا اشاره کرد تا با او همراه شود. از مسجد که خارج شدند و به سمت اتومبیل حرکت کردند، حسین گفت: «می‌رویم حصیرآباد.» جولا نگاهی به او انداخت اما چیزی نگفت. به مغازه کبابی که رسیدند حسین از جولا خواست تا ماشین را نگه دارد و او خندید و گفت: «ما را باش که فکر می‌کردیم چه نقشه‌ای کشیده‌ای، نمی‌دانستیم که برای شکمت برنامه داری.» وارد کبابی شدند و حسین ده پرس کباب سفارش داد. کباب‌ها که حاضر شدند هر دو به راه افتادند. ذهن جولا سرشار از

نمی‌دانستند آنها چند نفرند و در کدام سنگر موضع گرفته‌اند. دو تانک همزمان جلو آمدند، حسین با نگاه به قدوسی اشاره کرد که همراه با او شلیک کند و صبر کرد تا تانک‌ها نزدیک‌تر بیایند. کلاhek تانک را نشانه گرفت و ماشه را چکاند، اما صدایی از سنگر قدوسی نیامد. پیکر او در انبوهی از دود و غبار گم شده بود. حسین چفیه را به صورت نورانی قدوسی کشید، فقط موشک او را برداشت و به سنگر خود بازگشت. از دور حکیم را دید که موشک‌انداز و دو موشکی را که برایش مانده بود، برداشته، از سنگر بیرون رفت. این‌بار تانک‌ها شدت آتش را بیشتر کردند، اما هنوز نمی‌دانستند چند نفر دفاع از سنگرها را بر عهده دارند؛ چون آنها هربار از یک سنگر شلیک می‌کردند. لوله تانک، کمینگاه حکیم را نشانه گرفت و موج انفجار، او را به هوا پرتاب کرد. حالا فقط حسین مانده بود و تانک‌هایی که هر لحظه پیش می‌آمدند. آخرین موشک را در موشک‌انداز گذاشت و همان تانکی که حکیم را به شهادت رسانده بود، و از همه پیش‌تر می‌آمد، نشانه گرفت. آتش دود از تانک بلند شد. اما تانک بعدی متوجه حسین گشته و به سمت

۲. **سه روایت از یک مرد**
 نویسنده: محمدرضا بایرامی
 تعداد صفحات: ۱۷۸
 ناشر: شاهد
 در این کتاب داستان سه خاطره و حادثه مهم از زندگی شهید علم‌الهدی با قلم شیوا آمده است.
 فریاد و سکوت
 تنظیم: سیدحمید علم‌الهدی
 تعداد صفحات: ۱۰۴
 ناشر: هویزه مؤسسه فرهنگی شهید علم‌الهدی و شهدای هویزه
 در این کتاب، چهار نامه و شش دست‌نوشته از شهید سیدحسین علم‌الهدی ملاحظه می‌گردد. سه فصل کتاب شامل متن تایپ‌شده، توضیحات و تصویر اصل نوشته‌ها می‌باشد.

۳. **سفر سرخ**
 نویسنده: نصرت‌الله محمودزاده
 تعداد صفحات: ۳۸۸
 ناشر: سازمان بسیج دانشجویی
 این کتاب، داستان مستند از زندگی سیدحسین علم‌الهدی می‌باشد. این اثر در پنجمین دوره انتخاب بهترین کتاب دفاع مقدس در رشته زندگینامه داستانی، رتبه دوم کشوری را کسب نموده است.

منبع

www.alamalhoda.com

پرسش و تعجب بود. به کوچه‌های رنج‌کشیده حصیرآباد رسیدند. کوچه‌هایی که مردمانش از مدت‌ها قبل طعم محرومیت و فقر را چشیده بودند. حسین از اتومبیل پیاده شد و به سمت خانه‌ای حرکت کرد. در زد، در باز شد و پسر بچه‌ای سرش را بیرون آورد. از لبخندی که چهره مغمومش را روشن ساخت، معلوم بود حسین را می‌شناسد. (سید) بوسه‌ای بر پیشانی‌اش زد و بسته غذا را به او داد. جولا که پاسخ تمام سؤال‌هایش را در لبخند زیبای پسرک یافته بود قطرات اشک را از چهره‌اش پاک کرد و اندیشید لبخند شیرین کسانی که در خانه خود را به روی حسین می‌گشایند، چقدر به زندگی انسان معنا می‌بخشد.

معرفی کتاب

۱. لحظه‌های آشنا

نویسنده: سیدحمید علم‌الهدی
 تعداد صفحات: ۹۶
 ناشر: هویزه مؤسسه فرهنگی شهید علم‌الهدی و شهدای هویزه
 در این کتاب بیش از صد خاطره کوتاه و شنیدنی از زندگانی سراسر آموزنده شهید سیدحسین علم‌الهدی آمده است.

۱۷ دی - اعلام منع حجاب از طرف رضاخان

حکومت رسانده بودند مأموریت داشت تا آن را به اجرا درآورد.

در فاصله سال‌های ۱۳۱۳ - ۱۳۱۴، اقدامات تبلیغاتی فراوانی به‌منظور آماده‌ساختن افکار عمومی برای منع حجاب انجام گرفت. جشن‌ها و مجالس سخنرانی متعددی در این زمینه در تهران و دیگر شهرها برپا شد. کانون بانوان در اردیبهشت ۱۳۱۴ تحت نظارت وزارت معارف و به ریاست شمس پهلوی تأسیس شد. این کانون موظف بود که مجالس مختلف سخنرانی برگزار و از اشخاص معروف دعوت کند تا برای حضار راجع به مقام زن و مرد سخنرانی کنند. در تعقیب این سیاست به وزارت معارف دستور داده شد که در مدارس کشور، مجالس جشن و سرور و خطابه با روی باز و بدون حجاب برگزار شود و نیز تصمیم گرفته شد مدارس ابتدایی تا سال چهارم به‌صورت مختلط توسط زنان اداره گردد. در نشریات نیز مقالاتی در انتقاد از حجاب به چاپ رسید. (صفایی، ۱۳۶۵، ص ۱۰۲)

فرمان منع حجاب به‌صورت رسمی در ۱۷ دی ۱۳۱۴ صادر شد. در این روز،

حجاب، یکی از مسائل مهمی است که در دین اسلام بر آن تأکید زیادی شده است. «حجاب» در لغت به‌معنای پرده، حاجب، پوشیدن و... است. این واژه، تنها به‌معنای پوشش ظاهری یا پوشاندن زن نیست و در اصل به مفهوم درمان‌ماندن زن از دید مرد بیگانه است. پوشش اسلامی بانوان، دارای دو بُعد ایجابی و سلبی است. بُعد ایجابی آن، وجوب پوشش بدن و بُعد سلبی آن، حرام‌بودن خودنمایی به نامحرم است. درباره وجوب پوشش زن در هیچ‌یک از مذاهب اسلامی تردیدی نیست. همه فقها و علمای صلاحیت‌دار؛ یعنی آشنا به نصوص دینی بر لزوم پوشیده‌بودن بدن از نگاه نامحرم اتفاق نظر دارند و آن یک حکم ابدی و همیشگی است. با این همه رضاخان پهلوی به درخواست اربابانش به مخالفت با آن پرداخت و در ۱۷ دی ۱۳۱۴ فرمانی مبنی بر ممنوعیت حجاب را صادر کرد.

واقعه «منع حجاب» در ایران ازجمله سیاست‌های استعمارگران بود که رضاخان از طرف کسانی که او را به

محمدرضا پهلوی در این باره می‌گوید: «پدرم دستور منع حجاب را صادر کرد. به موجب این دستور هیچ زن یا دوشیزه‌ای حق پوشیدن چادر و نقاب را نداشت و اگر زنی با روبنده و چادر پیدا می‌شد، پاسبان از وی تقاضا می‌کرد که روبند خود را بردارد و اگر امتناع می‌کرد، جبراً چادر او را برمی‌داشتند و تا زمانی که پدرم سلطنت می‌کرد در سراسر کشور این منع برقرار بود». (پهلوی، ۱۳۴۷، ص ۳۱۶)

قانون منع حجاب در مرحله اجرا با مقاومت‌هایی روبه‌رو شد و قیام خونین مسجد گوهرشاد در تیر ۱۳۱۴ از نمونه‌های آن است.

آیت‌الله قمی، آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری، آیت‌الله سید یونس اردبیلی، آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری، آیت‌الله حجت کوه‌کمره‌ای و آیت‌الله میرزا محمد آقازاده از جمله مراجع و علمای سرشناس آن زمان بودند که به اقدامات رضاخان در ترویج بی‌حجابی به شدت اعتراض کردند. بسیاری از علما و روحانیون نیز به‌خاطر اعتراض به کشف حجاب تبعید شدند. (<https://www.isna.ir/news/8710-09709>)

جشنی از طرف علی‌اصغر حکمت که خود، نقش فعال و مؤثری در این ماجرا داشت، در دانش‌سرای مقدماتی و در حضور رضاشاه برپا شد. در این جشن، همسر و دختران شاه و جمعی از همسران وزیران و وکیلان بدون حجاب شرکت داشتند. شاه طی نطقی، همه زنان را به عدم استفاده از حجاب تشویق نمود و اعلام کرد تاکنون نیمی از جمعیت کشور به حساب نمی‌آمدند؛ زیرا پشت پرده به سر می‌بردند و ادامه داد که نجابت و عفت زن به چادر مربوط نیست و زن روحاً و اخلاقاً می‌بایست عقیف باشد. (مکی، ۱۳۶۳، ص ۲۶۳-۲۵۸)

از این تاریخ به بعد، استفاده از چادر یا هر سرپوشی، به جز کلاه‌های اروپایی، ممنوع اعلام شد. زنان محجبه حق ورود به خیابان‌ها یا استفاده از وسایل نقلیه را نداشتند. کسبه نیز مجاز به فروش اجناس به زنان باحجاب نبودند. آنهایی که جرئت می‌کردند در مقابل این بی‌قانونی خشونت‌بار ایستادگی کنند، با حمله و بی‌حرمتی مأموران شهربانی مواجه می‌شدند. (کاتوزیان، ۱۳۶۶، ص ۱۷۶)

مخالفت امام خمینی علیه السلام با کشف حجاب

امام علیه السلام که یکی از مخالفان سرسخت رضاخان بودند و بسیاری از جنایات آن دوران را عیناً مشاهده کرده بودند، در یکی از سخنرانی‌هایشان چنین فرمودند: «من یادم است که اینها در زمان رضاخان به اسم اتحاد شکل، به اسم کشف حجاب، چه کارها کردند، چه پرده‌ها دریدند از این مملکت، چه زورگویی‌ها کردند و بچه‌ها ساقط شدند در اثر حمله‌هایی که اینها می‌کردند به زن‌ها که چادر را از سرشان بکشند». (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۰، ص ۴۸۹-۴۹۰)

در سخنرانی دیگری فرمودند: «قضیه کشف حجاب، قضیه‌ای نبود که اینها بخواهند برای خانم‌ها خدمت بکنند، اینها می‌خواستند که این طبقه [را] هم با زور و با فشار نابود کنند. آن مآثری که اینها دارند، آن خدمت‌هایی که این قشر می‌توانند به ملت بکنند، آن خدمت‌های ارزنده‌ای که بانوان ما عهده‌دار آن هستند، از دستشان گرفته بشود و نگذارند اینها آن خدمت اصلی که باید بکنند و آن تربیت بچه‌ها، که بعدها مقدرات مملکت به‌دست آنهاست، اینها نگذارند که این خدمت انجام بگیرد؛ مبدا بچه‌ها

این وضعیت اختناق که در ایران پدید آمده بود، امام خمینی علیه السلام (که در آن زمان در سنین جوانی بود) و دیگر علمای حوزه علمیه را به خروش آورد و باعث شد تا مخالفت خود را با کشف حجاب اعلام کنند. از این رو فضلالی حوزه و در رأس آنها، امام علیه السلام که به حاج آقا روح‌الله خمینی معروف بود به رئیس حوزه علمیه، مرحوم آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم یزدی گفتند: «در هر صورت چاره‌ای جز این نیست که طی یک تلگراف رسمی به این قضیه (کشف حجاب) اعتراض شود، برای اینکه حجاب از ضروریات دین اسلام است و ما باید از آن دفاع کنیم. اگر هم این طاغوت قبول نکرد که لغو کند، لاقلاً رفع تکلیف از حوزه و مرجعیت شیعه می‌شود و این اعتراض در تاریخ می‌ماند.» آیت‌الله حائری یزدی، تلگراف مختصری با این مضمون خطاب به رضاشاه نوشت که: «حجاب از مسلمانات دین اسلام است و کشف آن برای زنان نباید اجباری و الزامی باشد و ...» که با پاسخ اهانت‌آمیز محمدعلی فروغی نخست‌وزیر وقت و واکنش تند رضاخان روبه‌رو گردید. (رجبی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۶۳)

شد و از نظر فرهنگی و دینی، مردم را به سمت حجاب تشویق کرد. (بوذرجمهری، ۱۳۸۴، ص ۱۴-۱۵)

منابع

۱. بوذرجمهری، مهستی (۱۳۸۴)، **کشف حجاب**، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
۲. پهلوی، محمدرضا (۱۳۴۷)، **مأموریت برای وطنم**، تهران: ارتش.
۳. خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵)، **صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴. رجبی، محمدحسن (۱۳۷۷)، **زندگینامه سیاسی امام خمینی**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۵. زیبایی‌نژاد، محمدرضا و سبحانی، محمدتقی (۱۳۷۹)، **درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام**، تهران: انتشارات دار الثقلین.
۶. صفایی، ابراهیم (۱۳۶۵)، **رضاشاه در آینه خاطرات**، تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر.
۷. علم، امیر اسدالله (۱۳۸۰)، **یادداشت‌های امیر اسدالله علم**، تهران: انتشارات ماز یار.

در دامن اینها تقوا پیدا بکنند؛ در دامن اینها تربیت اسلامی بشوند؛ تربیت ملی بشوند». (همان، ج ۱، ص ۳۳۱-۳۳۲)

لغو قانون کشف حجاب

پس از روی کار آمدن محمدرضا پهلوی در سال ۱۳۲۰، گروهی از زنان که از فشار حکومت پدرش سخت به ستوه آمده بودند، در مخالفت با کشف حجاب، در معابر عمومی با چادر ظاهر شدند و مأموران حکومتی هم علی‌رغم وجود قانون کشف حجاب، چندان‌که باید با آنان مقابله نمی‌کردند. در مهرماه همان سال، سید ابوالقاسم کاشانی طی نامه‌ای به نخست‌وزیر وقت، خواهان کم‌کردن فشار بر زنان محجبه شد. در سال ۱۳۲۳ نیز سیدحسین طباطبایی قمی از مراجع وقت، نامه‌ای به شاه جدید نوشت و از وی خواست کشف حجاب اجباری را لغو کند. سرانجام با مخالفت علما و مقاومت مردم، قانون کشف حجاب لغو گردید. (زیبایی‌نژاد و سبحانی، ۱۳۷۹، ص ۱۶۳)

دو فتوای «آیت‌الله سیدحسین بروجردی» و «آیت‌الله سیدمحمدتقی خوانساری» که دال بر لزوم حجاب و تحریم بی‌حجابی بود، در آن روزها منتشر

۸. کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۶۶)،
اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه:
محمدرضا نفیس، تهران:
پاپیروس.
۹. مکی، حسین (۱۳۶۳)، *تاریخ
بیست ساله ایران (ج۱)*، تهران:
بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
<https://www.isna.ir/news/8710-09709>
- معرفی کتاب**
۱. *آیین برنامه‌سازی درباره فرهنگ
عفاف و حجاب*
پدیدآورنده: ابراهیم شفیعی
سروستانی
ناشر: مرکز پژوهش‌های اسلامی
صداوسیما
تعداد صفحات: ۱۳۴
عناوین اصلی کتاب شامل:
۱. راهبردها، ۲. وظایف و
مسئولیت‌های رسانه ملی، ۳. بایسته‌های
تحقق وظایف و مسئولیت‌های رسانه
ملی، ۴. اولویت‌های برنامه‌سازی،
۵. سیاست‌های برنامه‌سازی، ۶. طرح
یک مجموعه تلویزیونی و پیوست‌ها.
۲. *حریم ریحانه* (پیام‌های کوتاه و
زیرنویس ویژه عفاف و حجاب)
- نویسندگان: علیرضا رنجبر، مریم
سقلاطونی
ناشر: مرکز پژوهش‌های اسلامی
صداوسیما
سال چاپ: ۱۳۹۲
تعداد صفحات: ۱۵۳
عناوین اصلی کتاب شامل:
بخش اول: حجاب و عفاف در
آموزه‌های دینی؛
بخش دوم: حجاب و عفاف در آیینه
سخن بزرگان؛
بخش سوم: پیام‌های کوتاه
موضوعی؛
بخش چهارم: کتاب‌شناسی عفاف
و حجاب.
۳. *رسانه ملی و نهادینه‌سازی
فرهنگ عفاف و حجاب*
پدیدآور: اباذر افشار
ناشر: مرکز پژوهش‌های اسلامی
صداوسیما
سال چاپ: ۱۳۹۳
تعداد صفحات: ۲۴۷
عناوین اصلی کتاب شامل:
فصل اول: مفاهیم نظری؛
فصل دوم: یافته‌های تحقیق؛
فصل سوم: تجزیه و تحلیل‌ها.

۱۹ دی - قیام خونین مردم قم

استعمار سرخ و سیاه» به امضای احمد رشیدی مطلق در روزنامه اطلاعات چاپ شد که باعث جریحه‌دار شدن احساسات مردم و به‌ویژه علمای سراسر کشور گشت. در این مقاله، نویسنده آشکارا بی‌حجابی را ستوده و حجاب را نوعی کهنه‌پرستی و ارتجاع دانسته بود و سپس به ساحت مرجع عالم تشیع، حضرت امام خمینی علیه السلام اهانت کرده و قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ را توطئه استعمار سرخ و سیاه خوانده بود.

به‌دنبال پخش این مقاله عواطف مردم برانگیخته شد. مدرسین حوزه علمیه قم با برگزاری جلسه‌ای تصمیم گرفتند درس‌های حوزه را به‌عنوان اعتراض به این حرکت زشت رژیم تعطیل کنند.

صبح روز هجدهم دی، طلاب با تشکیل اجتماع بزرگی، راهپیمایی آرامی را به‌سوی منازل مراجع وقت آغاز کردند. با تجمع در مقابل منازل ایشان، ضمن دادن شعارهایی، از حضرت امام علیه السلام حمایت کردند. نیروهای امنیتی طاغوت، ابتدا به صف تظاهرکنندگان یورش بردند و

مقام معظم رهبری در توصیف اهمیت این روز بزرگ فرمودند: «یاد روزهای پرحماسه و پرشور قم، به‌خصوص نوزدهم دی از خاطره ملت ایران محو نخواهد شد، قم همچنان که مطلع قصیده بلند نهضت اسلامی، در سال ۱۳۴۱ بود و سرآغاز ماجرای عظیم و پرافتخار پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۶ هم شد». (بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۸۴/۱۰/۱۹)

رحلت مرموز آیت‌الله مصطفی خمینی، فرزند امام علیه السلام در آبان ۱۳۵۶ شتاب خاصی به حرکت انقلاب اسلامی بخشید که می‌توان آن را آغازگر قیام عمومی مردم ایران دانست؛ چون به‌دنبال این واقعه، مجالس یادبود متعددی در سرتاسر کشور برگزار شد و در پی هر مجلسی، تظاهراتی علیه رژیم شاه به راه افتاد و نام امام خمینی علیه السلام به‌عنوان رهبر حرکت اسلامی به صورت گسترده‌تر در جامعه مطرح شد. دستگاه حاکم طاغوت بر آن شد تا با توهین به ساحت امام علیه السلام، چهره وی را در انظار عمومی مشوش سازد. براین‌اساس به دستور شاه مقاله‌ای با عنوان «ایران و

کوشیدند تا آنها را متفرق سازند، ولی به دلیل مقاومت مردم کوتاه آمدند. گروهی از طلاب و تظاهرکنندگان در مقابل بیت آیت‌الله گلیپایگانی^(ع) تجمع کردند که معظم‌له طی سخنانی فرمود: «اینها به آن آقا (امام خمینی^(ع)) توهین نکردند. اینها به ما توهین کردند برای اینکه اینها با این کار خواستند بگویند که آن آقا با ما مخالف است و مفهوم حرفشان این است که ما با اینها (رژیم شاه) موافقیم. اینکه ما با این موافقیم، توهین به ماست. ما در گذشته با این مخالف بوده‌ایم و در آینده نیز مخالف خواهیم بود. سپس تظاهرکنندگان از آنجا حرکت کرده و در مقابل منزل مرحوم علامه طباطبایی تجمع کردند. اما به علت کسالت ایشان، آیت‌الله محمد یزدی به نمایندگی از طرف وی، سخنانی را در دفاع از امام^(ع) و شخصیت و مبارزاتشان بیان کردند و مسئله اهانت به حضرتش را نکوهیده و محکوم کردند. در ادامه تظاهرکنندگان در مقابل منزل و مدرسه آیت‌الله مکارم شیرازی جمع شدند که ایشان نیز طی سخنانی، هتاکی به حضرت امام^(ع) را هتاک‌ی به تمام مقدسات و همه طلاب دانست و

طلاب را به وحدت دعوت کردند و بیان داشتند: «اگر بناست زنده بمانیم، همه باید زنده بمانیم و اگر بناست بمیریم، همه باید بمیریم. جدایی بین ما نخواهد بود...».

بازاریان قم با مشاهده حرکت حوزه علمیه تصمیم گرفتند به حمایت از آن، مغازه‌های خود را در روز نوزدهم دی تعطیل کنند. در این روز بازار قم تعطیل شد. به گزارش ساواک قم، اقشار مختلف مردم به همراه طلاب حوزه در مسجد اعظم اجتماع کردند و از آنجا به سمت منزل برخی علما و روحانیون راه افتادند. نیروهای رژیم با آرایش ضدشورش و... سعی کردند تظاهرات را بر هم بزنند، ولی موفق نشدند و مردم با تجمع در کنار منزل آیت‌الله نوری همدانی به اعتراض خود تداوم بخشیدند. آیت‌الله نوری طی سخنانی فرمود: «هر کجا و هر زمان نهضت قابل توجهی به وجود آمد، روحانیت راستین اسلام در پیشاپیش آن در حرکت بوده، مردم مسلمان با روحانیت اصیل هستند، روحانیت اصیل با آیت‌الله‌العظمی آقای خمینی و در پشت سر ایشان است و مبارزه دستگاه طاغوت با اسلام و رهبری حضرت امام به جایی نخواهد رسید.».

در ضمن آیت‌الله نوری خطاب به شاه و مقایسه کارهای امام علیه السلام با شاه این دو بیت را می‌خوانند:

این جهان ماند یتیم از آفتاب
هر کسی بر طینت خود می‌تند

چون تو خفاشان بسی ببند به خواب
مه فشاند نور و سگ عوعو کند

۲. این پیشامد نشان داد که شاه از حرکت مذهبی و سیاسی به رهبری روحانیت و در رأس آن امام خمینی علیه السلام بیش از هر حرکت سیاسی دیگر وحشت داشت.

۳. آنچه رژیم طاغوت از آن وحشت داشت، به‌دنبال قیام نوزده دی مردم قم به وقوع پیوست. حوزه‌های علمیه و روحانیت در خط امام به حرکت درآمدند و زمینه‌های فراهم شد که نهضت در مسیر مبارزه بیشتر قرار گیرد و ترفندهای بعدی رژیم بی‌اثر گشت.

۴. روشن شد که جریان حقوق بشر و فضای باز سیاسی که رژیم از آن دم می‌زد در حقیقت، زمینه‌ای برای میدان‌دادن به لیبرال‌ها و ملی‌گراها و... بود. آمریکا و رژیم شاه عملاً در جذب مردم به‌سوی به‌اصطلاح میانه‌روها ناموفق بودند؛ چراکه آنها پایگاهی در میان مردم نداشتند.

پس از سخنان آیت‌الله نوری، انبوه جمعیتی که به ده‌هزار نفر می‌رسید راهپیمایی را آغاز کردند تا به منزل سایر علما بروند، اما مأموران رژیم ممانعت به عمل آوردند. از میان همان مأموران، کسی با پاره آجری، شیشه بانک صادراتی را که در آن حوالی بود، نشانه گرفت. همین کار را دیگر مأموران بهانه قرار دادند و به مردم حمله کردند. با دستور فرمانده نیروهای امنیتی تیراندازی شروع شد و درگیری مردم با آنها تا ساعتی از شب ادامه یافت و در نتیجه تیراندازی تعدادی زخمی و شهید شدند. رژیم طاغوت با فراخواندن نیروهای امنیتی بیشتر، به نوعی در شهر قم، حکومت نظامی اعمال کردند.

پیامدهای قیام نوزدهم دی

۱. سازش شاه و کارتر در زمان وقوع این حادثه خیانت‌بار، تو خالی‌بودن شعار فضای باز سیاسی دوران شاه را بر مردم ایران و حتی جهانیان نشان می‌دهد.

بودند، کم‌کم از مردم جدا شدند و به دامن آمریکا و غرب پناه بردند. ۹. با قیام مردم قم، آهنگ حرکت انقلاب به شکل استراتژی چپ‌های پشت سر هم با صورت و محتوای کاملاً اساسی، شتاب فزاینده و گسترده‌تری به خود گرفت و رهبری حضرت امام علیه السلام به‌عنوان نقش اصلی مبارزه با رژیم شاه ظاهر شد که در نهایت هم با پشتیبانی مردم، پس از طی کردن مراحل مختلف به پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ منتهی شد. (دفتر عقیدتی سیاسی فرماندهی معظم کل قوا، ۱۳۸۱، ص ۱۴۹۵-۱۵۰۰)

منبع

دفتر عقیدتی سیاسی فرماندهی معظم کل قوا (۱۳۸۱)، **روزها و رویدادها**، تهران: مؤسسه فرهنگی نشر امین.

۵. متحجران حوزه‌ها و کسانی که در کسوت روحانیت، مروج جدایی دین از سیاست بودند و همواره درس و بحث و فقه و اصول و... را به مبارزه با شاه ترجیح می‌دادند، شکست خوردند و مردم فهمیدند که باید به سراغ کدام دسته از روحانیت بروند. ۶. ماهیت رژیم ضد مردمی شاه برای بسیاری آشکار شد. از آن پس بود که شعار «مرگ بر شاه» شعار اصلی مردم شد. ۷. این پیشامد سبب تعمیق و مردمی‌شدن نهضت و شرکت توده‌های مذهبی به‌ویژه جوانان در حرکت‌های انقلابی شد. ۸. برخی از احزاب و جمعیت‌ها که حرکت سیاسی خود را با اتکا به حقوق بشر جیمی کارتر، رئیس‌جمهور وقت آمریکا و فضای باز سیاسی ایجادشده، توسط محمدرضا پهلوی و در چهارچوب قانون اساسی شکل داده

۲۳ دی - روز اول رجب؛ فضیلت ماه رجب

در حدیث قدسی دیگر می‌فرماید: «ماه (رجب)، ماه من، بنده، بنده من و رحمت، رحمت من است، هرکه در این ماه مرا بخواند، اجابتش کنم و هرکه حاجت آورد، عطایش کنم.»
«در بهشت، قصری است که مخصوص روزه‌داران رجب است.»

«هرکس هفت روز رجب را روزه بگیرد، هفت در آتش جهنم رویش بسته می‌شود و هرکس هشت روز آن را روزه بگیرد، هشت در بهشت روی وی گشوده می‌شود.»

امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «رجب ماه بزرگی است. خداوند (پاداش) نیکی‌ها را در آن، دوچندان می‌دهد و گناهان را پاک می‌کند.» (ربانی، ۱۳۸۲، ص ۱۸۱)

منبع

ربانی، هادی و موسوی، سیدمحسن (۱۳۸۲)، **آینه یادها (مناسبت‌های شمسی و قمری در قرآن و حدیث)**، قم: دارالحدیث.

رجب، هفتمین ماه سال قمری و یکی از ماه‌های حرام است.

ماه‌های حرام که عبارت‌اند از: رجب، ذیقعد، ذیحجه و محرم، ماه‌هایی هستند که حتی در عصر جاهلیت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بودند و جنگ را در آن، ممنوع می‌دانستند... . علاوه بر تأیید این حکم اسلام، احکام خاصی برای آنها تشریح شده است، از جمله اینکه برای قاتل، علاوه بر یک دیه کامل، یک ثلث دیه دیگر هم به‌خاطر واقع شدن آن در ماه، باید بپردازد.

برخی فضایل این ماه عبارت‌اند از: ماه رجب را «اصب» نیز می‌گویند؛ چون در این ماه، رحمت الهی بر امت اسلام نازل می‌گردد.

در حدیث قدسی آمده است که خداوند می‌فرماید: «ماه رجب را ریسمانی میان خود و بندگانم قرار داده‌ام، هرکس به آن چنگ زند به وصال من می‌رسد.»

۲۳ دی - ولادت امام محمد باقر علیه السلام

عبدالملک، سلیمان بن عبدالملک، عمر بن عبدالعزیز، یزید بن عبدالملک و هشام بن عبدالملک. تمام آنان جز عمر بن عبدالعزیز که نسبتاً عدالتخواه بود، در ستمگری و جنایت دست کمی از نیاکان خود نداشتند و همواره سدّ راه اسلام و باعث آزار مسلمانان به‌ویژه پیشوای شیعیان امام باقر علیه السلام بودند. آنان به همان مقدار که به تقویت بنی‌امیه می‌پرداختند، به علویان و شیعیان سخت می‌گرفتند به‌عنوان نمونه هشام بن عبدالملک به کارگزاران خود نوشت: «نسبت به شیعیان سخت گرفته، آنان را تحت فشار قرار دهید... خونشان را بریزید و از حقوق عمومی محرومشان کنید».

(مغنیه، ۱۳۸۸، ص ۱۱۴)

امام به‌رغم حاکمیت جوّ استبداد و اختناق بر جامعه اسلامی و ضرورت تقیه در دو جبهه به انجام وظیفه پرداخت.

الف) نقش عظیمی را در پایه‌گذاری و گسترش علمی و فرهنگی به عهده گرفت. نهضت علمی امام علیه السلام در شرایطی تحقق یافت که جمود فکری و بیگانگی از معارف اسلامی

امام باقر علیه السلام پیشوای پنجم شیعیان در اول رجب (بنابر قول دیگر، پنجم رجب) سال ۵۷ هجری در مدینه دیده به جهان گشود. نام او محمد و به باقرالعلوم معروف است. آن حضرت از دو سو فاطمی و علوی بودند؛ زیرا پدر بزرگوارش امام زین‌العابدین، فرزند امام حسین علیه السلام و مادر آن حضرت، ام عبدالله دختر امام حسن مجتبی علیه السلام است.

حضرت باقر علیه السلام حدود سه سال و شش ماه در دوران امام حسین علیه السلام و سی و چهار سال با پدر بزرگوارش امام سجاد علیه السلام زندگی کرد و نوزده سال و ده ماه، مدت امامتش بود.

در سال هفتم ذیحجه ۱۱۴ق در ۵۷ سالگی به دستور هشام بن عبدالملک (دهمین خلیفه بنی‌امیه) مسموم شد و در مدینه به شهادت رسید و پیکر پاکش را در قبرستان بقیع به خاک سپردند.

نهضت علمی و فرهنگی امام باقر علیه السلام

امام باقر علیه السلام در دوران امامتش با پنج زمامدار، معاصر بود: ولید بن

۲. تبیین و گسترش فقه اهل بیت (علیهم‌السلام): امام باقر (علیه‌السلام) به احیای فقه ناب محمدی و گسترش کلیات و فروع آن در میان مردم همت گمارد. اصلی‌ترین مستند امام (علیه‌السلام) در تبیین مسائل فقهی، کتاب الهی و سنت نبوی بود. درحالی‌که فقهای عامه بیشتر با تکیه بر آراء و نظریات خود و نیز قیاس و استحسان بر مسند فتوا تکیه داده و به مسائل مردم پاسخ می‌دادند. امام (علیه‌السلام) با این شیوه، به مبارزه با علمای درباری و تخطئه روش آنها برخاست.

۳. نشر سایه علوم: امام محمد باقر (علیه‌السلام) علاوه بر فقه، به نشر علمی چون: کلام، تفسیر، اخلاق و طب پرداخت.

۴. تعلیم و تربیت افراد مستعد: امام باقر (علیه‌السلام) در دوران امامت خود موفق شد شاگردان زیادی پرورش دهد.

منابع رجالی، تعداد شاگردان آن حضرت را مختلف ذکر می‌کنند. شیخ طوسی، اصحاب و راویان امام (علیه‌السلام) را ۴۶۳ نفر ذکر کرده است. (رفیعی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۷)

۵. مبارزه با مسلک‌های انحرافی: امام باقر (علیه‌السلام) با افکار یهود و خوارج و

سراسر جهان اسلام را فراگرفته بود. عالمان و فقیهان مشهور، یا به دربار وابسته بودند یا به حوزه‌های فکری منحرف که نه تنها نمی‌توانستند ملجأ و پناهگاه مردم جویای حقیقت باشند، بلکه گاهی خطرناک‌تر از رجال سیاسی بر مشکلات و سرگردانی مردم می‌افزودند.

برخی اندیشمندان یهود و نصارا با استفاده از خلأ موجود، سعی در تزریق اعتقادات سخیف خود به جامعه اسلامی داشتند... از سوی دیگر پیدایش یا گسترش فعالیت گروه‌های فکری در جامعه اسلامی مانند: خوارج و مرجئه، معتزله، جبریه و فرقه‌های جداشده از شیعه امامیه مثل: کیسانیه، زیدیه، غلات با افکار منحرف و مسموم خود بر آلودگی فضای فکری و فرهنگی جامعه می‌افزودند و امام باقر (علیه‌السلام) در چنین فضایی، فعالیت‌هایی را در محوره‌های زیر با هدف احیای معارف اسلامی شروع کرد:

۱. احیا و گسترش حدیث: پس از رحلت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) تا دوران حکومت عمر بن عبدالعزیز، ممنوعیت نقل و تدوین حدیث، ضربه سختی به فرهنگ اسلامی وارد آورده بود. از این رو در زمان امام باقر (علیه‌السلام) احادیث، احیا و گسترش یافت.

می‌افتد و چنانچه در این حال بمیرد، در حال کفر و نفاق مرده است. ای محمد! سردمداران جور و ستم و پیروانشان از دین خدا منحرف گشته، خود گمراه شده و دیگران را به گمراهی می‌کشاند». (کلینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۸۴)

۲. توصیه به جبهه‌گیری علیه ستمگران

حضرت باقر علیه السلام پیروان خود را از همکاری با حاکمان بنی‌امیه منع و آنان را به جبهه‌گیری علیه آنان تشویق می‌کرد. از جمله به آنها فرمود: «کسی که به سوی پادشاه ستمگری حرکت کند تا او را به تقوای الهی فرمان دهد و از عواقب شوم ستم بترساند و موعظه نماید، از پاداشی همانند پاداش تمامی انس و جن... برخوردار خواهد بود». (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۷۲، ص ۳۷۵)

۳. پشتیبانی از انقلابیون

امام باقر علیه السلام از کسانی که در برابر ظلم و ستم بنی‌امیه به قیام می‌پرداختند حمایت می‌کرد. به‌عنوان نمونه می‌توان به موضع‌گیری وی در برابر برادرش زید اشاره کرد که در تجلیل از مقام او فرمود: «این زید، بزرگ و سرور خاندان من است و به خون‌خواهی آنان برخواید خاست». (کشی، ۱۳۸۲، ص ۲۳۱)

غالیان و افراط‌گران که همه به‌دنبال رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، در دوران حاکمیت بنی‌امیه رشد یافته بودند، مبارزه کرد و این یکی از بزرگ‌ترین اقدامات امام علیه السلام بوده است.

مبارزات سیاسی امام باقر علیه السلام

عده‌ای تصور می‌کنند تمام فعالیت‌های امام باقر علیه السلام منحصر در فعالیت‌های علمی و فرهنگی بود و به‌طورکلی از مبارزه با طاغوت کناره‌گیری کرد. ولی نگاهی کوتاه به زندگی امام باقر علیه السلام نشان می‌دهد آن حضرت در کنار فعالیت فرهنگی، لحظه‌ای از مبارزه با ستمگران غافل نشد. در هر فرصتی که پیش می‌آمد چهره حاکمان ستمگر بنی‌امیه را برای مردم روشن می‌ساخت و یاران خود را تشویق می‌کرد که با دل و جان با ظالمان مبارزه کنند. فعالیت سیاسی آن حضرت هم در محورهای زیر انجام می‌گرفت:

۱. تبیین و تثبیت امامت

بر بطلان پیشوایی خلفای حاکم و عدم مشروعیت آنها تأکید می‌کرد. در این باره به محمدبن مسلم فرمود: «هرکس از این امت، بدون امامی آشکار، عادل و منصوب از جانب خدا به سر برد گمراه شده و به حیرت

هر حرفی که می‌خواند ده لعنت و شنونده یک لعنت می‌شود. (ش ۱۶۵۷)
- مؤمن به هر بلایی گرفتار می‌شود و با هر مرگی می‌میرد، اما هرگز خودکشی نمی‌کند. (ش ۱۶۳۲۷)
- نیکی کردن و صدقه پنهانی دادن، فقر را از بین می‌برد. (ش ۱۶۰۶۹)

- هیچ فقری مثل فقر دل و هیچ غنایی چون غنای نفس نیست. (ش ۱۶۰۳۷) (محمدی ری شهری، ۱۳۸۳، ش ۱۶۰۳۷-۱۷۰۷۲)

منبع

۱. امینی، سیدمحسن (۱۴۰۳ق)، *اعیان الشیعه*، بیروت: دارالتعاریف.
۲. امینی، عبدالحسین (۱۳۸۷ق)، *الغدیر*، بیروت: دارالکتب العربی.
۳. رفیعی، علی (۱۳۸۸)، *اقتباس و تلخیص از: کتاب تاریخ تحلیلی پیشوایان*، قم: انتشارات زمزم هدایت.
۴. کشی، محمدبن عمر (۱۳۸۲)، *رجال کشی*، بیروت: مؤسسه آل‌البیته الاحیاء التراث العربی.
۵. کلینی، محمدبن یعقوب (بی‌تا)، *کافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

در جایی دیگر برای ایشان چنین دعا کرد: «پروردگارا! به‌وسیله زید مرا یاری کن». (امینی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۷۰)
باز در توصیف زید فرمود: «زید زبان گویای من است که بدان وسیله حق را بیان می‌کنم». (امینی، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۱۱۰)

سخنانی از امام باقر علیه السلام

- با کم کردن خطا، به آسایش دل دست یابید. (ش ۱۷۰۷۲)
- با ذکر بسیار خداوند در خلوت‌ها، رقت قلب به دست آور. (ش ۱۷۰۴۲)
- برای دل آدمی چیزی تباہ‌کننده‌تر از گناه نیست. (ش ۱۷۰۱۵)
- به هیچ بنده‌ای کیفری بزرگ‌تر از سخت‌دلی، چشاندن نشده است. (ش ۱۶۹۹۵)
- کور حقیقی کسی است که دلش کور باشد. (ش ۱۶۹۸۲)
- هیچ دانشی چون سلامت جویی نیست و هیچ سلامتی چون سلامت دل نیست. (ش ۱۶۹۳۳)
-... معتبدان به چیزی مانند پرهیز از حرام‌های خداوند، او را عبادت نکردند... (ش ۱۶۶۵۰)
- هر کس نزد پیشوایی ستمگر برود و به قصد رسیدن به مال و منالی از دنیا برای او قرآن بخواند، قاری در ازای

۶. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۶)،
بحار الانوار، بیروت: مؤسسه وفا.
۷. محمدی ری‌شهری، محمد
(۱۳۸۳)، **میزان الحکمه**، ترجمه:
حمیدرضا شیخی، قم:
دارالحديث.
۸. مغنیه، محمدجواد (۱۳۸۸)،
الشیعه و الحاکمون، به نقل از:
تاریخ تحلیلی پیشوایان، قم:
انتشارات زمزم هدایت.
- معرفی کتاب**
- چشمه علوم** (رهیافتی بر
شخصیت‌شناسی، سیره‌شناسی و
اندیشه‌شناسی امام محمدباقر علیه السلام)
(بسته مناسبی ویژه امام
محمدباقر علیه السلام)
- تهیه‌کننده و ناشر: اداره کل
پژوهش‌های اسلامی رسانه
تنظیم و تدوین: دفتر پژوهش‌های
کاربردی؛ گروه انقلاب اسلامی، تاریخ
و مناسبت‌ها
سال انتشار: ۱۳۹۷
تعداد صفحات: ۲۰۸
مجموعه مطالب اثر حاضر که به
سیره و زندگی امام باقر علیه السلام اختصاص
- دارد، در قالب شش بخش به شرح زیر
تهیه و تدوین شده است.
- بخش اول: شخصیت‌شناسی (در
این بخش مطالبی ضمن ده فصل
آمده است):
- فصل اول، امام محمدباقر علیه السلام در
یک نگاه؛ فصل دوم، طلوع دانش؛
فصل سوم، کودکی تا امامت؛ فصل
چهارم، امامت؛ فصل پنجم، اوضاع
سیاسی زمان امام باقر علیه السلام؛ فصل
ششم، زندگی سیاسی امام باقر علیه السلام؛
فصل هفتم، حیات علمی امام
باقر علیه السلام؛ فصل هشتم، امام باقر علیه السلام از
دیدگاه اندیشمندان اهل سنت؛ فصل
نهم، معجزات و کرامات؛ فصل دهم،
شهادت.
- بخش دوم: سیره‌شناسی (در این
بخش به گوشه‌ای از سیره امام باقر علیه السلام
در ضمن چهار فصل اشاره شده است)
بخش سوم: اندیشه‌شناسی
بخش چهارم: متون ادبی
بخش پنجم: ایده‌ها و موضوعات
برنامه‌سازی
بخش ششم: منبع‌شناسی

۲۵ دی - شهادت امام هادی علیه السلاممشخصات امام هادی علیه السلام

نام: علی بن محمد
 تاریخ ولادت: ۱۵ ذیحجه ۲۱۲ق
 محل ولادت: مدینه
 نام پدر: امام جواد علیه السلام
 نام مادر: سمانه
 تاریخ شهادت: ۳ رجب ۲۵۴
 محل شهادت: سامرا
 مدت امامت: ۳۴ سال
 مدت عمر: ۴۲ سال
 سال تولد امام دهم شیعیان
 حضرت امام علی النقی علیه السلام را نیمه
 ذیحجه سال ۲۱۲ق نوشته‌اند. پدر آن
 حضرت، امام محمدتقی
 جوادالائمه علیه السلام و مادرش سمانه از زنان
 درست‌کردار پاکدامنی بود که دست
 قدرت الهی، او را برای تربیت مقام
 ولایت و امامت مأمور کرده بود، و چه
 نیکو وظیفه مادری را به انجام رسانید
 و بدین مأموریت خدایی قیام کرد.
 نام آن حضرت، علی، کنیه‌اش
 «ابوالحسن» و لقب‌های مشهور آن
 حضرت «هادی» و «نقی» بود. امام
 هادی علیه السلام پس از پدر بزرگوارش در سن
 هشت سالگی به مقام امامت رسید و
 دوران امامتش ۳۴ سال بود.

رفتار خلفا با امام هادی علیه السلام

متوکل دستور داد حضرت را کاملاً
 تحت نظر گیرند و خانه او را محاصره
 کنند و مانع دیدار شیعیان با ایشان و
 استفاده دانش‌پژوهان از آن سرچشمه
 علم و معرفت شوند. حتی ایشان را در
 تنگنا و محاصره اقتصادی قرار دادند و
 رساندن حقوق شرعی و هدایا را از
 داخل و خارج بر حضرت ممنوع و
 متخلفان را به سختی مجازات
 می‌کردند. (قرشی، ۱۳۷۱، ص ۳۸۶)
 این وضعیت جز در حکومت شش
 ماهه منتصر عباسی تا زمان شهادت
 امام ادامه داشت و در زمان معتز
 عباسی شدت گرفت.
 یکی دیگر از سختگیری‌های متوکل
 در آزار امام هادی علیه السلام این بود که گاه و
 بی‌گاه به مأموران خود دستور می‌داد
 تا ناگهانی به خانه امام ریخته و آنجا را
 تفتیش و بازرسی کنند به امید آنکه
 سلاح یا مدرکی دال بر فعالیت ایشان
 علیه حکومت به‌دست آورند. لکن در
 این حمله‌های شبانه جز کتاب‌های
 علمی و ادعیه چیزی یافت نمی‌شد.
 (همان، ص ۳۸۷)

نسبی امام و شیعیان پس از شش ماه تمام شد و دوباره آزار و حصر و شکنجه و قتل، شیوه اساسی خلافت در مقابل شیعیان بود. امام هادی علیه السلام به هیچ وجه حاضر به سازش با حاکمان ستمگر عباسی نشد و از مبارزه منفی و عدم همکاری دست برنداشت. خلیفه عباسی از این وضع به شدت ناراضی بود و از آن رنج می برد، تا اینکه تنها راه را خاموش کردن نور خدا پنداشت و بدین ترتیب امام هادی علیه السلام در زمان معتز با زهر مسموم شد و به شهادت رسید. (شبلنجی، بی تا، ص ۳۳۷)

فعالیت های امام علیه السلام

همان گونه که اشاره شد امام هادی علیه السلام با اینکه به شدت تحت نظر بود، اما هرگز دست از فعالیت و مبارزه برنداشت. منتهی با در نظر گرفتن شرایط، فعالیت های خود را به شیوه ای مطابق اوضاع زمان خویش به پیش برد. از مهم ترین فعالیت های ایشان این بود که به مردم از راه های گوناگون آگاهی داده و منصب امامت و مقام علمی خود را در مناظرات و پرسش و پاسخ های علمی، آشکار و تثبیت کرد و عدم مشروعیت حکومت بنی عباس

گاهی متوکل فرمان می داد حضرت را در هر حالتی که هست به دربار آوردند. در یکی از این احضارها امام که وارد شد، متوکل مست و لایعقل در کنار جام ها و سیوهای شراب و در میان گروه های خنیاگر و رقاصه افتاده بود. امام بی توجه به موقعیت خطیر و خطرات احتمالی، به شدت او را سرزنش و ملامت کرد و به نصیحت گویی و یادآوری قیامت پرداخت و فسق و فجور و می خوارگی و بدکارگی او را محکوم ساخت. متوکل برآشفته و دستور داد ایشان را در زندان محبوس سازند (همان). حضرت روانه زندان شد. شخصی از حضرت شنید که این آیه را می خواند: «تمتعوا فی دارکم ثلاثة ایام ذلک وعد غیر مکذوب؛ در خانه هایتان سه روز به آسایش و خوشگذرانی سپری کنید (سپس عذاب الهی خواهد رسید) آن وعده ای است که دروغ نخواهد بود.» (هود: ۶۵)

بیش از سه روز نگذشت که متوکل به دست فرزندش، منتصر، به هلاکت رسید. (طبری، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۸۲۷)

گرچه منتصر در اول حکومتش بر امام سخت نگرفت، ولی این آرامش

منابع

۱. قرشی، باقر شریف (۱۳۷۱)، *زندگانی امام علی الهادی علیه السلام*، قم: کنگره جهانی حضرت امام رضا علیه السلام.
۲. طبری، عمادالدین (۱۳۷۹)، *مناقب الطاهرین*، تهران: انتشارات رایزن.
۳. شیلنجی، مؤمن بن حسن (بی‌تا)، *نوار الابصار*، قم: رضی.

را با دلایل متقن به اثبات رساند. یکی دیگر از محورهای فعالیت امام، آماده‌کردن مردم و شیعیان درباره غیبت حضرت مهدی علیه السلام بود. البته ایشان با نهایت احتیاط و جلوگیری از حساس‌شدن حکومت، این موضوع را به‌طور سربسته ضمن سخنان خویش برای افراد قابل اعتماد بیان می‌کرد تا مردم در آینده گمراه نشوند.

شعر

منادی دین

آیینه صبری متمادی بودی
با اینکه برای همه «هادی» بودی
در پیش خدا شفیع مایی آقا
خورشید غریب سامرای آقا

یک عمر برای دین منادی بودی
این قوم همیشه با تو بد تا کردند
«ماییم و نوای بی‌نوایی» آقا
این ورد زبان الکن شاعرهاست:

سجاد سعیدنژاد

وقت آن است که عشاق به منزل برسند
ناگزیرند از آغاز به مشکل برسند
کی به درك قلم و قاف و مزل برسند
در شتابند به انجام نوافل برسند
که بعید است به پای متوکل برسند
صحن‌های تو به ویرانی کامل برسند
شاعرانی که به درك متقابل برسند
تا به این شاعر آشفته بیدل برسند

احمد علوی

هادی راه

مثل امواج خروشان که به ساحل برسند
هادی راه تو هستی و یقیناً بی تو
رهروان از تو و از جامعه‌تان بی‌خبرند
واجب دین خدا بودی و ترکت کردند
در جهان حاکم جبار فراوان دیدیم
سامرای تو مدینه ست مبادا یک روز
با هم از غربت و داغ تو سخن می‌گویند
واژه‌ها کاش که از سوی تو الهام شوند

ای باران

داشتم کنج حرم جامعه را می‌خواندم
 محکمت کلمات تو مسلمانم کرد
 مثل آن پنجره که رو به تماشا باز است
 خط به خط جامعه آینه قرآن خداست
 لب به لب کاسه ظرفیت من پر شده است
 قدر درک خودمان هم نسرویدیم از تو
 عرق شرم به پیشانی دفتر دارم
 فصلی از عمر ورق خورد و نگفتم از تو
 شیر در پرده به چشمان تو ایمان دارد
 رفته رفته نکند جعفر کذاب شویم
 دست خالی مرا نیز بگیر ای باران!
 کلماتم کلماتی ست حقیر ای باران!
 یاد کردیم تو را دیر به دیر ای باران!
 مهربانی کن و نادیده بگیر ای باران!
 ما که از نسل غدیریم، غدیر ای باران!
 ما یتیمیم و اسیریم و فقیر ای باران!
 تا تماشا کنت یک دل سیر ای باران!
 دوسه خط روضه از این درد نهران بنویسم
 بار دیگر پسر فاطمه و بزم شراب...

سیدحمیدرضا برقعی

یادتان هست نوشتیم که دعا می‌خواندم
 از کلامت چه بگویم که چه با جانم کرد
 کلماتی که همه بال و پر پرواز است
 کلماتی که پر از رایحه غار حراست
 عقل از درک تو لبریز تحیر شده است
 همه عمر دمامد نسرویدیم از تو
 من که از طبع خودم شکوه مکرر دارم
 شعرهایم همه پژمرد و نگفتم از تو
 دل ما کی به تو ایمان فراوان دارد
 بیم آن است که ما یک شبه مرداب شویم
 تا تو را گم نکنم بین کویر ای باران!
 من زمین‌گیرم و وصف تو مرا ممکن نیست
 یاد کرد از دل ما رحمت تو زودبه‌زود
 نام تو در دل ما بود و هدایت نشدیم
 ما نمدیدیم که توهین به تو و نام تو شد
 پسر حضرت دریا! دل ما را دریاب
 سامرا قسمت چشمان عطش‌خیزم کن
 بگذارید کمی از غمتان بنویسم
 گریه بر داغ شما عین ثواب است ثواب

کوچه‌های سامرا

گریه باید کرد هر شب پا به پای سامرا
 می‌پرد مرغ دل ما تا هوای سامرا
 قلب ما آنجاست، آنجا لابه‌لای سامرا

رنگ و بوی درد دارد کوچه‌های سامرا
 هر شب از فرط عطش ای هادی گم‌گشتگان!
 گرچه دورست از ضریح سبز تو دستان ما

کاین چنین پیچیده هر جا نینوای سامرا
ریشه دارد در غریبی ماجرای سامرا
«کوفه کوفه» زخم دارد شانه‌های سامرا

رضا کرمی

پشت شرم شیشه جاری شد خرامان گریه کرد
شاعری مهمان دریا شد پریشان گریه کرد
شعله زد چشم غزل چون دید قرآن گریه کرد
چشم ماهی‌های دریا در بیابان گریه کرد
در جوابم یک حرم، در خاک و ویران گریه کرد
غربت نام تو را اندوه باران گریه کرد

کاظم رستمی

وی در همه عمر ستم دیده هماره
غم‌های فراوان تو بیرون ز شماره
قومی ز دفاع تو گرفتند کناره
همراه عدو رفتی و او بود سواره
با جام می خود به سویت کرده اشاره
از زهر ز پا تا به سرت سوخت دوباره
بر چهره ز چشم حسنت ریخت ستاره

غلامرضا سازگار

حال و روزش می‌شود لحظه به لحظه زارتر
لیک بر پای پسر، جان‌دادنش غمبارتر
چاره وقتی نیست، می‌پیچد به خود ناچارتر

نسبتی دارد مگر با کربلا احوال تو
بوی حیدر داشت مولا رنج بی‌پایان تو
باز کن دست تسلی را علی مرتضی

باران گریه کرد

با سر انگشتم نوشتم آه... باران گریه کرد
تیرگی‌ها را که باران از نگاه گریه شست
در هجوم کشف‌های ناگهانی گُر گرفت
تا که پرسیدم چرا نام تو کمتر خوانده‌اند
آه‌ای دریای نور، ای مهربان، ای لطف محض
هادی ای مظلوم گمنام تبار فاطمه

سوزد جگرم

ای از غم تو بر جگر سنگ شراره
سنگینی اندوه تو از کوه فزون‌تر
فوجی پی آزار دلت دست گشودند
سوزد جگرم بر تو که با پای پیاده
تو آیه تطهیری و دشمن به چه جرئت
از تیغ زبان، زخم فراوان به دلت بود
تا ماه جمالت به دل خاک نهان شد

یا ولی‌الله

درد بسیار است اما درد جگر بسیارتر
احتضارش، غربتش، دردش غم‌انگیز است، آه
بر زمین پا می‌کشد، رنگش به زردی می‌زند

هرچه نسل فاطمه دنباله پیدا می‌کند قدر او را بارها می‌خواست آری بشکند از گریبان می‌کشیدش تا که تحقیرش کند پیرهن کهنه نبود اینجا، ولی نامردها آه، تا بردند در بزم شرابش گریه کرد

کینه زهر

سینه‌ات از کینه زهری کشنده شعله‌ور سامرا آهی کشید و پیکرت را بوسه زد ساحتِ پیشانی‌ات را تب احاطه کرده بود بی‌هوا دردِ بدی پیچید در پهلوئی تو کاش مثل مجتبی‌(ع)؛ خواهر کنارت داشتی زهر؛ ذره ذره دید چشم‌هایت را گرفت حنجرت می‌سوخت؛ شاد لب‌های خشکت ناتوان روضه‌خوانِ جدّ عطشانت شدی در احتضار

حضرت هادی غریب سامرا

ذره‌ای از خاک پای حضرتش شد آفتاب گل بدون مهر او خار است، اما عکس آن جامعه از هر فراز جامعه سیراب شد شد گدای سامرا معروف از این حیث که او علی چهارم است و هادی راه همه وقت و بی‌وقت از میان خانه او را بی‌دلیل فرق دارد روضه با روضه ولی این بار هم می‌تعارف کرد آن نامرد بر آقای ما

بیشتر از پیش‌تر هی می‌شود بی‌یارت‌تر دشمن این سوره خود، هربار می‌شد خوارتر کربلا در سامرا شد قابل تکرارتر پاره‌پاره کردندش هرچند که دشوارتر یاد خشکیده لب و چوبی که بود انگار، تر!

علی ناظمی

از نفس افتادی و کم‌کم، کمائی شد کمر مضطر و صاحب‌عزا شد «جامعه» از این خبر چیره می‌شد بر تنت هر لحظه دردی بیشتر داغِ مادر زنده شد! ای وای از دیوار و در تا که می‌شد با نگاهش ناله‌هایت مختصر بر زمین انداختت سرگیجه‌های مستمر «وا حسینم(ع)» گفتی و افتاد آتش در جگر پاک کردی اشک را از گوشه چشمان تر!

مرضیه عاطفی

ماه از شرم جمالش زد به روی خود نقاب شک ندارم حب او از خار می‌گیرد گلاب بند بندش شد برای عاشقان فصل الخطاب هر کسی شد سائل او می‌شود عالی‌جناب او برای دلبری از عارفان شد انتخاب ظالمانه بارها بردند مثل بوترباب حضرت معصوم را بردند در بزم شراب از خجالت پیش آفا شد شراب آن لحظه آب

محسن صرامی

کرامت‌های امام هادی علیه السلام؛ فصل هفتم، فعالیت‌ها و مبارزات امام هادی علیه السلام در سامرا؛ فصل هشتم، اوضاع سیاسی حاکم بر دوران امام هادی علیه السلام و مبارزات سیاسی؛ فصل نهم، امام هادی علیه السلام از تبعید تا شهادت بخش دوم: سیره‌شناسی؛ در این بخش به برخی ویژگی‌های اخلاقی امام هادی علیه السلام اشاره شده است. مانند عبادات، ساده‌زیستی، دانش، سخنوری، مهربانی، بخشش، سخت‌کوشی، بردباری، شکوه و هیبت

۰۰۰۹
بخش سوم: اندیشه‌شناسی؛ در این بخش به دو موضوع کلی الف) زیارت جامعه (نگرش موضوعی، سند، معرفی امام و امامت و... در زیارت جامعه و...) و ب) علم و ادب و فکر و اندیشه در کلام امام هادی علیه السلام به همراه برخی حکایات و وقایع شهادت و... پرداخته شده است.

معرفی کتاب

هادی امت (رهیافتی در سیره‌شناسی، اندیشه‌شناسی و شخصیت‌شناسی حضرت امام هادی علیه السلام)
تهیه کننده و ناشر: اداره کل پژوهش‌های اسلامی‌رسانه
تنظیم و تدوین: دفتر پژوهش‌های کاربردی - گروه انقلاب اسلامی، تاریخ و مناسبت‌ها.
تعداد صفحات: ۱۷۴
معرفی اثر: کتاب هادی امت با محوریت زندگانی امام هادی علیه السلام در سه بخش اصلی تدوین شده است:
بخش اول: شخصیت‌شناسی؛ در این بخش مطالبی در نه فصل به شرح زیر آمده است:
فصل اول، طلوع هدایت؛ فصل دوم، زندگانی نور هدایت؛ فصل سوم، امامت؛ فصل چهارم، ازدواج و فرزندان؛ فصل پنجم، یاران امام هادی علیه السلام؛ فصل ششم، گزیده‌ای از

۲۶ دی - فرار شاه از ایران

رژیم شاه، در اوایل دهه ۱۳۵۰ ظاهر استوار و نیرومندی داشت، ولی در درون پوسیده بود و بسان سد خاکی می ماند که دیر یا زود در برابر فشار امواج دریا، فرو می ریخت. فساد، با ابعاد وحشتناکی در آن، ریشه دوانده بود. انتقاد، نارضایتی و سرخوردگی حتی در میان نخبگان سیاسی و دست اندرکاران اداره مملکت ظاهر شده بود. پرویز راجی، سفیر شاه در لندن، در گفت و گو با امیراصلان افشار، که او نیز سال ها در آمریکا و کشورهای اروپا سفیر بود، از بیدادگری رژیم انتقاد کرده و می گوید: «... چرا هرجا، نام ایران به میان می آید، بلافاصله کلماتی مانند «ساواک»، «شکنجه» و «فساد» به دنبال آن گفته می شود. من از مشاهده این اوضاع احساس حقارت می کنم و نمی دانم تا چه حد در مقابل این گونه انتقادات، می توان خاموش ماند...». (نجاتی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۴۸۵)

روایت هایزر از فرار محمدرضا

پهلوی

با فرار شاه از کشور در ۲۶ دی ۱۳۵۷ کار برای آمریکایی ها - که منافع

دیو چو بیرون رود فرشته درآید ۲۶ دی، یادآور فرار آخرین دیکتاتور پهلوی است که آغازی بر پایان عمر ۲۵۰۰ ساله رژیم فاسد شاهنشاهی به حساب می آید. با فرار شاه از ایران، فصلی عبرت آموز از سرگذشت و فرجام حاکمان خودکامه پیش روی ملت های ستمدیده به ویژه ملت مسلمان این مرزوبوم گشوده شد.

این فرار در آن مقطع، زمینه را هرچه بیشتر برای پیروزی انقلاب اسلامی مردم ایران در بهمن ۵۷ فراهم نمود.

رژیم های خودکامه و دست نشانده، عموماً دارای دو خصلت «استبداد و فساد» می باشند. استبداد و فساد، لازم و ملزوم یکدیگرند، اما هنگامی که «فساد» از «استبداد» پیشی گرفت و خواسته های مشروع و منطقی قشرهای وسیعی از جامعه، با بی اعتنایی روبه رو شد، فریاد اعتراض توده ها، به حرکت تبدیل می شود و چنانچه این حرکت به وسیله مردان شایسته و معتمد مردم رهبری گردد، به پیروزی منتهی می شود.

داده‌اند. به ژنرال قره‌باغی هم به‌خاطر اظهاراتش تبریک گفتم و افزودم این، قدرت واقعی ما را نشان می‌دهد. به مقالات صفحه اول روزنامه‌ها در خصوص کنفرانس مطبوعاتی و رأی اعتماد به بختیار نیز اشاراتی نمودم.

گروه نمی‌توانست این موفقیت‌ها را ببیند. آنها توجه مرا به تیتری در وسط صفحه اول جلب کردند که نوشته بود: «[امام] خمینی دولت جدید را تعیین کرد.» وی گفته بود تولد دولت اسلامی نزدیک است و اظهار کرده بود: «من نه قدرت شاه را خواهم داشت و نه نخست‌وزیر خواهم بود. به هدایت ملت قناعت خواهم کرد.» همین خبر که [امام] خمینی می‌تواند به ایران بازگردد و به تنهایی کشور را اداره کند، گروه را واقعاً نگران کرد. پس از آن، فوراً به خبر دیگری در پایین صفحه اشاره کردند که آمده بود: «یک آمریکایی در کرمان به قتل رسید.» گفتم: «از اوضاع آگاهم، اما امیدوارم که دیگر تکرار نشود.»

هایزر، مهم‌ترین نگرانی خود را اتفاقی می‌داند که قرار بود در همان روز ۲۶ دی ۵۷ خبرساز باشد: «موضوعی که ذهن همه را به خود

حیاتی‌شان به خطر افتاده بود - سخت‌تر از گذشته شد. روند حوادث به مذاق سیاستمداران آمریکایی خوش نیامد و این حقیقتی است که در لابه‌لای خاطرات و اسناد مشاهده می‌شود. خاطرات ژنرال هایزر، یکی از همین منابع است که در جای جای آن، می‌توان سقوط رژیم پهلوی و قدرت‌یافتن انقلاب اسلامی را از زاویه دیگر بازخوانی کرد.

هایزر در یادداشت‌های روز سه‌شنبه ۱۶ ژانویه ۱۹۷۹/۲۶ دی ۱۳۵۷ خود به نکات جالبی درباره حواشی فرار شاه از کشور و آنچه که به فرماندهان نظامی گذشت، اشاره دارد.

ژنرال چهارستاره آمریکایی درباره به‌دست‌گرفتن ابتکار عمل توسط امام خمینی علیه‌السلام می‌گوید: «پیش از ظهر، دفتر قره‌باغی اطلاع داد گروه دور هم جمع شده‌اند و دوست دارند ما نیز به آنها ملحق شویم. در بدو ورود، تصمیم گرفتم با بررسی عملی وضعیت برنامه‌ریزی، جلوی هرگونه گریه و زاری برای رفتن شاه را بگیرم. گفتم خوشحالم از اینکه می‌بینم همه آنها برنامه‌ریزی را در اولویت بالایی قرار

با خونسردی پیشنهادها را به‌ویژه درباره حفظ آمادگی جدی نیروهای نظامی ارائه کردم، اما ضربان قلبم لحظه‌به‌لحظه تندتر می‌شد.

شادی مردم و سرنگونی

مجسمه‌های شاه

«جمعیت زیادی در خیابان‌های سراسر شهر جمع شده بود. زمانی که شاه رفت، گویی تیر شروع مسابقه شلیک شده است. همه به یک‌باره واکنش نشان دادند. به‌بالکن رفتیم؛ بوق‌ها به صدا درآمدند، راهپیمایان بیرون ریخته بودند و همه شهر سرشار از جشن و شادی بود. حادثه غیرقابل توصیفی بود؛ جشن خودجوش مردم تا دو سه ساعت ادامه یافت و هر لحظه آهنگ آن شدیدتر می‌شد. گزارش‌هایی دریافت کردیم مبنی بر اینکه مردم شروع به پایین‌کشیدن مجسمه‌های شاه و خانواده‌اش کرده‌اند. در برابر ساختمان اداره مخابرات در میدان سپه تهران، مجسمه سوارکاری بزرگ و زیبایی از رضاشاه، پدر شاه، وجود داشت که مردم آن را واژگون کرده بودند. در طول بعدازظهر، باخبر شدیم پنج یا شش مجسمه دیگر که چند دهه از

مشغول کرده بود در یک کلام خلاصه می‌شد: «شاه امروز خواهد رفت.» برخی از آنها به‌ویژه ربیعی، بدره‌ای و قره‌باغی هنوز نمی‌توانستند باور کنند...»

گفتم: اگرچه برنامه زمانی معینی در اختیار ندارم، اما قطعاً شاه نزدیک ظهر امروز خواهد رفت. باید با اطمینان تمام امکانات را بررسی کنیم. تا بدانیم در چه موقعیتی هستیم. پرسیدم آیا برنامه‌ای برای کنترل مستمر نیروهایشان تنظیم کرده‌اند؟ باید بلافاصله می‌دانستیم که وقتی شاه برود، مردان ما چه واکنشی نشان می‌دهند. بله، آنها نیروهایشان را به حال آماده‌باش قرمز درآورده بودند... درگیری با مشکلات، موجب همبستگی شده بود.

مسئله بازگشت [امام] خمینی هم تقریباً از همان فوریت برخوردار بود. این چیزی بود که آنها هنوز در خصوص آن به توافق نرسیده بودند. ظاهراً فکر می‌کردند وی ممکن است ناگهان غیب شود یا اینکه در طول راه یا حتی هنگام ورود به ایران از بین برود. آنها توانایی فکرکردن مستقیم به این مسئله را نداشتند.»

پرسیدیم: آیا درست می‌شنوم؟ همه آنها تأیید کردند و این موضوع قدری تکان‌دهنده بود... نگرانی اصلی من، احتمال درز این اطلاعات به بیرون بود. مطبوعات شوروی قبلاً در این خصوص اتهامات زیادی را مطرح کرده بودند و اگر واژه اطاعت به گوش کسی می‌رسید، مشکلات عدیده‌ای را برای آمریکا در ایران به وجود می‌آورد.» (هایزر، ۱۳۶۵، ص ۸۷-۱۰۸)

منابع

۱. نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۱)، *تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران (از کودتا تا انقلاب)*، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
۲. هایزر، رابرت (۱۳۶۵)، *مأموریت در تهران*، ترجمه: سیدمحمدحسین عادل، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

گفتار مجری

وقتی که می‌گریخت

حورا طوسی

بر شانه‌های تکبر تکیه زده بود؛ در کاخی که طاق‌های زرنگارش بر گرده مستضعفین، سنگینی می‌کرد.
بر بلندای قصرهای تفاخری که به ارتفاع تبعیض و تمایزی تحمیلی،

عمرشان می‌گذشت، نابود شده است. آنها به‌طور نمادین در حال کشتن شاه بودند».

دستور شاه به فرماندهان ارتش

برای اطاعت از ژنرال آمریکایی

ژنرال هایزر در آخرین سطور از خاطرات ۲۶ دی خود، روایت قابل تأملی را نقل می‌کند: «... نمی‌دانستم چگونه اوضاع را کنترل کنم. آیا می‌بایست تلاش کنم تا از طریق شوک‌درمانی، افکار آنها را از سفر شاه منصرف کنم یا اینکه تسلیم می‌شدم و با آنها همدردی می‌کردم؟ تصمیم گرفتم به آنها اجازه دهم احساسات‌شان را تخلیه کنند ...»

سرانجام بحث به جایی رسید که مرا وادار کرد کمی تند شوم. گفتم: ما الان آماده‌ایم تا توان خود را در حمایت از بختیار آزمایش کنیم و طرح‌های کافی را برای انجام این کار در اختیار داریم. این مسئله با فریادهای عجیب قره‌باغی و ربیعی مورد موافقت قرار گرفت. آنها پاسخ دادند: بله ژنرال، شاه به ما گفته است به شما اعتماد کنیم، به حرف شما گوش دهیم و از شما اطاعت کنیم.

واژه «اطاعت» حرف جدیدی بود که مرا شوکه کرد؛ بنابراین بلافاصله

تحلیل زمینه‌های تاریخی فرار شاه در ۲۶ دی
 علل ناکارآمدی حکومت پهلوی و نارضایتی مردم از شاه
 بازنمایی روایت فرح از فرار شاه
 بررسی سرنوشت شاه و فرح پهلوی بعد از فرار شاه از ایران
 دلایل محروم ماندن شاه از حمایت‌های کشورها و دولت‌های حامی خود
 دلایل ناموفق بودن بختیار در خاموش کردن موج انقلاب اسلامی
 مروری بر سیاست کشورهای پذیرنده محمدرضا پهلوی بعد از سقوط و فرار وی از ایران
 فرار شاه و درس‌های آموزنده از بدعهدی کشورهای هم‌پیمان او
 بازخوانی سخنان امام خمینی علیه السلام درباره فرار شاه
 مروری بر مفاسد و جنایات دوران پهلوی از منظر مقام معظم رهبری
 تأثیر فرار شاه بر گسترش نهضت اسلامی
 پیام امام خمینی علیه السلام به مناسبت فرار محمدرضا پهلوی از ایران
 نقش مردم و رهبری امام خمینی علیه السلام در عدم بازگشت شاه به کشور در جریان فرار او از ایران

- ثروت‌های بادآورده اقوام هزار فامیل را در برابر نان خشک و حلبی‌آبادهای مردم محروم به تصویر می‌کشید.
- تارهای عنکبوتی تمجید و تحسین چاپلوسان و دورویان درباری، چنان دور تا دور هویت پوشالی او را فرا گرفته بود که می‌اندیشید به‌راستی تاجدار ملک و ملکوت است و همه زمین و زمان، زیر چکمه‌های پوسیده قدرت وابسته به شرق و غرب او سر خم کرده است!
- وقتی می‌گریخت، فرصت نکرد جام‌های بلورین سرمستی از قدرت و شوکتش را خالی نماید و میز مذاکرات مخفیانه‌اش با اجانب را سر به نیست کند.
- وقتی می‌گریخت، کوه عظمت و شوکت دوهزار و پانصد ساله شاهنشاهی، پشت سرش «كَالْعِهْنِ الْمُنْفُوشِ» شد و از شن‌ریزه‌های آن هیبت خیالی نیز زیر سیل هوشیاری و حرکت همگام ملت مسلمان، اثری جز فسیل‌های عبرت باقی نماند.
- هان! ای دل عبرت‌بین! از دیده عبر کن هان! ایوان مدائن را آینه عبرت دان!
- **محورهای برنامه‌سازی**

- فرار شاه از ایران در نگاه رسانه‌ها
- تبیین عوامل و چگونگی فرار شاه

۲ بهمن - ولادت امام نهم حضرت جواد علیه السلام

در سایر فضایل و کمالات انسانی در حدّ اعلا بود، ولی با توجه به سنّ کمش مراتب علمی و کمالات ذاتی او بر اکثر افراد، حتی شیعیان مخفی بود. تعدادی از شیعیان به دلیل کمی سنّ آن حضرت در ارتباط با او دچار شک و تردید شدند. طبعاً برای کسب علوم، افراد کمتری به آن حضرت مراجعه می‌کردند. به همین دلیل کمتر مورد توجه دانشمندان قرار گرفت، اما مراتب علمی و فضایل انسانی او به تدریج آشکارتر شد و روزبه‌روز بر تعداد ارادتمندان و علاقه‌مندانش اضافه گردید.

وضع سیاسی دوران امام

جواد علیه السلام

دوران امامت امام جواد علیه السلام هفده سال به طول انجامید و همزمان با خلافت مأمون و معتصم عباسی بود. مأمون پس از ورود به بغداد در سال ۲۰۴ هجری، بیت‌الحکمه و رصدخانه شماسیه بغداد را بنیان گذاشت. وی برای بیت‌الحکمه، کتابخانه‌ای عظیم تأسیس کرد و هیئتی از مترجمان دربار عباسی را به مراکز علمی تحت تصرف بیزانس فرستاد تا کتاب‌های ریاضی،

نام: محمد علیه السلام

القاب معروف: جواد، تقی علیه السلام

کنیه: ابوجعفر علیه السلام

پدر و مادر: حضرت رضا علیه السلام و

خیزران علیه السلام

زمان و محل تولد: ۱۰ رجب ۱۹۵ق/

مدینه

زمان و محل شهادت: آخر ذیقعدہ ۲۲۰ق در ۲۵ سالگی. بر اثر زهری که امّ‌فضل (دختر مأمون) به دستور معتصم عباسی به او داد، در بغداد به شهادت رسید.

مرقد: کاظمین، نزدیک بغداد.

دوران زندگی: در دو بخش:

۱. هفت سال قبل از امامت؛ ۲. دوران امامت (۱۷ سال)، مصادف با حکومت دو طاغوت، مأمون و معتصم (هفتمین و هشتمین خلیفه عباسی).

امام جواد علیه السلام در سن هفت سالگی به امامت رسید و در ۲۵ سالگی شهید شد. بنابراین او در خردسالگی به امامت رسید و جوان‌ترین امام است که شهید گردید (منتظر القائم، ۱۳۹۷، ص ۲۲۴). گرچه ایشان در سن کم، از علوم دینی به مقدار کافی برخوردار و

فلسفی و طبی را با خود به بغداد آوردند (ابن ندیم، ۱۳۹۴، ص ۴۴۴). سپس مأمون مترجمان را واداشت تا کتاب‌های جمع‌آوری شده ایرانی یونانی و هندی را ترجمه کنند. بیت‌الحکمه، وارث مراکز علمی جندی شاپور و اسکندریه شد. مأمون به گفت‌وگوی علمی با مذاهب و نحله‌ها و ادیان گوناگون علاقه نشان می‌داد و مجالس مناظره تشکیل می‌داد تا رؤسای این گروه‌ها همچون زمان امام رضا علیه السلام در مرو، به بحث و استدلال بپردازند.

مأمون به معتزله گرایش داشت و عقیده آنان درباره خلق قرآن را نپذیرفته بود، ولی محدثان بغداد به‌ویژه احمدبن حنبل و پیروانش به شدت با این دیدگاه معتزله مخالفت می‌کردند و آن را بدعت می‌دانستند. عباسیان بر آنان سخت گرفتند و حتی احمدبن حنبل را به تازیانه بستند و به زندان انداختند (مسعودی، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۵۲). در بغداد کار به شورش کشید و حنبله این ایام را «دوره محنه» نامیدند.

همچنین مأمون در سال ۲۱۲ ق قائل به تفضیل علی علیه السلام شد و گفت: «آن حضرت برترین مردم پس از رسول‌الله صلی الله علیه و آله است.» (طبری، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۱۸۸)

مأمون به سال ۲۱۵ هجری به سرزمین بیزانس لشکر کشید و از امپراتور روم شرقی تقاضای صلح کرد. مأمون سرانجام در سال ۲۱۸ هجری درگذشت و برادرش معتصم جانشین وی گردید. وی که به ایرانیان و اعراب و شیعیان بی‌اعتماد شده بود به استخدام ترکان متعصب پرداخت و از آنان، لشکریان منظم ترتیب داد. مردم بغداد از دست بی‌نظمی ترکان به ستوه آمدند و معتصم ناگزیر به تأسیس شهر سامرا در سال ۲۲۰ ق شد و پایتخت را به آن شهر منتقل کرد. (یعقوبی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۴۷۳)

در این ایام نهضت کلامی معتزله بسیار نیرومند شد و چالش‌های فکری خطرناکی برای شیعه به‌وجود آورد و خردسالی امام جواد علیه السلام دستاویزی برای آنان، جهت حمله به مبانی عقیدتی شیعه فراهم آورد. به‌ویژه این مسئله در محیط عربی تأثیر بزرگی برای هجوم به اصل امامت شیعه فراهم می‌آورد. امام محمدتقی علیه السلام که مرجعیت علمی جامعه خود را بر عهده داشت در پاسخ آنان با بیانی مستدل به خنثی‌سازی توطئه آنان می‌پرداخت و هرگاه فرصت به‌دست می‌آورد، سؤالات بسیار شیعیانش را در این باره پاسخ می‌داد، درحالی‌که هنوز بیش از

این تشبیه از آن روست که چون آرامش و قرار جسمی انسان، با تکیه بر بالش است، مؤمن در رسیدن به آرامش روحی نیز، نیاز به تکیه‌گاهی چون صبر دارد.

وقتی از رسول خدا ﷺ می‌پرسند: ایمان چیست؟ ایشان می‌فرماید: «الصَّبْرُ». (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹، ص ۲۹۵۸)

امیرالمؤمنین ﷺ هم راه رسیدن به لقای الهی را صبر می‌داند؛ آنجاکه می‌فرماید: «مَنْ صَبَرَ عَلَيَّ اللَّهُ وَصَلَ إِلَيْهِ؛ هرکه برای (وصال به) خدا صبر کند، به او می‌رسد». (مجلسی، ۱۳۸۷، ج ۷۱، ص ۹۰)

پس حقیقت آن است که صبر با هر نوعش (صبر بر گناه و معصیت یا صبر بر مصیبت) بهترین بستری است که می‌تواند خاستگاه رشد جوانه‌های ایمان باشد.

۲. فقر

از اموری که باعث تضییع عزت برخی مؤمنان ضعیف‌الایمان می‌شود و یا در سلوک اخلاقی آنها خلل ایجاد کند، فقر و مشکلات مادی است.

با توجه به آن است که امام همام ﷺ فرمود: «اعْتَنِقِ الْفَقْرَ؛ (ای مؤمن!) فقر را در آغوش بگیر.»

ده سال نداشت (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۴۵۶). بدین سان بر بنیه علمی و فکری یارانش می‌افزود و اندیشه و معرفت دینی آنان را ترقی می‌داد.

وصیت اخلاقی امام جواد ﷺ

«قَالَ لِلْجَوَادِ ﷺ رَجُلٌ: أَوْصِنِي قَالَ ﷺ وَتَقَبَّلْ؟ قَالَ: نَعَمْ قَالَ ﷺ؛ تَوَسَّدِ الصَّبْرَ وَاعْتَنِقِ الْفَقْرَ وَارْضُ الشَّهَوَاتِ وَخَالِفِ الْهَوَىٰ وَاعْلَمْ أَنَّكَ لَنْ تَحْلُوَ مِنْ عَيْنِ اللَّهِ فَانظُرْ كَيْفَ تَكُونُ؛ مردی به حضرت جواد ﷺ عرض کرد: مرا سفارشی بفرمایید. امام ﷺ فرمود: می‌پذیری؟ گفت: آری. فرمود: تکیه بر صبر کن و به فقرا درآویز و شهوات را رها کن و مخالفت با هوای نفس نما و بدان که تو از دید خداوند مخفی نیستی، دقت کن چگونه باید باشی». (مجلسی، ۱۳۸۷، ج ۷۵، ص ۳۵۸)

در این کلام نورانی، پنج اصل اخلاقی مطرح شده است:

۱. صبر

لحظه‌لحظه سلوک اخلاقی مؤمن، در بستر صبر شکل می‌گیرد؛ به طوری که وی به هر اندازه از مقام صبر دور باشد، افعال وی نیز ناقص‌تر می‌گردد. از این رو امام جواد ﷺ فرمود: «تَوَسَّدِ الصَّبْرَ؛ صبر را بالش خود قرار بده.»

به بیان دیگر اگر فقر و تنگدستی، تحمل شود؛ اولاً، عزتمندی مؤمن را به همراه دارد و ثانیاً، مانع رشد اخلاقی و تکامل سالک نمی‌شود.

بر اساس حکمت و معارف توحیدی برخاسته از مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام)، این بند از روایت را به مفهوم دیگری نیز می‌توان تفسیر نمود؛ و آن اینکه انسان سالک *إلى الله*، «فقیر بالذات» است، در مقابل خداوند متعال که «غنی بالذات» است؛ و براین اساس، خود را نیازمند و محتاج دانسته و بسیاری از خودسری‌ها و خودبینی‌های او از بین می‌رود.

بیان نورانی امام الموحّدین حضرت علی (علیه‌السلام) در مسجد کوفه بیانگر همین مطلب است که می‌فرماید: «مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ! أَنْتَ الْغَنِيُّ وَ أَنَا الْفَقِيرُ وَ هَلْ يَرَحُمُ الْفَقِيرَ إِلَّا الْغَنِيُّ؛ مولای من، ای مولای من! تو بی‌نیازی و من فقیرم و آیا ترحم می‌کند بر فقیر به جز کسی که بی‌نیاز است». (قمی، ۱۳۹۷، ص ۷۰۷)

۳. دوری از شهوت

یکی از اصول مهم در راه کسب اخلاقیات، عدم دخالت شهوات در افعال و کردار فرد است؛ زیرا

خواسته‌های شهوانی، رنگ‌وبوی منیّت و انانیّت دارد و انسان را از کسب معارف حقّه الهی دور می‌سازد؛ حال آنکه امنیت مؤمن، قدم‌نهادن در حریم الهی است؛ بنابراین امام جواد (علیه‌السلام) در ادامه وصیت خویش فرمود: «أَزْفَضِ الشَّهَوَاتِ؛ شهوات را به دور انداز و رها کن»؛ یعنی محور و اساس فعالیت‌های مؤمن، خواسته‌های الهی است، نه امیال نفسانی.

۴. مخالفت با هوای نفس

سخت‌ترین وادی، در مسیر کسب فضایل اخلاقی، مخالفت و مبارزه با هوای نفس است. اهمیت این مسئله به اندازه‌ای است که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: «أَعْدَى عَدُوِّكَ نَفْسَكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ؛ دشمن‌ترین دشمنانت، نفس تو است که در بین دو پهلوی تو قرار دارد». (مجلسی، ۱۳۸۷، ج ۶۸، ص ۶۴)

یکی دیگر از اصولی که امام جواد (علیه‌السلام) در وصیت اخلاقی خویش بیان کرد، این کلام نورانی است: «خَالِفِ الْهُوَى؛ با هوای نفس مخالفت کن». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸، ص ۳۵۸)

از آن غافل شد، دقت در این موضوع است که بداند، همیشه در محضر الهی به سر می برد و در منظر و مرثای اوست.

امام جواد علیه السلام فرمود: «اعْلَمُ أَنَّكَ لَنْ تَخْلُوَ مِنْ عَيْنِ اللَّهِ فَإِنْ ظُرَّ كَيْفَ تَكُونُ؛ بدان که در برابر دیدۀ خدایی و متوجه باش که چگونه ای.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸، ص ۳۵۸)

گفتار نورانی ای که از حضرت امام خمینی علیه السلام به یادگار مانده است نیز، احتمالاً برداشتی از این روایت امام جواد علیه السلام است که فرمود: «عالم محضر خداست، در محضر خدا معصیت نکنید.»

(<http://www.imamkhomeini.ir/fa/n150107>)

براین اساس می توان نتیجه گرفت که یکی از عوامل گناه، می تواند غفلت از حضور در محضر الهی باشد.

سالک باید از دستوری که اهل سلوک، از آن با عنوان «مراقبه» یاد می کنند و آن را مایه سعادت و رکن عمده سیر و سلوک می خوانند، کمک بگیرد و در هر لحظه و در هر جایی و در هر حالی که هست، همواره خود را در محضر الهی بداند تا بدین ترتیب

رسول الله صلی الله علیه و آله در کلام دیگری، از مبارزه با نفس، به عنوان برترین جهاد یاد می کند و می فرماید: «أَفْضَلُ الْجِهَادِ أَنْ تُجَاهِدَ نَفْسَكَ وَ هَوَاكَ فِي ذَاتِ اللَّهِ تَعَالَى؛ برترین جهاد این است که به خاطر خدای تعالی با نفس و هوای نفسانیات مبارزه کنی.» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۸۵۴) به تعبیر دیگر، باید اولین کار و آخرین کار مؤمن، جهاد با نفس باشد.

امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: «أَوَّلُ مَا تَنْكِرُونَ مِنَ الْجِهَادِ، جِهَادُ أَنْفُسِكُمْ آخِرَ مَا تَفْقِدُونَ مُجَاهَدَةَ أَهْوَائِكُمْ وَ طَاعَةَ أَوْلَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ؛ نخستین جهادی که آن را ناخوش می دارید، جهاد با نفس هایتان و آخرین چیزی که گم می کنید، مبارزه با خواهش هایتان و اطاعت از اولی الامر تان است.» (همان، ج ۲، ص ۸۵۰-۸۵۱)

پس مخالفت با هوای نفس و صد البته رها کردن شهوات، راه را برای وصال و لقای الهی هموار می سازد.

۵. حضور در محضر الهی

آنچه بیشتر از همه برای سالک اهمیت دارد و در تمامی لحظات نباید

4. غفلت را که زمینه‌ساز گناهان و تخلفات است، از وجود خویش دور سازد.
- امام صادق علیه السلام به اسحاق بن عمار فرمود: «يَا إِسْحَاقُ خِفِ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ وَ إِنْ كُنْتَ لَا تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ فَإِنْ كُنْتَ تَرَى أَنَّهُ لَا يَرَاكَ فَقَدْ كَفَرْتَ وَ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهُ يَرَاكَ ثُمَّ بَرَزْتَ لَهُ بِالْمَعْصِيَةِ فَقَدْ جَعَلْتَهُ مِنْ أَهْوَنِ النَّاطِرِينَ عَلَيْكَ؛ ای اسحاق! به‌گونه‌ای از خدا بترس که گویا او را می‌بینی؛ هرچند تو او را نمی‌بینی، ولی او تو را می‌بیند، و اگر معتقد باشی که او تو را نمی‌بیند، بی‌شک به او کفر ورزیده‌ای، و اگر بدانی که او تو را می‌بیند و آنگاه در حضور او معصیت کنی، بی‌تردید او را از بی‌ارزش‌ترین بینندگان قرار داده‌ای.» (حسن‌زاده آملی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۵)
- منابع**
1. ابن‌ندیم، محمدبن اسحاق (۱۳۹۴)، *الفهرست*، تهران: دنیای کتاب.
2. طبری، محمدبن جریر (۱۳۸۷)، *تاریخ طبری*، بیروت: دارالتراث.
3. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۷۵)، *اصول کافی*، ترجمه: محمدباقر کمره‌ای، قم: اسوه.
4. قمی، شیخ عباس (۱۳۹۷)، *مفاتیح الجنان*، اعمال مسجد بزرگ کوفه، مناجات حضرت امیرالمؤمنین، مشهد: آستان قدس رضوی.
5. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۷)، *بحارالانوار*، بیروت: دارالتراث.
6. ----- (۱۴۰۳ق)، *بحارالانوار*، بیروت: موسسه الوفاء.
7. مسعودی، ابوالحسن علی‌بن حسین (۱۳۸۵ق)، *مروج الذهب*، بیروت: دارالاندلس.
8. منتظر القائم، اصغر (۱۳۹۷)، *تاریخ امامت*، قم: دفتر نشر معارف (وابسته به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری).
9. یعقوبی، احمدبن اسحاق (۱۴۱۵ق)، *تاریخ یعقوبی*، بیروت: دار صادر.
10. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۷۹)، *میزان الحکمه*، ترجمه: حمیدرضا شیخی، تهران: دارالحديث.
11. حسن‌زاده آملی، حسن (بی‌تا)، *اصول کافی کلینی*، تهران: کتاب‌فروشی علمیه اسلامیه.
12. www.imam-khomeini.ir

شعر

قرص قمر دارد رضا

بر زبان شکر خدای دادگر دارد رضا
در حریمش جشن میلاد پسر دارد رضا
نور چشمانش محمد را به بر دارد رضا
زین پسر پیغام تبریک از پدر دارد رضا
تهنیت از حضرت خیرالبشر دارد رضا ..

محمد خسرو نژاد

خیزید که میلاد تجلیگه نور است
از پا ننشینید شب صبح ظهور است
یا باز، محمد به جهان آمده امشب؟
بر آل محمد شب میلاد، مبارک
میلاد جواد بن رضا باد، مبارک
قرآن به روی دست رضا باز شد امشب

غلامرضا سازگار

امشب همه جا صحبت یار است دگر هیچ
صحبت ز سر زلف نگار است دگر هیچ
پایان شب تیره و تار است دگر هیچ
نامش همه جا ذکر و شعار است دگر هیچ
دارا شده هرکس که ندار است دگر هیچ

ناصر شهر یاری

محمد هم که باشی باز دلبنده رضا هستی
که بابای علی هستی و فرزند رضا هستی
بگوید یا رضا از بس همانند رضا هستی
به محشر هم گمانم ذکر سربند رضا هستی

در بغل امشب یکی قرص قمر دارد رضا
بارگاه زاده موسی چراغان می شود
اقتران مهر و مه گردیده امشب، یا مگر
بر امام هشتمین حق کرده فرزندی عطا
آمد آن یکتا دُر عصمت که بر میلاد او

میلاد تجلیگه نور

خیزید که امشب شب شادی و سرور است
هر لحظه هزاران شب شوق و شب شور است
رخسار خداوند، عیان آمده امشب
این موهبت و لطف خداداد، مبارک
این عید بود بر همه اعیاد، مبارک
جود و کرم و لطف حق آغاز شد امشب

صحبت یار

امشب همه جا حرف نگار است، دگر هیچ
در محفل اهل سحر و اهل مناجات
تأییده به عالم رخ چون بدر محمد
امشب همه جا صحبت جود است و جواد است
از یمن عطا و کرم و جود و سخایش

دلبنده رضا

همین که حاصل یک عمر لپخند رضا هستی
میان بهترین‌هایی چه تفضیلی از این برتر
به مشهد که بجای خود دلم در کاظمینت هم
قسم خوردن به نامت می دهد حاجت به قدری که

خدای خواست تا معنای بخشیدن عیان گردد
 رضا که صاحب فرزند می شد آخرش، اما؛
 پسرگشتن از این سو و امام شیعه از آن سو
 حکایتها فراوان است از هر لحظه این طفل
 علی هر چند فرزند محمد بود، این دفعه
 در این ولی اگر سودی ست با درویش خرسند است
 پدر با داغ فرزندش، پدر با داغ دلبندهش
 شب میلاد فرزندش همین که تشنه لب باشد

جواد آمد که این معنا برای ما روان گردد
 خدای خواست تا این فیض، سهم خیزان گردد
 جواد آمد که این گردد جواد آمد که آن گردد
 چنان که صد گلستان ضرب در صد بوستان گردد
 محمد از علی آمد که فخر شیعیان گردد
 تجارت جز در این خانه سودش هم زیان گردد
 ولی اینجا پسر با داغ بابا امتحان گردد
 گمانم «خیزان» هم اشک ریز خیزان گردد

مه‌دی رحیمی

معرفی کتاب

دریای سخاوت

پدیدآورنده: اداره کل پژوهش‌های
 اسلامی رسانه

ناشر: مرکز پژوهش‌های اسلامی
 صداوسیما جمهوری اسلامی ایران
 نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۴

مباحث کتاب دریای سخاوت
 مشتمل بر شش فصل اصلی:
 شخصیت‌شناسی، سیره‌شناسی،
 اندیشه‌شناسی، متون ادبی، ایده‌ها و
 موضوعات برنامه‌سازی و منبع‌شناسی
 است.

در فصل اول کتاب مطالبی در زمینه
 امامت، ازدواج، اوضاع فرهنگی عصر

امام جواد علیه السلام، اوضاع سیاسی زمان امام
 جواد علیه السلام، اوضاع اقتصادی عصر امام
 جواد علیه السلام، یاران امام جواد علیه السلام و امام
 جواد علیه السلام در نگاه بزرگان و اندیشمندان
 مطرح شده است.

سیره فردی، اجتماعی، علمی و
 سیاسی در بخش سیره‌شناسی تبیین
 شده و نردبان ترقی، چسبیدن به خدا،
 پرهیز از رفاقت با آدم بد، سه ویژگی
 برای رشد، نامه‌ای از امام جواد علیه السلام به
 ما، «امام جوان؛ الگوی جوان»،
 کلماتی دیگر از جوادالائمه، و پیامبر
 اکرم صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام از منظر امام
 جواد علیه السلام از عناوین دیگر مباحث این
 کتاب است.

آموزه‌های راهبردی امام جواد علیه السلام پیرامون مسئله ازدواج، آموزه‌های امام جواد علیه السلام درباره همنشینی و رفاقت، معرفی ویژگی‌های شخصیتی امام جواد علیه السلام برای کودکان و مروری بر کودکی امام جواد علیه السلام از مباحث دیگر مطرح‌شده در بخش ایده‌ها و موضوعات است.

تبیین ارزش علم برای انسان با توجه به مقام و منزلت علمی امام جواد علیه السلام، امامت امام جواد علیه السلام در دوره کودکی، ویژگی‌های فردی دوران نوجوانی امام جواد علیه السلام، نقش بخشندگی در دوستی، نقش علم و دانش در پیشرفت و آموزه‌های اخلاقی امام جواد علیه السلام برای کودکان را می‌توان از موضوعات دیگر برشمرد.

سیره امام جواد علیه السلام در معاشرت، سیره تربیتی امام جواد علیه السلام، شروط ازدواج از نظر امام جواد علیه السلام، مؤلفه‌های سبک زندگی جواد الائمه علیهم السلام، امام جواد علیه السلام و تربیت اسلامی، بررسی نقش سخاوت و بخشش در سلامت روانی خانواده، بررسی نقش شیوه‌های تربیتی والدین در گرایش نوجوانان و جوانان به بخشندگی، بررسی راهکارهای درمان بخل در زندگی، راهکارهای تربیت کودک سخاوتمند و مصادیق سخاوت در زندگی زناشویی و راهکار تقویت آن در فصول دیگر این کتاب مطرح شده است.

امام جواد علیه السلام الگوی دانشمندان جوان، جلوه‌هایی از علم گسترده امام، رهنمودهای امام جواد علیه السلام به جوانان،

۵ بهمن - ولادت حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام

نخستین کسی بودم که به دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پاسخ گفتم و جز رسول خدا صلی الله علیه و آله کسی بر من در نماز پیشی نگرفت». (نهج البلاغه، ۱۳۶۸، ص ۴۰۷)

نقل است در جریان دعوت خویشان، علی علیه السلام تنها کسی بود که به خواست رسول الله صلی الله علیه و آله لیبیک گفت. آنگاه حضرت خطاب به بستگان خود با اشاره به علی علیه السلام فرمود: «این (علی) برادر و وصی و جانشین من در میان شماست. سخنش را بشنوید و از او پیروی کنید». (طبری، بی تا، ج ۲، ص ۳۲۰)

امیرمؤمنان علی علیه السلام در طول ۲۳ سال دوران رسالت، همواره همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله بود: در شعب ابی طالب، در ليله المیبت، در تمامی جنگ‌های سرنوشت‌ساز اسلام و رسول خدا صلی الله علیه و آله پیش از رحلت به دستور خداوند متعال پس از حجه الوداع در محل غدیر خم با معرفی حضرت علی علیه السلام به جانشینی خود، نعمت الهی رسالت را تمام کرده، دین اسلام را کمال بخشیدند....

حضرت علی علیه السلام در روز سیزدهم رجب، حدود ۲۳ سال قبل از هجرت و سی سال پس از واقعه عام‌الفیل درون کعبه متولد شد. (شیخ مفید، ۱۳۷۶، ص ۸)

پدر بزرگوارش حضرت ابوطالب علیه السلام و مادر عزیزش فاطمه بنت اسد است. علی علیه السلام از هشت سالگی تحت سرپرستی و تربیت مستقیم رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار گرفت تا بتواند از عهده مسئولیتی که ادامه رسالت بود به‌خوبی برآید.

نام مبارک آن حضرت، علی و کنیه‌های وی: ابوالحسن، ابوالحسین، ابوالحسنین، ابوالسبّین، ابوالائمّه و ابوتراب و... است.

برای آن حضرت القابی ذکر شده است که از جمله آنهاست: امیرالمؤمنین، سیدالاصیاء، خلیفه رسول الله، حیدر، مرتضی، امام المتقین، یعسوب‌الدین و... .

حضرت علی علیه السلام طبق متقن‌ترین نصوص تاریخی و روایی، اولین مؤمن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود. آن حضرت در این باره می‌فرماید: «من

برجسته‌ها و پسرعمه‌های پیامبر ﷺ و نزدیک به آن حضرت بود. حتی بعد از دوران پیامبر ﷺ هم جزء کسانی بود که برای دفاع از امیرالمؤمنین ﷺ به سقیفه اعتراض کرد. بله «حکم مستوری و مستی همه بر عاقبت است.» گاهی اوقات، دنیاطلبی، اوضاع گوناگون و جلوه‌های دنیا آنچنان اثرهایی می‌گذارد، آنچنان تغییرهایی در برخی از شخصیت‌ها به‌وجود می‌آورد که انسان نسبت به خواص هم گاهی اوقات دچار اشکال می‌شود، چه برسد برای مردم عامی، آن روز واقعاً سخت بود، آنهایی که دور و بر امیرالمؤمنین ﷺ بودند و ایستادند و جنگیدند، خیلی بصیرت به خرج دادند.

خود حضرت ﷺ فرمود: «لا یحمل هذا العلمُ الاَّ الهُ البصیرُ و البصیرُ؛ این راه را کسی حمل نمی‌کند و نمی‌پوید مگر اهل بصیرت و صبر و بردباری باشد.» با اینکه خوارج نهروان در داخل سپاه خود آن حضرت ﷺ بودند و خیلی از آنها اگر آینده‌شان را گزارش می‌دادی و اخبار می‌کردی، برمی‌آشفتم و حاضر بودم به دست

دشمنان داخلی، مشکل ساختاری حکومت علی ﷺ

ناکثین و خوارج نهروان، دو مشکل عمده و مهم و دردآور حکومت علی ﷺ بودند... در زمان رسول خدا ﷺ صفوف مشخص وجود داشت، صف ایمان، صف کفر و صف منافقین. آیات قرآن دائم افراد را از منافقین برحذر می‌داشت، انگشت اشاره را به‌سوی آنها دراز می‌کرد. مؤمنین را در مقابل آنها تقویت و روحیه دشمنان را تضعیف می‌کرد؛ یعنی در نظام اسلامی، در زمان پیامبر اکرم ﷺ همه چیز آشکار بود، صفوف مشخص در مقابل هم بودند، یک نفر طرفدار کفر و طاغوت و جاهلیت بود، یک نفر هم طرفدار ایمان و اسلام و توحید و معنویت. البته آنجا هم همه‌گونه مردمی بودند، آن زمان هم همه‌گونه آدمی بود، لیکن صفوف مشخص بود. در زمان امیرالمؤمنین ﷺ اشکال کار این بود که صفوف مشخص نبود، برای خاطر اینکه ناکثین، چهره‌های موجهی بودند، هرکس در مقابله با شخصیتی مثل خباب زبیر یا خباب طلحه دچار تردید می‌شد. این زبیر کسی بود که در زمان پیامبر ﷺ جزء شخصیت‌ها و

لکن مظلوم بود، اما در عین حال در کلیت تاریخی، حرکتی پیروز بود، توانست همچون مشعلی فروزان بر فرار تاریخ باشد، البته خون دل‌ها و رنج‌های علی (ع) دل سنگ را به درد می‌آورد و در حقیقت حوادث و ماجرای تلخ تاریخ‌اند. (نوایی، ۱۳۸۹، ص ۸۰-۸۲)

سخنانی از حضرت علی (ع)

هرگاه دیده بصیرت کور باشد نگاه چشم سودی ندهد. (محمدری شهری، ۱۳۸۳، ش ۱۷۳۰)

هرکس بصیرت و بینش را از دست داد رأی و نظرش هم بی‌ارزش و نادرست می‌شود. (همان، ش ۱۷۳۱)

هرکس باطل را یاری کند به حق ستم کرده است. (همان، ش ۱۷۴۸)

منفورت‌ترین بندگان نزد خداوند سبحان، دانشمند مغرور و متکبر است. (همان، ش ۱۷۸۴)

کسی که شمشیر سرکشی و تجاوز برکشد خود به وسیله آن کشته شود. (همان، ش ۱۷۹۹)

در هنگام هر سختی و مشکلی بگو: لا حول ولا قوة الا بالله العلیّ العظيم. (همان، ش ۱۹۸۵)

کسی که به خاطر دنیا به دین عمل کند کيفرش نزد خدا دوزخ است. (همان، ش ۲۱۰۱)

امیرالمؤمنین (ع) کشته شود و چنان روزی نیاید، اما در عین حال، آن روز شد و آنها در مقابل امیرالمؤمنین (ع) صف‌آرایی کردند.

عظمت یاران حضرت علی (ع)

از نکاتی که یاد شد، به عظمت یاران علی (ع) پی می‌بریم؛ یعنی به‌خوبی درک می‌کنیم آنهایی که با علی (ع) بودند، حقیقتاً آدم‌های صاحب بصیرت و روشن‌بینی بودند، جبهه خود علی (ع) بسیار قوی‌الایمان بودند؛ مثل عمار، یاسر، مالک اشتر، محمدبن ابی‌بکر، میثم تمار، حجر بن عدی، شخصیت‌های مؤمن بصیر و آگاهی که در هدایت افکار مردم، چه نقش بزرگی داشتند اینها از بس که عظمت داشتند، می‌توانیم بگوییم یکی از شاهکارهای علی (ع) هم محسوب می‌شوند که چنین افراد قوی و با بصیرتی جذب آن حضرت شده‌اند.

اینها از بس که در دفاع از علی (ع) مایه گذاشتند و صداقت داشتند، جبهه دشمن هم علیه همین‌ها همه هجمه‌ها و تهاجم‌های خود را قرار داده بود. عمده تهاجم‌های دشمنان امیرمؤمنان (ع) متوجه همین‌ها بود. ... حکومت علی (ع) حکومتی مقتدر،

منابع

۱. فیض الاسلام، علی نقی (۱۳۶۸)، *نهج البلاغه*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات فقیه.
 ۲. نوایی، علی اکبر (۱۳۸۹)، *«استراتژی و دوره‌های تاریخی امامت از منظر مقام معظم رهبری»*، تهیه و تدوین اندیشه حوزه (نشریه تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی)، مشهد: انتشارات قدس رضوی.
 ۳. شیخ مفید، محمد بن محمد (۱۳۷۶)، *الارشاد*، ترجمه و شرح: محمدباقر ساعدی خراسانی، تهران: اسلامیه.
 ۴. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۳)، *میزان الحکمه*، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم: دارالحدیث.
 ۵. طبری، محمد بن جریر (بی‌تا)، *تاریخ طبری*، مصر: دارالمعارف.
- بررسی جایگاه علم از منظر امام علی علیه السلام
 - بررسی دانش علی علیه السلام از دیدگاه دیگر صحابه
- توبه دل‌ها را پاک کرده گناهان را از بین می‌برد. (همان، ش ۲۱۱۵)
- پیروزی با دوراندیشی به دست می‌آید و دوراندیشی با تجربه. (همان، ش ۲۳۰۵)
- خردمند کسی است که تجربه‌ها او را پند دهد. (همان، ش ۲۳۱۲)
- همنشین خوب نعمت و همنشین بد بلا و مصیبت است. (همان، ش ۲۴۰۱)
- بهترین دینداری، دوستی برای خدا و دشمنی ورزیدن برای خداست. (همان، ش ۳۱۸۳)
- هرگاه خداوند بنده‌ای را گرامی بدارد، دل او را به محبت خود مشغول سازد. (همان، ش ۳۱۴۷)
- محبوب‌ترین کارهای روی زمین نزد خداوند دعاست. (همان، ش ۳۱۳۱)
- بسا سخنی که پاسخ آن سکوت است. (همان، ش ۱۴۸۷)
- چه بسیار سکوتی که گویاتر و رساتر از سخن گفتن است. (همان، ش ۲۹۵۹)
- بریدن از نادان برابر است با رابطه برقرارکردن با خردمند. (همان، ش ۲۸۷۷)
- فرمان بردن از نادان نشانه نادانی امت است. (همان، ش ۲۸۳۷)
- هرکس جوینده چیزی باشد به آن یا بخشی از آن می‌رسد. (همان، ش ۲۷۸۹)

- وظایف دانشمندان، دانشجویان و برتری دانش از دیدگاه علی علیه السلام
- مؤمنان دانشمند و دانشمندان مؤمن از دیدگاه علی علیه السلام
- نگرشی بر قاطعیت سیاسی و علمی امام علی علیه السلام
- فعالیت‌های فرهنگی امام علی علیه السلام در دوران ۲۵ ساله پس از پیامبر صلی الله علیه و آله
- بررسی دیدگاه مستشرقان درباره امام علی علیه السلام
- سیره عملی امام علی علیه السلام در ۲۵ سال سکوت
- بررسی ویژگی‌های اخلاقی امام علی علیه السلام در خانواده
- بررسی رفتار و اخلاق حضرت علی علیه السلام با فرزندان
- بررسی شرایط انتخاب همسر از دیدگاه امیرالمؤمنین علیه السلام
- بررسی مهم‌ترین ملاک‌های گزینش همسر از منظر امام علی علیه السلام
- بررسی شخصیت و ابعاد وجودی زن از دیدگاه امام علی علیه السلام
- تربیت صحیح فرزندان از منظر امام علی علیه السلام
- بررسی سیره امام علی علیه السلام در معاشرت
- مروری بر سیره تربیتی امام علی علیه السلام
- مؤلفه‌های سبک زندگی امام علی علیه السلام
- راهبردهای امام علی علیه السلام در تربیت فرزندان
- حضرت علی علیه السلام الگوی مصرف و ساده‌زیستی
- سیره امام علی علیه السلام در معاشرت با فقیران
- جایگاه امام علی علیه السلام نزد علمای اهل سنت
- بررسی مبانی اخلاق اجتماعی در نهج البلاغه
- بررسی ارزش‌های اخلاقی جامعه در نهج البلاغه
- جایگاه اعتدال و میانه‌روی در روابط اجتماعی از منظر امام علی علیه السلام
- جایگاه انفاق و دستگیری در روابط اجتماعی از منظر امام علی علیه السلام

معرفی کتاب

۱. **نگین کعبه** (بسته مناسبی ویژه امام علی علیه السلام)

تنظیم و تدوین: دفتر پژوهش‌های کاربردی - گروه انقلاب اسلامی، تاریخ و مناسبت‌ها
ناشر: مرکز پژوهش و سنجش افکار، اداره کل پژوهش‌های اسلامی رسانه
نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۵
تعداد صفحات: ۳۰۰
مقدمه

بخش اول: شخصیت‌شناسی (در این بخش مطالبی در یازده فصل آمده است):

فصل اول، زندگانی حضرت علی علیه السلام در یک نگاه؛ فصل دوم، خاندان علی علیه السلام؛ فصل سوم، ولادت حضرت علی علیه السلام؛ فصل چهارم، القاب و کنیه‌های حضرت علی علیه السلام؛ فصل پنجم، علی علیه السلام در آینه قرآن؛ فصل ششم، علی علیه السلام در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله؛ فصل هفتم، علی علیه السلام در لسان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله؛ فصل هشتم، امیرمؤمنان علیه السلام از دید محصومان علیهم السلام؛ فصل نهم، امیرمؤمنان علیه السلام از دید بزرگان؛ فصل دهم، ازدواج علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام؛ فصل یازدهم، شهادت حضرت علی علیه السلام

بخش دوم: سیره‌شناسی:

فصل اول، سیره فردی و خانوادگی؛ فصل دوم، سیره اقتصادی؛ فصل سوم، سیره سیاسی
بخش سوم: اندیشه‌شناسی:
فصل اول، سیاست‌ها و اندیشه‌های اقتصادی امام علی علیه السلام؛ فصل دوم، سیاست‌ها و اندیشه‌های اجتماعی و فرهنگی امیرمؤمنان علی علیه السلام؛ فصل سوم، ویژگی‌های حاکم اسلامی از دیدگاه امام علی علیه السلام

بخش چهارم: متون ادبی (اعم از شعر و پیام مجری و زیرنویس)
بخش پنجم: ایده‌ها و موضوعات برنامه‌سازی (برای گروه خانواده، جوان، کودک و نوجوان، مخاطبان عام، مخاطبان خاص، گروه‌های اقتصادی، گروه‌های سیاسی و معارفی)
بخش ششم: منبع‌شناسی؛ در موضوع امام علی علیه السلام (در این بخش حدود چهل اثر درباره ابعاد گوناگون شخصیت امیرمؤمنان علی علیه السلام معرفی شده است)

۲. **سلوک علوی** (راهبردهای امام علی علیه السلام در تربیت فرزندان)

نویسنده: سیدحسین اسحاقی
ناشر: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما
نوبت چاپ: دوم / ۱۳۸۵

۷ بهمن - رحلت حضرت زینب علیها السلام

افراشته باد قامت غم

مستوره پاک پرده شب
ای جوهر مردی زنانه
ای چادر عفت تو لولاک
یک دشت شقایق بهشتی
ای بذر غم و شکوفه درد
ای پرده کائنات، زینب!
مردی ز تو یافت پشتوانه
از شرم تو، شرم را جگر پاک
بر سینه ز داغ و درد، کشتی
بر دشت عقیق خون، گل زرد

افراشته باد قامت غم
از پشت علی، حسین دیگر
چشمان علی ست در نگاهش
در بیشه سرخ غم نوردی
تا قامت زینب است، پرچم
یا آنکه علی ست، زیر معجر
توفان خداست ابر آهش
سرمشق کمال شیرمردی

سیدعلی موسوی گرمارودی

پر مهر فاطمه علیها السلام بود، در بقیه دوران
بسیار سخت زندگی اش سرمشق همه
انسان ها در عرصه های ولایت دوستی،
ستم ستیزی، عبودیت و بندگی خدا،
مدیریت، ایثار، شهامت، شجاعت،
صبر، استقامت و... شد.

یکی از برجسته ترین شاخصه های
شخصیت حضرت زینب علیها السلام پایداری در
برابر ناملایمات است؛ به گونه ای که
یکی از القاب مهم آن حضرت
ام المصائب ذکر شده است.

زینب کبری علیها السلام اسوه صبر و

پایداری

حضرت زینب علیها السلام در روز پنجم
جمادی الاول پنجم هجری در مدینه
به عنوان سومین فرزند خانواده در
دامن پاک سرور بانوان عالم، حضرت
فاطمه زهرا علیها السلام دیده به جهان گشود.
امین وحی، حضرت ختمی مرتبت او را
زینب؛ یعنی زینت پدر نامید.
در حالی که وی کمتر از پنج سال در
مکتب پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و در دامن

این مصائب بود، اما او از همان روز به جای اظهار عجز، با شهامت و شجاعت بی نظیر، راه مادر را که همانا ابلاغ پیام ولایت و مبارزه با غاصبان خلافت بود با هر وسیله و راه ممکن ادامه داد. یک جا با گریه‌های جانسوزش، جای دیگر با بازخواست سردمدار جبار و بالاخره در جای دیگر با سخن گفتن با مردمان ناآگاه و در یک کلام، گرچه زندگی حضرت زینب علیها السلام پس از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و شهادت ناجوانمردانه مادر، همواره با مظلومیت و محرومیت سپری می‌شد، اما هرگز تن به سازش و تسلیم نداد و وظیفه افشاگری و روشنگری را سرلوحه زندگی خود قرار داد.

زینب علیها السلام در کنار پدر

عقیله بنی‌هاشم پس از شهادت مادر، شاهد تنهایی و درد و رنج‌های پدر بود. آن وقت که امیرمؤمنان از فرط تنهایی ندای مظلومیتش را به چاه می‌گفت، همدم و غمخواری جز زینب علیها السلام نداشت. آری چه در دوران تلخ خانه‌نشینی، چه در برهه سخت حکومت پر از مشکلات پدر، او با تمام توان برای بیداری خفتگان و آگاهی فریب‌خوردگان و هدایت راه‌گم‌کردگان

در متون روایی برای صبر و پایداری، سه مصداق مهم ذکر شده است:

- صبر در برابر مصائب و ناملایمات؛
- صبر در برابر معصیت‌ها؛
- صبر در مقام عبادت و بندگی خداوند.

حضرت زینب علیها السلام، قهرمان بی‌نظیر هر سه عرصه است. آحاد جامعه اسلامی ایران در این شرایط سختی که دشمنان به جهت پافشاری ملت ایران بر حاکمیت بخشی ارزش‌ها و احکام اسلامی ایجاد کرده‌اند، می‌توانند با تأسی به سیره و رفتار آن بانوی رشیده، همه توطئه‌ها و دسیسه‌های آنها را بی‌اثر سازند. هنوز پنج سال از زندگی او سپری نشده بود که با واقعه عظیم رحلت یا به قولی شهادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مواجه شد که تحمل این فراق برای او بسیار سنگین بود.

در همان روزها شاهد وقایع سختی بود که دنیاپرستان تیره‌دل بر مادر بزرگوارش تحمیل کردند. آنها برای دستیابی به چند روز حکومت چه پیمان‌ها از رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیر پا نهادند و به چه جنایت‌ها که دست‌زدند. آری زینب کوچک شاهد همه

بیش از پیش، برادرش امام حسن علیه السلام را با دسیسه چینی‌های خلیفه اموی، تنهاتر و غریب‌تر می‌سازند و به او نسبت‌های ناروا می‌دهند و از یاری‌اش برای حکام دنیا سر باز می‌زنند. این رنج‌ها وقتی به اوج می‌رسد که خبر مسموم شدن برادر را به او می‌دهند و از آن سخت‌تر زمانی است که شاهد تیرباران شدن بدن مطهر برادر هنگام تدفین می‌باشد. همان‌گونه که بیان شد وی همه این صحنه‌ها را می‌بیند و تلخی آنها را به جان می‌پذیرد، ولی لحظه‌ای از مبارزه با ستمکاران و نکوهش سست‌عنصران و روشنگری مردم ناآگاه غافل نمی‌شود.

زینب علیها السلام در دوران نهضت عاشورا

اوج فداکاری و صبر و ایثار و شجاعت و... حضرت زینب علیها السلام در واقعه کربلا به نمایش درمی‌آید. شورانگیزترین و آموزنده‌ترین فراز زندگی او در تک‌تک لحظه‌های نهضت امام حسین علیه السلام به چشم می‌خورد:

- جریان بیعت‌خواهی شخصی مثل یزید از امام حسین علیه السلام
- حمایت نکردن مردم مدینه از امام حسین علیه السلام
- حرکت مظلومانه از مدینه به سمت مکه

تلاش می‌کرد و خود را سپر بلای تمام تیرهایی قرار می‌داد که خاندان عصمت و طهارت را مورد هدف قرار می‌دادند. در این دوره با شهادت غیرمنتظره پدر به دست یکی از شقی‌ترین افراد، مصیبت بسیار بزرگ دیگری، زندگی زینب علیها السلام را بیش از پیش اندوه‌بار می‌سازد. تلخی این واقعه فراموش‌نشده، هرچند مدت‌های مدیدی، مایه پریشانی او می‌گردد و دل وی را می‌سوزاند، ولی این بانوی ستم‌دیده را آبدیده‌تر و مقاوم‌تر در برابر حوادث بزرگ دیگری می‌سازد که بر سر راه اوست.

زینب علیها السلام در دوره امامت امام

حسن علیه السلام

بعد از شهادت حضرت علی علیه السلام، وقتی دوران خلافت برادرش، امام مجتبی علیه السلام فرامی‌رسد، باز مصائب عقیده بنی‌هاشم به‌صورتی دیگر تداوم می‌یابد. برای او بسیار سخت بود که بر بالای منبر جدش، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و پدرش، مولای متقیان علی علیه السلام ببیند که شب‌پرستان دین‌گریز، پدرش را که خلیفه به‌حق و وصی و یاور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است، دشنام می‌دهند و از سویی دیگر، یاران بی‌وفا هر روز

- مجالس یزید در شام، در دفاع از جان حضرت سجاد علیه السلام از کربلا تا مدینه
- آزار و اذیت مردم فریب خورده و جاهل و... در مسیر کربلا و کوفه و شام
- در جریان بر سر نیزه شدن سرهای مبارک شهدای کربلا
- در تحمل شادی و هلهله مردم و سنگ زدن و نان صدقه دادن به خاندان اهل بیت علیهم السلام و ...
- خلاصه مصائب و بلاهایی که یکی از آنها برای از پا درآوردن هر انسان توانمندی کفایت می کند، اما زینب، دختر علی علیه السلام، قهرمان کربلا، صدیقه صغری، عصاره ولایت، محبوبه رسول خدا صلی الله علیه و آله، پیام آور کربلا و... با توکل و استمداد از حضرت حق تبارک و تعالی، همچون کوهی استوار با خواندن خطبه های آتشین از کوفه تا شام، وظیفه پیام رسانی نهضت عاشورا را به خوبی به انجام می رساند و با افشاگری جنایت های حکومت اموی، آنان را تا ابد در تاریخ رسوا می سازد.
- آری! عقيله بنی هاشم از لحظه ای که کاروان سالار اسیران وارد کربلا شد، در هر کوی و برزنی و هر مجلس و انجمنی، پرچم دادخواهی برافراشت،
- حوادث تهدید به ترور امام حسین علیه السلام در بیت الله الحرام
- خارج شدن از مکه به سمت کوفه
- مسیر مکه تا کوفه در منازل راه
- خیردار شدن از شهادت مسلم بن عقیل و ناراحتی که امام حسین علیه السلام پیدا می کند
- روبه رو شدن با حرّین یزید ریاحی
- اجبار به سکوت در کربلا
- محاصره یاران امام حسین علیه السلام در کربلا
- مضایقه آب از بچه ها
- به شهادت رساندن ناجوانمردانه تک تک یاران امام حسین علیه السلام
- شهادت فرزندان
- شهادت برادرزاده ها، قاسم و اکبر و علی اصغر و رقیه و...
- شهادت برادری چون عباس بن علی علیه السلام
- شهادت فاجعه بار ولی خدا امام حسین علیه السلام با آن وضع فجیع
- حمله به خیام و آزار و اذیت بازماندگان شهدای نینوا
- سپر قراردادن خود در برابر بچه های آل الله صلی الله علیه و آله از ضرب و شتم دشمن
- جریان دفن اجساد بر زمین مانده شهدای کربلا

کوچک‌ترین آنها شهادت فرزندانش بود، تا ابد سرمشق و الگوی حق‌طلبان و ایثارگران و استقامت‌ورزان عالم شد. براین اساس است که امروز بارگاه او در سوریه میعادگاه همه عاشقان ولایت و عدالت‌خواهان جهان است.

پاینده تا به شام ابد نام زینب است
زینبده آن لباس بر اندام زینب است

فاطمه علیها السلام نیز با صدای بلند گریست... . راوی می‌گوید پس از ساعتی، حضرت رو به بنی اکرم علیهم السلام عرض کرد: پدرجان! ثواب آن کس که بر مصائب دخترم گریه کند چیست؟ پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس که بر زینب و مصیبت‌های او گریه کند ثواب و اجر او همانند کسی است که بر مصائب دو برادر او، حضرت امام حسین علیه السلام و حضرت امام حسن علیه السلام گریه کند. آنگاه نام زینب را برای کودک برگزید. (جزایری، ۱۳۷۷، ص ۵۳)

خبردادن رسول خدا صلی الله علیه و آله از مصائب

اهل بیت علیهم السلام

در یکی از روزها که رسول خدا صلی الله علیه و آله در بستر بیماری، آخرین روزهای

پیامبروار، با حشمت و هیبت کم‌نظیر و زهراوار با صراحت و شجاعت و اعجاب‌برانگیز و علی‌وار با فصاحت و بلاغت و قاطعیت دشمن‌کوبی توطئه‌های یزیدیان را در سرکوبی اسلام، ولایت و قرآن خنثی ساخت. با این کار که متضمن تحمل دردناک‌ترین مصیبت‌ها، که صبح ازل طلیعه ایام زینب است در راه دین، لباس شهامت چو دوختند

مصائب حضرت زینب علیها السلام در آینه

حکایات

نقل است پس از تولد زینب کبری علیها السلام، وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله به منزل حضرت علی علیه السلام وارد شد و او را از مادر خواست، حضرت زهرا علیها السلام با خوشحالی قنداقه دخترش را به پدر داد. حضرت رسول صلی الله علیه و آله او را در آغوش گرفت و صورت برصورت او نهاد و بلند بلند گریه کرد. حاضران سخت تعجب کردند. آنگاه زهرای مرضیه علیها السلام از پدر سؤال کرد: پدرجان! گریه شما برای چیست؟ حضرت فرمود: فاطمه جان! بعد از من و تو، این دختر گرفتار رنج و بلا و مصیبت‌های زیادی خواهد شد. با شنیدن این سخن حضرت

جهان تیره و تار خواهد شد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶ الف، ص ۳۸۳-۳۸۴)

دفاع حریم حرم با دادن زیورآلات به دشمن

در عاشورا پس از غارت لباس‌های امام حسین علیه السلام، سپاهیان کوفه و شام به سوی خیمه‌ها هجوم بردند. حضرت زینب علیها السلام چون خوی و منش کوفیان را می‌شناخت، برای حفظ عفت و آبروی بانوان حرم و قبل از آمدن سربازان، تمام زیورآلات را جمع کرده بود. بنابراین پیش از رسیدن سپاهیان، خطاب به عمر سعد فرمود: ای عمر بن سعد، سپاهیان را از تعجیل در غارت خیمه‌ها بازدار. ما هرچه زیورآلات است همه را به شما تحویل می‌دهیم. متعاقب این سخن حضرت زینب علیها السلام، تمامی وسایل اعم از زیورآلات و لباس‌های قیمتی و حتی گوشواره‌های کودکان را با خون دل و از روی ناچاری از آنها گرفت و در گوشه‌ای دور از خیمه‌ها قرار داد. آنگاه خطاب به سپاهیان دشمن فریاد زد: هرکس می‌خواهد، وسایل و زیورآلات را بردارد. نقل است عده‌ای با شتاب پیش آمدند و هرچه بود را نانجیبانه غارت کردند. (بلاذری، ۱۳۴۹، ج ۳، ص ۱۰۴)

زندگی‌اش را به سر می‌برد، حضرت زینب علیها السلام که کودکی پنج ساله بود، با ناراحتی خود را کنار بستر آن حضرت رساند و بیان داشت: ای جد بزرگوار، در خواب دیدم که بر اثر وزش باد تند، هوا تاریک شده است. من از ترس آن وضع به پشت درختی پناه بردم، اما ناگهان باد آن درخت را از جای کند. بعد به یک شاخه آن درخت پناه بردم که باد آن را نیز شکست. سپس به شاخه دیگر آن آویزان شدم که آن نیز شکسته شد.

آنگاه خود را به دو شاخه دیگری که از آن درخت باقی مانده بود رساندم تا در امان باشم، ولی آنها هم یکی پس از دیگری از من جدا شدند. من از شدت ترس و اضطراب از خواب بیدار شدم.

با شنیدن این سخنان، حضرت رسول صلی الله علیه و آله درحالی که اشک در چشمانش حلقه زده بود به حضرت زینب علیها السلام فرمود: دخترم! اما آن درخت بزرگ من هستم که به زودی از بین شما می‌روم. شاخه اول آن مادرت زهرا علیها السلام و شاخه دومش پدرت علی علیه السلام است و آن دو تای دیگر برادرانت حسن و حسین علیهما السلام هستند که با رفتن آنها

در مجلس یزید

یزید بزرگان شام و سفرای خارجی را دعوت کرده بود... . دستور داد بازماندگان عاشورا را وارد کنند... . وقتی حاضران، آنان را در لباس‌های نامناسب دیدند، بی‌اختیار به یاد بزرگواری آن خاندان و عفت و عفاف آنان افتاده، همه از شرم و خجالت، چشم بر زمین دوختند و سر بلند نکردند، ولی در آن جمع شخص پلیدی از شامیان به دختر امام حسین علیه السلام نگاه کرد، فاطمه از شرم و هراس به عمه‌اش پناه برد. آن مرد بی‌شرم برخاست و به یزید گفت: یا امیرالمؤمنین این دختر را به من ببخش... . زینب چون این سخنان را شنید، فاطمه بنت الحسین علیه السلام را در آغوش گرفت و دلداری داد و سپس خطاب به آن مرد پلید و یزید ملعون فرمود: فرومایگی کردی، نه تو و نه یزید چنین حقی نداری... . یزید خشمگین، و سخنانی چند بین او و عقيله بنی‌هاشم ردوبدل شد تا آنکه حضرت فرمود: ای یزید! حالا که بر ما تنگ گرفته‌ای و ما را مثل اسیران به هر سوی می‌کشانی، گمان می‌کنی ما پیش خدا پست و تو باشرف و منزلتی؟

یابن الطَّلَقَا (ای پسر آزادشدگان)، آیا از عدالت است تو زنان و کنیزانت را در پس پرده بنشانی و دختران پرده‌نشین رسول خدا صلی الله علیه و آله را اسیر کرده شهر به شهر بگردانی... هرکس و ناکس چشم به آنها بدوزد و شریف و فرومایه، دور و نزدیک تماشایشان کنند... سپس ادامه داد... چگونه می‌شود امید به دلسوزی کسی که مادرش جگر پاک مردان خدا را با دندان جوید بست... آنگاه که زینب علیه السلام ساکت شد، یزید از شرم و خجالت سر به زیرافکند و همه ساکت ماندند... نقل می‌کنند: هند دختر عبدالله عامر (زن یزید) وارد مجلس شد و با صدای بلند بر سر یزید فریاد کشید و... . (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶، ص ۴۱۹-۴۲۰)

درخواست از شمر

یکی از مصیبت‌های سنگین اهل بیت امام حسین علیه السلام وقتی بود که بازماندگان عاشورا را با وضع نامناسبی وارد شام کردند. حضرت زینب علیه السلام از شمر که زمانی سرباز علی علیه السلام بود، خواست که برای حفظ احترام و عفت بانوان (چون لباس مناسبی که بتوانند خود را از دید مردم نامحرم بپوشانند نداشتند)، کاروان را از خلوت‌ترین

شهر، پدرش، خلیفه مسلمین بود و حالا عبیدالله بن زیاد بر جای او نشسته و زینب را دست بسته به مجلس او وارد کرده اند. اما او با تلاش فراوان از هرگونه عکس العمل احساسی و عاطفی خودداری کرد و در گوشه ای به صورت ناشناس نشست، بدون اینکه کوچکترین اعتنایی به ابن زیاد بکند...

ابن زیاد متوجه او شد و از حاضران پرسید این زن کیست؟ گویا سه بار این سؤال را تکرار کرد... زینب اصلاً به او محلی نگذاشت. ابن زیاد زبان به شماتت گشود و گفت: کار خدا را با برادرت و خانواده ات چگونه دیدی؟

زینب علیها السلام با شهامت و شجاعت فوق العاده با آرامشی غیرقابل وصف با جمله کوتاهی چنین جواب داد: «ما رأیت الا جمیلاً؛ من جز زیبایی ندیدم.» ابن زیاد در مقابل این همه توان و استقامت متعجب ماند و چیزی نگفت. (همان، ص ۲۱۷-۲۱۸)

گریه امیرمؤمنان بر تفسیر حضرت زینب علیها السلام درباره شهدای کربلا

نقل است که یک سال پس از استقرار امیرمؤمنان علی علیه السلام در کوفه، زنان و دختران کوفه به آن حضرت پیام

دروازه به شهر وارد کنند و سرهای بر نیزه شهدا را هم از بین زن ها بیرون ببرند. شمر ملعون با لجاجتی از اجابت خواسته صدیقه صغری؛ قره العین المرتضی و محبوبه رسول الله؛ یعنی زینب کبری علیها السلام سر باز زد و عکس فرمایش آن حضرت عمل کرد. بازماندگان دودمان رسالت و ولایت را از شلوغ ترین و پرجمعیت ترین دروازه شهر وارد کرد و سرهای به نیزه شهدا را بین گروه بانوان جای داد تا هرچه بیشتر، دل آنان را بسوزاند.

راوی می گوید: دیدم زینب کبری صورت خود را با چادری کهنه پوشانده... امام سجاد علیه السلام به سهل بن ساعه فرمود: اگر می توانی به این نیزه دار که سر امام حسین علیه السلام را حمل می کند، چیزی بپرداز تا کمی جلوتر برود، ما از تماشاچیان در زحمت و اذیت هستیم. سهل می گوید: صد درهم به نیزه دار دادم تا از بانوان دور شود... (همان، ص ۴۲۱-۴۲۲)

پاسخ به شماتت ابن زیاد

زینب کبری علیها السلام وقتی در دوران اسارت به دارالاماره کوفه رسید، بغض گلویش را بست؛ زیرا روزی در این

نقل است، آن روز با شنیدن توضیحات پدر، حضرت زینب علیها السلام با صدای بلند گریه کرد. فضای جلسه قرآن آن روز به مجلس عزای شهدای کربلا تبدیل شد. (جزایری، ۱۳۷۷، ص ۸۲-۸۳)

منابع

۱. بلاذری، احمد بن یحیی (۳۴۹ق)، **انساب الاشراف**، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
۲. جزایری، سید نورالدین (۱۳۷۷)، **خصایص زینبیه**، تحقیق: ناصر باقری بیدهندی، قم: انتشارات جمکران.
۳. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۶ الف)، **تبلیغ در محرم** (از مجموعه کتاب‌های مبلغان)، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۴. ----- (۱۳۸۶ ب)، «بانوی کربلا»، **مجله مبلغان**، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.

دادند که شنیده‌ایم دختر شما حضرت زینب علیها السلام همانند مادر بزرگوارش، حضرت فاطمه علیها السلام، سرشار از دانش و معرفت است، اگر اجازه دهید ما به حضور او رسیده از دانش او بهره‌مند شویم. به دنبال این درخواست، علی علیه السلام به آن حضرت اجازه داد تا با تشکیل کلاس درسی، بانوان کوفه را آموزش دهد و مشکلات علمی و دینی ایشان را حل کند. بدین وسیله کلاس‌های درس آن حضرت شروع شد. روزی حضرت زینب علیها السلام برای زنان کوفه درس تفسیر می‌داد که حضرت علی علیه السلام وارد کلاس شد. آن بانوی بزرگوار مشغول تفسیر «کهیص» بود. امیرالمؤمنین علی علیه السلام پس از سخنان حضرت زینب علیها السلام تفسیر دیگری از این آیه که ناظر بر یکی از بطون آن بود برای حاضران توضیح داد از جمله خطاب به زینب کبری علیها السلام فرمود: «دخترم، این حروف رمزی است در مصیبت‌هایی که بر شما عترت پیامبر صلی الله علیه و آله وارد خواهد شد.» سپس در ذیل این حروف، تمام مصائب واقعه کربلا را برای دخترش و حاضران شرح داد.

شعر

روضه عمه

به پشت پرده غیبت چقدر می‌مانی
 کجا برای غم عمه روضه می‌خوانی؟
 چقدر مثل دل عمهات پریشانی
 دلت شکسته‌ترین شد امامِ بارانی
 به پای درد دل عمهات ببر ما را
رحمان نوازنی

دل‌م گرفته از این انتظار طولانی
 سرم فدای قدم‌های تو بگو امشب
 فدای شال سیاهت که دور گردن توست
 به یاد غربت زینب دو دیده‌ات خون است
 به گوشه‌ای ز نگاهت بیا بخر ما را

صبری خسته

غمش توفان صدها آسمان ابر
 ز دست صبر زینب، صبر خسته
 طنین موج آیات خدا داشت
 صدا، آئینه صوت علی بود
 خروشی این‌چنین مردانه از زن
 مگر اندیشه اهل تناسخ:
 علی دیگری با اسم زینب
 زنی، پیغمبر قرآن ناطق
 زن و پیغمبری؟ الله اکبر
قیصر امین پور

دلش دریای صدها کهکشانش صبر
 دو چشم از گریه همچون ابر خسته
 صدایش رنگ و بویی آشنا داشت
 زبانش ذوالفقاری صیقلی بود
 چه گوشی می‌کند باور شنیدن؟
 به این پرسش نخواهد داد پاسخ
 حلول روح او، در جسم زینب
 زنی عاشق، زنی این‌گونه عاشق
 زنی، خون خدایی را پیامبر

زینب مولا

از تو دم می‌زنم اما قلمم می‌لرزد
 رسم مردانگی‌ات راه نشانم داده ست
 کار ما نیست شناسایی نامت زینب
 من در این مرحله لالم، چه بگویم از تو

گفتم از کوه بگویم قدمم می‌لرزد
 هیبت نام تو یک عمر تکانم داده ست
 پی نبردیم به یکتایی نامت زینب
 من در اعماق خیالم چه بگویم از تو

چه بگویم؟! به خدا از تو سرودن سخت است
چه بگویم که خداوند روایتگر توست
آمدی تا که فقط زینت مولا باشی
آمدی شمس و قمر پیش تو سوسو بزنند
چشم وا کردی و دنیای علی زیبا شد
عشق عالم به تو از بوسه مکرر می‌گفت
بی و دنیای من از شور و شرر خالی بود

عمه سادات

پس از حسین چگونه حیات داشته باشد؟
کسی که کرب و بلا رو به چشم دیده و مانده
به وقت مرگ نه، حقیقت نبود زینب کبری
چه غم از اینکه کسی هم حرم نداشته باشد
قسم به عمه سادات می‌دهد همگی را
دمشق جمع پریشان کربلا و بقیع است
وزیده پرچم ارباب رو به سوی دمشقش
رقیه تا که نخواهد از عمه مشک عمورا
قسم به اشک رباب و قسم به گوش سه‌ساله

هم علی بودن و هم فاطمه بودن سخت است
تار و پود همه افلاک نخ معجز توست
تا پس از فاطمه، صدیقه صغری باشی
تا که مردان جهان پیش تو زانو بزنند
باز تکرار همان سوره «اعطینا» شد
به گمانم به تو آرام پیمبر می‌گفت:
جای تو زیر عبایم چقدر خالی بود

سید حمیدرضا برقعی

چگونه در دل توفان ثبات داشته باشد؟
گمان نمی‌کنم اصلاً وفات داشته باشد
کنار خویش دو شاخه نبات داشته باشد؟
کسی که معجزه در کائنات داشته باشد
کسی که کار مهم با ذوات داشته باشد
اگرچه فاصله با این نقاط داشته باشد
به خواهرش همه جا التفات داشته باشد
مباد سوریه رود فرات داشته باشد
زیارت تو دوتا احتیاط داشته باشد

مهدي رحيمي

۱۷ بهمن - روز شهادت امام کاظم علیه السلام

تدریس و تربیت امام ششم، رهبری نهضت فرهنگی او را به دست گرفت و با توانمندی و احاطه گسترده‌ای که به اصول و مبانی مکتب و نیازهای جامعه داشت. مجموعه ارزشمند دیگری از احکام و معارف اسلامی در زمینه‌های گوناگون اعتقادی، فقهی، حدیثی، اخلاقی و... را در قالب مجموعه‌های تاریخی، تفسیری، اعتقادی، فقهی و... گردآوری نموده و به یادگار گذاشت.

علاوه بر آن، کارهای دیگری چون: الف) تربیت گروه زیادی از افراد مستعد را که بر طبق برخی نقل‌ها بالغ بر ۳۲۱ نفر بودند بر عهده گرفت. برخی از آنان همانند: محمدبن ابی عمیر، علی بن یقطن، هشام بن حکم، صفوان بن یحیی و... از رکن‌های رکن و شخصیت‌های بزرگ مکتب تشیع‌اند.

ب) در دوران امامت حضرت کاظم علیه السلام گروه‌های انحرافی بسیاری در جامعه وجود داشت که با افکار و عقاید انحرافی خود، مشکلاتی را برای مردم ایجاد کرد. بنابراین حضرت از طریق گفت‌وگو و مناظره و پاسخ‌دادن

امام کاظم علیه السلام در هفتم صفر ۱۲۸ق در ابواء (محل بین مکه و مدینه) دیده به جهان گشود. بعد از شهادت پدر بزرگوارش در ۲۰ سالگی به امامت رسید و به مدت ۳۵ سال، ولایت و رهبری شیعیان را بر عهده داشت، تا اینکه در ۲۵ رجب سال ۱۸۳ هجری در زندان بغداد به دستور هارون الرشید توسط سندی بن شاهک مسموم شد و پس از سه روز به شهادت رسید.

فعالیت‌های فرهنگی امام کاظم علیه السلام

هرچند شرایط دوران سخت امامت امام کاظم علیه السلام، اجازه انجام بسیاری از فعالیت‌ها را به او نمی‌داد، چون همیشه خلفای عباسی محدودیت‌های فراوانی برایش ایجاد می‌کردند، اما آن حضرت با تدبیری که داشت تداوم‌بخشی به نهضت علمی و فرهنگی را که از دوره امام سجاد، امام باقر و امام صادق علیهم السلام شروع شده بود، با اهتمام بیشتر دنبال کرد. حضرت مانع از تعطیل یا کندشدن آن حرکت شد؛ یعنی آن حضرت با تکیه بر کرسی

صادق علیه السلام و معارضه آنان با امام موسی کاظم علیه السلام در مسئله امامت.

۳. ادعای امامت و جانشینی امام صادق علیه السلام، توسط عبدالله اَفْطَحْ، برادر امام موسی کاظم علیه السلام، و به وجود آوردن مذهب افطحیه در شیعه.

۴. اعتراض بیشتر اصحاب امام جعفر صادق علیه السلام از عبدالله اَفْطَحْ، و گرایش آنان به امام موسی کاظم علیه السلام.

۵. مرگ منصور دوانیقی در سال ۱۵۸ق و به خلافت رسیدن ابوعبدالله مهدی عباسی، فرزند منصور.

۶. احضار امام موسی کاظم علیه السلام به بغداد و زندانی نمودن ایشان در آن شهر، به فرمان مهدی عباسی.

۷. زندانی شدن امام موسی کاظم علیه السلام در بغداد، زمان حکومت هادی عباسی.

۸. مبارزات منفی امام موسی کاظم علیه السلام با دستگاه حکومتی هارون الرشید در مناسبت‌های گوناگون.

۹. بدگویی و سعایت علی بن اسماعیل، برادرزاده امام موسی کاظم علیه السلام از آن حضرت، نزد هارون الرشید با توطئه چینی یحیی برمکی، وزیر اعظم هارون.

به سؤالات و شبهات آنها به نقد و ارشادشان پرداخت و افراد جامعه را که گرفتار عقاید آن گروه‌ها شدند، در امان نگه داشت.

ج) قسمتی از فعالیت‌های امام کاظم علیه السلام در فرصت‌هایی که پیش می‌آمد مربوط است به برخی از مناظرات و احتجاجات با خلفای عباسی و دانشمندان ادیان دیگر، نظیر مناظره با علمای یهودی و مسیحی و علمای درباری که توجیه‌گر اعمال خلفا بودند و با افکار انحرافی که داشتند زمینه تحریف بسیاری از اصول و معارف ناب اسلامی را فراهم می‌کردند.

از این رهگذر ضمن جلوگیری از نفوذ آموزه‌های فرهنگی بیگانه در قلمرو اسلام ناب، اصول و مبانی اعتقادی اسلام را به‌خوبی تبیین می‌کرد، به شبهات پاسخ می‌داد و مسائل مبتلابه روز را حل می‌کرد.

رویدادهای مهم زمان امام موسی کاظم علیه السلام

۱. شهادت امام صادق علیه السلام، پدر ارجمند امام موسی کاظم علیه السلام، به دست منصور دوانیقی، در سال ۱۴۸ق.

۲. پیدایش انشعاباتی در مذهب تشیع، مثل: اسماعیلیه، اَفْطَحِیه و ناووسیه، بعد از شهادت امام جعفر

۱۵. انتقال امام موسی کاظم علیه السلام از زندان فضل بن یحیی به زندان سندی بن شاهک.

۱۶. مسموم کردن امام کاظم علیه السلام با خرماي زهرآلود، به وسیله سندی بن شاهک در زندان.

۱۷. شهادت امام موسی کاظم علیه السلام به دلیل مسمومیت در زندان سندی بن شاهک، در ۲۵ رجب سال ۱۸۳ هجری.

۱۸. انتقال پیکر پاک امام موسی کاظم علیه السلام به جسر (پل) بغداد و فراخوانی مردم برای دیدن آن توسط مأموران هارون الرشید.

۱۹. انزجار سلیمان بن جعفر بن منصور دوانیقی از تحقیر پیکر امام موسی کاظم علیه السلام، توسط مأموران حکومتی و دستور او به تجهیز و تکفین مناسب شأن پیکر آن حضرت و به خاکسپاری در مقابر قریش بغداد.

۱۰. دستگیری امام کاظم علیه السلام در مدینه و فرستادن آن حضرت به زندان عیسی بن جعفر در بصره، به فرمان هارون الرشید، در سال ۱۷۹ق.

۱۱. انتقال امام موسی کاظم علیه السلام از زندان بصره به زندان فضل بن ربیع در بغداد.

۱۲. انتقال امام موسی کاظم علیه السلام از زندان فضل بن ربیع به زندان فضل بن یحیی برمکی.

۱۳. مراعات کردن حال امام موسی کاظم علیه السلام در زندان، به وسیله فضل بن یحیی و عکس العمل شدید هارون به این قضیه.

۱۴. مضروب و مقهور شدن فضل بن یحیی، به وسیله هارون، به خاطر مراعات حال امام علیه السلام در زندان.

شعر

زخمی غل و زنجیر

مرغی که بال داشت ولی آسمان نداشت
دیگر توان صبر در آن آشیان نداشت
در چارچوب تنگ قفس هم‌زبان نداشت
اندازه کشیدن یک آه جان نداشت
زیر لگد شکست ولی توان فغان نداشت

پر بسته بود و وقت پریدن توان نداشت
خو کرده بود با غم زندان خود ولی
جز آه زخم‌های ذهن باز کرده‌اش
آنقدر زخمی غل و زنجیر بود که
زیر لگد صدایش به جدایی نمی‌رسید

دیگر ولی تحمل زخم زبان نداشت
هرچند روی پُل بدنش سایبان نداشت
دیگر سرش به خانه نیزه مکان نداشت
علی اکبر لطفیان

باران چشم‌های ترم را زیاد کرد
آنجا که آه بی‌اثرم را زیاد کرد
شلاق زخم بال و پرم را زیاد کرد
نامرد آتش جگرم را زیاد کرد
درد نشسته بر کمرم را زیاد کرد
زنجیر، درد هر سحرم را زیاد کرد
یک تخته پاره دردسرم را زیاد کرد

مسعود اصلانی

دست معمار از احسان به هم آمیخته است
دست‌ها را به عبای تو درآویخته است
... آب باران به دل چاه فرو ریخته است؟
و بنا بود که محراب دعایت بشود
صورتت رنگ عوض کرده، عذارت نیلی است
تو همانی که به جبریل پر و بال دهد
من تو را بانی جبرئیل امین می‌دانم
چارده قرن اگر گریه کنم باز کم است
این هم از هم‌رهی آهن و زنجیر و نم است
زیر این نازک گل، قامت خورشید خم است
چه غریبانه روی تخته در می‌رفتی

با تازیانه ساخت که دشنام نشنود
هرچند میزبان تنش تخته پاره شد
دیگر تنش اسیر سم اسب‌ها نشد

داغ حرم

غربت رسید و داغ حرم را زیاد کرد
آه از نهاد سرد سیه‌چال می‌کشم
من با اذان ناله‌ام افطار می‌کنم
حالا چرا به فاطمه دشنام می‌دهد
چه بی‌ملاحظه به تنم ضربه می‌زند
خم می‌شود شبیه کمر ساق پای من
هنگام بردن بدنم روی دست‌ها

از همان روز ازل، خاک مرا، آب تو را
و شدی باب حوائج، و شدم سائل تو
آسمان جای شما بود، ولی حیف چه شد
من از این واقعه تا روز جزا حیرانم
ولی افسوس در این چاه زمین گیر شدی
چه بلایی به سرت آمده که پیر شدی؟
پس چگونه بنویسیم که زنجیر شدی...؟!
چارده سال تو را گوشه زندان دیدم
استخوان‌هاات چو گیسوت مجعد شده‌اند
و شنیدم بدنت چون پر گل نازک شد
در عزایت همه عمر رثا می‌خوانم

دهنی یخزده آن روز جگرها را سوخت
پسری آمده بود و ... پدری را می برد...
باز از گریه معصومه تو گریانم
عرق خجلت پیشانی دنیا می ریخت
رد پای گل نی را که به صحرا می ریخت
تا مگر لب بگشاید بشود قرآنم

یاسر حوتی

بال و پره‌های پرستوی‌ات هرجا می ریخت
آتشی تلخ به کام همه دنیا می ریخت
... اشک‌ها بود که در غصه بابا می ریخت
تا نوشتم در و آتش، قلم از سینه شکست
گرچه باور نتوان کرد ولی دیده شده ست
سال‌ها در پی این نیزه سرگردانم

مناجات امام موسی کاظم (علیه السلام)

زندانی آل نبی، سبط پیمبر
نالید و هر دم، گفتا به افغان

انا فتحنا لك فتحا مبينا

از زهر هارون رفته از کف اختیارم
نالید و هر دم، گفتا به افغان

انا فتحنا لك فتحا مبينا

هستم رضا در راه حق گر این چنینم
نالید و هر دم، گفتا به افغان

انا فتحنا لك فتحا مبينا

در راه حق این شیوه آزادگان است
نالید و هر دم، گفتا به افغان

انا فتحنا لك فتحا مبينا

از ظلم و جور آن لعین، گشته دلم خون
نالید و هر دم، گفتا به افغان

انا فتحنا لك فتحا مبينا

علی رحیمی

هفتم امام شیعیان، موسی بن جعفر
در کنج زندان، با حی سبحان

گفتا خدایا کنج این زندان افکارم
در کنج زندان با حی سبحان

جرم بود حق‌گویی و ترویج دینم
در کنج زندان، با حی سبحان

پایم اگر در بند و زنجیر خسان است
در کنج زندان با حی سبحان

یا رب نجاتم ده، از این زندان هارون
در کنج زندان با حی سبحان

آتش هجران

دل آشفته چو گیسوی پریشان چه کنم
گاه چون شمع مرا سینه سوزان چه کنم
سوختم، سوختم از آتش هجران چه کنم؟
تیره روز من از شام غریبان چه کنم
نه انیسی به جز از ناله و افغان چه کنم
می کشد عاقبتم گوشه زندان چه کنم
من دل خسته سرگشته و حیران چه کنم
دیدم از طعنه این مردم نادان چه کنم
که چنین کرد مرا بی سر و سامان چه کنم؟

خوشدلی تهرانی

روز من شب شد ازین بی رحم زندانیان من
غم خجل شد زین محقر کلبه احزان من
عالمی بنشسته چون بر سر سفره احسان من
یوسفش هرگز ندارد طاقت زندان من
بر لب آمد عاقبت در کنج زندان، جان من
می کشد هر جا که خواهد جذبہ جانان من
گر نباشد سیل اشک دیده گریان من

حبیب حاجیان

سر شب تا به سحر گوشه زندان چه کنم
گاه پروانه صفت سوختم از هجر رضا
آرزویم به جهان دیدن روی پسر است
کنج زندان، بلا گشته ز هجران رضا
نه رفیقی به جز از دانه زنجیر مرا
به خدا دوری معصومه و هجران رضا
از وطن کرده مرا دور، جفای هارون
گلی از خار ندید، این همه آزار که من
سرنگون کاش شود خانه هارون پلید

کلبه احزان

بود کی زندان یوسف تیره چون زندان من
چون درین ظلمت سرا، بر خون غم مهمان شدم
گرچه مهمانم ولی خود میزبان دشمنم
گر کشد بار غمم یعقوب، گردد ناصبور
بی کس و دور از وطن در حسرت فرزند خویش
کی به راه عشق مانع باشد این زنجیرها
سوزد این دفتر (حسان) از آتشین گفتار تو

۲۴ بهمن - میلاد امام حسین علیه السلام و روز پاسدار

زندگی‌نامه

امام حسین علیه السلام در روز سوم شعبان سال چهارم هجری در شهر مدینه دیده به جهان گشود. وی دومین فرزند حضرت علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام است. حسین بن علی علیه السلام مدت شش سال در زمان جد بزرگوارش، دوران کودکی را سپری می‌کند. بعد از رحلت آن حضرت به مدت سی سال در کنار پدر ارجمندش حضرت علی علیه السلام زیست و در حوادث سخت دوران آن حضرت مددکار ایشان بود. بعد از شهادت پدر در سال چهل هجری به مدت ده سال در تمام حوادث تلخ و شیرین کنار برادرش، امام حسن مجتبی علیه السلام زندگی کرد. آنگاه که امام حسن علیه السلام به شهادت رسید، حدود ده سال؛ یعنی در دوران اوج قدرت معاویه، امامت را عهده‌دار بود. سپس در دوره حکومت یزید بن معاویه با هدف مبارزه با اعمال و رفتار ضداسلامی وی، قیام کرد و در محرم ۶۱ هجری به همراه یارانش در سرزمین کربلا به شهادت رسید.

درس‌هایی از امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام شاگرد وحی است، از این رو سخنان وی نیز وحی‌گونه، بیانگر حقایق و روشنگر تاریکی‌ها و جهل و ناآگاهی‌هاست. در این مجال به ذکر پنج رهنمود که پندهای اخلاقی و اعتقادی دارد، بسنده می‌شود.

۱. بیدار کردن غافلان

امام حسین علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «لوحی زیر یکی از دیوارهای شهری یافت شد که در آن نوشته شده بود: من خدا هستم، خدایی که جز من نیست و محمد مصطفی صلی الله علیه و آله پیامبر من است. درشگفتم از کسی که به مرگ یقین دارد، ولی شادمانی می‌کند، درشگفتم از کسی که یقین به قضا و قدر الهی دارد، اما در پیشامدها اندوهناک می‌شود. درشگفتم از کسی که دنیا را آزموده است باز به آن اعتماد و اطمینان پیدا می‌کند و درشگفتم که یقین به حساب روز قیامت دارد، اما باز مرتکب گناه می‌شود».

۲. ارزش‌های پسندیده

امام حسین علیه السلام می‌فرماید: «علم، ریشه شناخت و آگاهی است و تداوم

امام حسین علیه السلام فرمود: «پنج کار را انجام بده، آنگاه هرچه می‌خواهی گناه کن.

اول: روزی خدا را مخور، آنگاه هرچه می‌خواهی انجام بده.

دوم: از دایره حکومت خدا بیرون برو، آنگاه هرچه دلت می‌خواهد انجام بده.

سوم: جایی را برای گناهت انتخاب کن که خداوند تو را نبیند، بعد هرچه می‌خواهی انجام بده.

چهارم: زمانی که عزرائیل برای گرفتن جان تو آمد، او را از خود بران و آنگاه هرچه خواستی انجام بده.

پنجم: وقتی مالک دوزخ تو را به سوی آتش جهنم می‌برد، در آتش وارد مشو، هرچه خواستی انجام بده».

جوان اندکی فکر کرد و احساس شرم نمود و چاره‌ای جز توبه ندید.

(جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶، ص ۲۲۳ - ۲۲۸)

منبع

جمعی از نویسندگان (۱۳۸۶)، *کتاب مبلغان* (تبلیغ در محرم)، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.

تجربه‌ها عامل افزایش عقل، شرافت و بزرگواری در تقوای الهی است و قناعت، عامل آسایش بدن. کسی که تو را دوست می‌دارد از زشتی‌ها بازت می‌دارد، ولی کسی که دشمن تو است، تو را به زشتی‌ها تشویق می‌کند».

۳. عوامل بهره‌مندی

امام حسین علیه السلام می‌فرماید: «پنج چیز است که هرکس آنها را نداشته باشد در او خیر زیادی یافت نمی‌شود: عقل، دین، ادب، حیا و اخلاق نیکو».

۴. معرفی مؤمن حقیقی

امام حسین علیه السلام می‌فرماید: «همانا مؤمن خدا را (موجب) مصونیت خود و سخن خدا را آینه خود قرار می‌دهد. گاهی در صفات مؤمنان نظر می‌کند و گاهی در صفات زورگویان می‌نگرد و از این‌گونه توجه، نکته‌های زیبایی می‌آموزد. نفس خویش را می‌شناسد، به زیرکی نفس خود یقین دارد و بر طهارت آن تواناست».

۵. پند گناهکاران

جوانی خدمت امام حسین علیه السلام آمد و گفت: من فرد گناهکاری هستم و نمی‌توانم خود را از گناهان بازدارم مرا نصیحتی کن.

چراغ هدایت

عبداللطیف نظری

گلبوته عشق شکفت و بلبل
حدیثی تازه گفت...

قدسیان، گوش جان به نغمه
شادی می‌سپارند. اکنون درخت‌های
تناور و پرثمر محبت، در مزارع دل‌ها،
سر خم می‌کنند و خود را آماده پابوسی
دلدار می‌سازند...

آری، سال چهارم هجری بود که در
سومین طلوع آفتاب ماه شعبان، عطر
شکفتن نوگلی در خاندان علی علیه السلام
شور و شادمانی را میهمان دل‌ها کرد.
نوزاد، بر دامان دخت پیامبر، نگاهی
به چهره مادر افکند و با گلخنده‌ای
زیبا، یک دنیا امید و شادی بر دل و
دیده مادر خویش پاشید. اسماء، نوزاد
را به دست‌های مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله
سپرد، و آن بزرگ، نواده خویش را از
سر مهر، در آغوش فشرد. آنگاه
بوسه‌ای بر گونه کودک نثار کرد.
سپس آهنگ دلنشین اذان و اقامه، از
زبان حبیب خدا در گوش طفل، جاری
شد و از همان روز تا واپسین دم
حیات، این خط توحیدی، تعیین‌کننده
مسیر او گردید... .

گفتار مجری

روشنایی حسین علیه السلام

اکرم‌سادات هاشمی‌پور

سلام بر نامی که روشنای ملکوت
است.

شهر را شور و سروری بی‌سابقه پر
کرده است و گویا خون در رگ‌های شهر
به جوش آمده، زمزم و کوثر می‌تراود.
تا تو آمدی، چشم و دل هستی
روشن شد و خداوند تا تو را آفرید، زمین
و آسمان را پر از هلهله و چراغانی کرد.
تولد تو، تولد رشادت و دلیری است،
تولد عدالت و استقامت و صبر، تولد
عشق. ای خالق ظهر عاشورا، ای حامی
شهادت و شمشیر، که باران درمانده
است از زلالی نام تو! ای حسین علیه السلام.

ای ماه همیشه روشن! ای تنها
خورشیدی که طلوع و غروب را آسمان
گریست.

روز میلاد تو را با یک دسته کبوتر،
یک دسته ستاره، خیر مقدم می‌گوییم
و آسمان را زیر پایت فرش می‌کنیم که
تنها روز تولد تو، تولد خون و شمشیر
است، تولد خورشید روی نیزه‌هاست،
تولد غیرت و غربت و مردانگی است.
و تنها روز تولد تو، تولد دوباره
غربت فاطمه در نگاه سکینه و
زینب علیهما السلام است.

شادی و اشک در تولد

سیده طاهره موسوی

آسمان و زمین در بال‌های فرشتگان محو شده‌اند. تا تصویر دیده می‌شود، رخسار فرشته‌هاست که به تبریک و تهنیت آمده‌اند. ناگاه نوری سبز از خانه زهرا علیها السلام، نوری از جنس نور درخشان زهرا علیها السلام تمام هستی را فرا می‌گیرد. اینک نه تنها فرشتگان، که آن سوی کهکشان‌ها، خورشیدها، ملکوت، کاینات، افلاک و حتی بهشت هم به یکباره روشن شده‌اند؛ روشن‌تر از همیشه، و عطر سیب تمام هستی را فرا گرفته است، به‌گونه‌ای که فرشته‌ها در استشمام این رایحه جاودانه از یکدیگر پیشی می‌گیرند. همه عاشق تبرک بال‌های خویش‌اند با گهواره نور، همه شیدای نوازش گهواره‌اند برای نورانی‌شدن، اما چه کسی برگزیده‌تر از جبرئیل و میکائیل است که هم گهواره‌جنبان سرور جوانان بهشتی باشد و هم محمل جامه بهشتی نور بی‌بدیل سومین امام گیتی؛ جامه‌ای که روزی از شهادت چون گل سرخ، پرپر خواهد شد.

روز پاسدار

جواد محدثی

- چرا امروز؟ ای حسین!

اگر میلاد تو را روز پاسدار می‌شناسیم، از آن روست که در فجر ولادت تو، انفجاری از عشق و ایمان و ایثار پدید می‌آید و سوره فجر در قرآن نیز سوره حسین شناخته می‌شود و از این راه، ریشه نهال اسلام، جان می‌گیرد. مگر نه اینکه در میلاد تو، شهادت به دنیا می‌آید و شهادت، حیات جاودانه و پر بار اسلام را طراوت می‌بخشد و بقای آن را تضمین می‌کند.

سوم شعبان، میلاد حسین علیه السلام است و روز پاسدار. حسین بن علی، آموزگار شهادت است و الگوی ایثار. چه تناسب عجیب و زیبایی! حسین علیه السلام، سرور شهیدان و سالار پاسداران.

حسین، خود، پاسدار بزرگی است که در راه حفظ و نگهبانی دستاوردهای انقلاب الهی جدش، حضرت محمد صلی الله علیه و آله، عاشقانه از جان و مال و فرزند و زندگی و همه چیز گذشت و زیباترین حماسه را آفرید و ماندگارترین نغمه آزادی‌خواهی و شرف‌دوستی و حق‌طلبی را سرود.

امام حسین علیه السلام در دوران امامت

امام علی علیه السلام

امام حسین علیه السلام در دوران امامت

امام حسن علیه السلام

مبارزات امام حسین علیه السلام با

حکومت معاویه

راهبردهای افشاگری‌های امام

حسین علیه السلام در کنگره عظیم حج

مروری بر محتوای نامه‌های امام

حسین علیه السلام به معاویه

بررسی پیوستگی قیام امام

حسین علیه السلام با بعثت پیامبر

اکرم صلوات الله علیه

مروری بر فلسفه مبارزه‌های امام

حسین علیه السلام

بررسی شخصیت والای علمی-

اخلاقی امام حسین علیه السلام در نگاه

خلفا، دانشمندان، نویسندگان و

تاریخ‌نگاران غیرشیعه

اخلاق سیاسی در سیره و روش

امام حسین علیه السلام

بررسی آثار و برکات سیاسی -

اجتماعی سیدالشهدا علیهم السلام

نقش مردم در حکومت اسلامی

از نگاه امام حسین علیه السلام

زمینه‌ها و دلایل بیعت‌شکنی

مردم با امام حسین علیه السلام

- روز پاسدار، روز حسین است، روز قاسم و علی‌اکبر است، روز عباس و حبیب و مسلم و روز همه انسان‌هایی که قلبشان به عشق حق می‌تپد و درد دین دارند. روز پاسدار، روز تجدید پیمان حسینیان با عهد خون و میثاق شهادت و پیمان ایمان است.
- روز سوم شعبان، روز میلاد شهادت است، روز طلوع حسین است و پاسداران همه حسینی‌اند و ولادت حسین، روز پاسدار است.
- **محوریابی برنامه‌سازی امام حسین علیه السلام و روز پاسدار**
- مروری بر مؤلفه‌های ساده‌زیستی در سیره امام حسین علیه السلام
- اصول و مبانی سبک زندگی حسینی
- معیارهای خانواده اسلامی از دیدگاه امام حسین علیه السلام
- انصاف و مروت در سیره امام حسین علیه السلام
- خدمت‌گزاری به مردم در سیره و سخن امام حسین علیه السلام
- مواضع سیاسی امام حسین علیه السلام در جبهه‌های نبرد با ناکثین و قاسطین
- اوضاع سیاسی و اجتماعی دوران امامت امام حسین علیه السلام

- بررسی کارکردهای سپاه پاسداران از منظر ولایت
- اهداف تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- بررسی دستاوردهای سپاه در دوران هشت سال دفاع قدس و پس از آن
- نقش سپاه در پاسداری از مرزها و مبارزه با منافقان و اشرار
- مروری بر توانایی دفاعی سپاه
- جایگاه سیاسی سپاه در ساختار سیاسی نظام جمهوری اسلامی
- نقش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اقتصاد مقاومتی و بروز بحران‌ها
- راهبرد و مأموریت‌های سپاه پاسداران از نظر مقام معظم رهبری
- بررسی دستاوردهای بین‌المللی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- مروری بر سه دهه خدمات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- **معرفی کتاب**
- ۱. **امام حسین علیه السلام از دیدگاه ۱۱۴ دانشمند جهان**، امیرحسین علیقلی، تهران: عابد، ۱۳۸۹.
- ۲. **امام حسین علیه السلام الگوی زندگی**، حبیب‌الله احمدی، قم: فاطیما، ۱۳۸۱.
- جریان‌شناسی نفاق بعد از حکومت پیامبر صلی الله علیه و آله تا امامت امام حسین علیه السلام
- بررسی خدمت‌گزاری در سیره حسین بن علی علیه السلام
- بررسی شخصیت امام حسین علیه السلام از دیدگاه پیامبر و اهل‌بیت علیهم السلام
- بررسی فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام
- بررسی مقام زائر امام حسین علیه السلام در منابع اسلامی
- مروری بر محورها و مضامین دعاهای منسوب به امام حسین علیه السلام
- هدف عالی قیام امام حسین علیه السلام از زبان خود ایشان
- مبانی کرامت انسان در آموزه‌های امام حسین علیه السلام
- جایگاه امام حسین علیه السلام نزد علمای اهل سنت
- بررسی عوامل تضعیف دینداری از دیدگاه امام حسین علیه السلام
- بررسی ضعف‌های خواص عصر امام حسین علیه السلام
- مروری بر شباهت‌های امام حسین علیه السلام و امام زمان علیه السلام

۳. **تأملی در نهضت عاشورا**، رسول جعفریان، قم: انصاریان، ۱۳۸۶.
۴. **حماسه حسینی** (سه جلد)، مرتضی مطهری، قم: صدرا، ۱۳۷۹.
۵. **دانشنامه امام حسین علیه السلام بر پایه قرآن**، حدیث و تاریخ، محمد محمدی ری‌شهری، قم: دارالحدیث، بی‌تا.
۶. **در کربلا چه گذشت؟** (ترجمه نفس المهموم)، عباس قمی، ترجمه: آیت‌الله شیخ محمدباقر کوه‌کمره‌ای، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۷۳.
۷. **زندگانی امام حسین علیه السلام**، سیدحسین هاشمی تیرآبادی، قم: ارغوان مهر، ۱۳۹۷.
۸. **صحیفه الحسین علیه السلام**، جواد قیومی اصفهان، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
۹. **فتح خون**، سیدمرتضی آوینی، تهران: انتشارات واحه، ۱۳۹۵.
۱۰. **فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام** (ترجمه کتاب موسوعه کلمات الامام الحسین علیه السلام)، گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام، ترجمه: علی مؤیدی، قم: پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام، ۱۳۹۲.
۱۱. **قافله نور** (بررسی و تحلیل رخدادهای کاروان فرهنگی سیاسی و عرفانی امام حسین علیه السلام از کربلا تا مدینه)، محمدعلی موسوی، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، ۱۳۸۲.
۱۲. **امام حسین، شهید فرهنگ پیشرو انسانیت**، محمدتقی جعفری، تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۹۹.
۱۳. **گزارش لحظه‌به‌لحظه از ولادت امام حسین علیه السلام**، محمدرضا انصاری، قم: دلیل ما، ۱۳۹۹.
۱۴. **لهوف**، علی‌بن موسی‌بن طاووس، ترجمه: ابوالحسن میرطالبی، قم: انتشارات دلیل ما، بی‌تا.
۱۵. **نهضت امام حسین علیه السلام و قیام کربلا**، غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران: مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، ۱۳۸۳.

۲۵ بهمن - ولادت حضرت ابوالفضل علیه السلام و روز جانباز

زندگی‌نامه

عباس بن علی بن ابی‌طالب (۲۶- ۶۱ق) مشهور به ابوالفضل، پنجمین پسر امام علی علیه السلام و اولین فرزند ام‌البنین است. او در روز چهارم شعبان سال ۲۶ قمری در مدینه چشم به جهان گشود. کنیه او «اباالفضل» و از القاب او «قمر بنی‌هاشم»، «باب‌الحوائج»، «حامل‌اللواء» (پرچمدار) و «عبد صالح» است.

مهم‌ترین فراز زندگی او حضور در واقعه کربلا و شهادت در روز عاشورا است. درباره زندگی و احوالاتش تا قبل از ماه محرم ۶۱ق اطلاعات چندانی وجود ندارد جز اینکه براساس برخی گزارش‌ها در جنگ صفین حضور داشته است.

او در واقعه کربلا، فرمانده و پرچمدار سپاه امام حسین علیه السلام بود و برای همراهان امام حسین علیه السلام از فرات آب می‌آورد. عباس به همراه برادرانش دو امان‌نامه از طرف عبیدالله بن زیاد را رد کردند و در سپاه امام حسین علیه السلام جنگیدند. به گفته برخی از کتاب‌های مقتل، در روز عاشورا دو دستش بریده

شده بود و گرز آهنین بر سرش فرود آمده بود. حضرت ابوالفضل علیه السلام سرانجام، در محرم سال ۶۱ هجری در ۳۵ سالگی در کربلا به شهادت رسید.

فضیلت‌ها

حضرت عباس علیه السلام از معدود غیرمعصومان است که از معصوم؛ یعنی امام صادق علیه السلام برای ایشان زیارت‌نامه صادر شده است. همچنین در زیارت ناحیه مقدسه درباره حضرت عباس علیه السلام به صورت اختصاصی بیانات بلندی وجود دارد و ایشان در دیگر احادیث نیز مورد ستایش معصومان قرار گرفته است؛ چنان‌که امام سجاد علیه السلام فرمود: «عمویم عباس در روز قیامت چنان جایگاهی دارد که همه شهدا به جایگاه او غبطه می‌خورند». (صدوق، ۱۴۱۷، ص ۴۶۳)

حضرت عباس علیه السلام توفیق یافت چهار معصوم را درک کند و از محضر آنان بهره‌مند شود. پدرش امیرمؤمنان، امام حسن، امام حسین و امام سجاد علیه السلام.

حضرت امام صادق علیه السلام رابطه عباس علیه السلام با امام حسین علیه السلام را این‌گونه

پس برادران همگی بر جهاد پیشی گرفتند تا که به مقام شهادت نائل آمدند». (دینوری، ۱۳۹۵، ص ۳۸۰)

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های حضرت عباس علیه السلام این است که همه شهیدان به حال او غبطه می‌خورند. امام سجاد علیه السلام فرمود: «إِنَّ لِعَبَّاسٍ عِنْدَ اللَّهِ مَنَزِلَةً تَغِيْطُهُ بِهَا جَمِيعُ الشُّهَدَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ همانا (عمویم) عباس، نزد خداوند جایگاه و مقامی دارد که تمام شهیدان در روز قیامت غبطه آن مقام را می‌خورند. (همان)

منابع

۱. صدوق، محمدبن علی (۱۴۱۷)، *الامالی*، قم: نشر مؤسسه بعثت.
۲. دینوری، ابوحنیفه (۱۳۹۵)، *اخبار الطوال*، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران: نی.
۳. قمی، عباس (۱۳۸۵)، *مفاتیح الجنان*، تهران: نشر مبلغان.

گفتار مجری

ایشان مجسم

مریم سقلاطونی

پلک می‌گشایی... و در آستانه میلادت، تمام زمین را شادی فرا می‌گیرد. و از گل‌خنده‌هایت، بهار،

وصف کرده و مورد سلام قرار داده است: «السلام علی ابی الفضل العباس المواسی اياه بنفسه؛ سلام بر ابوالفضل العباس، آن عزیزی که برادرش را با ایثار جان خویش یاری کرد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵، ص ۶۶). او در راه حیات و بقای حسین علیه السلام و اهداف او جان داد تا برادرش و اهداف او زنده بماند. در بخش دیگر، امام صادق علیه السلام، قمر بنی‌هاشم را این‌گونه وصف کرده است: «... فنعم الاخ المواسی...؛ چه خوب برادر یکرنگ و یگانه‌ای بودید» (قمی، ۱۳۸۵، زیارت حضرت عباس) او در تمام مشکلات و مصائب امام، خود را شریک می‌دانست و تلاش می‌کرد تا فدایی و جان‌نثار حسین علیه السلام باشد.

در صبح عاشورا، عباس علیه السلام برادران خود (عبدالله، جعفر، عثمان) را که همه از یک مادر (ام‌البنین) بودند فراخواند و گفت: «(ای برادران) پیش افتید تا خیرخواهی شما را به خدا و رسول ببینم».

«ابوحنیفه دینوری» نیز می‌گوید: عباس فرمود: «جانم فدای همگی شما، از جای برخیزید و از آقای خود حمایت کنید تا در این راه جان بازید،

توست. سلام بر تو که صدای مهربانت
در رگ‌های هستی می‌وزد و زیارت‌نامه
روشتت، جهان‌بینی تکامل ایمان و
عمل است.

سلام بر تو که آسمان، نذر دو
چشمان پرمهر توست و حضور روشنت
در مردانگی، شش‌گوشه عالم را در نور
دیده است. سلام بر تو ای مرد
فضیلت و راستی!...

و حالا دیگر نام تو، تاریخ است،
مکتب است، کلاس جوانمردی است.

و تا صحرایی هست،

و تا تشنه‌لی هست

و تا گلویی عطشناک

از حضور آرامِ دستان آب‌آور تو،
روشن است و سیراب. ای متولد ماه
مهربانی! ای آبروی آب‌ها! که
سربلندی تو دریا را به زانو درآورد و
مردانگی تو تشنگی را در قطیفه‌ای از
کرامت پیچید. زمزمه آب‌ها، خروش
فریاد محبت توست.

سلام بر تو و بر دست‌های
بی‌کرات

سلام بر تو و بر گلوی تشنه‌ات

سلام بر تو و بر چشمان بی‌قرارت

سلام بر تو و بر روشنی دقایقی که

نام تو را زمزمه می‌کنند

دامن می‌گستراند. به یمن نام مبارک
و آسمانی‌ات، آب‌های زمین،
روشن‌اند، گلدسته‌ها، برافراشته و
آفتابی و تابناک، و کوه، استوار و
مقاوم. ای پدر مهربانی‌ها! ای راز پنهان
خلقت! زمین را چه می‌شد اگر چشم
نمی‌گشودی، و آسمان را چه می‌شد
اگر بلندپروازی‌ات نبود؟ ای ایثار
مجسم! نامت، پیوند مقدس اشک
است و مشک...

ای مبارک‌ترین نام در بخشندگی!

ای کلید متبرک امید در ناامیدی! ای

کلمه مقدس جانبازی در عشق!

مگر می‌توان از دست‌های تو ساده
رد شد، مگر می‌توان از عاشورا نوشت
و یاد تو را نادیده گرفت، ای غیرت
خدا! که حتی در شادمانی تولدت،
نمی‌توان از داغ‌دارترین لحظات
زندگی‌ات، حرف نزد. نیمی از عاشورا،
سهم گذشت و جانباختگی توست، تو
را که اگر مهربانی‌ات نبود، جوانمردی
می‌مرد، و کتاب عاشورا نیمه‌تمام
می‌ماند، سلام بر تو که رودها در
حسرت لب‌هایت عطشناک هستند و
آفتاب سرمست از شعله نگاه
دلسوزانه‌ات. سلام بر تو که قیام
گلدسته‌ها، احترام دست‌های گلگون

جانباز اگرچه در زمین ناتوان است، اما راه‌های آسمان را به او شناسانده‌اند، پایش را گرفته‌اند و در عوض، بال به او داده‌اند تا در روز محشر، بال در بال شهیدان، آسمان ملکوت را مزین کنند.

جانبازان، یادگاران روزهای عشق و حماسه‌اند؛ خاطرات مجسم سال‌هایی که درهای آسمان به روی عاشقان باز بود و فرشتگان در آسمان زمین گرم گلچینی بودند.

جانبازان، گل‌های جا مانده از قافله نسیم بهارند که مانده‌اند تا در بهاری دیگر، تن به نسیم شهادت بسپزند و به یاد دوست پرپر شوند. جانبازان، شهدای زنده‌اند که دو روزی میهمان باغ خزان‌زده مایند. قدر این میهمان‌های پرقدر را بدانیم.

پدر فضل

محمدسعید میرزایی

لبخند علی علیه السلام رنگ می‌گیرد.
فرشتگان، تولد دستانی را جشن می‌گیرند که قرار است روزی رایت حماسه را برافروزد.
پهلوانی به عالم چشم می‌گشاید که پهلوانان عالم به نامش اقتدا می‌کنند.

سلام بر تو ای پیامبر آب‌ها! ای پیام‌آور اندیشه‌های زلال در گستره داغدار تشنگی!

روز جانباز

یادگاران

امید مهدی‌نژاد

از جانبازی تا شهادت فاصله چند گام بیشتر نیست؛ چند گام... از شریعه علقمه، تا گودال قتلگاه.

در هشت ساله عشق، هرکه هرچه داشت پیش آورد. عاشقان پیوند و سرو، زر و جسم و جان را بر طبق پاکبازی نهادند و پیش روی معشوق گذاشتند و معشوق از هر طبقی تحفه‌ای برگرفت؛ از شهدا تمام جان را و از جانبازان تگه‌ای از تن را.

و هیهات که جانباز را در امتحان عشق مردود بینداری، که معشوق، او را برای آزمونی دشوارتر برگزیده است: آزمون صبر.

اینجا عرصه‌ای نیست که ضعیفان را تاب استقامت در آن داده باشند. جای خالی دستان و پاهای جانباز، بوسه‌گاه فرشتگان الهی است که هر سپیده‌دم از آسمان نزول می‌کنند و پاداش صبرش را بوسه‌ای از مهر هدیه می‌آورند.

سلام، ای غیرت مجسم! ای قامتِ
فتوت!
سلام، ای چشم‌هایی که آب را
شرمنده نجابت خودخواهی کرد!
سلام، ای دست‌هایی که
رودخانه‌های زمین، به
جست‌وجویشان سرگردانند!
سلام، ای پیشانی بلندی که آینه
آسمان است!
ای پدر فضل!
فضیلت دستان تو که به حالتِ آب
و روشنی بریده شدند، هنوز بر
شاخه‌های خاک، سنگینی می‌کنند.

پهلوانی که فرزند مردی است که
کوه رشادت و جوانمردی است؛
فرزند شیرزنی است که به او شیر
شهامت نوشاند.
کوه‌مردی که ذره‌ای از احترام
برادرش حسین علیه السلام فرو نگذارد.
حسین علیه السلام امام بود و ابوالفضل،
برادرِ امامت.
حسین علیه السلام ولی بود و ابوالفضل،
هم‌رکابِ ولایت.
آری، نوزادی در گهواره خفته است
که علم‌دار لشکر حسین علیه السلام خواهد
بود.

شعر

اسوه مهر

بی نظیری که شدی سرور خوبان عباس
برده ای دل ز همه، ای مه تابان عباس
هاشمی منصب و فرمانده میدان عباس
عالم از درک مقامات تو حیران عباس
مادرت حضرت زهراست به قرآن عباس
به علمداری ارباب شهیدان عباس
نبود چون تو کسی بر سر پیمان عباس
تا لیبی تر کنی ای ساقی عطشان عباس
برسد یوسف گم گشته ی کنعان عباس

نعیمه امامی

اسوه مهر و وفاداری و ایمان عباس
چهارده شمس به گرد قمرت می‌گردند
زاده ی حیدر کراری و عباس علی
چه مقامی که علی بوسه به دست زده است!
زاده ی ام بنین هستی و در حشرِ عظیم
مفتخر گشته ای از روز ازل ، شاه وفا
به وفاداریت ای میر علمدار قسم
آب زانوزده در محضرت ای تشنه ی عشق
با دو دستی که جدا گشته دعا کن ز سفر

حضرت عشق

هنرمندانه طرحی نو زده، این قد و قامت را
که کامل کرده چشمانت، نشانی نجابت را
به رخسارت خدا گویا، تراشیده ملاحظت را
ولایت یا اصالت یا شجاعت یا شرافت را؟
که با نامت عجین کردند نام استجابت را
چنان باران، به جای جرعه، دریای کرامت را؟
به جای آنکه بنویسند اوصاف شهامت را
به عشق دیدنت من عاشقم، صبح قیامت را
که اخلاصش عوض کردمست تعریف سخاوت را
از آن خون گریه‌های زخم چشمانت، خجالت را
وزین دید از آن لحظه به چشمانش اسارت را

حسین کردی

لب تشنه به سرچشمه احساس رسیدیم
وقتی به در خانه عباس رسیدیم
پر می‌کشم امشب به تمنای ضریحت
تا در دلم احساس خوش یاس و اقاقی‌ست
سرمرستم و مستی من از حضرت ساقی‌ست
ما بین دوراهی نجف-علقمه هستم
بنت اسد امشبمان ام بنین است
والله اسدالله همین است همین است

محمدعلی بیانی

خدا بخشیده بر رویت جهانی از لطافت را
الا بالا بلند سر به زیر محضر خورشید
تو آن ماهی، که یک ایل عاشقانه خیرهات می‌شد
کدامین واژهات را شرح باید داد ای ساقی
دعای خستگان قوم را، آمین بگو ای مرد
به قلب تشنهام ساقی، به غیر از تو که می‌بخشد
کنار نام تو آیینه بگذارند شاعرها
قیامت محشری خواهد شد از حظ حضورت، پس
چنان شد پیشکش پای برادر دست‌های تو
کنار علقمه، سقائین تشنه، حسینت خواند
علم افتاد و دست خیمه از دستت جدا افتاد

با قمرالعشیره

هرچند که در عشق به وسواس رسیدیم
با شب‌نمی از اشک به الماس رسیدیم
ای عشق! دخیلیم به لبخند ملیحت
تا بودم و تا هستم و تا عشق تو باقی‌ست
تا در سر من شور حجازی و عراقی‌ست
ساقی نجف! از می سقای تو مستم
امشب حرم کعبه همین بیت گلین است
با نام علی نام ابالفضل قرین است

ساقی فردای عشق

آه! حیدر بوسه بر رخسار ماهی می‌دهد
 او که جان خویش را خواهی نخواهی می‌دهد
 دست‌های کوچکش بوی صراحی می‌دهد
 زانوانش طاقت غم را گواهی می‌دهد...
 کودکان را وعده‌های پوچ و واهی می‌دهد
 چشم‌هایش دل به تیر «کینه‌خواهی» می‌دهد
 ابن زهرا می‌شوی... قلبم گواهی می‌دهد

سودانه مهجری

تکیه بر گهواره نوبخت، گاهی می‌دهد
 کربلا تنها نمی‌ماند پس از این مرد راه
 آه! این نوزادِ اکنون، ساقی فردای عشق
 شانسه‌هایش تاب مشک پاره را دارد... ببین!
 آب... وای از آب، آن روزی که پیش چشم او
 لوبه دریا می‌زند... یک دشت در تعقیب او...
 زاده ام‌البنین! روزی نه‌چندان دور، تو

شأن، مقام و منزلت حضرت
 ابوالفضل العباس (ع) در کلام

معصومان (ع)

بررسی شأن، مقام و منزلت
 حضرت ابوالفضل العباس (ع) در

کلام رهبر

بررسی ویژگی‌های شخصیتی
 حضرت ابوالفضل العباس (ع) قبل

از واقعه کربلا

شخصیت حضرت عباس قمر
 بنی‌هاشم (ع) در آینه شعر فارسی

و عربی

مروری بر سیره تربیتی حضرت
 عباس (ع)

مروری بر جریان ولادت و شهادت
 حضرت عباس (ع)

محورهای برنامه‌سازی حضرت
 ابوالفضل (ع) و روز جانباز

آموزه‌های اخلاقی حضرت
 عباس (ع)

تبیین نقش ایثار و گذشت
 حضرت عباس (ع)

بررسی جلوه‌گری‌های شجاعانه
 حضرت عباس (ع)

بررسی مصادیق ادب و فروتنی
 حضرت عباس (ع)

معرفی ابعاد زندگی حضرت
 عباس (ع)

نقش اساسی حضرت عباس (ع)
 در انتقال پیام واقعه کربلا

معرفی نمونه‌هایی از فضایل و
 سیره فردی حضرت عباس (ع)

۴. **خصایص العباسیه**، شیخ محمدابراهیم نجفی، تصحیح و تحشیه: حسین عمادزاده، تهران: بی‌نا، بی‌تا.
۵. **زندگانی حضرت ابوالفضل**، احمد صادقی اردستانی، تهران: نشر مطهر، ۱۳۷۴.
۶. **سردار کربلا**؛ حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام، سید عبدالرزاق موسوی المقدم، ترجمه: ناصر پاک‌پرور، بی‌جا: نشر مولود کعبه، ۱۳۷۵.
۷. **قهرمان علقمه**، احمد بهشتی، تهران: نشر اطلاعات، ۱۳۷۴.
۸. **کرامات حسینیّه و عباسیه علیهما السلام** (سیری در زندگی حضرت ابوالفضل علیه السلام)، احمد لقمانی، قم: بهشت سمین، ۱۳۸۲.
۹. **مدایح و مراثی حضرت ابوالفضل علیه السلام در شعر فارسی**، احمد احمدی بیرجندی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۶.
۱۰. **نمونه‌های ایثار (حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام)**، محمدتقی مدرسی، تهران: محبان الحسین علیه السلام، ۱۳۷۷.
- **قمر بنی هاشم علیهم السلام؛ الگوی منتظران**
- **مقام عباس علیه السلام نزد اباعبدالله علیه السلام**
- **بررسی وظیفه جامعه در قبال جانبازان**
- **تبیین نقش جانبازان در هشت سال دفاع مقدس**
- **بررسی نقش جانبازان و خانواده آنها در صیانت از امنیت ملی**
- **بررسی نقش رشادت‌های جانبازان در عزت نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران**
- **سرآمدان ایثار در آینه توصیف مقام معظم رهبری**
- معرفی کتاب**
۱. **پرچمدار نینوا**، محمدمهدی اشتهاردی، قم: انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۷۶.
۲. **چهره درخشان قمر بنی هاشم؛ ابوالفضل العباس**، علی ربانی خلخالی، قم: انتشارات مکتب الحسین علیه السلام، ۱۳۷۶.
۳. **حماسه پرچمدار کربلا**، محمدحسین عطار، تهران: انتشارات مؤلف، ۱۳۷۷.

۲۶ بهمن - ولادت حضرت امام سجاد علیه السلام

زندگی‌نامه

علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام، معروف به امام سجاد و زین العابدین (۳۸-۹۵ق)، چهارمین امام شیعیان در روز پنجشنبه، پنجم شعبان سال ۳۸ق در مدینه به دنیا آمد. پدر بزرگوارش حسین بن علی علیه السلام و مادرش شهربانو نام داشت. دوران ۳۴ ساله امامتش، از سال ۶۱ هجری آغاز گردید و در روز دوازدهم محرم سال ۹۵ق، در سن ۵۷ سالگی، به دستور ولید بن عبدالملک، مسموم شده به شهادت رسید و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد.

امام سجاد علیه السلام در واقعه کربلا حاضر بود، ولی به علت بیماری در جنگ شرکت نداشت. لشکر عمر بن سعد پس از شهادت امام حسین علیه السلام او را همراه اسیران کربلا به کوفه و شام بردند. خطبه امام سجاد علیه السلام در شام باعث آگاهی مردم از جایگاه اهل بیت علیهم السلام شد.

مبارزات امام سجاد علیه السلام (با مظالم و مفاسد دوران حیاتشان)

از آنجاکه عصر امامت امام سجاد علیه السلام دوران اختناق بود و امکان

پیروزی مسلحانه نبود، لذا آن حضرت روش مبارزه پنهان را انتخاب کرد؛ یعنی بدون آنکه حساسیت حکومت را برانگیزد، یک سلسله برنامه‌های فرهنگی و تربیتی را در پیش گرفت که در آن شرایط بهترین روش بود و گذشت زمان به‌ویژه در دوره امامت حضرت صادق علیه السلام اولویت و اهمیت این استراتژی حضرت سجاد علیه السلام را بر همگان اثبات کرد. در آن دوران تاریک، امام چهارم فعالیت‌های متعددی را به انجام رساند که از جمله آنهاست:

۱. زنده‌نگه‌داشتن یاد و خاطره

عاشورا

از آنجاکه شهادت امام حسین علیه السلام و یاران آن حضرت در افکار عمومی برای حکومت اموی بسیار گران تمام شد و مشروعیت آن را زیر سؤال برد. امام سجاد علیه السلام برای اینکه آن فاجعه فراموش نشود با زنده‌نگه‌داشتن خاطره آنان ولو با گریه‌کردن تداوم بخشید. این کار مانع فراموش شدن آن جنایت عظیم حکومت اموی می‌شد.

که مشغول زمینه‌سازی ذهنی، فکری و فرهنگی مردم برای پذیرش حکومت ظالم حاکم بودند. حضرت به شیوه‌های گوناگون آن عده از فقها، محدثان، مفسران، قضات و قاریان قرآن و... را که فکر و ذهن مردم را به نفع قدرت حاکم سوق می‌دادند به چالش کشیده، محکوم می‌ساخت.

۵. نشر احکام و آثار تربیتی و

اخلاقی اسلام

جنبه دیگر مبارزه امام سجاد (ع) با حکومت فاسد عبارت بود از: نشر احکام اسلام و تبیین مباحث تربیتی و اخلاقی. نمونه‌ای از این تعالیم اخلاقی و تربیتی که اعجاب علما و دانشمندان را برانگیخته، مباحث رساله‌الحقوق است که در آن به تبیین وظایف گوناگون مردم در پیشگاه خداوند و در برابر خویشاوندان و مسلمانان می‌پردازد.

۶. دستگیری از درماندگان

خدمات اجتماعی آن حضرت در آن عصر حاکمیت ظلم و جور بی‌نظیر است. بنابر نقلی، آن حضرت علاوه بر آنکه هزینه زندگی صد خانواده را در مدینه عهده‌دار بود به افراد مستمند هم در هرجا که برمی‌خورد، در حد توان کمک می‌کرد.

۲. پند و ارشاد مردم

از آنجاکه امام سجاد (ع) در عصر حاکمیت اختناق به سر می‌برد، آشکارا نمی‌توانست حقایق را بیان کند. بنابراین از شیوه‌های دیگر از جمله موعظه استفاده کرد و مردم را با واقعیت‌ها، حقایق و تعالیم واقعی اسلام آشنا می‌کرد، بدون اینکه حساسیت حکومت جائر حاکم را برانگیزد.

۳. تبیین معارف در قالب ادعیه

یکی از مهم‌ترین شیوه‌های مبارزاتی امام سجاد (ع) تبیین معارف اسلامی در قالب دعا بود. وقتی شرایط حاکم بر جامعه اسلامی در نتیجه اختناق حکومت امکان هر نوع فعالیت سیاسی را از بین برده بود، حضرت سجاد (ع) در قالب دعا و مناجات اهداف و مقاصدش را بیان می‌کرد. مجموعه ادعیه صحیفه سجادیه که از آن با عبارت انجیل اهل‌البیت و زبور آل محمد و... یاد می‌شود، علاوه بر راز و نیاز با پروردگار، حاوی بسیاری از مطالب مهم عقیدتی و فرهنگی و سیاسی است که در روشنگری امت اسلامی بسیار بی‌نظیر است.

۴. مبارزه با علمای درباری

یکی از کارهای بسیار مهم امام سجاد (ع) مبارزه با عالمان درباری بود

آهسته بگویی یا بلند، فرقی نمی‌کند. قلب تو، بازتاب سخن‌های بی‌ریا و سربلند است که بی‌دریغ در باد می‌پیچد و خواب را در گوش گران غفلت می‌شکند. زمین اگرچه در اشغال زمستان سکوت و مرگ باشد، نفس‌های تو کافی است تا بهاری شود برای رستاخیز دلاوران زندگی. مویه لازم نیست؛ حتی مرثیه‌ای در کار نیست. تو فقط مناجاتی بخوان به درگاه نور تا تمام سنگین‌دلان، نعره‌های توبه برآورند و انبوه از بغض و انابه شوند. نیایش تو، تمام خاک را در محاصره اقرار عشق گرفته است. عبادات تو محکمه سنجش انسان است. عیار شرافت و طهارت، قانون دعاهاى توست؛ کتاب هدایتی که ردّ پای سجده و سجاده و وصایای جاودانگی تو را در واژه‌هایش ذخیره کرده.

می‌خواهم از اقتدا به پیشانی سجده‌گزار تو به اسرار سرفرازی برسم، که اگر به شیوه جبین خاکسارت سر بر خاک تعبد بگذارم، سربلندی دلاورانه روزگار را خواهم داشت. می‌خواهم تمام جهان را از پشت زلال صدای تو ببینم، از شیشه‌های پنجره‌ای که نواهای نیایش تواند. تو به من بگو دریا را، کوه را، خلقت توحیدی را ... تو

معروف است که اهل مدینه در آن دوره می‌گفتند: ما صدقه پنهانی را هنگامی از دست دادیم که علی بن الحسین علیه السلام درگذشت. (پیشوایی، ۱۳۸۴، ص ۲۵۹-۳۰۰)

منبع

پیشوایی، مهدی (۱۳۸۴)، *سیره پیشوایان، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام*.

گفتار مجری

اقتدا به پیشانی تو...

سودابه مهیجی

اگر می‌توانستم همچون تو، پنهان‌ترین گریه‌هایم را اندرز جاودانه انسان کنم، دلم بلور باران می‌شد و آوازم رشک فرشتگان. ... با صدای دعاهاى تو، گمگشتگان، راه خانه حقیقت را پیدا می‌کنند و خفتگان مهجور به بیداری وصل می‌رسند. صدایت را سینه‌سُرخان و چکاوکان تاریخ بر دل نگاشته‌اند تا سر از قهرمانی عشق درآورند. گل‌های بنفشه از صدای تو روییدن گرفته‌اند و شبنم‌های اشکبار با لحن تو تن به آفتاب سپرده و عروج کرده‌اند. صدایت پیران را به جوانی ایمان و جوانان را به یقین رهسپار می‌کند.

مبارزه فراخواند و در کلاس عقیده و جهاد به آنان شور و شعور آموخت.

عاشورای حسینی، کتاب سرخی بود که تفسیر شیوای آن، از زبان مبارک سید سجاد تراوید. او، تنها بازمانده از خاندان نور ناب بود که پس از عاشورا به کوفه و شام رهسپار گردید و با اسارت خود، آزادی را تفسیر کرد. پژواک فریادش کاخ ستم را بر سر جابران ستم‌گستر لرزاند. امام سجاد علیه السلام روح حماسه، چکاد بلند آفتاب، چهره روشن ایستادگی، سیمای بلند فرزاندگی، پگاه پرتبسم ایمان، تداوم‌بخش راه عدل علی علیه السلام، رسواگر دشمنان اسلام مصطفوی و پرچم‌دار حماسه حسینی بود.

میلااد تو، میلااد عشق است

حسین امیری

کسی غوغای دل مرا به چنگ و دف می‌زند.

نمازم رنگ موسیقی گرفته.

دو صد قیام آواز می‌خوانم؛ دو صد نیاز در سماع آمده و دو صد سجده در ترنم و غزل می‌نشینم.

سجده می‌کنم به درگاه خدایی که تو زیبا سجده‌اش کردی.

ای تاریخ کربلا! ای پهلوان شام و ای معنای علوی بودن!

بگو آسمان‌ها، افلاک، کروبیان، آدمی، بگو کائنات را چگونه معنا کنم در دلم که یگراست تسلیم تأیید شوم؟ تو بگو یغماکردنِ اندوه زمینی را در کدام کوچه آسمان می‌شود آموخت؟ با صدایت می‌خواهم قفل‌های اشک را باز کنم ... دلم را قطره قطره به بهشت برسانم.

چکاد بلند آفتاب

عبداللطیف نظری

پنجره‌ای به سمت بهار گشوده شد. برکه‌ای از سپیده، راه دیار خاکیان را در پیش گرفت.

بهار بر دل‌های عابدان، دست سبز نوازش کشید و روشنای فلق، مژده شکفتن آورد. صدای قدم‌های مهمانی گرمی در رواق دل‌های شیدا پیچید! همه گفتند: نور آمد، سپیده آمد و گل آمد.

مردی آمد که دستانش از بوی بخشندگی سرشار است. نور عصمت از ردای او می‌بارد، و خورشید حُسن در کار و کام او تجلی می‌یابد. زبان و کلامش، عطر آیات خدا را دارد و گلوآژه عشق از گفتارش می‌تراود.

امام سجاد علیه السلام پرچم خونین انقلاب حسینی را بر فراز قله‌های بلند تاریخ، به اهتزاز درآورد و همه کوهنوردان زندگی را به صعود بر چکاد

۵. **بررسی نقش امام سجاد (ع) در رهبری شیعه پس از واقعه کربلا**، محسن رنجبر، تهران: دفتر نشر معارف (وابسته به نهاد نمایندگی مقام رهبری در دانشگاه)، ۱۳۸۱.
۶. **پیشوایان هدایت**، سیدمندر حکیم، قم: انتشارات مجمع جهانی اهل بیت (ع)، ۱۳۸۵.
۷. **تحلیلی از زندگانی امام سجاد (ع)**، باقر شریف قرشی، مشهد: کنگره جهانی حضرت رضا (ع)، ۱۳۷۲.
۸. **ترجمه و شرح رساله الحقوق امام سجاد (ع)**، محمد سپهری، قم: دارالعلم، ۱۳۷۲.
۹. **در مکتب پیشوای ساجدان امام علی بن الحسین (ع)**، علی قائمی، تهران: امیری، ۱۳۷۶.
۱۰. **درباره زندگانی علی بن الحسین (ع)**، جعفر شهیدی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۵.
۱۱. **زندگانی زین العابدین حضرت امام سجاد (ع)**، سیدمحمدتقی مدرسی، قم: بقیع، ۱۳۷۶.
۱۲. **صحیفه سجادیه موضوعی**، محسن غرویان، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۲.
- تو پیغام حسین (ع) بودی و چه زیبا پاس داشتی آخرین نماز او را. بهراستی پناهجستن از خدا در برابر ستم و نادانی، بهترین فریاد مبارزه است؛ آن هنگام که نان و نادانی، مردم را در بند عافیت گرفتار می‌کند و استبداد، بر غیرت دینی و انسانی مردم افسار می‌بندد.
- سلام خدا بر حسین (ع) و بر تو علی بن الحسین و بر یاران تو و پدر شهیدت، ای فرزند نماز و ای پدر دعا. میلاد تو میلاد راز و نیاز است. میلاد تو معنای زندگی عاشقانه است.
- میلاد تو میلاد عشق است.
- معرفی کتاب**
۱. **امام سجاد (ع) از دیدگاه اهل سنت**، علی باقر شیخانی، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، ۱۳۸۵.
۲. **امام سجاد (ع) الگوی زندگی**، حبیب‌الله احمدی، قم: فاطیما، ۱۳۸۲.
۳. **امام سجاد (ع) جمال نیایشگران**، احمد ترابی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۳.
۴. **امام سجاد (ع)**، واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۷.

۲ اسفند - ولادت حضرت علی اکبر علیه السلام و روز جوان

زندگینامه

حضرت علی اکبر علیه السلام فرزند ابی‌عبدالله الحسین علیه السلام بنا به روایتی در یازدهم شعبان، سال ۳۳ قمری در شهر مدینه دیده به جهان گشود. پدر گرامی‌اش حسین بن علی بن ابی‌طالب علیه السلام و مادرش لیلی بنت ابی‌مزه بن عروه بن مسعود ثقفی است. در منابع تاریخی، او را شبیه‌ترین فرد از نظر اخلاق و رفتار به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌دانند.

بنا به نقل ابوالفرج اصفهانی، علی‌اکبر در عصر خلافت عثمان دیده به جهان گشود. این قول مبتنی بر این است که وی به هنگام شهادت بیست و پنج ساله بود.

حضرت علی‌اکبر علیه السلام نخستین شهید بنی‌هاشم در روز عاشورا است و در زیارت شهدای معروفه نیز آمده است: «السَّلامُ عَلَیْكَ یا اَوَّلَ قَتیلِ مِن نَّسْلِ خَیْرِ سَلیلِ» (قمی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۳۷۵). او در نبرد روز عاشورا تعداد زیادی از سپاه عمر بن سعد را در دو مرحله به هلاکت رساند و سرانجام مژه‌بن منقذ عبدی بر فرق مبارکش

ضربتی زد و او را به شدت زخمی نمود. آنگاه سایر دشمنان، جرئت و جسارت پیدا کردند و به آن حضرت هجوم آوردند و وی را آماج تیغ شمشیر و نیزه‌ها نمودند و مظلومانه به شهادت رساندند. امام حسین علیه السلام در شهادت وی بسیار اندوهناک و متأثر گردید و فرمود: «عَلَى الدُّنْیا بَعْدَكَ العَفَا؛ بَعْدَ از تو خاک بر سر دنیا باد...». (همان) فلسفه نام‌گذاری روز ولادت حضرت علی‌اکبر علیه السلام به روز جوان

یازدهم ماه شعبان سالروز خجسته میلاد حضرت علی‌اکبر علیه السلام و روز جوان نام‌گذاری شده است. روزی که خداوند، جوانی را همانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با ضمیر پاک و به دور از گناه و پلیدی‌ها و همچنین شجاع، به امام حسین علیه السلام عنایت می‌کند.

وجود حضرت علی‌اکبر علیه السلام به‌عنوان الگویی ارزشمند برای جوانان محسوب می‌شود؛ زیرا فرزند بزرگ امام حسین علیه السلام دارای صفات نیک و رویکردی ارزشمند در طول زندگی خود بود و چنانچه ایشان الگو قرار بگیرد، می‌تواند راهنمای جوانان برای رسیدن

با خواندن و توسل به آن حضرت می‌توانند از خطا، تباهی و ضلالت دور شوند. همچنین توجه به دوست و همنشین خوب که امروز به‌عنوان دغدغه والدین مطرح است و جوانان باید به آن توجه داشته باشند امری مهم است؛ زیرا دوست و همراه خوب، انسان را به تعالی نزدیک‌تر می‌کند و در عین حال دوست بد افراد را به تباهی می‌کشد، هرچند که انسان سالم و درستکار باشد. روایتی در صفحه ۱۸۱ کتاب بحارالانوار آمده است: اگر می‌خواهید به خدا نزدیک شوید باید از گنهکاران فاصله بگیرید و در عین حال تلاش کنید تا به خداوند نزدیک شوید. در صحنه عاشورا دو نوع جوان حضور داشتند، جوانانی خطاکار و فرومایه همانند پسر عمر سعد که مایه عبرت شدند و جوانی دیگر به نام حضرت علی اکبر علیه السلام که به‌عنوان الگو و سرمشق از ایشان یاد می‌شود.

منابع

۱. قمی، شیخ عباس (۱۳۹۸)، *زیارت ناحیه مقدسه*، قم: قلم و اندیشه.
۲. متقی، علی بن حسام الدین (۱۴۱۹)، *کنز العمال*، بیروت: دارالکتب العلمیه.

به سرمنزل سعادت باشد. عبادت در جوانی کاری ارزشمند است که تمام بزرگان دین بر آن تأکید داشته‌اند، عملی که در زندگی افرادی بزرگ همانند حضرت علی اکبر علیه السلام نیز به‌خوبی دیده می‌شود و ثواب عبادت جوانان به درگاه خداوند نیز بیشتر مورد توجه است. بنابراین عبادت در جوانی، فضیلت بیشتری دارد. در روایتی پیرامون توبه نکاتی بیان شده و چنانچه این توبه در زمان جوانی باشد، قطعاً ارزشمندتر است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همواره بر ارزش و عبادت جوانان تأکید داشت. در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله بیان شده است: «فَضَّلُ الشَّابَّ الْعَابِدِ الَّذِي تَعَبَّدَ فِي صِبَاهٍ عَلَى الشَّيْخِ الَّذِي تَعَبَّدَ بَعْدَ مَا كَبُرَتْ سِنُّهُ كَفَضْلِ الْمُرْسَلِينَ عَلَى سَائِرِ النَّاسِ؛ برتری جوان عابدی که در جوانی خود ره بندگی پیش گرفته، بر پیری که در بزرگسالی به عبادت روی آورده؛ همچون برتری فرستادگان الهی بر دیگر مردمان است.» (متقی، ۱۴۱۹، ج ۱۵، ص ۷۷۶)

خواندن قرآن یکی از اعمال ارزشمندی است که حضرت علی اکبر علیه السلام نیز به آن توجه داشت. بنابراین جوانان با الگوبرداری از ایشان

می‌کنی، اما دلیل، در حضور غیبی
اوست.

برانگیخته از شور نوزاد

محمدکاظم بدرالدین

... تا رعنائیِ خویش را به پای برترین
محبت نهد و دور از خوشایندِ این سرا و
ستایش‌های پوچ، شکفتگیِ خویش را
فدای والاترین عشق نماید. سرنهادن او
به دُرّوازه‌های پدر، ترسیمِ واقعی ادب و
درس مهمی از احترام است.

او آمده تا به موازات همین
سپاسگزاری، پا در رکاب پدر، فضای
بسته شب را به مذلت بیفکند، تا
تشعشعی دلنواز، وزیدن بگیرد. آمده
تا ندای سبز عرفان را در شریان‌های
زیست بپراکند و رگ‌های شفاف قرآن
را حتی از سکوتش بشنویم.

او آمده تا نام سپیدش که از تمامی
گیتی پیشی گرفته، نوید بر خاکی باشد
که همه رقم سیاهه عصیان در آن
انباشته شده.

هنوز مفاخر «بنی‌هاشم»،
نیکی‌ها و مناقب و کردار زلال او را
برمی‌شمرند. ایده‌های جوان و نوین او،
اندیشه‌های تازه و پرطراوتش، همواره
زیانزد است.

رخساره‌های تابان، پاک‌نهادی و
خوشخویی و منطق ارجمند او را به
پیامبر عطوفت شبیه می‌دانند....

گفتار مجری

مروارید در صدف

نزهد بادی

قد دلجویش به شاخه شمشاد
می‌ماند؛ سایه‌گستر و پر بار.

جام چشم‌هایش چون شط شراب
است، زلال و درخشنده‌تر از آفتاب.
کمال ابروانش به رعد شباهت
دارد؛ به ستیخ کوه.

طره مشکین گیسوانش، شاخه
طوبی را به یاد می‌آورد؛ سبک و رها
چون موج.

حُسن یوسف در مقابل توفان
زیبایی‌اش، پیراهن درید و شاهدان
عالم قرب، از شکوه وجودش، پای در
گل ماندند و خوب‌رویان دل بُرده از
جهان، انگشت حیرت خویش را به
بهای ترنج بریدند.

اما این زیبایی صورت، حجابی
است تا آن سر غیبیه، مکتوم بماند و
این ظاهر خَلقی، آن باطن خَلقی را
پرده‌داری می‌کند....

پشت این آینه هزار جلوه، وجود
صیقل‌یافته‌ای است که بیش از همه،
بر حقیقت پنهان محمدیه ﷺ نزدیک
است.

بی‌جهت علی‌اکبر ﷺ را پیامبر
دوباره آل‌الله ننماید؛ تو بهانه این
نسبت را در ظهور عینی او جست‌وجو

خدا را تماشا کنم

می‌ایستم امروز خدا را به تماشا
با آمدنت قاعده عشق به هم خورد
تا چشم گشودی به جهان ساقی ما گفت:
ای منطق رفتار تو چون خلق محمد
عالم همه مبهوت تماشای حسین است
«چون چشم تو دل می‌برد از گوشه‌نشینان»
از گوشه شش گوشه دلم با تو سفر کرد
مجنون علی شد همه شهر ولی من

سیدحمیدرضا برقعی

تو که از حال ما خیر داری

ای که در سوره تبسم خود لطف «وَالشَّمْسِ» و «وَالْقَمَرِ» داری
نوری از آفتاب روشن‌تر، رویی از ماه خوب‌تر داری
تو کدامین گلی که دیدن تو، صلواتی محمدی دارد
چقدر بر بهشت چهره خود رنگ و بوی پیامبر داری
هجرت از مدینه شد آغاز، مکه هم شاهد سلوک تو بود
کربلا، کوفه، شام حیران‌اند، تا کجاها سر سفر داری
باوری سرخ بود و جاری شد «أَوْلَسْنَا عَلَى الْحَقِّ» از لب تو
چه غرورآفرین و بشکوه است مقصدی که تو در نظر داری
با لب تشنه بودی و می‌سوخت در تب کربلا پر جبریل
وقت معراج شد چه معراجی، ای که از زخم بال و پر داری
از میان تمام اهل جهان، عرش پایین پا نصیب تو شد
عشق می‌داند و ادب که چقدر شوق پابوسی پدر داری
شوق پابوسی تو را داریم، حسرت آن ضریح شش گوشه
گوشه‌چشمی، عنایتی، لطفی، تو که از حال ما خبر داری
در مدیح تو از مدایح تو، یا علی هرچه بیشتر گفتیم
با نگاهی پر از عطش دیدیم، حُسن ناگفته بیشتر داری

سیدمحمدحواد شرافت

■ جوان امروز و آموزه‌های امیدبخش

پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

■ مهم‌ترین وظیفه جوانان در عصر حاضر از دیدگاه قرآن و روایات

■ توصیه‌های اخلاقی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به جوانان

■ بررسی جایگاه جوان و جوانی از دیدگاه قرآن و روایات

■ جایگاه جوانان در کلام پیامبر و ویژگی جوان عاشورایی و نقش جوانان در واقعه عاشورا

■ تبیین پیام عاشورا برای جوانان
■ بررسی شخصیت حضرت علی اکبر عَلِيٌّ كَبِيرٌ به عنوان نماد ادب و ایمان و شجاعت

■ نقش جوان در احیای اهداف قیام عاشورا

■ نقش جوانان در حکومت خاتم پیامبران

■ نقش و جایگاه جوانان در زمینه‌سازی ظهور

■ معرفی جوانان نمونه صدر اسلام

■ بررسی جایگاه آموزه‌های قرآنی و حدیثی در تربیت مطلوب جوانان

■ بررسی سیره عملی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام در برخورد با جوانان

■ **محورهای برنامه‌سازی**

■ حضرت علی اکبر الگوی بی‌بدیل از سبک زندگی اسلامی پویا برای نسل جوان

■ راهکارهای بهره‌گیری از فرصت استثنایی و تکرارناپذیر جوانی در خانواده

■ بررسی تأثیر نقش خانواده در حفظ هویت ملی و دینی جوانان

■ بررسی نقش خانواده در خودباوری جوانان

■ بررسی نقش خانواده در عدم گرایش جوانان به انحرافات

■ توصیه‌های اخلاقی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به جوانان

■ بررسی مهم‌ترین عوامل موفقیت جوانان

■ اهمیت دوران جوانی

■ نقش رسانه‌های جمعی به‌ویژه تلویزیون در الگوسازی برای جوانان

■ بررسی عوامل مؤثر بر گرایش جوانان به الگوهای فرهنگ غرب

■ بررسی نقش جوانان در افزایش عزت ملی، اقتدار و امنیت کشور

■ بررسی راهکارهای تقویت روحیه خودباوری و اعتماد به نفس ملی

در بین جوانان

- ۴. **حضرت علی اکبر علیه السلام**، ترجمه: محمد شوشتری زاده، سیدمحمدتقی مدرسی، قم: محبان الحسین علیه السلام، ۱۳۷۷.
- ۵. **حضرت علی اکبر علیه السلام از ولادت تا شهادت** (شامل: ۳۵ موضوع از زندگانی سراسر برکت حضرت علی اکبر علیه السلام)، لطیف راشدی و سعید راشدی، قم: پیام علمدار، ۱۳۸۹.
- ۶. **علی اکبر علیه السلام: الگوی جوانان**، جواد محدثی، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۶.
- ۷. **علی اکبر علیه السلام اولین شهید از بنی هاشم**، قم: کانون نشر اندیشه‌های اسلامی، ۱۳۷۰.
- ۸. **یوسف لیلی (مروری بر احوالات حضرت علی اکبر علیه السلام)**، مصطفی جوادی و محمدرضا راضی، تهران: سپیدبرگ، ۱۳۹۱.
- **مروری بر مؤلفه‌های جوان عاشورایی**
- **ویژگی‌های جوان از نگاه قرآن**
- **تبیین سیمای جوان شایسته در قرآن**
- **بررسی مدل‌های شخصیت جوانان از دیدگاه قرآن**
- **بررسی راهکارهای انس جوانان با قرآن**
- **قرآن و نقش آن در زندگی جوانان معرفی کتاب**
- ۱. **آینه محمد صلوات الله علیه: فرازهایی از زندگی حضرت علی اکبر علیه السلام**، محمداقصر انصاری، قم: دلیل ما، ۱۳۸۶.
- ۲. **بدرقه جان**، سیدابوالقاسم حمیدی، قم: کتاب جمکران وابسته به مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۹.
- ۳. **پدر عشق و پسر**، سیدمهدی شجاعی، تهران: نیستان، ۱۴۰۰.

۶ اسفند - ولادت امام زمان (عج)

زندگینامه

حضرت حجه بن الحسن المهدی (عج)، در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری در شهر سامرا دیده به جهان گشود. او هم‌نام پیامبر اسلام (ص) و هم‌کنیه آن حضرت (ابوالقاسم) است. از لقب‌های مشهور آن حضرت علاوه بر «مهدی»، می‌توان به «قائم»، «حجت»، «امام عصر» و «بقیه‌الله» اشاره کرد. آن حضرت تنها فرزند امام حسن عسکری (عج) و نرجس خاتون است که هنگام شهادت پدرش، پنج سال داشت. امامت امام مهدی (عج) دو مرحله دارد:

۱. غیبت صغری که حدود هفتاد سال بوده؛ از ۲۶۰ تا ۳۲۹ ق. در این مدت ارتباط امام با مردم از طریق چهار تن از نایبان خاص انجام می‌گرفت. آنان به محضر امام می‌رسیدند و پاسخ نامه‌ها و پرسش‌ها را به مردم می‌رساندند. این چهار تن عبارت بودند از: عثمان بن سعید اسدی، محمد بن عثمان، حسین بن روح نوبختی و علی بن محمد سمری.

۲. غیبت کبری و نیابت عامه، پس از غیبت صغری آغاز شد و تاکنون

ادامه دارد. این مدت دوران سنجش ایمان و عمل مردم است. در زمان نیابت عامه، امام قاعده‌ای به دست داده تا در هر عصر، فرد شاخصی که آن قاعده، در همه ابعاد بر او صدق کند، نایب عام امام شمرده شود و به نیابت از امام، ولی جامعه در امر دین و دنیا باشد. بنابراین، در هیچ دوره‌ای پیوند امام با مردم گسیخته نشده است. (امین، ۱۳۷۴، ص ۲۶۳-۲۸۱)

رویدادهای زمانه

از آغاز تولد تا زمان قیام آن حضرت و تشکیل حکومت جهانی، رویدادهای مهم و فراوانی رخ داده و خواهد داد که قابل شمارش نیستند. در اینجا به برخی از رویدادهای مهمی که در زمان ظهور آن حضرت اتفاق خواهد افتاد و در روایات و منابع اسلامی با عنوان نشانه‌های ظهور حضرت مهدی (عج) از آنها یاد شده، اشاره می‌کنیم:

خروج دجال و ادعای الوهیت و خون‌ریزی و فتنه‌های فراوان او در زمین و جنگ با حضرت مهدی (عج) و شکست و نابودی او به دست آن حضرت.

گفتار مجری

روز میلاد تو

سودابه مهیجی

درست روز میلاد توست و این درست‌ترین، سوگند من است... اکنون در این روز محض تو، وقتی از پنجره رو به باران اشک شوقم را نازل می‌کنم، وقتی سراپایم در تقدس میلادت تغسیل می‌شود، پیغام‌های بهارآور تو در سرم ظاهر می‌گردد و لبخند می‌زند. تو به من گفته‌ای خوشبخت باشم برای دیدار تو...

در این روز میلاد، آرزوهایم را می‌شناسم و رهایش می‌کنم، تا تنها تو در تقدیرم باشی.

خواهی رسید و آنگاه سپاس خواهیم گفت تو را که روزهای رفته عمر را بازمی‌گردانی. اساطیر انتظار ما پر از صدای پرندگان خوش‌آواز خواهد شد، و هیچ‌کس نمی‌تواند راه را بر تو ببندد، که موج‌موج به خانه‌های جهان سرازیر می‌شوی. تو از همه‌سو خواهی آمد، از تمام دروازه‌ها ... و خواهیم دید قلب زمین سرخ و شفاف در دستان تو جا گرفته و می‌تپد.

ذخیره خدا

خدایچه خدیوی

خسته‌ایم و غم لحظه‌ای راحتمان نمی‌گذارد. پیش پایمان درد است و

ندای آسمانی برای معرفی حضرت مهدی (عج) و شنیدن همه مردم به زبان رایج خودشان و استقبال آنان از ایشان.

خروج سفیانی در سرزمینی میان مکه و شام، و تصرف بسیاری از شهرها و خون‌ریزی و فتنه در بین مردم، و نبرد او با لشکریان امام مهدی (عج) و کشته‌شدنش به دست یاران آن حضرت. خروج سید حسنی و پیوستن او به حضرت مهدی (عج) در کوفه.

کشته‌شدن نفس زکیه در مسجدالحرام، مابین رکن و مقام. وقوع کسوف در نیمه ماه رمضان و خسوف در آخر این ماه.

گسترش سیاهی کفر، فسق و معصیت در سراسر جهان. ظهور حضرت مهدی (عج) از کنار کعبه و دعوت مردم به اسلام راستین. (واردی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۳-۱۶۵)

منابع

۱. امین، سیدمحسن (۱۳۷۴)، *سیره معصومان (عج)*، ترجمه: علی حجتی کرمانی، تهران: سروش.
۲. واردی، سیدتقی (۱۳۸۷)، *خاندان عصمت (عج): بررسی اجمالی زندگانی چهارده معصوم (عج)*، قم: بوستان کتاب.

می‌دانم بالای سرمان هستی و
دعایت پشتمان است ...

ماه کامل

امیر اکبرزاده

ماه به نیمه رسیده است و «ماه»
در کامل‌ترین صورت ممکنِ خویش در
سینه آسمان، همانند چشمی بیدار و
روشن به نظاره نشسته است، خانه‌ای
را که میزبان قدم‌های خورشید است؛
خورشیدی که نه تنها بر عالم ظاهر که
بر «هستی» هستی نیز سایه افکن
شده است و جلوات بی‌کران نورش،
تمام زوایای تاریک و موهوم شک و
دودلی را روشن می‌کند.

خورشیدی که از مشرق عشق سر
برآورده است.

خورشیدی که از دامان امامت
قامت برافراشته است تا چراغ هدایت
حسین (علیه السلام) را فروزنده نگاه دارد.

این خورشید را تلاطم بی‌فرجام
هیچ غروبی نخواهد توانست درنوردد
و خیال پوچ و تیره هیچ ابری، تاب و
توان جدایی‌انداختن این خورشید را از
نگاه‌های روشن‌بین ندارد.

هیچ ابر تیره‌پوشی نخواهد
توانست چهره نورانی‌اش را مخفی
کند.

پشت سرمان رخوت و بی‌پناهی.
زمین، زمین خورده است و در تب
همه‌گیری که گریبانش را گرفته،
می‌سوزد. پریشان‌راهیم و آشفته‌دل.

آخرین ذخیره خدا! ما هرچه در
تاب و توان داشتیم، به آخر رسیده و
راه به جایی نداریم جز آغوش
پرسخاوت تو. آقای مهربانم! بیا و با
آمدنت، لحظه‌های نفس‌گیرمان را دم
مسیحایی بخش.

با آمدنت بذر بندگی‌ای که اولیای
خدا پیش از تو کاشته بودند،
بارمی‌گیرد و تنه پهن و پرتوان جهالتی
که برگزیدگان الهی زخمی‌اش کرده
بودند، با دستان یداللهیات قطع
می‌گردد. با آمدنت روشنایی در رگ‌های
بیمار زمین جاری، تلخی‌ها شیرین، پای
نفاق و دورویی قطع، و بساط غرور و
ستم از زمین برچیده می‌شود.

بیراهه‌ها به راه می‌آیند، بازار گرم
بدعت‌ها و تملق کساد و دربه‌دری به
در می‌شود.

آقا! چشم به دستان تو دوخته‌ایم
و نیازمند جرعه‌ای نظر از طرف توایم.
تنگ‌نظری‌هامان را با باران لطیف
سخاوتت بیوشان. در راه‌ماندگی‌مان را
راه‌نما باش تا سر از عصیان درنیاوریم.

می‌کند، روزی که قامت به قیام ازلی
خویش راست کند.

دور نیست آن وعده‌گاه موعود و
آن سحرگاه وعده داده‌شده.

روزی طلوع خواهد کرد از پس
شانه‌های افراشته خورشید برج
امامت، از پس شانه‌های مهدی قائم
آل محمد علیهم‌السلام، خورشید ظهور طلوع
خواهد کرد.

او خواهد آمد؛ شاید در نیمه
دیگری از ماه؛ همان زمان که ماه در
کامل‌ترین صورت ممکن، چشم بر
خاک دوخته است.

خورشیدی که از درون خانه دل‌ها
طلوع می‌کند و از درون به بیرون،
نورگسترانی می‌کند.

ماه به نیمه رسیده است، اما
امامت، کامل گردیده است.

آخرین امام نیز قیام می‌کند در نیمه
ماه تا کامل شود؛ ادامه نویدی که
حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به شیعیان داده بود.

او قامت برافراشته است تا دل‌های
مشتاق، بر شاخسار بالابلند عشق به
ولایت آشیانه بسازند و دانه برچینند از
کرامت دستانش.

در نیمه ماه، خورشیدی قدم بر
خاک گذاشته است که قیامتی به پا

شعر

سبزترین فصل

ز جاده‌های خطر بوی یاس می‌آید
صدای کیست؟ خدایا درست می‌شنوم؟
مشام جنگل آتش گرفته می‌سوزد
ز بس فرشته به تشییع لاله آمد و رفت
مپرس از دل خود: لاله‌ها چرا رفتند
بیاوراست بگو، چیست مذهب‌ای عشق
به لحظه لحظه این روزهای سرخ قسم

کسی از آن سوی مرز محال می‌آید
دوباره بوی صدای بلال می‌آید
که بوی سوختن از یک نهال می‌آید
صدای مبهم برخورد بال می‌آید
که بوی کافران از این سؤال می‌آید
که خون لاله به چشم‌ت حلال می‌آید؟
که بوی سبزترین فصل سال می‌آید

قیصر امین‌پور

ز غم دامن فراچیده است امشب
شب میلاد خورشید است امشب

اکبر بهداروند

میلاد

دل‌م با نور امید است امشب
بشارت باد چاووش سحر را

کوچه در کوچه خداها...

زندگی غرق تماشاست اگر باز آیی
باز در آینه پیداست اگر باز آیی
چشم و دل وقف تورعناست اگر باز آیی
گل امید شکوفاست اگر باز آیی
کوچه در کوچه خداهاست اگر باز آیی
مرهم سینه زهراست اگر باز آیی
فصل پایانی غم هاست اگر باز آیی

اقبال بنی عامریان

دخیل بر حرم عشق بسته‌ام که بیایی
به سنگ غیرت این دل شکسته‌ام که بیایی
فسون تیره غم را گسسته‌ام که بیایی
در امید به رویت بسته‌ام که بیایی
کنار پنجره شب نشسته‌ام که بیایی

عباس سربی

نگار آمدنی، غمگسار، آمدنی‌ست
بخوان ترانه شادی که یار آمدنی‌ست
مترس از شب یلدا! بهار آمدنی‌ست
خبر دهید به یاران: سوار آمدنی‌ست
یگانه فاتح این کوهسار، آمدنی‌ست

مرتضی امیری/اسفندقه

با تو ما را سر سوداست اگر باز آیی
روی زیبای تو ای جلوه جانانه دوست
بی تماشای رخت چشمه دلم می‌گوید
غم هجران تو پژمرده دلم را اما
از سر شوق وصال رخت ای یوسف دل
معجز چشم مسیحایی تو می‌دانم
سایبان دل ما شد غم پنهانی ما

ینجره

میان گریه و خنده نشسته‌ام که بیایی
بیا که آینه‌ای را که رنگ غیر در آن بود
شهاب خاطره‌ها را چراغ راه تو کردم
اگر که یأس بخواهد ره خیال ببند
اگر به صبح برآیی به چشم خویش ببینی

یگانه فاتح

فروغ‌بخش شب انتظار، آمدنی‌ست
به خاک کوچه دیدار آب می‌پاشند
بین چگونه فناری ز شوق می‌لرزد!
صدای شیهه رخس ظهور می‌آید
بس است هرچه پلنگان به ماه خیره شدند

محوه‌های برنامه‌سازی

- تبیین فلسفه و جایگاه انتظار در ادیان و مذاهب
 - نقش انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام در نهضت‌های سیاسی - اجتماعی
 - نقش انتظار در پویایی جامعه اسلامی
 - نقش علما در تبیین انتظار
 - راهکارهای تقویت باور انتظار
 - تأثیر انتظار در شادابی و نشاط جامعه
 - نقش انتظار در قدرت تحمل ناکامی‌ها
 - اندیشه مهدویت از منظر مستشرقان
 - مهدویت و سنت‌های الهی در قرآن
 - راه‌های شناخت مدعیان امام مهدی و مهدویت از منظر روایات
 - دلایل منکران مهدویت در اهل سنت
 - آثار فردی اجتماعی مهدی‌باوری در روایات
 - سیره فردی امام مهدی علیه السلام در روایات قبل و بعد از ظهور
 - ضرورت بحث در مورد مهدویت
- مهدویت و فرجام انسان
 - نقش ایرانیان در برپایی نهضت مهدوی
 - استکبار جهانی مبارزه با مهدویت جهانی‌شدن دولت مهدوی
 - داعیان مهدویت، ریشه‌ها و عقاید
 - کرامت انسان در پرتو حکومت مهدوی
 - بررسی پیوندهای نهضت عاشورا و مهدویت
 - مهدویت در ادیان و آیین‌های شرقی
 - صهیونیسم و مهدویت
 - زندگی حضرت در غیبت صغری
 - بررسی جایگاه مهدویت، غیبت و انتظار در شکل‌گیری حوزه‌های علمیه و استمرار آن
 - آخرالزمان از دیدگاه روایات
 - بررسی حتمی و غیرحتمی بودن نشانه‌ها
 - نشانه‌های ظهور در ادیان، مذاهب و مکاتب مختلف:
 - اشتراک‌ها، افتراق‌ها و امتیازها
 - بررسی وظایف فردی در برابر اتفاق‌های آخرالزمان
 - آمادگی جمعی - اجتماعی برای حوادث آخرالزمان

۸. **تومی آبی،** علی صفائی حائری، قم: لیلۃالقدر، ۱۳۸۱.
۹. **جهانی‌شدن فرهنگ مهدوی،** زینب متقی‌زاده، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۸۸.
۱۰. **ظهور نور: ترجمه الشوموس المضيئه فی الغیبه و الظهور و الرجعه،** علی سعادت‌پور، قم: آفتاب فطرت، ۱۴۰۰.
۱۱. **سیمای آفتاب: سیری در زندگانی حضرت مهدی علیه السلام،** حبیب‌الله طاهری، قم: زائر، ۱۳۹۴.
۱۲. **کمال هستی در عصر ظهور،** ترجمه: دکتر جلال برنجیان، محمدباقر علم‌الهدی، مشهد: سنبله، ۱۳۸۳.
۱۳. **مهدویت؛ پرسش‌ها و پاسخ‌ها، مؤسسه آینده روشن** (پژوهشکده مهدویت)، قم: مؤسسه آینده روشن، ۱۳۹۱.
۱۴. **نگین آفرینش،** محمد بالادستیان؛ محمد مهدی حائری‌پور و مهدی یوسفیان، قم: مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۹.
- معرفی کتاب**
۱. **اتفاق در مهدی موعود علیه السلام،** سیدعلی اکبر قرشی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۰.
۲. **آفتاب مهر؛ پرسش‌ها و پاسخ‌های مهدوی (۲ جلد)،** جمعی از محققین مرکز تخصصی مهدویت، قم: مرکز مهدویت: بنیاد فرهنگی مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۱.
۳. **آیین برنامه‌سازی در موضوع مهدویت،** مهدی داوودآبادی و دیگران، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، ۱۳۸۷.
۴. **بعد از آن صدای آسمانی،** مصطفی رحماندوست، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۱.
۵. **پیدای پنهان؛ نگاهی کوتاه به حیات، سیرت و آثار حضرت مهدی علیه السلام،** سیدمسعود پورسیدآقایی، قم: حضور، ۱۳۸۵.
۶. **تاریخ عصر غیبت،** سیدمجید پورطباطبایی، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۷.
۷. **تعلیم و تربیت در عصر ظهور،** رحیم کارگر، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی علیه السلام، ۱۳۸۹.

۱۴ اسفند - روز احسان و نیکوکاری

می‌فرماید: «مسلم برادر مسلمان است، به منزله چشم اوست (خوبی‌ها و بدی‌هایش را به او بدون کم و کاست می‌نمایاند) همانند آینه اوست، راهنمای اوست. هیچ شخص مسلمانی به برادر دینی خود خیانت نمی‌کند، بر او ستم و ظلم روا نمی‌دارد، به او خدعه و نیرنگ نمی‌کند، به او دروغ نمی‌گوید و هرگز عیب‌جویی و غیبت او را جایز نمی‌شمارد». (صحفی، بی‌تا، ص ۷۳-۸۷ و ۱۸۵-۱۹۹)

رسول خدا ﷺ هم در این باره فرموده است: «مسلمان باید از لغزش‌های برادر دینی خود چشم‌پوشی و گذشت کند. در ناراحتی‌ها بر او ترحم نماید، اسرار او را پنهان دارد، اشتباهات او را نادیده انگارد، عذر او را بپذیرد. در برابر بدگویان و عیب‌جویان از او دفاع کند، همیشه او را پند و اندرز دهد، روابط دوستانه خود را با او حفظ کند. اگر بیمار شد به عیادتش برود، دعوت او را بپذیرد، هدیه او را قبول کند، عطایای او را متقابلاً پاداش دهد، از محبت‌های او سپاسگزاری نماید. با او

جامعه‌ای در تحقق‌بخشی به اهداف و آرمان‌ها و همچنین برطرف‌کردن مشکلاتش موفق می‌شود که بتواند بین آحاد جامعه رابطه محکم و ریشه‌داری برقرار سازد و روح تعاون و همبستگی را هر روز، بیش از پیش تقویت نماید.

در هر جامعه‌ای برای تحقق این مهم از مکانیزم، راهکار و عناصر خاصی بهره‌برداری می‌شود. در جامعه اسلامی به منظور تحکیم روابط انسانی و ارتقای روح تعاون و همبستگی از اصل اخوت اسلامی که ریشه‌دارترین رشته مودت و محکم‌ترین عامل پیوند و همکاری است، استفاده شده است. توضیح آنکه در جامعه اسلامی، آحاد مردم، برادر یکدیگر محسوب می‌شوند: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ...» همانا مردم باایمان برادران یکدیگرند...» (حجرات: ۱۰)

براین اساس نسبت به همدیگر حقوقی پیدا می‌کنند که ملزم به رعایت آن هستند و گرنه در پیشگاه خداوند مورد مؤاخذه قرار می‌گیرند. در یک مورد امام صادق علیه السلام در توصیف لوازم برادری مسلمان‌ها به همدیگر

بر طبق آنچه بیان شد افراد جامعه اسلامی در سختی‌ها و مشکلات به همدیگر کمک می‌کنند، همان‌گونه که در شادی‌ها شریک یکدیگرند... .
 انفاق و احسان و گره‌گشایی در شرایط و موقعیت‌های خاص از ویژگی‌های خاص جوامع اسلامی است... . بنابراین در نظام اسلامی، ایام خاصی هم مشخص شده است که مردم در آن روز با یک خیزش عمومی به برطرف‌سازی گوشه‌ای از مشکلات و گرفتاری‌های افراد مستمند اقدام می‌کنند و هرکس به میزان توان خود، حس برادری‌اش را به منصف ظهور می‌رساند... .
 که نیکی رساند به خلق خدای بوستان سعدی

حضرت علی علیه السلام: «مواسات و یاری به برادران دینی روزی را زیاد می‌کند».
 امام صادق علیه السلام: «نیکی در حق برادران دینی و کوشش در رفع نیازهای ایشان، دوزخ را دور و بهشت ابدی را نزدیک و شیطان را خاکسار می‌کند».
 رسول خدا صلی الله علیه و آله: «محبوب‌ترین مردم در پیشگاه خداوند کسانی هستند که نفع آنها به حال مردم بیشتر باشد».

با زبان خوش سخن گوید، با دوستان او دوست باشد. او را در برابر حوادث تنها نگذارد. آنچه برای خود دوست دارد، برای او نیز بخواهد و آنچه را برای خود نمی‌پسندد برای او نیز نپسندد».
 (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۲۳۶)

سپس آن حضرت در تبیین بهتری، روابط آحاد جامعه اسلامی را این‌گونه با تشبیهی به تصویر می‌کشد: «مؤمنان از نظر عطوفت و مهرورزی به یکدیگر همانند یک پیکرند، به‌گونه‌ای که هرگاه عضوی از آن دچار درد و ناراحتی شود، سایر اعضا آن پیکر هم با آن عضو به همدردی می‌پردازند».
 (همان، ج ۱۰۹، ص ۱۷۳)
 کسی نیک بیند به هر دو سرای

کلام نور

«نیکی کنید، همانا خداوند نیکوکاران را دوست دارد».
 (بقره: ۱۹۲)
 «کسی که یک کار نیک انجام دهد، ده برابر پاداش دریافت می‌کند».
 (انعام: ۱۶۱)
 «اگر نیکی کنید به خود کرده‌اید...».
 (اسراء: ۷)
 امام صادق علیه السلام: «از راه یاری کردن به برادران دینی، خود را مقرب درگاه خدا سازند».

۲. معاونت فرهنگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۱۳۸۲). **آینه یادها** (مناسبت‌های شمسی و قمری در قرآن و حدیث)، قم: دارالحدیث.
۳. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، **بحار الانوار**، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

اشعار احسان و نیکی

یکی از اساسی‌ترین دستوره‌های دینی در حوزه اخلاق اجتماعی، احسان و نیکوکاری است. احسان و نیکی شامل هرگونه خیررسانی به دیگران می‌شود؛ تا جایی که می‌توان مقام احسان را از والاترین فضایل متقین و مؤمنان دانست. نیکوکاران، از سوی همه انسان‌ها، مورد توجه و ستایش‌اند. احسان به‌عنوان فضیلت انسانی و عبادتی بزرگ، همواره از سوی اهل فضل مورد توجه و تشویق بوده است. احسان و نیکی به همنوعان در شعر شاعران هم، از جایگاه بسیار والایی برخوردار است. در ادامه به ذکر چند نمونه بسنده می‌شود:

حضرت رضا علیه السلام: «خداوند بنده‌هایی دارد که در برآوردن حاجات دیگران کوشا هستند. آنها در روز قیامت در امانند».

امام کاظم علیه السلام: «حاجتی که برادر دینی‌ات به‌سوی تو می‌آورد، رحمتی از ناحیه خداوند به‌سوی شماست (قدر آن را بدانید)».

رسول خدا صلی الله علیه و آله: «خداوند کمک به اندوهگین و یاری‌خواه را دوست دارد».

حضرت علی علیه السلام: «هرگونه که به دیگران یاری کنی یاری می‌شوی».

حضرت علی علیه السلام: «محبوب‌ترین مؤمن نزد خداوند کسی است که مؤمن فقیری را در تنگدستی دنیا و گذران زندگی، یاری کند».

حضرت علی علیه السلام: «خوشا به حال آن که بندگان خدا را نیکی کند».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «هرکس یتیمی را سرپرستی کند و بی‌نیاز سازد، خداوند بهشت را بر او واجب سازد». (معاونت فرهنگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۱۲۵ و ۱۲۶)

منابع

۱. صحفی، سیدمحمد (بی‌تا)، **تعالیم آسمانی اسلام**، قم: دفتر انتشارات اهل بیت علیهم السلام.

نیکي کن ای پسر تو، که نیکي به روزگار
سوی تو بازگردد، اگر در چه (چاه) افکنی
اوحدي مراغه‌اي

شکر آن را که دگر باز رسیدی به بهار
بیخ نیکي بنشان و ره تحقیق بجوی
حافظ

ده روز مهر گردون افسانه است و افسون
نیکي به جای یاران فرصت شمار یارا
حافظ

همه روز روزه بودن، همه شب نماز کردن
ز مدینه تا به مکه، سر و پا برهنه رفتن
به مساجد و معابد، همه اعتکاف جستن
شب جمعه‌ها نخفتن، به خدای رازگفتن
به خدا که هیچ یک را، ثمر آنقدر نباشد
همه ساله حج نمودن، سفر حجاز کردن
دو لب از برای لبیک، به وظیفه باز کردن
ز ملاهی و مناهی، همه احتراز کردن
ز وجود بی نیازش، طلب نیاز کردن
که به روی ناامیدی، در بسته باز کردن
شیخ بهایی

گر تو نیکي کنی جزا یابی
در جهان جاودان بقا یابی
سنایی غزنوی

دُردستان را به احسان یاد کردن همت است
ورنه هر نخلی به پای خود ثمر می افکند
صائب تبریزی

چون تیشه مباش و جمله بر خود متراش
چون رنده ز کار خویش بی بهره مباش
تعلیم ز آره گیر در کار معاش
چیزی سوی خود می کش و چیزی می پاش
حامی

خاطری را سبب تسکین است
پروین اعتصامی

کشیده سر به بام خسته‌جانی
بهارت خوش که فکر دیگرانی
فریدون مشیری

به خواب اندرش دید صدر خُجند
کز آن خار بر من چه گل‌ها دمید
سعیدی

کنند دست یکی در گره‌گشایی هم
صائب تبریزی

همان به که نیکی بود یادگار
همه نیکویی کن اگر بخردی
بدی را بدی باشد اندر خورت
تو با هر کسی نیز، نیکی نمای
ز بد گردد اندر جهان، نام بد
که نیکی نشاید ز کس خواستن
شب‌ی در جهان شادمان نغنوی
حکیم ابوالقاسم فردوسی

خرّم آن کس که در این محنت‌گاه

سحر دیدم درخت ارغوانی
به گوش ارغوان، آهسته گفتم

یکی خار پای یتیمی بکند
همی گفت و در روضه‌ها می‌چمید

شود جهان لب پر خنده‌ای اگر مردم

نباشد همی نیک و بد پایدار
دراز است دست فلک بر بدی
چو نیکی کنی، نیکی آید برت
چو نیکی نمایند کیهان خدای
مکن بد، که بینی به فرجام بد
به نیکی نباید تن‌آراستن
وگر بد کنی، جز بدی ندروی

۲۲ اسفند - آغاز ماه مبارک رمضان

فضایل ماه مبارک رمضان

در مجموعه آیات و روایات از جمله فضایی که برای ماه رمضان ذکر شده

است به این شرح است:

▪ رمضان ماهی است که در آن، قرآن فرو فرستاده شده است.

▪ درهای رحمت خداوند از اولین شب ماه رمضان به روی بندگان گشوده می‌شود.

▪ رمضان را رمضان نامیده‌اند؛ چون گناهان بندگان را از بین می‌برد.

▪ روزه که سپر آتش جهنم است در ماه رمضان برای مؤمنان مقرر و واجب شده است.

▪ در ماه رمضان بر تلاوت زیاد قرآن که سبب زنده‌شدن قلب‌ها و مانع فروغلتیدن در گناهان می‌گردد، بسیار تأکید شده است.

▪ دعای استغفار بندگان در رمضان به اجابت می‌رسد.

▪ اولیای الهی در ماه رمضان تلاش می‌کردند تا جایی که ممکن است جز به دعا و تسبیح و استغفار و تکبیر و قرائت قرآن لب نکشایند.

▪ از جمله مزایای ماه رمضان قرارگرفتن لیلۃ‌القدر (که به تعبیر قرآن بهتر از هزار ماه است) در آن است.

روز سه‌شنبه ۲۲ اسفند ۱۴۰۲ شمسی مصادف با اولین روز رمضان سال ۱۴۴۵ هجری است.

ماه مبارک رمضان، ماه ضیافت خداوند از بندگان مؤمن است. رسول

خدا ﷺ با هدف تبیین اهمیت رمضان در روز آخر شعبان در ضمن سخنانی فرمود: «ای مردم، اینک ماه خداوند

با برکت و بخشش و رحمت رو به شما آورده است، ماهی که در پیشگاه

پروردگار عالمان بافضیلت‌ترین ماه‌هاست. روزهایش برترین و شب‌هایش بهترین شب‌هاست.

▪ لحظه‌ها و ساعات‌های بافضیلت‌ترین اوقات است. شما در

این ماه عزیز به میهمانی خداوند فراخوانده شده‌اید و از جمله اهل

▪ کرامت و افراد بزرگواری و بندگان شایسته به حساب می‌آیید.

▪ نفس‌های شما در این ماه تسبیح و خواب‌هایتان عبادت خداوند محسوب می‌شود. اعمال نیکی که انجام

می‌دهید، مورد پذیرش حضرت حق واقع می‌گردد». (مجلسی، ۱۳۶۳،

ج ۹۳، ص ۳۵۶)

آداب ماه مبارک رمضان

- برای ماه رمضان، آدابی در مجموعه معارف اسلامی ذکر شده است که می‌توان به این امور اشاره کرد:
- طلب توفیق از خداوند برای گرفتن روزه واقعی و تلاوت قرآن
- در لحظه‌های گرسنگی و تشنگی به یاد سختی‌های قیامت بودن
- انفاق و صدقه‌دادن به نیازمندان
- مهرورزی به کودکان و گرمی‌داشت بزرگسالان
- انجام صله رحم و نیکی‌رساندن به خویشاوندان
- مراقبت از زبان و کنترل آن
- اهتراز از نگاه به نامحرم
- خودداری از آنچه نباید شنید، مثل غیبت و تهمت و افترا و...
- مهرورزی به یتیم‌ها
- دعاکردن در ساعاتی که زمان استجاب دعاست
- توبه و استغفار از گناهان
- انجام‌دادن سجده‌های طولانی در تسبیح خداوند و استغفار از کوتاهی‌ها
- خوش‌رفتاری با مردم و اطرافیان
- افطاری‌دادن به مؤمنان و مستمندان

صلوات فرستادن زیاد به پیامبر

خدا ﷺ و اهل بیت ﺍﻟﻤﺎﺭﺗﺒﺎﺓ

خواندن نمازهای مستحبی

خواندن دعاهای مخصوص ماه

رمضان

زیرنویس

بهترین عمل در ماه رمضان،

خویشتن‌داری از حرام‌های خداوند

است.

یک شب نماز نافله در ماه رمضان

برابر با هفتاد شب نماز نافله در

سایر ماه‌هاست.

در ماه رمضان درهای بهشت باز

و درهای جهنم بسته می‌شود.

هرکس در ماه رمضان آمرزیده

نشود معلوم می‌گردد خداوند او را

از رحمت خود دور ساخته است.

آغاز ماه رمضان، رحمت و میانه

آن آمرزش و پایانش رهایی از

آتش است.

در ماه رمضان شیاطین به دستور

خداوند به زنجیر کشیده

می‌شوند.

کسی که در ماه رمضان آمرزیده

نشود تا رمضان بعدی آمرزیده

نگردد مگر آنکه در عرفه حاضر

شود.

عبرت‌گیری از سرگذشت انسان‌های غنیمت‌شمار و خسران‌کار اهمیت فرصت جوانی در خودسازی و تربیت نفس حسرت انسان در قیامت بر فرصت‌سوزی‌های دنیا محدودبودن زمان ذخیره‌سازی عملی صالح برای آخرت توجه به توصیه‌های قرآن و اهل‌بیت علیهم‌السلام در زمینه استفاده از فرصت‌ها راه‌های صحیح بهره‌برداری از فرصت عمر عوامل فرصت‌سوزی در فرصت‌های معنوی

۲. آثار و فواید روزه

روزه و کنترل هواهای نفسانی
روزه زمینه‌ساز تعدیل غرایز
نقش روزه در ارتقای احساس همدردی با محرومان و مستمندان
روزه، وسیله‌ای برای تقویت اراده
نقش روزه در تحصیل و تثبیت ملکه تقوا و پرهیزکاری
روزه و بهداشت جسم و سلامتی بدن
نقش روزه در صفای دل و خشوع قلب

- در ماه رمضان روزی‌ها قسمت و اجل‌ها نوشته می‌شود.
 - اگر بنده‌ای ارزش ماه رمضان را بداند، آرزو می‌کند که سراسر سال رمضان باشد.
 - ستایش خداوندی را که ماه رمضان را ماه پاکیزگی و تصفیه و قیام برای عبادت خویش قرار داد.
- موضوعات و محورهای برنامه‌سازی**

- در فرصت سی روزه ماه مبارک رمضان زمینه برای ارائه برخی معارف و آموزه‌های اخلاقی و تربیتی و اجتماعی فراهم‌تر است. براین‌اساس دست‌اندرکاران برنامه‌سازی رسانه ملی می‌توانند با درنظرگرفتن اهمیت و ضرورت برخی موضوعات در شبکه‌های مختلف و با توجه به توان و کشش و علاقه مخاطبان، این قبیل موضوعات را در قالب‌های مناسب ارائه دهند. در ادامه به بعضی از این موضوعات، همراه محورهای هریک از موضوعات اشاره می‌شود.

۱. بهره‌گیری از فرصت‌های معنوی

- **زودگذری فرصت‌ها**
- ضرورت بهره‌گیری از فرصت عمر
- سختی حسرت بر عمر از دست‌رفته

- فلسفه و حکمت روزه در آیات و روایات
- اهمیت روزه در کلام و بیان اهل بیت علیهم السلام
- آثار اخروی روزه در معارف اسلامی
- شرایط واقعی روزه کامل
- **۳. ترک گناهان**
- حقیقت گناه
- علل ارتکاب گناهان
- راه مقابله درست با گناهان
- فضیلت توبه در ماه رمضان
- رمضان، ماه استغفار
- سرنوشت بد گناهکاران در قیامت
- آثار گناه در زندگی انسان
- دلیل دوری اولیای الهی از گناهان
- نقش شیطان در آلودگی انسان به گناهان
- خاطرات و داستان‌های توبه‌کاران واقعی
- **۴. انس با قرآن**
- ثواب تلاوت قرآن در ماه رمضان
- ضرورت فضیلت تدبر در آیات قرآن هنگام تلاوت
- تصمیم بر عمل به دستورهای قرآن
- نورانیت قلب، رهاورد انس با قرآن
- شکایت قرآن در قیامت از مؤمنان
- آثار قرائت قرآن در زندگی
- نقش انس با قرآن در حفظ سلامت اخلاقی جامعه
- جایگاه قرآن و متون معارفی اسلام
- دلیل دشمنی عوامل استکبار با قرآن (راز قرآن‌سوزی دشمنان)
- اجرای احکام قرآن، بزرگ‌ترین مانع نفوذ دشمنان در جوامع اسلامی
- نقش قرآن در پیروزی مسلمانان بر استعمارگران در طول تاریخ
- علل غفلت از برکات قرآن در جوامع اسلامی
- **۵. کمک به محرومان و مستمندان**
- انفاق به فقرا، یک وظیفه عمومی
- جایگاه نوع‌دوستی در آموزه‌های اسلامی
- مسئولیت آحاد جامعه در قبال تأمین نیازهای نیازمندان
- ضرورت فقرزدایی و برقراری عدالت اجتماعی در جامعه اسلامی
- علل گسترش فقر و تبعیض در جوامع
- نقش نظام سرمایه‌داری در محرومیت اقتصادی جهانیان

حقوق متقابل مردم با حکومت
حقوق بشر اسلامی و روابط
بین الملل
سیره اهل بیت علیهم السلام در پایبندی به
حقوق برادری دینی

تبیین انواع حقوق متقابل مردم
جامعه اسلامی در قبال یکدیگر
مثل حقوق همسایه‌ها، حقوق
پدر و فرزند، استاد و شاگرد، رهبر
و مردم، زن و مرد، مدیر و کارگزار،
کارگر و کارفرما و...

نقش نفوذ اصل فردگرایی غربی
در بی‌توجهی به حقوق برادری در
جوامع اسلامی

راه‌های احیای توجه به حقوق
متقابل آحاد جامعه اسلامی
نقش دولت اسلامی در پایبندی
مردم به حقوق یکدیگر

مسئولیت قوای مقننه و قضاییه
در فراهم‌شدن زمینه رعایت
حقوق برادری در جامعه

۷. رعایت اصل اعتدال

اسلام دین اعتدال و میانه‌روی
میانه‌روی و پرهیز از افراط و تفریط
نشانه عقلانیت

اعتدال در کار و فعالیت

اعتدال در عبادت

اعتدال در مصرف

میانه‌روی در معاشرت

- ضرورت مقابله با حاکمیت‌یابی
- اصول سرمایه‌داری در جوامع اسلامی
- تبیین اهتمام اولیای الهی در
فقرزدایی
- آثار و آسیب‌های فقر در آموزه‌های
دینی
- سیاست‌های اسلامی در جلوگیری
از پیدایش فقر در جامعه اسلامی
- راه‌های فقرزدایی در آموزه‌های دینی
- سفارش به اجرای برنامه‌های
احسان، اطعام، ایثار و انفاق در
قرآن و روایات
- نقش پرداخت حقوق مالی در
فقرزدایی از جامعه
- نقش مبارزه با طمع‌ورزی و
تجمل‌گرایی و ویژه‌خواری و... در
فقرزدایی از جامعه

۶. توجه به حقوق برادران دینی

- برادری آحاد جامعه اسلامی با
یکدیگر در معارف اسلامی
- تبیین وظایف افراد جامعه اسلامی
در قبال یکدیگر
- معرفی رساله حقوق امام
سجاد علیه السلام و حقوقی که در آن برای
افراد جامعه اسلامی بیان شده
است
- ناسازگاری عدم رعایت حقوق
آحاد جامعه اسلامی با ادعای
مسلمانی

- راه درست، راه میانه (خیرالامور
اوسطها)
- اعتدال در تفریح
- میانه‌روی در خواب و بیداری
- میانه‌روی، توصیه قرآن و روایت
- اعتدال در انفاق
- میانه‌روی در محبت و پرهیز از غلو
- اعتدال در جذب و دفع
- میانه‌روی در نرمش و تندى
- میانه‌روی دخل و خرج
- اعتدال در خوف و رجا
- **۸. عفو و گذشت**
- عفو و گذشت، نشانه روح بلند و
همت والا
- عفو و بخشش، مایه تحکیم
همبستگی اجتماعی و خانوادگی
- عفو نامی از نام‌های خداوند
- عفو و بخشش، مایه آرامش
روحي انسان
- عفو، راه از بین بردن کینه و کدورت
- عفو و بخشش زمینه‌ساز اصلاح و
صلح بین مردم
- عفو و جایگاه آن در سیره
اهل بیت علیهم‌السلام
- عفو و بخشش، نزدیک‌ترین راه
برای کسب تقوای الهی
- خداوند ضامن پاداش عفو و
بخشش
- عفو و بخشش زمینه‌ساز پذیرش
توبه توسط خداوند
- ارزشمندی عفو در حال
قدرت بخشیدن
- عفو و بخشش، مایه افزایش عزت
بنده در پیشگاه خداوند
- **۹. شکر نعمت‌ها**
- شکرگزاری، نشانه معرفت و
محبت بنده به خداوند
- محبت خداوند به بندگان شکور
- ناسپاسی، وسیله قطع و زوال
نعمت‌های الهی
- راه‌های مختلف شکر نعمت‌ها
- تفاوت شکر و حمد و ثنا در متون
دینی
- انواع شکر: شکر خداوند، مردم،
اولیای الهی
- بازگشت فایده همه انواع شکرها
به خود انسان
- اجتناب از حرام، اصلی‌ترین راه
شکر نعمت‌ها
- یادآوری نعمت‌ها مقدمه
شکرگزاری بنده از خداوند
- خداوند منشأ همه نعمت‌ها
- ضرورت شناخت ولی‌نعمت برای
انسان
- عدم تجاوز شکر منافق از زبان
شاکرترین بندگان خداوند،
شاکرترین آنها در برابر خوبی مردم

- فضیلت شرکت در جمعه و جماعت
 - ترک و فراموشی ذکر و یاد خداوند
 - قناعت در زندگی
 - احسان و نیکوکاری
 - صلح رحم
 - تحصیل خلوص نیت
 - رعایت عفت و حیا
 - پرهیز از سوءظن
 - صدق و امانت
 - تواضع
 - خوش رفتاری با مردم
 - وفای به عهد
 - پرهیز از اسراف و تبذیر
 - پرهیز از طمع‌ورزی و آرزوهای طولانی
 - پرهیز از تکبر و خودبزرگ‌بینی و...
 - کنترل گوش و چشم و زبان
 - رازداری و آبروداری
 - محاسبه و مراقبه (اقتباس، تلخیص و تکمیل از مقاله سوزدهای سخن استاد جواد محدثی) (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۶، ص ۴۰۹-۴۴۰)
- منابع**
۱. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۳)، **بحارالانوار**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۲. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۶)، **ره‌توشه‌های راهیان نور** (ویژه رمضان ۱۳۹۶)، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- **۱۰. توبه و استغفار**
 - توبه در رحمت خداوند برای بندگان
 - رمضان، بهار توبه و استغفار
 - معنی حقیقی توبه و استغفار
 - توبه‌های مقبول و غیرمقبول
 - راه توبه در حق الناس
 - جایگاه و اهمیت توبه در آیات و روایات
 - تفاوت توبه اولیای الهی با مردم عادی
 - گناه‌بودن یأس از رحمت الهی
 - سفارش به شتاب در توبه از گناهان
 - ناراحتی شیطان از توبه و وسوسه‌های او
 - عدم هماهنگی توبه با آرزوهای طولانی
 - توبه و استغفار واقعی مایه پاکی از همه گناهان
 - فضیلت و معنای توبه نصوح
 - علاوه بر آنچه بیان شد می‌توان موضوعات و سوزدهای دیگری را که مناسب ایام ماه مبارک رمضان است در برنامه‌سازی‌ها مدنظر داشت، از جمله آنهاست:
 - یاد مرگ و نقش آن در خودسازی
 - ضرورت امتحان الهی

۲۵ اسفند - بزرگداشت پروین اعتصامی

مقام دوستی، متواضع و در طریق حقیقت و محبت پایدار بود». (اعتصامی، ۱۳۶۲، ص ۱۵)

پروین اعتصامی، سوم فروردین ۱۳۲۰ در ۳۵ سالگی با مرگ زودرس، رخت دیار باقی پوشیده و بدرود زندگی گفت.

پیکرش در مقبره خانوادگی‌شان واقع در جوار حرم پرفیض کریمه اهل بیت حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

مجموعه اشعار شاعره بزرگ معاصر در قالب‌های مثنوی، قصاید و مقطعات و غزل‌گونه سروده شده است.

در قصاید از نظر سبک و الفاظ پیرو شاعران سبک خراسانی به‌ویژه ناصر خسرو است. در قطعات، مثنوی‌ها و غزل‌گونه‌ها بیشتر متمایل به سبک عراقی، به‌ویژه متأثر از استاد سخن سعدی شیرازی است. اندیشه‌های وی نو و متضمن نکات بلند اجتماعی، اخلاقی و انتقادی است. در اشعار وی، اندیشه و خرد از یک طرف و عاطفه و احساس از طرف دیگر خودنمایی می‌کند. تمثیلات

پروین اعتصامی، شاعره پرآوازه نامدار ادب پارسی در ۲۵ اسفند ۱۲۸۵ دیده به جهان گشود. از هشت سالگی شعر گفت و طولی نکشید که در شاعری نه تنها گوی سبقت از همگان ربود، بلکه از سرآمدان عرصه شعر و ادب معاصر به حساب آمد و اعجاب و شگفتی ارباب ذوق و ادب را برانگیخت، به‌گونه‌ای که ملک‌الشعراى بهار در مقدمه دیوان پروین نوشت: در ایران که مکان سخن و فرهنگ است، اگر شاعرانی از جنس مرد پیدا شده‌اند که مایه حیرت‌اند، جای تعجب نیست، اما تاکنون شاعری از جنس زن که دارای این قریحه و استعداد باشد و با این توانایی و طی مقدمات تتبع و تحقیق، اشعاری چنین نغز و نیکو سراید از نوادر محسوب می‌شود و جای بسی تعجب و شایسته هزاران تمجید و تحسین است. در توصیف سیره اخلاقی و منش اجتماعی‌اش دوست نزدیک او که به مدت دوازده سال با وی مروده داشته است چنین می‌نویسد: «... او از پاکی عقیده و طینت و دامن برخوردار بود. در معاشرت‌ها خوشخو و خوش‌رفتار، در

در ادامه با هدف آشنایی بیشتر با افکار و اندیشه‌های والای این شاعر فرزانه معاصر، نمونه‌هایی از اشعار او را مرور می‌کنیم:

هرکه را فقری دهی، آن دولتی است
تا ببیند آن رخ تابنده را
تا که با لطف تو پیوندم زنده
هم سرانجامش تو گر دیدی طبیب
خود نمی‌دانست مهمان تو بود
تا ترا دانم پناه بی‌کسان
تا که بشناسد خدای خویش را
هم تو دستم را گرفتی، ای خدای
(دیوان، ۱۳۶۲، ص ۳۳۶)

در کیفر فلک غلط و اشتباه نیست
(همان، ص ۱۵۲)

مفتون مشو که در پس هر چهره چهره‌هاست
(همان، ص ۱۶)

دلش از پرتو اسرار صفایی دارد
ای بس آلوده که پاکیزه ردائی دارد
(همان، ص ۲۵۷)

سراسر اندرز و حکیمانه او در آثارش به وضوح آشکار است که آنها را با چاشنی تعلیم و تربیت و پند و موعظه همراه ساخته است... شهرت بیشتر او در خلق مناظره‌هاست. (صفا، ۱۳۷۲، ص ۵۹۳)

مناجات با خدا

هر بلائی کز تو آید، رحمتی است
زان به تاریکی گذاری بنده را
تیشه زان بر هر رگ و بندم زنده
گر کسی را از تو دردی شد نصیب
هرکه مسکین و پریشان تو بود
رزق زان معنی ندادندم خسان
زان به درها بردی این درویش را
بر درِ دونان چو افتادم ز پای

مجازات زمانه

سختی کنشی ز دهر چو سختی دهی به خلق

راه شناخت دوست از دشمن

بشناس فرق دوست ز دشمن به چشم عقل

زهد حقیقی

هرکه با پاک‌دلان صبح و مسائی دارد
زهد با نیت پاک است نه با جامه پاک

تدبیر در کارها

بزرگان نلغزند در هیچ راه

کاز آغاز تدبیر پایان کنند

(همان، ص ۳۰)

کار خودبینی و عجب و جهل

برآنند خودبینی و جهل و عجب

که عیب تو را از تو پنهان کنند

(همان، ص ۳۰)

نکوهش ریا

روی و ریا را مکن آیین خویش

هرچه فساد است ز روی و ریاست

(همان، ص ۱۳)

حیله و مکر دلیل دوستی دشمن

سلام دزد مگیر و متاع دیو مخواه

چراکه دوستی دشمنان ز مکاریست

(همان، ص ۲۱)

مزد تحمل سختی‌ها

بگو این نکته با گوهر فروشان

که خون خورد و گهر شد سنگ در کان

(همان، ص ۳۶۷)

ناراحتی کج‌رو از حرف راست

پروین به کج‌روان سخن از راستی چه سود

کو آن‌چنان کسی که نرنجد ز حرف راست

(همان، ص ۱۵۷)

سفارش به خیرخواهی مردم

اگر بر دامن کیوان نشینیم

چو خیر کس نمی‌خواهیم، پستیم

(همان، ص ۲۹۷)

سفارش به کارگیری عقل

رهنمای راه معنی جز چراغ عقل نیست

کوش، پروین تا به تاریکی نباشی رهسپار

(همان، ص ۲۹۷)

که گیری دست هر بی‌دست و پا را
نخستین فرض بودست اغنیا را
(همان، ص ۹۷)

پاک کن این خانه که جای خداست
(همان، ص ۱۳)

سال‌ها داریم اما کودکیم
تن یَمْرُدْ در غم پیراهنیم
(همان، ص ۲۰۳)

دشنام دشمنی که چو آینه راستگوست
(همان، ص ۱۵۳)

چراغ دولت و گنج غنا را
نباید داشت در دل جز خدا را
(همان، ص ۹۷)

محورهای برنامه‌سازی

- بررسی زندگی و ابعاد شخصیت پروین اعتصامی
- بررسی انعکاس نابرابری‌های اجتماعی در اشعار پروین اعتصامی

سفرش به نیکی بر فقرا

از آن بازوت را دادند نیرو
مشو خودبین که نیکی با فقیران

دل، جایگاه خداوند

کعبه دل، مسکن شیطان مکن

شکوه از کوه پینی

در هوس افزون و در عقل اندکیم
جان رها کردیم در فکر تنیم

نکوهش دوست ریاکار

از مهر دوستان ریاکار خوش‌تر است

اخلاص در انفاق

ز محتاجان خبرگیر ای که داری
به وقت بخشش و انفاق پروین

منابع

۱. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۲)، گنج سخن، تهران: ققنوس.
۲. اعتصامی، پروین (۱۳۶۲)، دیوان پروین، به کوشش: منوچهر مظفریان، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات علمی.

- بررسی عشق در آینه اشعار پروین اعتصامی
- بررسی جایگاه عرفان در دیوان پروین اعتصامی
- بررسی افکار و اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در شعر پروین اعتصامی
- بررسی اندیشه‌های اسلامی-ایرانی در شعر پروین اعتصامی
- بررسی تعلیم و تربیت از نگاه پروین اعتصامی
- بررسی شگردهای ایجاد طنز در اشعار پروین اعتصامی
- بررسی ویژگی جامعه آرمانی در اشعار پروین اعتصامی
- بررسی شعر و شخصیت ادبی پروین اعتصامی
- بررسی اشعار پروین اعتصامی از زاویه ادبیات تعلیمی و تأثیرات آن از شعر ناصر خسرو
- بررسی واکاوی تطبیقی مضامین شعری سعادت‌الصباح و پروین اعتصامی (براساس مکتب ادبیات تطبیقی اروپای شرقی)
- بررسی پیوند ادب و سیاست: پروین اعتصامی بنیان‌گذار دموکراسی معرفتی
- بررسی لطایف حکمی و نکات قرآنی در دیوان پروین اعتصامی
- بررسی شکل و ساخت تمثیلات پروین اعتصامی
- بررسی ویژگی‌های سبک‌شناسانه در مناظرات پروین اعتصامی
- بررسی رمانتیسیم اجتماعی در شعر پروین اعتصامی
- بررسی بن‌مایه‌های قصاید پروین اعتصامی
- بررسی جایگاه پروین اعتصامی در شعر فارسی
- بررسی جان‌بخشی در آثار پروین اعتصامی
- بررسی مضمون فقر در اشعار پروین اعتصامی
- بررسی شگردهای انتقادی در شعر پروین اعتصامی
- بررسی اندیشه فلسفی در شعر پروین اعتصامی
- بررسی باستان‌گرایی در ادبیات پروین اعتصامی
- بررسی نابرابری‌های جنسیتی، فرهنگی و اجتماعی از دیدگاه زنانه پروین اعتصامی
- بررسی دیدگاه جهان‌بینی در شعر پروین اعتصامی
- بررسی بینش اساطیری در شعر پروین اعتصامی

- بررسی آرای تربیتی پروین اعتصامی با تأکید بر عناصر اصلی تعلیم و تربیت
- بررسی رویکرد بینامتنی در آموزه‌های تعلیمی پروین اعتصامی و مولوی
- تحلیل محتوا و ساختار مناظرات پروین اعتصامی
- مقایسه اشعار پروین اعتصامی با دیگر زنان شاعر مطرح در جهان
- بررسی نقد اخلاقی اشعار پروین اعتصامی با محوریت متون اسلامی
- تحلیل گفتمان مناظرات پروین اعتصامی
- بررسی جلوه‌های زنان در شعر پروین اعتصامی
- تجلی معانی و مفاهیم آیات قرآن در شعر پروین اعتصامی
- تبیین مؤلفه‌های هویت سنتی و مدرن زن در شعر پروین اعتصامی
- نابرابری‌های اجتماعی در اشعار پروین اعتصامی
- نقد اصالت زن در شعر پروین اعتصامی
- بازتاب مضامین اعتقادی در شعر پروین اعتصامی
- بررسی بازتاب روحيات پروین اعتصامی در توصیه‌های اخلاقی وی
- بررسی صور خیال انسان‌مدارانه قرآنی در شعر پروین اعتصامی
- بررسی مفهوم تجدد و رویکرد نئوکلاسیک در دیوان پروین اعتصامی
- بررسی جلوه‌های ایرانی در اندیشه و اشعار پروین اعتصامی
- بررسی دیدگاه شخصیت «مادر» از نگاه پروین اعتصامی

پرونده ویژه (شهادت سردار سلیمانی، دهه فجر انقلاب اسلامی و بعثت)

۱۳ دی - شهادت سردار سپهبد سلیمانی

کند. در هجده سالگی در اداره آب شهر کرمان استخدام شد و تا ۲۲ سالگی در آنجا مشغول به کار بود. با آغاز انقلاب، وارد مبارزات انقلابی شد و یکی از عوامل و گردانندگان اصلی انقلاب شهر کرمان بود. وی، در هدایت و رهبری راهپیمایی‌ها و اعتصابات کرمان نقش کلیدی داشت.

پس از پیروزی انقلاب وقتی جنگ تحمیلی عراق و ایران شروع شد، حاج قاسم، افتخاری به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پیوست. وی در همان آغاز، گردانی را با نیروهای رزمی تشکیل داد که هسته اولیه لشکر ۴۱ ثارالله کرمان محسوب می‌شد.

شهید حاج قاسم سلیمانی چند گردان را در کرمان آموزش داد و به جبهه‌ها اعزام کرد و در دوره‌ای، فرماندهی سپاه آذربایجان غربی را بر عهده داشت. او از فرماندهان عملیات

«سردار شهید قاسم سلیمانی نمونه برجسته‌ای از تربیت‌شدگان اسلام و مکتب امام خمینی علیه السلام بود. او همه عمر خود را به جهاد در راه خدا گذراند. شهادت پاداش تلاش بی‌وقفه او در همه این سالیان بود».

(پیام تسلیت رهبر انقلاب در پی شهادت سردار شهید سپهبد قاسم سلیمانی و شهدای همراه او، ۱۳/۱۰/۱۳۹۸)

نیم‌نگاهی به وقایع زندگی شهید

قاسم سلیمانی

سردار سپهبد قاسم سلیمانی در سال ۱۳۳۵ در روستای قنات ملک در شهرستان رابر از توابع کرمان در خانواده مذهبی دیده به جهان گشود. از همان دوران کودکی درس خودساختگی و دینداری را از پدر و مادر مؤمنش آموخت. در نوجوانی بود که مشغول به کار شد تا هم در تأمین مخارج خانواده کمکی کرده باشد و هم سخت‌کوشی و خودسازی را تمرین

برخی کشورهای منطقه، حمله گسترده‌ای را آغاز کردند و کوشیدند تا یک دولت و کشور مستقلی به نام دولت اسلامی عراق و شام (داعش) تشکیل دهند. با این تصمیم که با حمایت‌های گسترده آمریکا و اسرائیل و برخی کشورهای مرتجع منطقه انجام می‌یافت، بسیاری از شهرهای عراق مثل: موصل و تکریت به اشغال داعش درآمد و افراد فراوان بی‌گناهی از مردم عراق قتل‌عام شدند. از آنجاکه هدف اصلی این حرکت، محاصره ایران و به شکست کشاندن انقلاب اسلامی و محقق‌سازی نقشه‌های کشورهای شومی چون اسرائیل به وسعت نیل تا فرات بود، بنابراین سردار سلیمانی وارد میدان شدند و با همکاری و حمایت مرجعیت محترم عراق از طریق تشکیل بسیج مردمی و تقویت ارتش عراق به مقابله با مزدوران داعشی پرداختند. طولی نکشید که با فرماندهی مدبرانه و مقتدرانه سردار، شهرهای عراق یکی پس از دیگری از اشغال عوامل داعش آزاد و پاک‌سازی شد.

بر همین منوال با ورود تروریست‌های داعشی به سوریه و تلاش برای سرنگونی دولت آن، سردار

والفجر، کربلای ۴ و کربلای ۵ بود. وی از شروع و شکل‌گیری لشکر ۴۱ ثارالله؛ یعنی از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۶ فرمانده این لشکر بود و در عملیات‌ها در واردکردن ضربه بر نیروهای دشمن بعضی نقش بسیار مهمی داشت.

پس از پایان دفاع مقدس، سردار سلیمانی در کرمان مشغول مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدر و اشرار شد. اقتدار و موفقیت‌های وی در این زمینه زبانزد خاص و عام بود.

در سال ۱۳۷۶ سردار سلیمانی به فرماندهی نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب شد. این اتفاق هم‌زمان با اوج‌گیری قدرت طالبان در افغانستان بود و قرار شد وی تجربیات زیادی را که در مبارزه با قاچاقچیان به‌دست آورده، در مبارزه با طالبان به‌کار گیرد.

هم‌زمان با شروع جنگ عراق و آمریکا سپاه قدس به فرماندهی سردار سلیمانی خدمات فراوانی را در حفظ امنیت مرزهای ایران و جلوگیری از به‌خطرافتادن منافع کشور انجام داد و مانع تصرف عراق توسط نیروهای آمریکا شد.

در سال ۱۳۹۳ تروریست‌های داعشی با حمایت و هدایت آمریکا و

کردند و ایشان جام شهادت را پس از سال‌ها آرزو به همراه دوستانش سرکشید.

مراسم تشییع پیکر سردار دل‌ها پس از آنکه در شهرهای بغداد و کربلا و نجف برگزار شد، در شهرهای مشهد مقدس، قم، تهران و کرمان نیز با حضور میلیون‌ها نفر انجام گرفت که مقام معظم رهبری از آن با عنوان: «بزرگ‌ترین بدرقه جهان» یاد کردند. سرانجام پیکر پاک این مرد بزرگ در بامداد روز چهارشنبه ۱۸ دی ۱۳۹۸ در گلزار شهدای کرمان آرام گرفت.

خاطراتی از شهید سلیمانی

گفته بود هرکس سلاح تحویل بدهد و دنبال شرارت نرود در امان است. آمده بودند و اسلحه تحویل داده بودند. حاجی به قولش وفا کرد و به تک‌تکشان امان‌نامه داد. فکر بعد از این را هم کرده بود. آدمی که بی‌کار باشد و درآمد نداشته باشد چه تضمینی داشت دوباره پایش نلغزد. چقدر به این در و آن در زد تا توانست چهارصدتا تلمبه آب جور کند. همه را تقسیم کرد بینشان. هم سرشان را به زمین و کشاورزی گرم کرد، هم لقمه حلال گذاشت توی سفره‌هایشان.

سلیمانی نیروهای مدافع حرم حضرت زینب علیها السلام را ساماندهی کرد و با عملیات قهرمانانه، شهرهای مهم و استراتژیک به اشغال درآمده سوریه را یکی پس از دیگری از دست تروریست‌های داعش آزاد کرد. در نهایت روز پنجشنبه ۳۰ شهریور ۱۳۹۶ سردار سلیمانی اعلام کرد: کمتر از سه ماه دیگر، پایان داعش و حکومت خودخوانده آن در سرتاسر کره زمین اعلام خواهد شد. دو ماه بعد، یعنی در پایان آبان ۹۶ فرمانده سپاه قدس با اقتدار، در ضمن پیامی به رهبر انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از پایان کار داعش خبر داد و این پیروزی بزرگ را به ایشان و همه مسلمانان و آزادگان جهان تبریک گفت.

آمریکای جنایتکار چون از رویارویی با وی در میدان نبرد ناتوان بود مانند همیشه از ناجوانمردانه‌ترین شیوه؛ یعنی ترور وارد شد و در بامداد روز جمعه ۱۳ دی ۱۳۹۸ در نزدیکی فرودگاه بغداد، درحالی‌که سردار سلیمانی به همراه معاون فرمانده بسیج مردمی عراق، ابومهدی المهندس به سمت بغداد می‌رفت، پهبادهای آمریکایی به ایشان حمله

بعد دو روز راه می‌افتاد می‌رفت سمت کرمان، سمت روستای قنات ملک، می‌رفت خدمتگزار پدر و مادرش باشد.

اسرائیل که بر طبل جنگ کوبید، حاج قاسم تماس گرفت. بیروت مانده بود زیر آتش صهیونیست‌ها. قبول نمی‌کردیم بیاید، راه‌ها و پل‌ها مدام بمباران می‌شد. حاجی گفت: «طاقت ندارم در تهران یا دمشق بمانم، باید بیایم پیش شما.» گروهی را فرستادیم تا حاجی را بیاورند حومه جنوبی. آن روزها به حق، برادری‌اش را ثابت کرد: عین ۳۳ روز همراهان بود. هرچه در توان داشت برای حزب‌الله گذاشت؛ از پول و امکانات گرفته تا سلاح. تاب نداشت ما را تنها بگذارد، همیشه در اتاق عملیات با ما بود. یک وقت‌هایی که عذرش را می‌خواستیم، می‌گفت: «سید! من یا با شما زنده می‌مانم یا با شما می‌میرم.»

حضرت آقا آمده بودند کرمان، مثل همیشه یکی از برنامه‌هایشان دیدار با خانواده شهدا بود. قرعه افتاده بود به نام ما. دیگر از خدا چه

اسمش ناصر توبه‌ای‌ها بود؛ فرمانده یکی از گردان‌های لشکر ۴۱ ثارالله علیه‌السلام قطع نخاع شده بود. بی‌حرکت افتاده بود کنج خانه. حاجی نزدیک عید می‌رفت اصفهان خانه‌اش. همین که می‌رسید، به همسر ناصر می‌گفت: «توی این دوروزی که اینجام همه کارها با من.» اول از همه حمام را آماده می‌کرد. ناصر را بغل می‌گرفت و می‌برد حمام. سرش را شامپو می‌زد، بدنش را لیف و صابون می‌کرد، کمرش را کیسه می‌کشید. بعد هم تنش را حسابی با آب گرم می‌شست و با حوله خشک می‌کرد. آخر سر هم یکدست لباس جدیدی که برای ناصر خریده بود، به او می‌پوشاند. دوباره بغلش می‌گرفت و از حمام می‌آمدند بیرون. خلاصه حسابی ترگل ورگلش می‌کرد؛ درست مثل یک تازه‌داماد. این دو روزه نمی‌گذاشت خانم خانه پا توی آشپزخانه بگذارد. هر سه وعده غذا را خودش آماده می‌کرد. تازه یک وعده هم باروبندیل جمع می‌کردند و می‌رفتند توی دل طبیعت تا ناصر آب‌وهوایی عوض کند. آنجا هم همه کارها با حاج قاسم بود.

رسانه‌های بین‌المللی در بوق و کرنا کرده بودند که بشار، جنایتکار و آدمکش است. آن روزها خیلی‌ها فاتحه سوریه را خوانده بودند. چیزی مانده بود که داعش کاخ ریاست جمهوری را بگیرد. در ایران هم کم نبودند آدم‌های دانه‌درشت انقلابی که حاجی را سرزنش می‌کردند. می‌گفتند تو آدم خوش‌نامی هستی. می‌روی آنجا خودت را ضایع می‌کنی. در این میدان نه فقط امید پیروزی وجود ندارد که شکست حتمی است. در دنیا چه اعلامیه‌هایی که علیه حضور در سوریه امضا نشد. چه بیانیه‌هایی که صادر نشد! اما حاجی مقابل همه‌شان ایستاد. گفت: «من فقط می‌دونم اسلام این رو از من می‌خواد. تکلیفه، باید برم».

داعش رسیده بود به نزدیکی اربیل. سران اقلیم از ترس سر به کوه و کمر گذاشتند. حتی خاندان بارزانی هم شهر را ترک کردند. مسعود، رئیس اقلیم ماند و خودش. دست به دامن هرکس شد دست رد به سینه‌اش زدند. پنج بار از آمریکا و ائتلاف ضد داعش کمک خواست ولی هیچ کدام

می‌خواستیم؟ وقتی آمدند، حاج قاسم هم همراهشان آمده بود. لابه‌لای حرف‌ها از فرصت استفاده کردم و رو به حضرت آقا گفتم: «آقا ان‌شاءالله فردای قیامت همه ما رو که اینجا هستیم شفاعت کنید.» فرمودند: «پدر و مادر شهید باید من و شما را شفاعت کنند.» بعد هم خم شدند و سرشان را به طرف حاج قاسم گرداندند. نگاهی به حاجی کردند و فرمودند: «این آقای حاج قاسم هم از آنهایی است که شفاعت می‌کند ان‌شاءالله».

حاجی سرش را انداخت پایین. دو دستش را گرفت روی صورتش.

بله! از ایشان قول بگیرید به شرطی که زیر قولشان نزنند.

جلوی در ورودی دیدمش. مراسم افطاری حاجی به بچه‌های جبهه و جنگ بود. گفتم: «حاجی قول شفاعت می‌دی یا نه؟ والله اگه قول ندی، داد می‌زنم می‌گم اون روز حضرت آقا در مورد شما چی گفتن؟» حاجی گفت: «باشه قول می‌دم فقط صداش رو درنیار».

زوری زوری از حاجی قول شفاعت را گرفتم.

از در دیگر گیت فرودگاه برود گفت:
«نه، من هم مثل همه مردم».

مثل همه مردم توی صف
می ایستاد. مثل همه مردم با صف
جلو می رفت. مثل همه مردم از گیت
رد می شد...

مثلاً فرمانده نیروی قدس سپاه
بود.

هر ملاقاتی که مقامات سیاسی
یک کشور با آقا داشتند و به حوزه
مأموریتی حاج قاسم مربوط می شد
خودش هم می آمد؛ فرقی نمی کرد
رئیس جمهور فلان کشور باشد یا یکی
از مقامات کشور فلان. وقتی از
گیت های بازرسی X-Ray رد می شد
دستگاه حسابی، قاطی پاطی می کرد؛
صدا پشت صدا، بوق پشت بوق. از
بس که ترکش توی بدن حاجی بود.
خودش می گفت: «لحظه ای نیست
جایی از بدنم به خاطر این ترکش ها
درد نداشته باش».

از شدت درد گاهی مسکن
می خورد، بلکه از درد زیادش، قدری
کم کند.

حاضر نشدند بیايند توی میدان جنگ.
از همه جا رانده و ناامید، گوشی را
برداشت و با حاج قاسم سلیمانی
تماس گرفت. حاجی گفته بود: «کاک
مسعود تا فردا شهر رو نگه دار، من
خودم رو می رسونم.» صبح
علی الطلوع خودش را رسانده بود
اربیل. جنگ بلد بود. فقط با هفتاد نفر
وارد صحنه شد. زیاد طول نکشید که
محاصره شکست و داعش عقب
نشست.

افسر داعشی را اسیر کرده بودند.
وقتی پرسیدند: «چطور شد؟ شما که
اومده بودید شهر رو بگیرید. چرا فرار
کردید؟» گفته بود: «تا گفتند قاسم
سلیمانی اومده اربیل، روحیه نیروها
به هم ریخت. دیگه نتونستیم
بجنگیم».

داشتیم می رفتیم مأموریت. توی
فرودگاه شلوغی جمعیت را که دیدم
دویدم جلوی حاجی. گفتم: «صبر
کنید کمی خلوت بشه بعد برید.»
راهش را گرفت و رفت میان مردم.
انگار نه انگار که ممکن است خطری
تهدیدش کند. کار یک بار و دوبارش که
نبود. یادم هست وقتی خواهش کردم

احترام و خضوع در مقابل
بزرگ‌ترها خصوصاً پدر و مادر.
به خودت عادت بده بدون شرم
دست پدر و مادرت را ببوسی، هم آنها
را شاد می‌کنی و هم اثر وضعی بر
خودت دارد.

نشسته بودم کنار سید مقاومت.
به خودم اجازه دادم و پرسیدم:
«سیدنا، آقای ما! بعد از امام زمان علیه السلام
و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، چه کسی
در دل شماست؟ چه کسی را خیلی
دوست دارید؟»

لیخندی زیبا روی لب‌های سید
نقش بست و گفت: «تا حالا کسی
چنین سؤال از من نپرسیده بود.
حاج قاسم سلیمانی.» و بعد ادامه
داد: «اتفاقاً دو سه روز پیش بعد از
نماز صبح به فکر فرو رفتم. به ذهنم
آمد اگر ملک‌الموت، حضرت عزرائیل
از من سؤال کند که باید یا روح تو را
بگیرم یا روح حاج قاسم را، کدام را
بگیرم؟ بدون درنگ می‌گویم روح من
را بگیرد. چون می‌دانم حاج قاسم برای
حضرت آقا وزنه سنگینی است.

با اینکه خودش نصرالله بود، اما
حاضر بود پیش مرگ حاج قاسم شود.

از راه که می‌رسید، بابا را می‌برد
حمام. بعد هم خودش لباس‌های
حاج حسن را می‌شست.
می‌نشست کنار بابا. دست‌های
زمخت و چروک‌خورده‌اش را توی دست
می‌گرفت. سرش را پایین می‌آورد و
دستش را می‌بوسید. بعد می‌رفت
پایین پای حاج حسن. جوراب‌های
حاجی را درمی‌آورد. سرش را خم
می‌کرد و لب‌هایش را می‌گذاشت کف
پاهای بابا.

پاییز است و چه چیز عاشقانه‌تر از
اینکه دفتر را بدهی به عموی قهرمانت
تا برایت یادگاری بنویسد.
مهدی جان!

تمام کسانی که به کمالی رسیدند،
خصوصاً کمالات معنوی که خود منشأ
و پایه دنیوی هم می‌تواند باشد، منشأ
همه آنها سحر است. سحر را دریاب.
نماز شب در سن شما تأثیری شگرف
دارد. اگر چندبار آن را با رغبت تجربه
کردی، لذت آن موجب می‌شود به آن
تمسک یابی.

زیربنای تمام بدی‌ها و زشتی‌ها
دروغ است.

بچه‌ها رو اینجا بستری کنیم.» مادر نوزاد تا اسم سردار را شنید، نه نیاورد. همین‌طور که داشت برای دیدن سردار می‌رفت، با خودش می‌گفت: «عمری که حاج‌قاسم سلیمانی وقف آرامش و امنیت ما کرده با چی جبران می‌شه؟ این کمترین کاره...».

سردار که از ماجرا بو برد، ناراحت شد. گفت: «دست نگه دارید. چرا این کار رو کردید؟ یک نوزاد بیمار را از اتاق ایزوله بیرون آوردید تا نوه‌های من رو بستری کنید؟ هیچ تفاوتی بین بچه‌های من و دیگران نیست. لطفاً اون نوزاد رو برگردونید به اتاق ایزوله. ما هم صبر می‌کنیم تا اتاق خالی بشه مثل بقیه بیمارا!»

گفتم: «مادر اون بچه تا شنید می‌خوایم نوه‌های شما رو بستری کنیم، خودش اصرار داشت اتاق رو خالی کنه.» اما سردار زیر بار نرفت. گفت: «نه آقای دکتر! کاری رو که گفتم بکنید.»

خانواده محبوب‌ترین فرد نظامی کشور، سه ساعت در بیمارستان منتظر ماند تا اتاق ایزوله خالی شود.

می‌ایستد پشت تریبون. می‌گوید: «برادران! رزمنده‌ها! یادگاران جنگ! یکی از شئون عاقبت به خیری، نسبت شما با جمهوری اسلامی و انقلاب است.» دو دستش را به نشانه تأکید بالا می‌برد: «والله! والله! والله! از مهم‌ترین شئون عاقبت به خیری این است.» دوباره دست راستش را به نشانه تأکید بالا می‌برد و تکرار می‌کند: «والله! والله! والله! از مهم‌ترین شئون عاقبت به خیری...» بغضش را می‌خورد. دستش را روی قلبش می‌گذارد: «... رابطه قلبی و دلی و حقیقی ما با این حکیمی است که امروز سکان این انقلاب را به دست دارد. در قیامت خواهیم دید مهم‌ترین محور محاسبه این است.»

سردار صاحب نوه‌های دوقلو شده بود. نوزادانی که زودتر از موعد به دنیا آمده و نارس بودند. باید در بخش ایزوله بستری می‌شدند.

به مادر یکی از نوزادانی که شرایطش بحرانی نبود، گفتم: «نوه‌های سردار سلیمانی توی بیمارستان ما هستند. اتاق خالی ایزوله نداریم که بستری‌شون کنیم. اگر موافقید شما برید به اتاق دیگه،

سرلشکر شده بود، اما خیلی‌ها به همان اسم حاج قاسم می‌شناختندش. با همین نام هم صدایش می‌زدند. حاجی اما متواضع‌تر از این بود. می‌گفت: «اگر به من قاسم بگن از حاج قاسم راحت‌ترم. به من سردار نگیرد. قاسم صدام بزیند. من چوپان بودم. بچه عشایری بودم. یادم نره...»

یک جایی سخنرانی کرده بود و گفته بود: «این لباسی که در تن من است همان لباس دیروز است. تنها بدون محاسن سفید که در قامت یک فرد ۲۱ ساله بدون هیچ لقب و پسوندی به جز برادر. من باز همان برادر قاسم دیروز هستم.»

از سوریه آمده بود. بی‌معطلی خودش را رساند کرمان. مادرش بیمارستان بستری شده بود. همین که آمد توی اتاق. از همه خواست بروند بیرون. خواهر و برادر و فامیل، هرکه بود. همه رفتند حاجی ماند و مادر پیر و بیمارش. پتو را کنار زد. روی پاهای خسته مادر دست نوازش کشید. قطره‌های اشک دانه‌دانه از صورت حاجی سر می‌خورد و می‌افتاد. صورت گذاشت کف پای مادر. می‌بوسید و گریه می‌کرد.

میهمان جلال طالبانی بودم: آن روزها رئیس‌جمهور عراق بود. پرسید: «می‌دونی اینجایی که نشستی، چند وقت پیش، کی نشسته بود؟» - نه، از کجا باید بدونم.

خاطره‌اش را برایم تعریف کرد. «ژنرال سلیمانی چند وقت پیش اینجا نشسته بود. داشتیم صحبت می‌کردیم که منشی دفتر آمد. در گوشم چیزی گفت و رفت. ژنرال پرسید: آقای طالبانی! موضوع چیه؟ گفتم: رئیس‌جمهور آمریکا پشت خطه، شما اجازه می‌دید صحبت کنم یا بذارم واسه بعد؟ گفت: نه صحبت کن. تلفن را وصل کردم. خواست برود بیرون که راحت حرف بزنم. گفتم: نه، نیازی نیست.

لابه‌لای صحبت‌ها به او باما گفتم: می‌دونی الان کی جلوی من نشسته؟ گفت: نه، گفتم: الان ژنرال قاسم سلیمانی درست نشسته روبه‌روی من. با دلهره گفت: «جدی می‌گی؟» لحنش طوری شد که حس کردم از هیبت اسم ژنرال سراسیمه از جایش بلند شده و تمام قد ایستاده. ابهتش نه فقط رودررو که از پشت تلفن هم دشمن را می‌گرفت.»

شد. حاجی هم بلند شد. اذان و اقامه‌اش را گفت. صدایش پیچید توی سالن. بعد هم ایستاد به نماز. همه نگاهش می‌کردند. می‌گفت در طول عمرش همچین لذتی از نماز نبرده بوده.

پایان نماز، پیشانی‌اش را گذاشته بود روی مهر. به خدای خودش گفته بود: «خدایا این بود کرامت تو، یه روزی توی کاخ کرملین برای نابودی اسلام نقشه می‌کشیدند، حالا من قاسم سلیمانی اومدم اینجا نماز خوندم».

تکفیری‌ها دورتادور نیروها را محاصره کرده بودند. حاجی قصد داشت سوار بالگرد برود وسط منطقه محاصره‌شده. بالگرد مجبور بود توی ارتفاع بالا پرواز کند تا در تیررس قرار نگیرد. هرچه اصرار می‌کردم نرود زیر بار نمی‌رفت. از یک طرف شیمیایی بود و در ارتفاع زیاد، نفسش می‌گرفت. از طرفی عبور از روی سر داعشی‌ها ریسک بالایی داشت. برای بار آخر گفتم: «حاجی‌جان، به خدا خطرناکه. شما نباید بری.» محکم گفتم: «از هوا و زمین، از چپ و راست

نگاهم افتاد به نوشته روی پیراهن افسر روسی. از تعجب خشکم زد. جلو رفتم و دقیق‌تر نگاه کردم. به فارسی نوشته بود: جانم فدای رهبر. مترجم را صدا زدم و گفتم: «بپرس منظورش از رهبر کیه؟» خودش جواب داد: «سیدعلی.» چند دقیقه با هم صحبت کردیم. از حرف‌هایش فهمیدم علت این علاقه کسی نیست جز قاسم سلیمانی.

حاجی چه کرده بود با اینها، خودشان هم درست نمی‌دانستند. طرف مسیحی بود، اما جانش در می‌رفت برای حضرت آقا.

زدیم بغل. وقت نماز بود. نماز که تمام شد گفتم: «حاجی قبول باشه». گفتم: «خدا قبول کنه ان‌شاءالله».

نگاهم کرد. گفتم: «ابراهیم!» نگاهش کردم.

- نمازی خوندم که در طول عمرم توی جبهه هم نخوندم.
- حاج آقا شما همه نمازهاتون قبوله.

قصه‌اش فرق می‌کرد. رفته بود کاخ کرملین. قرار داشت با پوتین. تا رئیس‌جمهور روسیه برسد وقت اذان

جان و مال و ناموسشان دست اجنبی
جماعت نیفتد. کار داشت به امنیت
منطقه، کار داشت به برقراری حکومت
عدل الهی در جهان.

قرار بود کربلا دعای عرفه بخوانم،
تلفن همراهم زنگ خورد. شماره
ناشناس بود. گوشی را جواب دادم.
حاج قاسم پشت خط بود. بعد کلی
تعارف و عذرخواهی گفت: «می‌شه بیای
برامون روضه بخونی؟» مدام می‌گفت:
«البته اگر خسته نمی‌شی، اگر اذیت
نمی‌شی، اگر ...» درست است که
نظامی نیستم، ولی خب من هم، حاجی
را فرمانده خودم می‌دانستم. کافی بود
دستور بدهد. فوری گفتم: «نفرمایید
حاجی‌جان، برای ما توفیقه کنار شما
روضه بخونیم».

آمدند دنبالم. رفتیم روی پشت بام
حرم سیدالشهدا (علیه السلام). درست کنار
گنبد. حاج قاسم نشسته بود و
ابومهدی داشت زیارت عاشورا
می‌خواند. بعد هم من روضه خواندم.
به قدر تمام دو ساعت و نیم دعا و
روضه، حاجی شانه‌هایش می‌لرزید؛
ثانیه‌به‌ثانیه.

وقت نماز حاجی اصرار کرد
ابومهدی بایستد جلو. ابومهدی زد زیر

آتیش هم بباره من باید برم. بچه‌های
مردم دستم امانتن. باید بهشون سر
بزنم».

حرف، حرف خودش بود. نشست
توی بالگرد. کپسول اکسیژن هم با
خودش برداشت. رفت وسط منطقه
محاصره‌شده.

آنها که کت و شلوار پوشیده و
پشت میزشان نشسته و دم از عدالت
و صلح می‌زدند، باید حرف‌هایم را
می‌شنیدند. وقتی برای شرکت در
جلسه‌ای پارلمانی به بروکسل رفتم،
شرم را برای چند دقیقه هم که شده
روی صورتشان آوردم. گفتم:
«نمایندگان پارلمان اروپا پا روی پا
انداخته و آب معدنی می‌خورند. آن
وقت تنها کسی که از مسیحیان شرقی
دفاع می‌کند، یک مسلمان ایرانی
است. شما اروپایی‌ها باید از این
موضوع خجالت بکشید».

برای من کلیمی، حاج قاسم یک
مسلمان شیعه ایرانی نبود؛ یک ابرمرد
بود. کسی که آرامنه و آشوری و
ایزدی‌های سوریه را از دست داعش
نجات داده بود. کار نداشت طرف
ستنی است یا شیعه. مسیحی است یا
دین دیگری دارد. کار داشت به اینکه

از محالات بود. گفتم: «حاجی چیزی برایم بنویس که یادگاری بماند.» دست به قلم شد.

بسمه تعالی

علی عزیز، چهار چیز را فراموش نکن:

۱. اخلاص، اخلاص، اخلاص؛ یعنی گفتن، انجام دادن یا ندادن برای خدا؛

۲. قلبت را از هرچیز غیر او خالی

کن و پر از محبت او و اهل بیت علیهم السلام کن؛

۳. نماز شب توشه عجیبی است؛

۴. یاد دوستان شهید؛ ولو به یک صلوات.

برادرت، دوستدارت سلیمانی و امضایی که نشست پای این نصیحت‌های برادرانه.

توی مسجد روستا مراسم ختم گرفتند. مردم می‌آمدند برای عرض تسلیت. یکهو حاجی از مسجد زد بیرون. فهمیدم اتفاقی افتاده. پشت سرش راه افتادم. کمی آن طرف‌تر از ورودی مسجد، گیت بازرسی گذاشته بودند و مردم را می‌گشتند. خیلی بدش آمد. اخم، پیشانی‌اش را چین انداخت. رفت و با ناراحتی گفت: «ما

گریه و گفت: «خواهش می‌کنم از من نخواه. خجالت می‌کشم.» حاجی گفت: «من بهت می‌گم و ایستا جلو.» نماز را که بستیم باز هم حاج قاسم همان حال را داشت. شانه‌هایش می‌لرزید. به بچه‌هایی که همراه بودند گفتم: «بی‌خود نیست ابرقدرت‌ها ازش می‌ترسن، حاجی جای دیگه‌ای وصله.»

سال‌ها از شهادت پسرش می‌گذشت. آخر عمری تمام دل خوشی‌اش سرزدن‌های گاه‌وبی‌گاه حاج قاسم بود.

بوی آبگوشت خانه را پر کرده بود. حاجی مثل همیشه آمده بود برای احوالپرسی. وقت زیادی نداشت. باید می‌رفت تا به بقیه برنامه‌هایش برسد، اما مادر شهید، خواسته دیگری داشت: «من تنها هستم حاجی. بمون نهار رو با هم بخوریم.» هیچ وقت روی مادران شهدا را زمین نمی‌زد. در مراسم نبود. آن روز تا غذا آماده شود، دو سه ساعتی مونس تنهایی پیرزن شد.

رفتار و کردارش جذبم کرده بود. از آرزوهاییم بود که شبیه او شوم. هرچند

در حرم شهدای کرمان مشخص کرده‌ام. محمود می‌داند. قبر من ساده باشد مثل دوستان شهیدم. بر آن کلمه سرباز قاسم سلیمانی بنویسید نه عبارت‌های عنوان‌دار». (طهماسبی، موسوی، قربانی، ۱۳۹۹، ص ۲۵-۲۳۰)

نمونه‌ای از مناجات سردار دل‌ها

با معبود

خداوندا! تو را سپاس که مرا صلب‌به‌صلب، قرن‌به‌قرن، از صلیبی به من صلیبی منتقل کردی و در زمانی اجازه ظهور وجود دادی که امکان درک یکی از برجسته‌ترین اولیاییت را که قرین و قریب معصومین است. عبد صالحت خمینی کبیر را درک کنم و سرباز رکاب او شوم. اگر توفیق صحابه رسول اعظمت محمد مصطفی را نداشتم و اگر بی‌بهره بودم از دوره مظلومیت علی‌بن‌ابی‌طالب و فرزندان معصوم و مظلومش، مرا در همان راهی قرار دادی که آنها در همان مسیر، جان خود را که جان جهان و خلقت بود، تقدیم کردند.

خداوندا! تو را شکرگزارم که پس از عبد صالحت خمینی عزیز، مرا در مسیر عبد صالح دیگری که مظلومیتش اعظم است بر

سی سال کسب آبرو کردیم، جمع کنید اینها رو. مردم باید راحت رفت‌وآمد کنند. ما داریم برای آسایش همین مردم کارمی‌کنیم نه اینکه اونها رو بذاریم تو تنگنا».

با حسرت می‌گفت. با آهی که از عمق جاننش بیرون می‌آمد.

- از بس امروز و فردا کردم آخر هم نشد. نشد از پدرم امضا بگیرم که ازم راضی هست یا نه، ولی از مادرم چرا. ازش دستخط گرفتم. امضا کرده ازم راضیه.

چند دقیقه یک روند گفته بود و حاجی فقط شنیده بود. لپّ کلامش این بوده که: «حاجی! شما این قدر زحمت می‌کشید، اما قدرتون رو نمی‌دونن...». وقتی ساکت شد، حاجی در جواب گفت: «شما چرا ناراحتی؟ من یه سربازم، نهایتش می‌گن برو جای دیگه نگهبانی بده، من هم می‌گم چشم. اینکه ناراحتی نداره».

یک عمر خودش را سرباز می‌دانست؛ سرباز ولایت، سرباز مردم، سرباز سپاه، سرباز نظام و سرباز این مرزوبوم. دلش می‌خواست با همین نام هم در تاریخ بماند. توی وصیتنامه‌اش نوشته بود: «همسرم من جای قبرم را

اهل بیت و پیوسته در مسیر پاک
بهره‌مند نمودی. از تو عاجزانه
می‌خواهم آنها را در بهشت و با
اولیای قرین کنی و مرا در عالم آخرت
از درک محضرشان بهره‌مند فرما.

ای خدای عزیز و ای خالق حکیم
بی‌همتا! دستم خالی است و
کوله‌پشتی سفرم خالی، من بدون برگ
و توشه‌ای به امید ضیافت عفو و کرم
تو می‌آیم. من توشه‌ای برنگرفته‌ام؛
چون فقیر (را) نزد کریم چه حاجتی
است به توشه و برگ؟!

خدایا! سارق، چاژقم پر است از
امید به تو و فضل و کرم تو؛ همراه خود
دو چشم بسته آورده‌ام که ثروت آن در
کنار همه ناپاکی‌ها، یک ذخیره
ارزشمند دارد و آن گوهر اشک بر
حسین فاطمه است؛ گوهر اشک بر
اهل بیت است؛ گوهر اشک دفاع از
مظلوم، یتیم، دفاع از محصور مظلوم
در چنگ ظالم.

خداوند! در دستان من چیزی
نیست؛ نه برای عرضه (چیزی دارند) و
نه قدرت دفاع دارند. اما در دستانم
چیزی را ذخیره کرده‌ام که به این

صالحیتش. مردی که حکیم امروز
اسلام و تشییح و ایران و جهان سیاسی
اسلام است؛ خامنه‌ای عزیز که جانم
فدای جان او باد قرار دادی.

پروردگارا! تو را سپاس که مرا با
بهترین بندگان درهم آمیختی و درک
بوسه بر گونه‌های بهشتی آنان و
استشمام بوی عطر الهی آنان را؛ یعنی
مجاهدین و شهدای این راه به من
ارزانی داشتی.

خداوند! ای قادر عزیز و ای رحمان
رزاق، پیشانی شکر شرم بر آستانت
می‌سایم که مرا در مسیر فاطمه اطهر و
فرزندانش در مذهب تشییح - عطر
حقیقی اسلام - قرار دادی و مرا از اشک
بر فرزندان علی بن ابی‌طالب و فاطمه
اطهر بهره‌مند نمودی؛ چه نعمت
عظمایی که بالاترین و ارزشمندترین
نعمت‌های است؛ نعمتی که در آن نور
است، معنویت، بی‌قراری که در درون
خود بالاترین قرارها را دارد. غمی که
آرامش و معنویت دارد.

خداوند! تو را سپاس که مرا از پدر
و مادر فقیر، اما متدین و عاشق

یا ارحم الراحمین! مرا بپذیر؛ پاکیزه
بپذیر؛ آن چنان بپذیر که شایسته
دیدارت شوم. جز دیدار تو را
نمی‌خواهم، بهشت من جوار توست،
یا الله!

- خداوند، ای عزیز! من سال‌ها
است از کاروانی به‌جا مانده‌ام و
پیوسته کسانی را به‌سوی آن روانه
می‌کنم، اما خود جا مانده‌ام، اما تو
خود می‌دانی هرگز نتوانستم آنها را از
یاد ببرم. پیوسته یاد آنها، نام آنها، نه
در ذهنم، بلکه در قلبم و در چشمم با
اشک و آه یاد شدند.

عزیز من! جسم من در حال
علیل شدن است. چگونه ممکن است
کسی که چهل سال بر درت ایستاده
است را نپذیری؟

خالق من، محبوب من، عشق من!
پیوسته از تو خواستم سراسر وجودم را
مملو از عشق به خودت کنی؛ مرا در
فراق خود بسوزان و بمیران.

عزیزم! من از بی‌قراری و رسوایی
جاماندگی، سر به بیابان‌ها
گذارده‌ام؛ من به امیدی از این شهر

ذخیره امید دارم و آن، روان بودن
پیوسته به سمت تو است. وقتی آنها
را به سمت بلند کردم، وقتی آنها را
برایت بر زمین و زانو گذاردم، وقتی
سلاح را برای دفاع از دینت به دست
گرفتم، اینها ثروت دست من است که
امید دارم قبول کرده باشی.

خداوند! پاهایم سست است. رمق
ندارد. جرئت عبور از پلی که از جهنم
عبور می‌کند، ندارد. من در پل عادی
هم پاهایم می‌لرزد. وای بر من و صراط
تو که از مو نازک‌تر است و از شمشیر
برنده‌تر، اما یک امیدی به من نوید
می‌دهد که ممکن است نلرزم. ممکن
است نجات پیدا کنم. من با این پاها در
حرمت پا گذارده‌ام و دور خانه‌ات
چرخیده‌ام و در حرم اولیایت در
بین‌الحرمین حسین و عباست آنها را
برهنه دواندم و این پاها را در سنگرهای
طولانی، خمیده جمع کردم و در دفاع
از دینت دویدم. جهیدم، خزیدم،
گریستم، خندیدم و خنداندم و گریستم
و گریاندم؛ افتادم و بلند شدم. امید
دارم آن جهیدن‌ها و خزیدن‌ها و به
حرمت آن حریم‌ها، آنها را ببخشی.

بر کف دست گرفته و در بازار عشق‌بازی به شوق فروش آمده‌اید. عنایت کنید: جمهوری اسلامی، مرکز اسلام و تشیح است.

ایران قرارگاه حسین بن علی علیه السلام

امروز قرارگاه حسین بن علی، ایران است. بدانید جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند، دیگر حرم‌ها می‌مانند. اگر دشمن، این حرم را از بین برد، حرمی باقی نمی‌ماند، نه حرم ابراهیمی و نه حرم محمدی صلی الله علیه و آله.

سفارش به حفظ خیمه ولایت

برادران و خواهران! جهان اسلام پیوسته نیازمند رهبری است؛ رهبری متصل و منصوب شرعی و فقهی به معصوم. خوب می‌دانید منزّه‌ترین عالم دین که جهان را تکان داد و اسلام را احیا کرد؛ یعنی خمینی بزرگ و پاک ما، ولایت فقیه را تنها نسخه نجات‌بخش این امت قرار داد؛ لذا چه شما که به‌عنوان شیعه به آن اعتقاد دینی دارید و چه شما که به‌عنوان سنی اعتقاد عقلی دارید. بدانید (باید) به دور از هرگونه اختلاف، برای نجات اسلام خیمه ولایت را رها نکنید. خیمه، خیمه رسول‌الله است. اساس دشمنی جهان با جمهوری اسلامی، آتش‌زدن و ویران‌کردن این خیمه

به آن شهر و از این صحرا به آن صحرا در زمستان و تابستان می‌روم. کریم، حبیب، به کرمت دل بسته‌ام، تو خود می‌دانی دوستت دارم. خوب می‌دانی جز تو را نمی‌خواهم. مرا به خودت متصل کن.

خدا یا! وحشت، همه وجودم را فرا گرفته است. من قادر به مهار نفس خود نیستم. رسوایم نکن. مرا به حرمت کسانی که حرمتشان را بر خودت واجب کرده‌ای، قبل از شکستن حریمی که حرم آنها را خدشه‌دار می‌کنه، مرا به قافله‌ای که به‌سویت آمدند، متصل کن.

معبود من، عشق من و معشوق من! دوستت دارم. بارها تو را دیدم و حس کردم، نمی‌توانم از تو جدا بمانم. بس است، بس. مرا بپذیر. اما آن‌چنان که شایسته تو باشم. (همان، ص ۲۳۳ - ۲۳۷)

رهنموده‌هایی از سردار سلیمانی

جمهوری اسلامی مرکز اسلام

خواهران و برادران مجاهد در این عالم. ای کسانی که سرهای خود را برای خداوند عاریه داده‌اید و جان‌ها را

دشمنان و شماتت آنها و فشار آنها، شما را دچار تفرقه نکند.

شهدا، محور عزت و کرامت

شهدا، محور عزت و کرامت همه ما هستند؛ نه برای امروز، بلکه همیشه اینها به دریای وسعه خداوند سبحان اتصال یافته‌اند. آنها را در چشم، دل و زبان خود بزرگ ببینید، همان‌گونه که هستند. فرزندانان را با نام آنها و تصاویر آنها آشنا کنید.

نیروهای مسلح منشأ عزت

نیروهای مسلح خود را که امروز ولی فقیه فرمانده آنان است، برای دفاع از خودتان، مذهبتان، اسلام و کشورتان احترام کنید. نیروهای مسلح می‌بایست همانند دفاع از خانه خود، از ملت و نوامیس و ارض آن حفاظت و حمایت و ادب و احترام کنند و نسبت به ملت، همان‌گونه که امیرالمؤمنین مولای متقیان فرمود. نیروهای مسلح می‌بایست منشأ عزت ملت، قلعه و پناهگاه مستضعفین و مردم و زینت کشورش باشد.

سفارش به حمایت از نظام اسلامی

وصیت می‌کنم اسلام را در این برهه که تداعی‌یافته در انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی است، تنها نگذارید.

است. دور آن بچرخید. واللّٰه واللّٰه واللّٰه
واللّٰه این خیمه اگر آسیب دید،
بیت‌الله الحرام، مدینه حرم رسول‌الله،
نجف، کربلا، کاظمین، سامرا و مشهد
باقی نمی‌ماند؛ قرآن آسیب می‌بیند.

توصیه به حفظ حرمت رهبری

برادران و خواهران عزیز ایرانی من!
مردم پرافتخار و سربلند که جان من و
امثال من، هزاران بار فدای شما باد.
کما اینکه شما صدها هزار جان را
فدای اسلام و ایران کردید؛ از اصول
مراقبت کنید. اصول؛ یعنی ولی فقیه.
خصوصاً این حکیم، مظلوم، وارسته
در دین، فقه، عرفان، معرفت؛
خامنه‌ای عزیز را عزیز جان خود
بدانید. حرمت او را حرمت مقدسات
بدانید.

توصیه به پرهیز از تفرقه

برادران و خواهران، پدران و
مادران، عزیزان من! جمهوری
اسلامی، امروز سربلندترین دوره خود
را طی می‌کند. بدانید مهم نیست که
دشمن چه نگاهی به شما دارد.
دشمن به پیامبر شما چه نگاهی
داشت و (دشمنان) چگونه با پیامبر
خدا و اولادش عمل کردند، چه
اتهاماتی به او زدند، چگونه با فرزندان
مطهر او عمل کردند؟ مذمت

تضعیف‌کننده دین و انقلاب بود، بدانید شما مغضوب نبی مکرم اسلام و شهدای این راه هستید؛ مرزها را تفکیک کنید. اگر می‌خواهید با هم باشید، شرط با هم بودن، توافق و بیان صریح حول اصول است. اصول، مطوّل و مفصّل نیست. اصول عبارت از چند اصل مهم است:

اول آنها، اعتقاد عملی به ولایت فقیه است؛ یعنی اینکه نصیحت او را بشنوید، با جان و دل به توصیه و تذکرات او به‌عنوان طیب حقیقی شرعی و علمی، عمل کنید. کسی که در جمهوری اسلامی می‌خواهد مسئولیتی را احراز کند، شرط اساسی آن (این است که) اعتقاد حقیقی و عمل به ولایت فقیه داشته باشد. من نه می‌گویم ولایت تنوری و نه می‌گویم ولایت قانونی. هیچ‌یک از این دو، مشکل وحدت را حل نمی‌کند؛ ولایت قانونی، خاص عامه مردم اعم از مسلم و غیرمسلمان است، اما ولایت عملی مخصوص مسئولیت است که می‌خواهند بار مهم کشور را بر دوش بگیرند، آن هم کشور اسلامی با این همه شهید.

اعتقاد حقیقی به جمهوری اسلامی و آنچه مبنای آن بوده است؛

دفاع از اسلام نیازمند هوشمندی و توجه خاص است. در مسائل سیاسی آنجا که بحث اسلام، جمهوری اسلامی، مقدسات و ولایت فقیه مطرح می‌شود، اینها رنگ خدا هستند؛ رنگ خدا را بر هر رنگی ترجیح دهید.

توصیه به خانواده شهید

فرزندانم، دختران و پسرانم، فرزندان شهید، پدران و مادران باقی‌مانده از شهید! ای چراغ‌های فروزان کشور ما، خواهران و برادران و همسران وفادار و متدینه شهید!...

عزیزانم! تا پیشکسوتان این ملتید، قدر خودتان را بدانید. شهیدتان را در خودتان جلوه‌گر کنید. به‌طوری‌که هرکس شما را می‌بیند، پدر شهید یا فرزند شهید را، به‌عینه خود شهید را احساس کند، با همان معنویت، صلابت و خصوصیت.

سفارش به گروه‌های سیاسی

نکته‌ای کوتاه خطاب به سیاسیون کشور دارم: چه آنهایی (که) اصلاح‌طلب خود را می‌نامند و چه آنهایی که اصولگرا... . عزیزان! هر رقابتی با هم می‌کنید و هر جدلی با هم دارید، اما اگر عمل شما و کلام شما یا مناظره‌هایتان به نحوی

از اخلاق و ارزش‌ها تا مسئولیت‌ها؛ چه مسئولیت در قبال ملت و چه در قبال اسلام.

به کارگیری افراد پاک‌دست و معتقد و خدمتگزار به ملت، نه افرادی که حتی اگر به میز یک دهستان هم برسند، خاطره خان‌های سابق را تداعی می‌کنند.

مقابله با فساد و دوری از فساد و تجملات را شیوه خود قرار دهند.

در دوره حکومت و حاکمیت خود در هر مسئولیتی، احترام به مردم و خدمت به آنان را عبادت بداند و خود خدمتگزار واقعی و توسعه‌گر ارزش‌ها باشد، نه با توجیهات واهی، ارزش‌ها را بایکوت کند.

مسئولین همانند پدران جامعه می‌بایست به مسئولیت خود پیرامون تربیت و حراست از جامعه توجه کنند، نه با بی‌مبالاتی و به‌خاطر احساسات و جلب برخی از آرا احساسی زودگذر، از اخلاقیاتی حمایت کنند که طلاق و فساد را در جامعه توسعه دهد و خانواده‌ها را از هم بپاشاند. حکومت‌ها عامل اصلی در استحکام خانواده و از طرف دیگر عامل مهم از هم پاشیدن خانواده هستند. اگر به

اصول عمل شد، آن وقت همه در مسیر رهبر و انقلاب و جمهوری اسلامی هستند و یک رقابت صحیح بر پایه همین اصول برای انتخاب اصلح صورت می‌گیرد. (همان، ۱۳۹۹، ص ۲۳۷ - ۲۴۲)

خاطرات شهدا به روایت سردار سلیمانی

آن روز «حمید» برادر مهدی آن طرف پل شیئات شهید شده بود و جا مانده بود. ما نمی‌دانستیم. کنار همدیگر نشسته بودیم، با هم صحبت می‌کردیم. آنجا فهمیدیم حمید باکری شهید شده و برادرش مهدی که فرمانده لشکر بود، خم به ابرو نمی‌آورد. تا انسان دچار چنین صحنه‌ها و حادثه‌هایی نشود، نمی‌تواند آن موضوع را به‌خوبی بیان کند که کسی که برادرش، آن هم برادر باوفای حمید نسبت به مهدی که هیچ‌وقت در لشکرش، حمید باکری به مهدی نگفت برادر، همیشه می‌گفت آقامهدی. من هیچ آثاری از غم در چهره مهدی ندیدم. وقتی می‌خواستند جنازه برادر او را بیاورند، نگذاشت. گفت: «اگر دیگران را توانستید بیاورید، جنازه برادر من را هم»

پسر غلامحسین این را می‌گوید.» این تکه کلامش بود.

من توی خط بودم؛ همین خط شلمچه. بچه‌ها صدا زدند و گفتند یک سیاهی روی آب است. با اینکه آب کم عمق بود و احتمال اینکه جنازه‌ها را بیاورد در حقیقت کم بود، ولی همین اتفاق افتاد و روز دوازدهم، آب، اکبر موسایی را به لب ساحل، جایی که بچه‌ها کنار نهر زیارت عاشورا می‌خواندند، آورد. این، اتفاقی نبود که درست جنازه‌ها در همان زمان که حسین گفته بود و همان جایی که بچه‌ها زیارت عاشورا می‌خواندند، به ساحل بیایند. روز سیزدهم هم جنازه حسین صادقی به ساحل رسید.

بعد که جنازه‌ها آمد، حسین به من گفت: «می‌دانی چرا اکبر موسایی پور اول آمد و صادقی روز بعد؟» گفتم: «نه!» گفت: «چون نماز شبش در آب هم قطع نشد.» حسین به من گفت که حضرت زینب علیها السلام گفته است که شما در این عملیات پیروز می‌شوید. حسین در ظاهر و باطن یک عبد به معنای حقیقی کلمه بود. او بنده حقیقی خدا بود.

قبل از عملیات بدر می‌خواستیم در منطقه شلمچه در زید، عملیاتی انجام دهیم. خیلی مراقبت می‌کردیم که عملیات لو نرود. خط شلمچه متروکه بود. فعال نبود. یک طرف خاکریز دژ ایران آب بود. بچه‌ها با مسئولیت «یوسف الهی» مشغول شناسایی بودند. چند شب پشت سرهم می‌رفتند شناسایی. اولین تیم شناسایی که رفت، «اکبر موسایی» و «حسین صادقی» بودند که برنگشتند. نمی‌دانستیم که اسیر شده‌اند یا شهید. من خیلی نگران و ناراحت بودم که آیا دشمن فهمید؟ عملیات لو رفت؟

روز بعد حسین من را صدا زد، گفت: «بچه‌ها فردا برمی‌گردند.» گفتم: «از کجا این را می‌گویی؟» گفت: «در عالم خواب، اکبر موسایی به من گفته که ما اسیر نشدیم، شهید شدیم و خواهیم آمد. من فردا می‌آیم و صادقی روز بعد.» حسین پیش‌بینی کرد که روز دوازدهم یا سیزدهم این دو شهید بازخواهند گشت. قدری با حسین شوخی کردم و گفتم: «مگر تو علم غیب داری؟» گفت: «حسین،

خاردار آخری را باز می‌کرد، روی سیم خاردار می‌خوابید و با گریه، التماس بچه‌ها می‌کرد که از رویش رد بشوند! این را برای آیت‌الله بهاء‌الدینی تعریف کردم، بیش از ده دقیقه گریست.

او این کار را نه در یک فضای آرام، نه در یک استادیوم زیر نورافکن‌ها و دوربین‌ها، در یک شب تاریک، وقتی که هیچ نظاره‌گری جز هراس و مرگ وجود نداشت، انجام می‌داد. سیم خاردار را که باز می‌کرد، مثل یک تشک روی سیم‌خاردار می‌خوابید و التماس فرماندهان می‌کرد که از رویش رد بشوند. یک عالم باید چقدر زحمت بکشد تا به این مقام برسد؟ و جنگ پر بود از این انسان‌های ارزشمند، انسان‌هایی که با خدا رفیق بودند و رفیق‌الله بودند.

خدا رحمت کند شهید «پایدار» را، در جزیره مجنون در عملیات خیر به شهادت رسید. جنازه مطهرش باقی ماند. تا حالا هم جنازه‌اش مفقود است. او یک جوان فداکار عجیبی بود. در عملیات «والفجر ۴» بالای ارتفاعات مشرف به پنجوین، در آن بحبوحه جنگ، دمدم‌های صبح این

قبل از عملیات بدر در سنگر تاکتیکی لشکر نشسته بودم که «احمد» و «محمد قنبری» وارد شدند. این دو برادر عضو گردان ۴۱۰ غواص بودند. هر دو گریه می‌کردند. پرسیدم: «چی شده، چه خبر است؟» محمد گفت: «من باید امشب در عملیات شرکت کنم.» از احمد پرسیدم: «تو چه می‌گویی؟» گفت: «من باید در عملیات شرکت کنم.» تصمیم گرفتم به استدلال این دو برادر گوش کنم. محمد گفت: «من برادر بزرگ هستم و مادرم احمد را به دست من سپرده است. بنابراین، او باید بماند تا من در عملیات شرکت کنم.» استدلال احمد این بود: «او برادر بزرگ است. اگر در عملیات شرکت کند، شهید می‌شود و مادرم به‌دلیل علاقه‌ای که به من دارد، دیگر اجازه حضور در جنگ را به من نخواهد داد.» در نهایت هر دو در عملیات شرکت کردند و احمد شهید شد.

آن جوان زابلی، «حسین عالی» شخصیتی بود که روح بلندی داشت. او چه تعبیری از جنگ داشت که در همه شب‌های عملیات، وقتی سیم

عملیات «والفجر ۳» در میدان مین ماند. میدان مین والفجر ۳ خیلی میدان مین بزرگی بود. شاید جزء پرتراکم‌ترین میدان‌ها و موانع جنگ، همین منطقه والفجر ۳ و «کربلای ۱» بود. حتی در بعضی از ابعاد از شلمچه هم بیشتر بود؛ منتها کانال‌ها، بیشتر بود.

خب علی ماهانی را می‌شناختند. شناخته شده بود. آمدند به مجروحان توی معبر آب بدهند. با آن تانکر آبی که همراهشان بود، به سمت علی ماهانی رفتند که به او آب بدهند. نخورد. گفت به فلانی بدهید. دادند. باز آمدند، گفت به فلانی بدهید، به مجروحین همه دادند. آب بود، ولی وقتی برگشتند، او تشنه به شهادت رسیده بود.

شهید (مهدی) باکری و شهید (احمد) کاظمی صمیمیت عجیبی با هم داشتند. در عملیات بدر مهدی رفت در غرب رودخانه دجله، آنجا در کنار یک گروهان ماند. همه ما باید این نوار صدای شهید باکری را بشنویم. همه ملت ایران باید بشنوند این نوار را. این صدا را با این آرامش،

بلندگو را به دستش گرفته بود، با یک لطافتی، با یک محبتی به این بچه‌ها می‌گفت که نمازت را خواندی برادرم؟ ما در تاریخ‌مان می‌گوییم ظهر عاشورا در بحبوحه جنگ، یکی به آقا امام حسین (صلوات الله علیه) یادآوری کرد، گفت وقت نماز است. امام حسین (صلوات الله علیه) دعایش کرد و فرمود خدا تو را از نمازگزاران قرار بده که مرا به یاد نماز انداختی. این خصلت حسین‌گونه شهید پایدار بود که در اوج پاتک دشمن، آن نقطه اساسی در ذهن او این بود که در هر شرایطی نماز بچه‌ها قضا نشود.

برادری داشتیم به نام «علی ماهانی». خیلی آدم مقدسی بود. خیلی مقدس بود. او زخم بدنش را که دستش مجروح بود و پایش هم شبیه دستش بود، همیشه به نوعی مخفی می‌کرد که تظاهر به این زخم نکرده باشد. این زخم را طوری نمایان نکند که نمایش داده بشود. این خیلی حرف است. خیلی خودسازی بزرگی می‌خواهد. اینها حرف‌های عادی نیست. آن وقت این علی ماهانی در

وقتی رسیدم به اسم او، تا گفتم زندی، احساس کردم انگار زمین باز شد و او با تمام وجود در زمین فرو رفت. مثل ابر اشک می‌ریخت. آن قدر گریست که زیر بازوهایش را گرفتند، آوردند به سمت من، وقتی این سکه را از دست من گرفت، با چشم پر از اشک توی چشم من نگاه کرد، گفت: «به من ظلم کردی».

یک چنین موجوداتی بودند. این فرهنگ ناجی است. این فرهنگ هست که به یک ملت بقا می‌دهد. این فرهنگ است که این شهیدان را سربلند نگه می‌دارد. جنگ ما افتخارش این است که رتبه‌ای نبود. این پارچه‌ها و درجه‌های روی دوش من نبود. کلمه رایج، کلمه سردار و سرهنگ نبود. کلمه رایج، کلمه برادر بود؛ برادر حسین، برادر احمد، برادر مهدی. کلمه رایج این بود. کسی فکر نمی‌کرد و باور نمی‌کرد حقوق فرمانده سپاه دو هزار و پانصد تومان است، حقوق رزمنده عادی هم دو هزار و پانصد تومان است. این جنگ ما بود. این زیبایی‌های جنگ، ما را به اینجا رساند.

درحالی‌که مجروح است و کمتر از بیست دقیقه بعدش هم شهید شد، محاصره کامل هم بود. یک فرد در محاصره، بدون نیرو در غرب رودخانه دجله. این صدا و این طمأنینه و این آرامش، شنیدنی است؛ واقعاً شنیدنی است.

مهدی عادی نبود. او در گودال نشست، در گودالی در کنار جاده عماره. این صدایش ضبط است که خطاب به شهید احمد کاظمی که تا آخر تا زمان شهادتش از این درد به خود می‌پیچید. صدا و حرف این نوار این است: «احمد، بیا اینجا. اینجا من چیزی می‌بینم که اگر تو بیایی و ما با هم باشیم، تا ابد از هم جدا نخواهیم شد.» و بعد باکری با آن شکلی که داستان مفصلی دارد و تا حالا هم مفقودالایر است، به شهادت رسید. وقتی که منطقه عملیاتی بدر تخلیه شده بود و همه داشتند می‌رفتند عقب، شهید کاظمی حاضر نبود عقب بیاید. دیگر هیچ نیرویی در آن زمین باقی نمانده بود. سه چهار نفر دیگر مانده بودند و اصرارشان بر این بود که شهید کاظمی را که به دلیل غم شهید باکری، نمی‌توانست خودش را از سرزمین بدر جدا بکند، عقب بیاورند.

که هفده سالش بود، کند. بعد آمد این پسر را توی قبر گذاشت، دفن کرد و شوهرش و دو پسر دیگرش را روانه جبهه کرد. عجیب بود این صحنه.

وقتی ما بچه‌های جنگ جلسه‌ای می‌گرفتیم، اولین موضوعی که احمد به همه تذکر می‌داد، این بود که آیا این جلسه برای خداست؟ و بعد پیرامون این حرف می‌زد؛ لذا نقش احمد در ما خیلی نقش برجسته‌ای بود. رفتن احمد برای همه ما سنگین بود و فراموش‌نشدنی.

من همیشه به احمد می‌گفتم: «الهی دردت بخوره توی سرم.» اصطلاح من بود نسبت به احمد. می‌گفتم: «دورت بگردم.» آنچه که مکنونات قلبی‌ام است، از خدا می‌خواهم، خدا هرچه سریع‌تر مرا به او ملحق بکند و خودم را مستحق این عنایت خدا می‌دانم. و به او اگر بنویسم، این را خواهم نوشت: «مرا ببر. ما را تنها نگذار.» این را خواهم گفت.

فرمانده گردانی داشتیم به نام «ماشاءالله رشیدی». شب عملیات کربلای ۵ این آمد وارد عملیات بشود، آمد دم خط، توی سنگر من، چون گردان نرسیده بود، با هم حرف می‌زدیم. او قصه‌ای تعریف کرد. یک فرمانده گروهانی داشت به نام «زکی‌زاده» که دو روز پیش شهید شده بود. گفت: «من و زکی‌زاده با هم عهد بستیم هر کداممان زودتر شهید شد، وارد بهشت نشود تا دیگری بیاید. دیشب زکی‌زاده را خواب دیدم. به من گفت ماشاءالله، من را دم در نگه داشتی، چرا نمی‌آیی؟» وقتی این را گفت، من فهمیدم شهید می‌شود، نگهش داشتم، گردان رفت و درگیر خط شد و من مجبور شدم او را بفرستم. بلافاصله شهید شد.

یادم هست مادری بود در یکی از این روستاهای کرمان به نام «خانوک». این مادر، شوهرش و سه پسرش در جنگ بودند به نام «زادخوش». پسرش که شهید شد، اجازه نداد کسی قبر را حفر بکند. خودش آمد قبر را کند؛ یک زن. بعد که خسته شد، دخترهایش را صدا زد به او کمک بکنند. قبر پسرش را

خدا رحمت کند، شهیدی داشتیم همیشه وردزبانش این بود:
«یاران همه رفتند افسوس که جامانده منم حسرتا این گل خارا همه جا رانده منم
پیر ره آمد و طریق رفتن آموخت آن که نارفته و جا مانده منم»

منابع

۱. طهماسبی عالمی؛ موسوی، لیلا و قربانی، مهدی (۱۳۹۹)، **سلیمانی عزیز** (گذری بر زندگی و رزم سردار شهید حاج قاسم سلیمانی)، قم: حماسه یاران.
 ۲. اکبری مزدآبادی، علی (۱۳۹۸)، **ذوالفقار** (برش‌هایی از خاطرات شفاهی حاج قاسم سلیمانی)، تهران: نشر یا زهرا ع.ا.س.
- فکر می‌کنم مصداق این شعر، من هستم. باور کنید به احمد حسودی‌ام می‌شود؟ دلم می‌خواهد همه عمرم را بدهم، فقط یک بار دیگر صدای احمد را بشنوم.
- وقتی که جنگ تمام شد تا روزی که شهید شد، هیچ‌روزی، هیچ لحظه‌ای، هیچ‌ساعتی نبود که ما با هم باشیم و او با حسرت پشت دستش نزند و نگوید ما ضرر کردیم و شهدا برد کردند. نه تنها برای شهید شدن آن قدر بی‌تاب بود که از زنده ماندن خودش ناراحت بود و ضمن اینکه آرزویش شهادت بود، یک آرزوی دیگرش زودتر رفتن بود. (اکبری مزدآبادی، ۱۳۹۸، ص ۶۷-۱۲۴)

دهه فجر انقلاب اسلامی ۵۷

تاریخی، آشنایی کامل پیدا کنند. در این میان، رسانه ملی با آگاهی‌بخشی و از رهگذر بیان واقعیت‌های حوادث انقلاب اسلامی و مجاهدت‌های مردم انقلابی و شهدایی که با خون خود نهال انقلاب را سیراب کردند و به پیروزی رساندند، می‌تواند افق روشن و آینده درخشانی را در اذهان مخاطبان رقم بزند و دستمایه تجربیات و اندوخته‌های هویت‌بخش برای آنان باشد. تأمل در چرایی و چگونگی این پیروزی بزرگ بر قوی‌ترین قدرت منطقه‌ای و مورد حمایت غرب به روشنی نشان داد که خط شهادت که در شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» متبلور شده بود، همچنان نویددهنده پیشرفت جامعه اسلامی و سربلندی ایران است.

با توجه به ویژگی‌ها و حوزه‌های گسترده و متنوعی که تفکر انقلاب اسلامی در موضوعات مختلف، اعم از شعر، ادبیات، داستان و... ایجاد کرده است، برآنیم تا با استفاده از این مجاهدت‌های قلمی که پیش از این نویسندگان متعهد از خود به یادگار گذاشته‌اند، زمینه‌ای فراهم کنیم تا یاری‌رسان برنامه‌سازان رسانه ملی باشد.

«قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَشْتَرِيًّا وَأَفْرَادِيًّا؛ بگو که من به یک سخن شما را پند می‌دهم و آن سخن این است که شما خالص برای خدا دو نفر دو نفر با هم یا هر یک تنها قیام کنید». (سبأ: ۳۴)

مقدمه

دهه فجر در ادبیات انقلاب اسلامی، گرامیداشت روزهای خاطره‌انگیز و سرنوشت‌ساز برای ملت ایران است. در این ایام که از دوازدهم تا بیست و دوم بهمن ماه هرساله، نگاه‌ها معطوف به وقایعی است که در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی ایران رخ داده است؛ وقایعی همچون: بازگشت امام خمینی به ایران و تشکیل دولت موقت، پیوستن ارتش شاهنشاهی به انقلاب، به شکست‌کشاندن حکومت نظامی شاه و تسخیر مراکز مهم نظامی و فرهنگی و ... و در نهایت پیروزی انقلابیون به رهبری امام خمینی. اهمیت گرامیداشت و یادکرد این پیروزی بزرگ که تحولات شگرفی را در ایران و جهان در پی داشت، اقتضا می‌کند نسل حاضر و آینده کشور درباره این حادثه

- «پیروزی انقلاب، مرهون فداکاری‌های دلاورانه ملت، خصوصاً شهیدان است».
- «انقلاب اسلامی ایران، یک تحفه الهی و هدیه غیبی بوده است».
- «نهضت اسلامی ملت شریف ایران، برای قطع ایادی دشمنان ادامه دارد».
- «این اعجاز بزرگ قرن و این پیروزی بی‌نظیر (انقلاب)، محتاج حفظ و نگه‌داری است».
- «انقلاب شکوهمند اسلامی، دست‌آورد میلیون‌ها انسان ارزشمند و هزاران شهید جاوید است».
- «انقلاب عظیم ما، جلوه‌ای از نهضت پر عظمت حضرت محمد رسول‌الله ﷺ است».
- «پیروزی انقلاب، رهین همه ملت است».
- «انقلاب ما انفجار نور بود».
- «رمز پیروزی شما، ایمان و وحدت کلمه بود».
- «این انقلاب بزرگ، دست جهان‌خواران و ستمگران را از ایران بزرگ کوتاه کرد».
- «بیدار باشید که حفظ پیروزی و نهضت، بسیار مشکل‌تر از اصل آن است».
- مجموعه مطالب مورد نظر در ذیل پنج عنوان کلی: دهه فجر انقلاب اسلامی، بازگشت امام خمینی علیه السلام به وطن، پیروزی انقلاب اسلامی، موضوعات عام انقلاب اسلامی، و محورها و زیرنویس‌های پیشنهادی تدوین و ارائه شده است.
- **دهه فجر انقلاب اسلامی**
سخنان امام خمینی علیه السلام درباره دهه فجر
 - «در روز ۲۲ بهمن، حق بر باطل و جنود رحمانی بر اولیای شیطانی و حزب‌الله بر طاغوت و طاغوتیان غلبه نمود. در ۲۲ بهمن، نصرت اعجاز‌آمیز اسلام بر کفر تحقق یافت».
 - «۲۲ بهمن باید سرمشق ما باشد در طول زندگی و برای نسل‌های آینده. ... ۲۲ بهمن، غلبه ایمان بر کفر و الله بر طاغوت بود».
 - «در ۲۲ بهمن، دست انتقام حق از آستین ملت رزمنده ایران بیرون آمد».
 - «از برکت انقلاب اسلامی ایران، دریچه‌های نور و امید به روی همه مسلمانان جهان باز شد».
 - «درود بر ۲۲ بهمن، یوم‌الله و بر آفرینندگان آن».

- «۲۲ بهمن، روز ولادت تازه این ملت شد».
- «فجر انقلاب، دمیدن خورشید استقلال و آزادی و دمیدن روز جمهوری اسلامی است».
- «باید تمامی مساجد فعال شوند و مردم با حضور در مساجد، خاطره فراموش نشدنی حضرت امام و پیروزی انقلاب اسلامی را جشن بگیرند».
- «دهه فجر، سرآغاز طلوع اسلام و مقطع رهایی ملت ایران است».
- «در دهه فجر، اسلام تولدی دوباره یافت».
- «دهه فجر، آینه‌ای است که خورشید اسلام در آن درخشید».
- «آتش مقدسی که در ۲۲ بهمن شعله کشید، دنیا را گرم و منور کرد».
- «۲۲ بهمن، از وقایح حساس تاریخ جهان است».
- «هیچ حادثه‌ای مبارک‌تر از ۲۲ بهمن برای ملت ما نبود».
- «زنده نگاه‌داشتن یاد شهدای انقلاب، باعث تداوم و حرکت انقلاب است».
- «تا بانگ لا اله الا الله و محمد رسول الله ﷺ بر تمام جهان طنین نیفکند، مبارزه هست».
- «این ایام‌الله، هدیه‌ای از عالم غیب ربوبی است».
- «الان، شعاع این انقلاب همه‌جای دنیا را فراگرفته است».
- «این انقلاب بزرگ، با تأییدات غیبی الهی پیروز گردید».
- «در روز مسعود ۲۲ بهمن، ملت دلیر میهن، خود را از شر طاغوت‌های زمان رهایی بخشید».
- «کشور ما دهه فجر؛ سالروز آزادی خود را از چنگال ابرجنایت‌کاران، جشن می‌گیرد».
- «تذکر ایام‌الله، انسان‌ساز است».
- (<http://www.imam-khomeini.ir>)
- **سخنان مقام معظم رهبری درباره دهه فجر**
- «۲۲ بهمن، روز تجدید عهد با انقلاب، امام و اسلام است».
- «خاطره دهه فجر، بزرگ‌ترین خاطره ملت ما بعد از ورود اسلام است».
- «دهه فجر و ۲۲ بهمن را قدر بدانید».

- «انقلاب اسلامی، قدرت‌های استکباری را به ذلت و خواری نشانده است».
 - «انقلاب اسلامی، معجزه‌ای بزرگ بود که به‌وسیله امام فقید (قدس‌سره) اتفاق افتاد».
 - «در دهه فجر، خداوند میوه شیرین پیروزی را به ملت ما عطا کرد».
 - «۲۲ بهمن و دهه فجر برای ما، روز بازیابی خاطره انقلاب است».
 - «دهه فجر، میثاق ملت با انقلاب است».
 - «انقلاب اسلامی، چون آتشفشان، تمام‌نشده است».
 - «حفظ انقلاب، خط عظمت اسلام و مسلمین و دفاع از مظلومین و مستضعفان است».
 - «پایبندی به اصول اسلام، رمز قدرت و قوت انقلاب است».
 - «امروز دشمنان اسلام از درخشش آن (انقلاب) بی‌مناک‌اند».
 - «درسی که انقلاب اسلامی به ما آموخته است، این است که از ابهت ابرقدرت‌ها نترسیم».
 - «۲۲ بهمن، یک عید مردمی است».
- «ستادهای دهه فجر تا آنجا که در وسعشان است، با برنامه‌های خوب و متنوع، مردم را با حقیقت دهه فجر آشنا سازند».
- «جشن‌های دهه فجر، باید چون مراسم و اعیاد مذهبی گرامی داشته شود» (www.leader.ir).
- منبع**
1. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۷)، *اشارات سی بهار*، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، ص ۱۱۷-۱۲۶.
2. www.imam-khomeini.ir
3. www.leader.ir
- دهه فجر**
- سیدمحمدصادق میرقیصری**
- والفجر، سوگند همیشه برپا و برجای ازلی خداوند است که نویدبخش پگاه روشن پیروزی، در افق جهاد امت‌هاست.
- بهمن، ماه شوریدگان دل‌داده‌ای است که سرمست از کلام و پیام آن پیر می‌فروش، خود را به خط خون و آتش زدند و گل تکبیر را در همه جای این میهن شکوفاندند.
- دهه فجر، کلید گشاینده درهای پیروزی به روی این ملت عظیم بود که استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی را به ارمغان آورد.

دیدنی عبرت‌آموز و [چقدر] جای
شهدا خالی بود!



جواد محدثی

از دوازدهم بهمن که امام آمد تا
بیست و دوم بهمن که نهضت
اسلامی پیروز شد، یک دهه
است، اما به پرباری ده قرن، بلکه
بیشتر!

طاغوت در چاه مغرب خفت و
امام، خورشیدی بود که از غرب
تابید و مشرق را فراگرفت و به
ایران بازگشت و انوار الهی را از
قم، این حرم آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَام به
سراسر گیتی پراکند.

پیروزی انقلاب اسلامی، فجری
بود که دامن افق‌ها را روشن
ساخت و پرده‌های ظلمت شرق و
غرب را از هم درید و ایران را
نورباران کرد.

دهه فجر، مطلع غزل زیبای
پیروزی و قصیده بلیغ و رسای
اسلام بود.

دهه فجر، جان سیراب زمان بود
از کوثر ولایت فقیه.

... دهه فجر، فجر روشن و صبح
صادق تحقق جمهوری اسلامی
بود.»

■ دهه فجر، سرود حنجره‌های
داوودی است که در رهگذر نسیم
ایمان، ترانه آزادی خواندند و بر
مائده استقلال، نعمت پیروزی
گسترده‌اند.

■ دهه فجر، میثاق دوباره و همواره
با خون شهیدان و خط رهبری و
ولایت است.



■ از آمدن امام تا دمیدن خورشید
یوم‌الله ۲۲ بهمن، ده روز طول
کشید، ده روز پر حادثه، ولی
مبارک؛ ده روز مضطرب، ولی
سرشار از امید؛ ده روز، قلب
هستی تپید. ده روز زمان تندتر زد.
ده روز حادثه‌ها از زمان جلو افتاد.
ده روز دل‌ها در تسخیر نگرانی
آمیخته به ایمان و شوق بود.

■ ده روز چشم تاریخ در انتظار
لحظه انفجار بود و زمان، گوش به
زنگ بود که صدای انفجار الله
اکبر این امت، در فضای ایران
طنین افکند و آن لحظه موعود فرا
رسید و ساعت، قائم شد و قیامت
برپا. کاخ‌هایی که به قیمت ویرانی
کوخ‌ها برپا شده بود، به دست
کوخ‌نشینان سقوط کرد و محشری
عظیم پدید آورد... چه تماشایی و

منبع

جمعی از نویسندگان (۱۳۸۸)،
اشارات ۱۲۹، قم: مرکز پژوهش‌های
اسلامی صداوسیما، ص ۲۱۲ - ۲۱۳.

بازگشت امام خمینی علیه السلام به وطن

با فرار شاه از کشور در ۲۶ دی
۱۳۵۷، انقلاب مردم ایران به رهبری
امام خمینی علیه السلام برای پیروزی و
ریشه‌کنی نظام استبدادی و
شاهنشاهی شتاب گرفت. با ورود آن
رهبر فرزانه به ایران، شمارش معکوس
سرنگونی رژیم آغاز شد.

جاء الحق وزهق الباطل

هجرت بندگان صداقت‌پیشه
خداوند، همواره آغازگر تحولات شگرف
و تاریخ‌ساز بوده است. این سنت الهی
برای همیشه در دوره‌های گوناگون،
جاری است و مهاجران الی الله، با
هجرت و مجاهدت خویش، راه هدایت
را برای مردم می‌گشایند و هموار
می‌سازند. خداوند، جایگاه دین
مردمان را بلندترین مقام نزد خدا قرار
می‌دهد و می‌فرماید: «آنها که ایمان
آوردند و هجرت کردند و با اموال و
جان‌هایشان در راه خدا جهاد کردند،
مقامشان نزد خدا برتر است و آنها

پیروز رستگارند.» با هجرت پیامبر
اکرم صلی الله علیه و آله، تاریخ فروزان اسلام رقم
خورد. با هجرت امام حسین علیه السلام، تاریخ
سرخ شیعه نگاشته شد و در عصر ما
نیز با هجرت مردی بزرگ از خاندان
عصمت و طهارت، حضرت امام
خمینی علیه السلام، آیین ناب نبوی و قیام
حیات‌بخش حسینی احیا گشت.
خمینی بزرگ با قدم صدق از ایران
خارج شد و با قدم صدق به ایران آمد
و مصداق «جاء الحق و زهق الباطل»
در عصر ما آشکار شد.

بازگشت امام

امام خمینی علیه السلام از سیزده آبان سال
۱۳۴۲ تا دوازده بهمن ۱۳۵۷، یعنی
حدود چهارده سال در تبعید به سر برد
و در سال ۱۳۴۳ ابتدا به ترکیه و پس
از مدتی به عراق تبعید شد و اوقات
پایانی دوری از وطن را در فرانسه و در
دهکده‌ای به نام نوفل لوشاتو گذراند.
نوفل لوشاتو در روزهای اوج نهضت،
به قلب تپنده انقلاب ایران تبدیل شده
بود. وقتی امام را به ترکیه تبعید
می‌کردند، شاه و آمریکا هیچگاه
پیش‌بینی نمی‌کردند که او روزی
پیروزمندانه به ایران بازگردد و رژیم
شاهنشاهی را از بن برکند. پس از

شش صبح، خیابان‌ها سرشار از جمعیت بود. اول صبح، میلیون‌ها نفر در دو طرف خیابان‌های مسیر امام خمینی علیه السلام ایستاده بودند و پنجاه هزار نیروی انتظامی، مشغول منظم کردن آنها بودند. مردم با تاق نصرت و گل، خیابان‌ها را تزیین کردند و در قلب استقبال‌کنندگان، دریایی از اضطراب و شادی موج می‌زد. در ساعت نه و سی دقیقه صبح، محبوب ملت و پرچمدار آزادی به وطن برگشت. چند لحظه پس از گشوده شدن در خروجی هواپیما، امام درحالی که دستشان در دست مهماندار فرانسوی بود، در مقابل دیدگان مشتاقان ظاهر شد. همه اشک شادی می‌ریختند. فریاد «الله اکبر» به هوا برخاست. در میان نشاط و هیجان و ازدحام، امام وارد صحن فرودگاه شد و پس از شنیدن آیات قرآن کریم، پیام محبت‌آمیز فداییان خود را که از اعماق جان هر ایرانی برمی‌آمد، از زبان گروه سرود شنید:

ای مجاهد، ای مظهر شرف
چون نجات انسان شعار توست

خروج شاه در ۲۶ دی ۱۳۵۷، امام در پیامی کوتاه خطاب به خبرگزاری‌های جهان اعلام کرد: «خروج شاه از ایران، اولین مرحله پایان یافتن سلطه جنایت‌بار پنجاه ساله رژیم پهلوی می‌باشد که به دنبال مبارزات قهرمانانه ملت ایران صورت گرفته است. من این پیروزی را به ملت تبریک می‌گویم.» همچنین ایشان اعلام کرد که در اولین فرصت به ایران بازمی‌گردند.

پرشکوه‌ترین استقبال تاریخ

شامگاه یازده بهمن، هواپیمای امام خمینی علیه السلام غرش‌کنان از فرودگاه شارل دوگل فرانسه به آسمان پرواز کرد.

در دوازدهم بهمن ۱۳۵۷، پرشکوه‌ترین استقبال تاریخ، جلوه‌گر شد. این روز یکی از ماندگارترین روزهای تاریخ معاصر ایران است و شور و شوق مردم در آن وصف‌ناپذیر بود. عده زیادی از مردم، خود را به تهران رسانده بودند تا در مراسم استقبال از امام شرکت کنند. تقریباً در ساعت

خمینی‌ای امام، خمینی‌ای امام
ای گذشته ز جان در ره هدف

مرگ در راه حق افتخار توست
 خصم اهریمنان، دوستدار حق
 ز ما تو را درود، ز ما تو را سلام

این تویی، این تویی پاسدار حق
 بُودِ شعار تو، به راه حق، قیام
 خمینی ای امام، خمینی ای امام

مهم‌ترین پیامدهای بازگشت امام

دو حادثه، از مهم‌ترین پیامدهای بازگشت امام خمینی علیه السلام است که به سرعت موجب پیروزی انقلاب اسلامی شد: انتصاب دولت موقت و بیعت نظامیان با امام خمینی علیه السلام. امام خمینی در ۲۶ دی در آستانه خروج شاه از کشور اعلام کرد که ما دولت را به همین زودی اعلام خواهیم کرد. در پانزده بهمن، نخست‌وزیری مهندس بازرگان به تصویب شورای انقلاب رسید. در نوزده بهمن، عظیم‌ترین راهپیمایی در سراسر کشور شکل گرفت و میلیون‌ها نفر از دولت منتخب امام خمینی علیه السلام حمایت کردند. از سوی دیگر، در دهه انقلاب، ارتش که تنها نقطه اتکای رژیم بود، به انقلاب پیوست. فرار، نافرمانی، اعتصاب، شرکت در تظاهرات و سرانجام، بیعت با امام خمینی علیه السلام، نشانه همراهی ارتش با

امام خمینی علیه السلام در فرودگاه مهرآباد پس از شنیدن پیام ملت، سخنانی ایراد فرمودند. ایشان ابتدا از تمام اقشار ملت، از پیر و جوان، روحانی و کسبه، قاضی و وکیل، کارمند و کارگر و کشاورز که در راه رسیدن به پیروزی رنج و مصیبت دیدند و ثابت‌قدم ماندند، صمیمانه تشکر کردند. ایشان در بخشی از سخنان خود، تلاش‌های محمدرضا را برای بازگشت به ایران و حفظ سلطنت، ناکام خواندند و تلاش‌های آنان را به دست و پا زدن برای حفظ سلطنت تعبیر کردند. امام در این سخنان با بیان رمز پیروزی فرمودند: «ما باید از همه طبقات ملت تشکر کنیم که این پیروزی تا اینجا به واسطه وحدت کلمه بوده است. وحدت کلمه مسلمین، همه، وحدت کلمه اقلیت‌های مذهبی با مسلمین، وحدت دانشگاه و مدرسه علمی، وحدت روحانی و جناح سیاسی. ما باید همه این رمز را بفهمیم که وحدت کلمه، رمز پیروزی است و این رمز پیروزی را از دست ندهیم».

را و ۲۲ بهمن را و ۱۲ فروردین روز
جمهوری اسلامی را و یوم‌الله‌های مکرر
تاریخ‌مان را...

خوش‌آمدی «روح‌الله»!

رزیتا نعمتی

می‌آید؛ بر بام بلند آرزو و به
جست‌وجوی شهیدانی که مسیرش را
با خون خویش مطهر کردند.

خانه‌های قلبمان، شانه‌های
مهربان او را می‌جویند تا در سایه
خورشیدی‌اش، طعم خوش آزادی را
بچشند.

اگرچه سیه‌مستان شب، با خنجر
ظلم، سپیداران باغ را سر بریده‌اند،
دست نوازش باغبانی چون روح خدا،
نگاهی سبز را به درختان آرزوهای‌مان
بازمی‌گرداند.

خوش‌آمدی به وطن؛ پرسوختگان
منتظرت، چشم‌انتظار دست نوازش
تواند که از بام بلند دیدار، بر خاطر
مجروحشان بکشی، ای روح خدا!

تو آمدی و بهار شد

عباس محمدی

آمدی، تا روزهایمان رنگ سربلندی
بگیرد و دست‌هایمان بوی لبخندهای
آشتی.

امام بود که در نوزده بهمن به اوج خود
رسید. در نتیجه، رژیم بدون پشتوانه
به سرعت از هم پاشید و انقلاب
اسلامی در ۲۲ بهمن به پیروزی نهایی
رسید.

منبع

<https://asheghanehvelayat.blog.ir/>
1393/11/19-2

گفتار مجری

امام آمد

جواد محدثی

«ایران، ویران بود و ایرانی، در بند.
اسارت، آزاد بود و آزادی، اسیر، اما امام
آمد و آزادی آورد و آزادی را از اسارت
نجات داد و به اسلام آبرو و به مسلمانان
اعتبار بخشید و به اسکلت‌ها، روح و به
اندیشه‌ها، تابندگی و به دل‌ها، شهادت
و به دیده‌ها، بصیرت و به زندگی‌ها،
جهت داد.

امام آمد و پاکی پیامبران و ایمان
امامان را به یاد آورد.

امام آمد و فتح مکه را در خاطره‌ها
زنده کرد.

امام آمد و مرگ فرعون را آورد و
سقوط ستم را و شکست شب شوم
بیداد را و ائتلاف امت را و وحدت کلمه

ما، درختان را از پشت دیوارهای برفی
صدا زد...

در آرزوی صبح نقی یعقوبی

دنیا در هزاره بدبختی‌هایش رها
شده بود.

تاریکی، پا از گلیم خویش فراتر
نهاده بود و قلب انسان‌های تکیه‌داده
به سایه گندم را استخدام می‌کرد. دریا
در صحن آب و در غربتی محض، درد
می‌کشید و تلاطم امواج محبت، بر
دوش خاطره‌ها تشییع می‌شد.

شب، خورشید آزادی را احاطه
کرده بود و آرزوی صلح، در دل‌های
زلال مردم جاری بود.

سوگند خوردند تا در سایه ایمان
شعله‌ور و رهبرشان، تکلیف تمام
شمع‌های زمانه را روشن کنند.

پیروزی انقلاب اسلامی والفجر

امروز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ است. امروز
از سحرگاهان، افراد نیروی هوایی در
شرق تهران به انقلابیان می‌پیوندند و
درگیری با نیروهای مسلح شاه به‌طور
جدی آغاز می‌شود. زن‌ها با پرکردن
کیسه‌های شن برای سنگربندی در
کوچه‌ها و خیابان‌ها کمک می‌کنند. در

آمدی، تا پشت آن همه شب‌های
طولانی، طعم روز را فراموش نکنیم و
به زیارت آفتاب برویم.

آمدی، تا پیروزی، فانوس شب‌های
بی‌چراغی ما باشد و لبخند، عطر
خوش آزادی‌مان.

تو که آمدی، زمستان در برف‌های
ناتمامش آب شد و بهار، در سینه‌های
ما شکوفه زد.

دریای آزادی

خیابان‌ها راه افتاده بودند تا رود
شوند و به دریای آزادی بپیوندند.

آسمان بر شانه‌های شهر آمده بود
تا حس آسمانی‌بودن، در پرنده‌ها
فراگیر شود. پرنده‌ها، عطر پرواز را بر
دیوارهای نقش‌بسته به خون
می‌نوشتند. انسان، از سایه‌هایش
فاصله می‌گرفت تا آرمان‌شهر را
بیافریند؛ در روزهایی که بهار به
سرنوشت زمستانی زمین فکر می‌کرد.

مردی که شبمان را به روز رساند

آن روز، تمام دنیا به فرودگاه
مهرآباد ختم می‌شد. انگار دنیا
می‌خواست دوباره متولد شود! قدم که
بر پله‌های آمدن گذاشتی، پرواز بر
شانه‌های ما نشست و عطر لبخندهای

امکانات و انگیزه‌های مادی و بشری پرهیز می‌کرد. حضور و تأثیر انگیزه‌های معنوی در انقلاب اسلامی بر کسی پوشیده نیست. در اوایل پیروزی انقلاب که جهانیان با مردمی‌ترین انقلاب دنیا در طول تاریخ روبه‌رو شدند، آن را به خدا نسبت دادند و دو روزنامه‌نگار فرانسوی کتابی به نام ایران، انقلاب به نام خدا نوشتند. میشل فوکو، اندیشمند غربی نیز عصاره انقلاب اسلامی را معنویت می‌دانست. از این نظر، هویت انقلاب اسلامی با معنویت و انگیزه‌های الهی رقم خورده است. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵، ص ۶۰)

انقلاب دینی، نمودار تفکر معنوی

انقلاب اسلامی ایران، پدیده‌ای بی‌همتا بود که از پیش، تحلیلی برای آن وجود نداشت و حتی مبانی و مقدمات شناخت آن در اندیشه‌های جدید به چشم نمی‌خورد. این انقلاب با بازگشت به حقایق فراموش‌شده فطری، دین را در منظر اندیشه بشری برجسته کرد و در دو سطح ملی و جهانی، چاره‌ای باقی نگذاشت، جز اینکه رویکردی نوین به دین، معنویت، انسان و جهان پدید آید. این انقلاب،

سنگرها، خون سربازان و نظامیان بریده از بختیار و پیوسته به مردم، با خون فرزندان دیگر این ملت آمیخته می‌شود. دل‌ها با هم گره خورده، مشتها یک مشت بزرگ می‌شود و بر فرق حکومت طاغوت فرود می‌آید. امام تهدید می‌کنند اگر کشتارهای وحشیانه نیروهای گارد ادامه یابد، حکم جهاد می‌دهند. بیشتر کلانتری‌ها و پاسگاه‌های ژاندارمری به‌دست مردم فتح می‌شود و تهران به تصرف مردم درمی‌آید. رژیم شاهنشاهی سقوط می‌کند و ایران به‌دست اسلام می‌افتد. با اهدای این همه شهید به آستان دین و در پای درخت تناور اسلام، رژیم ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی نابود می‌شود و با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، یوم‌الله دیگری تحقق می‌یابد و وعده راست الهی بر نصرت مؤمنان فرامی‌رسد. (محدثی، ۱۳۶۵، ص ۴۸-۵۰)

انقلاب به نام خدا

وقتی پیروزی یا موهبتی نصیب ملت ایران می‌شد، امام بزرگوار، آن مرد الهی و روشن‌ضمیر، آن را به انگیزه‌های الهی و امدادهای غیبی حق تعالی پیوند می‌داد و از تکیه بر

بین‌المللی، در قالب طرح‌های فریبنده، دین‌زدایی و به تعبیر امام راحل، وارد آوردن ضربه نهایی به اسلام (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۲۰۰) را در دستور کار خود قرار داد، امام چون دیده‌بانی هوشیار و دورنگر، با الهام از قیام عاشورا، وظیفه‌ای را فراروی خویش یافتند. براساس همین وظیفه، شالوده انقلابی بزرگ را بنیاد نهادند و انقلاب را در راه همان اهداف و آموزه‌ها هدایت کردند. بدین ترتیب، بار دیگر تاریخ تکرار شد و عاشورا، سرمشق دفاع از دین و مبارزه با ستم و جور گردید. امام راحل علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «الگوی شاخص و برجسته انقلاب اسلامی، نهضت عاشورای حسینی است... من مصمم شدم مثل حضرت سیدالشهدا، از برای حفظ اصل دین با ایادی دولت ظلم مبارزه کنم». (همان، ص ۱۹۳)

هم‌خوانی انقلاب اسلامی و نهضت عاشورا در هدف

اهداف نهضت عاشورا و انقلاب اسلامی، همسانی ویژه‌ای دارند؛ زیرا انقلاب اسلامی، بن‌مایه خود را از نهضت عاشورا گرفته است. حضرت امام خمینی علیه السلام در این باره می‌فرمایند:

تنها تحولی در جامعه و نظام سیاسی و اقتصادی آن نیست، بلکه دگرگونی در کیفیت حیات فردی و اجتماعی، اصلی‌ترین شاخص انقلاب اسلامی است که با گشودن راه هدایت و ایجاد معرفت متعالی و راستین، صورت واقعی خود را می‌یابد. (فراتی، ۱۳۷۷، ص ۷)

استاد مطهری و معنویت در انقلاب اسلامی

استاد مطهری که عمری در راه اعتلای فرهنگ و اندیشه اسلامی صرف کرد و با قلم و اندیشه خود، آثار باارزشی به جای گذاشت، انقلاب اسلامی ایران را ادامه حرکت اصلاح‌گرایانه مصلحان و اندیشمندان اسلامی می‌دانست و از منظری فرهنگی و معنوی به انقلاب می‌نگریست. به تعبیر آن بزرگوار، «از جمله خصوصیات انقلاب ما، این است که چون بر پایه ایدئولوژی اسلامی قرار گرفته، به معنویتی واقعی متکی است». (مطهری، ۱۳۶۷، ص ۱۷۲)

انقلاب اسلامی و نهضت عاشورا

هنگامی که رژیم دست‌نشانده پهلوی در راستای اهداف استعمار انگلستان، آمریکا و صهیونیسم

۳. محدثی، جواد (۱۳۶۵)، *والفجر*، قم: معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات.
۴. مطهری، مرتضی (۱۳۶۷)، *پیرامون انقلاب اسلامی*، تهران: صدرا.
۵. خمینی، روح‌الله (۱۳۶۱)، *صحیفه نور*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

گفتار مجری

بهمن سفید

محمدعلی کعبی

پیرمرد قدبلند، پیرمرد رشید
با همان لبخند ظریف در همان
صورتی که با جدیت عجین است.
با همان عمامه مشکی خراسانی
و ردای بلند که گویی بر سر جهانی
کشیده است

ایستاده است و هنوز برای ما
دست تکان می‌دهد
بایست ای مقاومت سپید
ای صلابت متبلور
ای سرو سبز زنده که فصل‌های
یخ‌زده، که بادهای صف‌شکن در
مصافِ قلبِ تپنده و گرم‌ت شکست
خورده‌اند.

«این همه خون دادند مردم برای اینکه اسلام تحقق پیدا کند. دنباله کار انبیاست، دنباله کار رسول خداست، دنباله کار امیرالمؤمنین است، دنباله کار سیدالشهداست. سیدالشهدا خونش را داده برای همین که اسلام تحقق پیدا بکند. یزید می‌خواست اسلام را از بین ببرد. ما دنبال این هستیم که اسلام تحقق پیدا بکند. دنبال این نیستیم که حالا که ما اسم جمهوری اسلامی پیدا کردیم، کافی است برای ما.» (همان، ص ۴۲) ایشان در جای دیگری می‌فرمایند: «ما مثل حسین علیه السلام در جنگ وارد شدیم و مثل حسین علیه السلام باید به شهادت برسیم.» (همان، ج ۱۴، ص ۵۲۵)

منابع

۱. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۵)، *گلبرگ شماره ۸۳*، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، ص ۵۹ - ۶۳.
۲. فراتی، عبدالوهاب (۱۳۷۷)، *انجاد ناشناخته انقلاب*، قم: نشر دبیرخانه مجمع گروه‌های معارف اسلامی.

عید ظفر

جواد محدثی

«پیروزی ۲۲ بهمن، میوه نهالی بود که در ۱۵ خرداد ۴۲، در لاله‌زار میهن ما کاشته شد و سال‌ها جهاد و شهادت آزادگان، آن را آبیاری کرد تا در بهمن ۵۷، بهار آفرین قرن‌های خزان گردد. ۲۲ بهمن، آخرین موج بزرگ و توفنده‌ای بود که موج‌های خون را در طول سالیان پرحادثه انقلاب به ساحل پیروزی رساند.

سالگرد پیروزی انقلاب، تداعی حضور ایمان در متن حیات اجتماعی است. یادآور نقش‌آفرینی عقیده، در میدان مبارزات رهایی‌بخش است و شاهد توانایی دین در حرکت‌آفرینی، شورگستری، امیدبخشی و بیدادگری است.

۲۲ بهمن، فهرست فشرده نهضت ما از نیمه خرداد تا پیروزی است.

۲۲ بهمن، عید ظفر است. در این روز بود که ملت مسلمان ایران، میلادی نوین یافت و سرمه شریعت، بر دیدگان بصیرت خویش کشید و امامت و ولایت را به شایسته‌ترین وجه گردن نهاد و چه خون‌ها و عزیزانی را در این راه داد.»

موضوعات عام انقلاب اسلامی

انقلاب آگاهانه

انقلاب بزرگ ایران، در شیوه شکل‌گیری، نفوذ فراگیر و حتی پیروزی شکوهمندش با بسیاری از انقلاب‌های دیگر جهان متفاوت بود. یکی از ده‌ها رمز جاودانه این شگرفی، اراده پرشور و حضور آگاهانه مردمی بود که برای هدفی والا و مقدس، با تمام توان و حتی با نثار کردن جان به میدان مبارزه شتافتند. این نکته مهم در تحلیل بسیاری از اندیشمندان خارجی نیز بازتاب داشته است. تدا اسکاچ پُل، نویسنده و محقق غربی که معتقد است هیچ انقلابی به‌صورت آگاهانه و به دست مردم ایجاد نمی‌شود، در مقاله‌ای که در سال ۱۹۸۲ با عنوان «دولت تحصیل‌دار و اسلام شیعی در انقلاب ایران» نوشت، با توجه به آشکاربودن نقش اراده، آگاهی، رهبری و اندیشه در انقلاب اسلامی، اعتراف کرد: «اگر در دنیا تنها یک انقلاب آگاهانه ساخته شده باشد، آن انقلاب، انقلاب ایران است.»

به عقیده او، زمانی که بر اثر سیاست‌های مستبدانه، ضددینی و بیگانه‌گرایی شاه، نوعی ناامیدی و

میشل فوکو معتقد است: «زبان و شکل و محتوای مذهبی انقلاب ایران، امری اتفاقی و تصادفی نیست، بلکه در حقیقت این رهبری مذهبی بود که با تکیه بر موضع مقاومت و انتقادی سابقه‌دار در مکتب تشیع در برابر قدرت‌های سیاسی حاکم و نیز نفوذ عمیق در دل ایرانیان توانست آنان را این‌گونه به قیام وا دارد؛ آن هم رژیمی که بی‌شک، یکی از مجهزترین ارتش‌های دنیا را در اختیار داشت و از حمایت مستقیم آمریکا و دیگر قدرت‌ها برخوردار بود». (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶، ص ۴۳)

ناتوانی تحلیل‌گران از پیش‌بینی انقلاب

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ همه معادلات جهانی را بر هم زد. نظریه‌های سیاسی و جامعه‌شناختی معمول را به چالش کشید و دولت‌های استکباری را به شدت آشفته و غافلگیر کرد. تحلیل‌گران سیاسی، مراکز اطلاعاتی و سازمان‌های جاسوسی قدرت‌های بیگانه که در ارزیابی و سنجش تحولات جامعه ایران و موفقیت احتمالی رهبری مذهبی آن براساس

انزجار از حکومت در میان مردم پدید آمد، مجموعه‌ای از عناصر فرهنگی ریشه‌دار در تاریخ اسلام شیعی و نیز اسطوره بنیادین تشیع حضرت امام حسین (علیه السلام)، مراسم مذهبی، شبکه مساجد و روحانیت به‌گونه‌ای هوشیارانه انقلاب اسلامی را به وجود آوردند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶، ص ۴۲)

انقلاب متفاوت ملت ایران

میشل فوکو، فیلسوف و نظریه‌پرداز مشهور فرانسوی که خود در هنگامه نهضت اسلامی ایران دوبار به تهران و قم سفر کرده و از نزدیک شاهد فرازونشیب انقلاب بود و مقاله‌های بسیاری در این باره منتشر ساخت، درباره ریشه‌یابی این رویداد می‌نویسد: «این انقلاب نمی‌تواند با انگیزه‌های اقتصادی و عادی صورت گرفته باشد؛ زیرا جهان، شاهد شورش و قیام همه مردم بر ضد قدرتی بود که مشکلات اقتصادی بزرگی نداشت که به موجب آن، میلیون‌ها ایرانی به خیابان‌ها بریزند و قیام کنند. ریشه این انقلاب را باید در جای دیگری جست‌وجو کرد».

پس از دیدن امام خمینی علیه السلام در نوفل لوشاتو به ایران آمد و از نهضت مردم ایران، عکس‌هایی ماندگار گرفت. او درباره انقلاب و رهبر آن گفت: «همان بار اولی که آیت‌الله را دیدم، فهمیدم که او پیروز خواهد شد. او با تمام کسان دیگری که تا آن روز دیده بودم، فرق داشت. یک‌جور انرژی توی صورتش بود که دیگر مثلش را ندیدم. انقلاب او هم با بقیه جاهایی که عکاسی کردم، فرق داشت. مردم ایران مصمم بودند، اما عصبانی نبودند.» (همان، ص ۴۴)

این يك انقلاب نیست!

مردم حمله کرده بودند به زندان باستیل. کی؟ ۱۴ ژوئیه ۱۷۸۹. انقلاب فرانسه اندک‌اندک داشت به واقعیت تبدیل می‌شد. همان روز، هنگامی که لویی شانزدهم از حمله موفقیت‌آمیز مردم به آن زندان معروف آگاه شد، یکی از نزدیک‌ترین یارانش را کنار کشید و از او پرسید: «این یک شورش است؟» او هم بدون هیچ تعارفی، آب پاکی را روی دست جناب پادشاه ریخت و گفت: «نه، اعلی‌حضرتا! این یک انقلاب است.» تاریخ بزرگ و یازده جلدی ویل دورانت با همین ماجرای کوتاه به پایان می‌رسد.

معیارهای مادی و تجربی قضاوت می‌کردند، از پیش‌بینی وقوع انقلاب اسلامی و شناخت ماهیت آن عاجز ماندند. به تعبیر بلند حضرت امام علیه السلام: «از اراده خدا بی‌خبر بودند. این کاری بود که خدا کرد؛ معجزه‌ای بود که خدای تبارک و تعالی انجام داد.»

سازمان سیا پس از ارزیابی خود از وضعیت جامعه ایران در مرداد ۱۳۵۷ اعلام کرده بود: «ایران در وضع انقلابی و یا حتی ماقبل انقلابی قرار ندارد!» سازمان اطلاعاتی DIA (آژانس اطلاعات دفاعی) نیز در ارزیابی اطلاعاتی خود در ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۸ (۱۳۵۷/۷/۶) گفته بود: «انتظار می‌رود که شاه تا ده سال دیگر به‌طور فعال زمام قدرت را در دست داشته باشد». حتی کارتر، رئیس‌جمهور وقت آمریکا در سفر خود به ایران، ایران را جزیره ثبات و آرامش در یکی از پرسروصداترین نقاط دنیا خوانده بود. (همان، ص ۴۳)

مصمم، نه عصبانی

پاتریک چاول، عکاس و فیلم‌ساز فرانسوی که با عکس‌ها و مستندهایی معروف شد، که از جنگ شش‌روزه اعراب و اسرائیل و جنگ ویتنام گرفت.

تأکید ورزیدند: «یک تحول روحی در جامعه پیدا شد که من غیر از آنکه بگویم یک معجزه بود، یک اراده الهی بود؛ نمی‌توانم اسم دیگری رویش بگذارم.» (بیانات امام خمینی در جمع معلمین منطقه تجریش و اهالی سراب ۱۳۵۸/۲/۲۳) باز می‌فرمایند: «اینجا حساب الهی است. اینجا دست خداست. اشخاص نمی‌توانند یک همچو قدرتی ایجاد کنند... این اراده الهی است که تمام حساب‌های حسابگران مادی را باطل کرد.»

آفاق روشن نهضت امام و ایران تا آنجا پرتو گسترده‌تر که حتی بسیاری از شخصیت‌های غیرمسلمان نیز با تأیید نگنجیدن جریان انقلاب اسلامی در چهارچوب محاسبات مادی، به اعجاز آن اعتراف کردند. رابرت کالتسون، دانشمند کانادایی در این باره می‌گوید: «از نظر من که یک غربی و فرد غیرمسلمان هستم، این معجزه است که یک انقلاب مکتبی و الهی بتواند در جهان امروز این‌طور تحقق پیدا کرده و در جهت استقرار عدالت به پیش برود. این انقلاب بدون شک از جانب خداوند حمایت می‌شود.» (همان، ص ۴۵)

سال ۱۹۷۸ یا همان ۱۳۵۷ خودمان بود. میشل فوکو بعد از یک سفر نسبتاً کوتاه، از ایران برگشته بود به فرانسه. این موجود عجیب و غریب با آن کله تاس و خنده‌های عمیقش، همه غربی‌ها را به بازی گرفته بود. فیلسوف، تاریخ‌دان، روان‌شناس، جامعه‌شناس و پارادوکس تمام‌عیاری چون او می‌خواست یک چشمه دیگر از هنرهای بسپارش را رو کند؛ روزنامه‌نگاری را. حالا هم فرانسوی‌های جست‌وجوگر می‌خواستند از زبان او بشنوند که در ایران چه خبر است. آنها مدام می‌پرسیدند: «این یک انقلاب است؟» و تنها پاسخی که به صورت تلویحی شنیدند، این بود: «نه، این نخستین قیام بزرگ بر ضد نظام‌های جهانی است؛ مدرن‌ترین و دیوانه‌وارترین صورت شورش.» (همان، ص ۴۴)

معجزه قرن

در تفسیر درست و تبیین آگاهانه انقلاب اسلامی ایران و تحولاتی که جهان معاصر را با آن روبه‌رو کرد، تنها واژه معجزه می‌تواند بازتاب صحیح حقیقت باشد. این واقعیتی بود که پیر بیدار انقلاب، امام راحل علیه السلام بارها بر آن

انقلاب خمینی علیه السلام

انقلاب اسلامی ایران، بی‌نام ناخدای مأنوس با ملکوتش، در هیچ جای جهان شناخته‌شده نیست. ظهور و حضور پیامبرگونه امام، نوید امن و ایمان بود در عصری که داشت به «غیبت خدا» خو می‌گرفت. فریاد ستم‌ستیز امام سبب شد تا امت‌های اسلامی به شور آیند و رستاخیزی پیش از رستاخیز را تجربه کنند و چنین بود که بی‌درنگ، پس از آغاز حرکت انبیایی امام، نه فقط در کشورهای اسلامی، بلکه در تمامی سرزمین‌هایی که نام و یادی از خدا هنوز باقی بود، حرکت‌های پیایی و عظیم پدید آمد که هدف اصلی این توفان‌ها، درهم‌شکستن بت‌های کفر و شرک در عرصه زمین و حرکت به نام خدا در گستره زمان بود.

جهان، شخصیت‌های برجسته مبارز و رهبران سیاسی بسیاری به خود دیده است، ولی آنچه کار امام و انقلاب ایران را شکوهی جاودانه بخشید، آن است که شخصیتی الهی، آغازگر انقلاب اسلامی در قرن بیستم بود. او انسان‌ها را به سمت‌وسوی ارزش‌ها رهنمون شد و به‌خوبی

توانست حکمت را با سیاست درهم آمیزد. راز شگرف رهبری امام را باید در اصالت اندیشه‌ها، صلابت رأی و صداقت بی‌شائبه‌اش با مردم جست‌وجو کرد. (همان، ص ۴۶-۴۵)

دکترین سیاسی امام خمینی علیه السلام

برای شناخت انقلاب اسلامی ایران و تفاوت‌های آشکاری که این نهضت با دیگر خیزش‌های مردمی در قرن حاضر داشته است، باید پیش از همه به پیوند جدایی‌ناپذیر انقلاب اسلامی و رهبر بزرگ آن، امام خمینی علیه السلام توجه کرد. به اعتراف بسیاری از تحلیل‌گران مسائل سیاسی و اجتماعی، امام در تعریف و تعیین اهداف انقلاب اسلامی، رهبری مبارز، رویاروی با قدرت‌های افزون‌طلب و حفظ دستاوردهای نهضت، دارای دکترین سیاسی ویژه و منحصربه‌فردی بود. دکترین سیاسی امام، بر پایه مبانی استوار و خدشه‌ناپذیری چون اعتقاد عمیق به غیب و امدادهای غیبی، ایمان خلل‌ناپذیر به آموزه‌های اسلام، اتکا و توکل بر قدرت بی‌کران الهی و تکلیف‌مداری مطلق قرار داشت؛ چیزی که غربیان از شناخت آن ناتوان مانده بودند.

برای احیای هویت دینی در جهان معاصر در نظر بگیریم، آن تاریخ ۱۹۷۹ میلادی است؛ یعنی هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی ایران که خیزش عظیمی را برای تفکرات دینی در تمام ادیان به‌وجود آورده است». (همان، ص ۴۶)

انقلاب و قدرت‌نمایی خیره‌کننده

اسلام

انقلاب اسلامی در یکی از حساس‌ترین نقاط گیتی همچون زلزله‌ای پیش‌بینی‌ناپذیر، اردوگاه آرام و بی‌دغدغه استکبار جهانی را به‌شدت به لرزه درآورد. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، برای نخستین‌بار، یک کشور مسلمان به‌گونه‌ای موفقیت‌آمیز، قدرت‌های بزرگ غربی را به مبارزه طلبید، آنها را تحقیر کرد و به منافع مادیشان خسارت رساند. این پیروزی شکوهمند، خوابِ خوش تحلیل‌گران و نظریه‌پردازانی که افول ادیان الهی را امری آشکار می‌دانستند، آشفته کرد و انبوه نظریه‌های آنان را بی‌اعتبار ساخت.

دکتر میشل جانسون، کارشناس روابط بین‌الملل در این باره گفته است: «از نظر نمادین، انقلاب ایران،

امام خمینی علیه السلام با بهره‌گیری از اندیشه نو و ریشه‌دار الهی خود، نه تنها به سرنگونی رژیم قدرتمند پهلوی توفیق یافت، بلکه توانست با عرضه تفکری ناب و فرهنگی کاملاً دینی، آموزه‌های مکتب‌های مادی غرب را نیز به چالش بکشد. (همان، ص ۴۶)

انقلاب و تجدید حیات دینی

انسان معاصر

بی‌تردید، نهضت بزرگ ملت ایران را با بیدارباشی که به بشر غفلت‌زده از فطرت داد و شکوهی که از قدرت دین‌باوری جلوه‌گر ساخت، می‌توان سرآغاز عصر جدیدی در حیات بشری دانست؛ چنان‌که مقام معظم رهبری فرمودند: «انقلاب اسلامی، هویت اسلامی را در دنیای اسلام و هویت معنوی را در کل جهان زنده کرد.» شهید سیدمرتضی آوینی نیز معتقد بود تجدید حیات معنوی و دینی بشر با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران آغاز شده است و بدین روی، دهه شصت را باید اولین دهه از این تجدید عهد دانست.

پروفسور محمدحسین هُدی، اندیشمند مسلمان مقیم اتریش نیز گفته است: «اگر بنا باشد تاریخی را

آخرین سال‌های قرن بیستم چنان تغییر داد که اندیشمندان و نظریه‌پردازان بین‌المللی به تولد دوباره دین در جوامع بشری اعتراف کردند. به بیان دیگر، با وقوع معجزه انقلاب اسلامی به رهبری امام راحل علیه السلام و گسترش خیره‌کننده حوزه نفوذ ادیان بزرگ الهی، به‌ویژه دین مبین اسلام، امروزه دیگر تحلیل‌گران وقایع سیاسی و تحولات اجتماعی به خود جرئت انکار جایگاه والای دین در اجتماع بشری و پیش‌بینی انزوای آن را در جهان معاصر نمی‌دهند و این از آثار گران‌قدر پیروزی انقلاب اسلامی ایران است. (همان، ص ۴۸۴۷)

عصر ظهور

ظهور انقلاب اسلامی ایران و افق‌های روشنی که از حق‌باوری و عدالت‌گستری به روی جهانیان گشوده شد، زمینه‌ساز ظهور آخرین حجت حق بر سیاره زمین و عصر تب‌وتاب بشر برای درک درست آن یار غایب از نظر است. این نوید و این شمیم در سخنان آن یاور راستین حضرت حجت علیه السلام موج می‌زند. آن عارف حق می‌فرمودند: «دورنمای صدور انقلاب اسلامی را در جهان

نخستین پیروزی مسلمانان بر غرب، از قرن شانزده میلادی به این سو شمرده می‌شود. نکته اینجاست که اسلام، عامل هدایت‌کننده این انقلاب بود و هیچ‌یک از ایسم‌های غربی ناسیونالیسم، کاپیتالیسم، کمونیسم و سوسیالیسم در آن نقشی نداشتند.» قدرت‌های بزرگ غربی در رویارویی با عظمت‌های بی‌بدیلی که امام و انقلاب آفریدند، با استعداد پنهان و توانایی گسترده اسلام آشنا شدند. (همان، ص ۴۷)

انقلاب و بطلان نظریه‌های ضد دینی

پیش از انقلاب اسلامی، سیطره نظریه‌های مادی چنان حتمی به‌نظر می‌رسید که بسیاری از پژوهشگران علوم انسانی، در آینده بشر، مکان و منزلتی برای دین قائل نبودند. در قرن نوزدهم، فلسفه‌هایی پدید آمد که یا به‌طور کلی منکر دین شدند یا خود، مذهبی دروغین را جایگزین ادیان آسمانی کردند. این روند در قرن بیستم تا بدان‌جا پیش رفت که بسیاری از دین‌ستیزان، آشکارا به مبارزه با باورهای دینی پرداختند، ولی سیر تحولات تاریخی و پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شرایط موجود را در

پیام‌های انقلاب اسلامی

سهیلا بهشتی

در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷، انقلابی بزرگ و شکوهمند، به رهبری امام خمینی علیه السلام در ایران به وقوع پیوست که به دلیل شرایط معجزه‌گونه‌اش، جهانیان را به شگفتی واداشت. انقلاب اسلامی ایران، زمانی رخ داد که اندیشه حاکم بر قرن بیستم؛ یعنی اندیشه غیردینی و سکولاریسم، وقوع آن را احتمال نمی‌داد؛ انقلابی که به حقیقت، می‌توان آن را مهم‌ترین حرکت اسلامی و جنبش انقلابی در تاریخ اسلام، در زمان غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام دانست.

جامعه اسلامی که در طول تاریخ، به جز صدر اسلام، از حاکمیت اسلام محروم بود، یک‌بار دیگر شیرینی حکومت اسلامی و حاکمیت ارزش‌های دینی را چشید. مردم ستم‌دیده، پس از سال‌ها، نتیجه مبارزه‌های سخت و طاقت‌فرسای خود و آزار و شکنجه فرزندان مبارز و برومند خویش را با سرنگونی رژیم پهلوی به چشم دیدند.

گاه حفظ آرمان‌ها و پی‌گیری اهداف و پاسداری از دستاوردها، بسیار دشوارتر از دستیابی به آنهاست. نخستین گام در این زمینه،

مستضعفان و مظلومان بیش از پیش می‌بینم و جنبشی که از طرف مستضعفان و مظلومان جهان علیه مستکبران و زورمندان شروع شده و در حال گسترش است، امیدبخش آتیه روشن است و وعده خداوند را نزدیک و نزدیک‌تر می‌نماید.» آن‌گاه دعا می‌فرمودند: «و خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد.» «امیدوارم که این انقلاب یک انقلاب جهانی بشود و مقدمه‌ای برای ظهور حضرت بقیه‌الله (ارواحنا فداه) بشود.» این نیز توصیه همیشگی آن پیر سفرکرده است: «به جمهوری اسلامی که ثمره خون پدران‌تان است تا پای جان وفادار بمانید. با آمادگی خود، زمینه را برای قیام منجی عالم و خاتم‌الاولیا و مَفخَرُالاولیا حضرت بقیه‌الله روحی فداه فراهم سازید.» (همان، ۴۸)

منبع

جمعی از نویسندگان (۱۳۸۶)، **گلبرگ ۹۵**، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.

آسیب‌ها و خطرهای تهدیدکننده انقلاب اسلامی تهدیدها زهراکاظمی

در هر انقلابی، آفت‌هایی وجود دارد که اگر با این آفت‌ها مقابله نشود، بی‌شک، اهداف آن انقلاب از بین خواهد رفت و اثر معکوس خواهد داشت. برخی از این آفت‌های تهدیدکننده عبارت‌اند از:

۱. نفوذ اندیشه‌های بیگانه

این اندیشه‌ها از دو راه نفوذ می‌کند:

الف) از طریق دشمنان؛ آن‌گاه که انقلاب به اوج شکوفایی می‌رسد، جاذبه پیدا می‌کند و بر مکتب‌های دیگر اثر می‌گذارد. پیروان این مکتب‌ها برای رخنه‌کردن در این انقلاب و از بین بردن آن، از درون به آن انقلاب آسیب می‌رسانند و آن را بی‌تأثیر یا کم‌خاصیت می‌کنند.

ب) از طریق دوستان و پیروان؛ گاه پیروان انقلاب به علت ناآشنایی با مکتب خویش، مجذوب نظریه‌ها و اندیشه‌های بیگانه می‌شوند و آگاهانه یا ناآگاهانه، آن نظرها را رنگ مکتب می‌دهند و به دیگران نیز القا می‌کنند.

بررسی و شناخت این دستاوردهاست که حفظ آن به‌نوعی معجزه‌ای بزرگ‌تر از معجزه اول و شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران است. برخی از این دستاوردها عبارت‌اند از:

۱. جدا نبودن دین از سیاست
۲. قدرت اسلام و تشیع برای برپایی حکومت و احیای ولایت فقیه
۳. تحقیر استکبار جهانی و نمایاندن ابهت پوشالی آن
۴. صدور انقلاب و جهانی‌شدن آن
۵. جهانی‌کردن مبارزه با رژیم اشغالگر قدس
۶. احیای منزلت معنوی زنان و دختران
۷. پایه‌ریزی اقتصاد کشور براساس آموزه‌های اسلامی
۸. احیای امر به معروف و نهی از منکر
۹. ترویج معنویت، ایثار و شهادت‌طلبی
۱۰. زمینه وحدت میان شیعه و سنی (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷، ص ۳۱-۳۹)

منبع

جمعی از نویسندگان (۱۳۸۷)، **اشارات ۳۰ (بهار)**، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.

درون آن پاشیده می‌شود. اگر کشاورز این زمین را رها کند و درون خانه خود منتظر به ثمرنشستن بذرها بنشیند، هیچ بهره‌ای نخواهد دید. اگر پس از پیروزی و به ثمر رسیدن یک انقلاب، مردم در همه امور آن حضوری فعال داشته باشند و دست به سازندگی بزنند، هیچ نیروی خارجی و دشمن داخلی آن را تهدید نخواهد کرد؛ چراکه همه مردم، پاسدار و حافظ آرمان‌ها و ارزش‌های آن هستند، تا جایی که برای به ثمررساندن اهداف والای آن، از جان خود می‌گذرند.

۴. رخنه‌کردن فرصت‌طلبان به

درون انقلاب

سختی‌ها و مشکلات یک انقلاب، تا استوار و پابرجا نشده، بر دوش افراد مؤمن و متعهد است و همین که به ثمر نشست و پایه‌های آن استوار شد، حضور افراد فرصت‌طلب پررنگ می‌شود. با کم‌شدن مشکلات انقلاب، حضور فرصت‌طلبان بیشتر و پرشورتر می‌شود تا آنجاکه انقلابیان مؤمن و متعهد را از میدان به در می‌کنند.

۵. تحریف اندیشه‌ها و نیت‌ها

پاک نگه‌داشتن اندیشه، در قبال دسیسه‌های دشمن بیرونی - نسبت به

امروزه، دشمن از هر دو راه استفاده می‌کند که اگر اندیشه‌های بیگانگان با عنوان اسلام به جوانان انقلاب القا شود، آگاه‌کردن ادامه‌دهندگان راه انقلاب از حقیقت توطئه بیگانگان و هدایتشان به راه درست انقلاب، کاری بس دشوار است.

گفتنی است راه مبارزه با این خطر، تحریم و منع نیست، بلکه معرفی و عرضه خط‌مشی‌های درست به زبان روز و نزدیک به زبان جوانان است.

۲. تجددگرایی افراطی

برهیز از افراط‌وتفریط و گرایش به اعتدال در هر کاری، خالی از دشواری نیست. درحقیقت، تجددگرایی به‌معنای آراستن اسلام است به آنچه در ماهیت اسلام نیست. برای مثال، برخی افراد، عوام‌زده و گذشته‌گرا می‌شوند و تنها معیارشان، سلیقه عوام است و برخی دیگر به مسائل روز توجه می‌کنند و به آینده می‌اندیشند و متأسفانه سخاوتمندانه از اسلام مایه می‌گذارند.

۳. ناتمام‌گذاشتن انقلاب و

اهداف آن

یک انقلاب، در آغاز، چون زمینی است که شخم می‌خورد و بذرهایی

منبع

جمعی از نویسندگان (۱۳۸۷)،
اشارات ۱۱۷، قم: مرکز پژوهش‌های
اسلامی صداوسیما.

دشمنان داخلی - آسان‌تر است. با
به‌ثمر رسیدن یک انقلاب، افراد برای
گرفتن حق خود از آن انقلاب می‌آیند
و خود را میراث‌دار انقلاب می‌پندارند.
(جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷، ص ۴۰ - ۴۳)

شعر**ترنم یاران**

چنان پرنده شدیم و ز دسترس رفتیم
چورود، زمزمه کردیم و یک نفس رفتیم
در این میانه نماندیم خار و خس، رفتیم
که با شنیدن یک بانگ از جرس رفتیم
خطاست اینکه بگوییدمان عبث رفتیم

سپیده سر زد و ما از شب قفس رفتیم
ز دور، آبی دریای عشق پیدا شد
بهار آمد و تشکیل یک گلستان داد
نیاز محوشدن بود در تن خاکی
در این بهار بمانید! شرمتان بادا

سلمان هراتی**نوری از شرق**

شب، شبی بیکران بود
دفتر آسمان پاره پاره
برگ‌ها زرد و تیره
فصل، فصل خزان بود
هر ستاره
حرف خط‌خورده‌ای تار
در دل صفحه آسمان بود
گرچه گاهی شهابی
مشق‌های شب آسمان را
زود خط می‌زد و محو می‌شد
باز در آن هوای مه‌آلود
پاک‌کن‌هایی از ابر تیره

خط خورشید را پاک می‌کرد
 ناگهان نوری از شرق تابید
 خون خورشید
 آتشی در شفق زد
 مردی از شرق برخاست
 آسمان را ورق زد

قیصر امین پور

نفس گرم کدامین عیسی؟
 سخن از معجزه ایران است
 سخن از صاعقه خشم و خروش
 سخن از خشم گره‌خورده این شیران است
 کز قفس‌های هزاران ساله
 رسته و آزادند
 از شکوهی که در این نهضت بود
 موج گسترده که این دعوت داشت
 یک جهان، مات و سراسیمه و سرگردانند
 مردم زنده و بیدار جهان
 با نگاهی نگران
 می‌گزند از سر حیرت، انگشت
 همه هر روز ز هم می‌پرسند:
 ناگهان...
 نفس گرم کدامین عیسی
 بر تن مرده صد ساله این خلق دمید؟
 ید بیضای کدامین موسی
 عقل را از سر فرعون بپراند؟
 عشق و اخلاص کدام ابراهیم

آب بر آتش نمرود بریخت؟
 یا که اعجاز چه روح اللّهی،
 با سر انگشت مسیحایی خویش
 پیکر مرده و افسرده این ایران را
 به خداوند قسم، بار دگر احیا کرد؟
 آن کدام آذر بود؟
 آن کدام آتش برخاسته از سینه خاکستر بود
 که چنین محشر بی سابقه‌ای برپا کرد؟
 اینک از پیکر پرتاب و تب میهن ما
 که به پا کرده چنین نهضت گسترده و ژرف
 قصه‌ها ساخته‌اند
 همه جا ورد زبان‌هاست که: ایران! ایران!
 این شمايید که با هم، همه‌جا شعر شهادت خواندید
 بر بلندای زمان،
 پرچم سرخ ظفر بنشانند
 پس از آن ظلمتِ طولانی شب،
 اینک این خانه خون‌باخته میهنمان
 که پر از عطر بهاران گردید
 اینک، ای امّت آگاه و رشید!
 چشم‌هاتان روشن
 دست‌هاتان پر بار
 گام‌هاتان نستوه
 قلب‌هاتان با هم ...

هست که این بذره‌های شوم دشمن را کِشت می‌دهد و بارور می‌کند. و این بی‌تفاوتی اگر دامان من و شما را هم بگیرد، بی‌تردید به پرتگاه سقوطمان می‌کشاند.

در این گرداب دهشت‌زا، تنها سنگر مطمئن، ولایت است. شما چندسال پیش، چه خوب تشخیص دادید ماهیت استکبار را و فریاد زدید: «مرگ بر آمریکا» و بر روی این حکم قطعی خویش ایستادید و مقاومت کردید.

چرا بعضی از ما دچار سادگی می‌شویم؟ چون دشمن، دشمن هزار رو و پیچیده‌ای است. کسی که برای کشتن، هیاهو می‌کند و قداره می‌کشد، بلافاصله ماهیتش عیان می‌شود و عکس‌العمل برمی‌انگیزد، ولی کسی که با ظاهری زیبا و آراسته، لبخند می‌زند و در یک فضای رمانتیک با یک موسیقی ملایم و جذّاب، خنجر را در قلب شما فرو می‌کند، شما کی مجال دیدن، شنیدن، دریافتن و فریادکشیدن پیدا می‌کنید؟

در مقابل چنین دشمنی باید بسیار هوشیار و بافراست بود، ظواهر را نباید دید و در پشت هر ظاهری باید دنبال انگیزه‌های پنهانی و شیطانی گشت. (شجاعی، ۱۳۷۶، ص ۳۵-۳۷)

گفتار مجری

تهاجم توفان

سیدمهدی شجاعی

سلام ای تندیس‌های طراوت و ای

آیه‌های بهار!

چه کنم که نگرانی و التهاب، همچنان به هشدارم وا می‌دارد و حضور فتنه‌های غریب، قلم را به سمت تذکر و بیدارباش می‌کشاند. درختی را که شما چندسال پیش، نشاندید، اکنون در معرض تهاجم توفان قرار گرفته است. این نهال آن زمان، آسان پا به عرصه وجود نگذاشت و پس از آن نیز، راحت و بی‌دغدغه رشد نکرد و بالنده نشد. این انقلاب آن زمان، تلاش و رنجی چندساله را پشتوانه داشت و اکنون بیش از چنددهه، جهاد و ایثار و استقامت طاقت‌سوز را با خود همراه دارد.

شکستن بلور ارزش‌های این انقلاب، با جنگ میسر نشد که جنگ نیز خود خالق ارزش‌هایی تازه بود. تنگناها و محاصره‌های اقتصادی آبدیده‌ترمان کرد. تنها یک راه باقی ماند: نفوذ فرهنگی، خزنده و موریه‌وار و آرام‌آرام فروریختن ارزش‌های اعتقادی و اخلاقی.

در این میان، بی‌تفاوتی‌ها و بی‌خیالی‌ها بهترین زمینه‌ای بوده و

منبع

شجاعی، سیدمهدی (۱۳۷۶)،
صمیمانه با جوانان وطنم، تهران:
تربیت.

آن روزها...

محمدرضا سنگری

سالیانی پیش، دست خدایی باغبانی
پیر، بذر انقلابی مقدس را در کشتزار
حاصل خیز سرزمین ایمان افشاند. زمان
سپری شد و بذر، نهال و نهال، درختی
تناور گشت. این درخت سبز ستبر تناور،
با پایمردی و همت والای پروردگان مکتب
آن پیر، امروز، سایه افشان، دامن گستر و
پرثمر شده است.

آن روزها زنجیره دستان مهربان و
نگاه‌های مهربان‌تر و قلب‌هایی که
اتصال به دوست، آرامش و
اطمینانشان بخشیده بود، در مقابل
سیاهی و تباهی ایستادند و روشنای
فجری پرشکوه را رقم زدند.

آن روزها، همسایگان خدا - مردم
خیابان و میدان - با هم اذان می‌گفتند،
با هم نماز می‌خواندند، با هم سجاده
می‌گسترده و با هم بر سفره
می‌نشستند. دل‌ها با هم «جمع»
شده بود، تفرقه از ذهن‌ها «تفریق»
شده بود و «حاصل‌ضرب» مشت‌ها،
پیروزی را در باورها «تقسیم» می‌کرد.

آن روزها امام می‌گفت و همه
می‌شنیدند، او اشارتی می‌کرد و همه
به سر می‌دویدند. گوش‌ها جز
«بدهکار» حقیقت نبود. حنجره‌ها
«معبر» آیات جهاد بود و گام‌ها رهپوی
صراط روشن‌رهای.

کوچه‌ها و خیابان‌ها و میدان‌ها را
در زیر آسمانی از «سُرب و باروت»
پوشاندند. گازه‌های اشک‌آور به امید
«متفرّق» ساختن «جمع» دست
به‌کار شدند. امواج مسموم تبلیغات،
«یأس» افشاندند و آینده‌ای مبهم را
تلقین کردند.

مردم بیدار بودند؛ یعنی بیدار
شدند. دستی مسیحایی، مرگ را از
قلب‌ها و خواب را از چشم‌ها شسته
بود. این راه، برگشت نداشت،
هیچ‌کس نیامده بود که برگردد.

خون، انجماد دیرپا را شکست.
فریاد، یخ‌های قرون را ذوب کرد و
ایمان و ایثار، زمستان را بُرد و
بزرگ‌ترین انقلاب معاصر و
پرشکوه‌ترین انقلاب اسلامی پس از
انقلاب پیامبر را رقم زد.

اینک میراث بزرگ انقلاب و این
امانت‌گران قدر در دست ماست. هنوز
چشمان «هیز» و حریص و دست‌های
نامحرم و ناپاک، سرِ سرقت ارزش‌ها و

آمدنش، فرشی از بشریت گسترده و «مهرآباد» تا «بهشت زهرا» را از حضور خویش آکنده. بهمن، ماه خداست، فصل صداقت است، بهاران ایمان است، بهمن، «بهار در زمستان» است.

دهه فجر، کلید گشاینده درهای پیروزی به روی این ملت عظیم بود که «استقلال» و «آزادی» و «جمهوری اسلامی» را به ارمان آورد.

دهه فجر، سرود حنجره‌های داوودی است که در رهگذر نسیم ایمان، ترانه آزادی خواندند و بر مائده استقلال، نعمت پیروزی گسترده.

دهه فجر، میثاق دوباره و همواره ما با خون شهیدان و خط رهبری و ولایت است. (محدثی، ۱۳۸۶، ص ۶۹)

حتی مطلع الفجر

جواد محدثی

فجر است و سپیده حلقه بر در زده است

روز آمده، تاج لاله بر سر زده است
با آمدن امام در کشور ما
خورشید حقیقت از افق سر زده است

هوایمای حامل امام، بر بال فرشتگان بود و به دیار یاران می‌آمد...
دیاری که خون هزاران شهید، لاله‌زارش کرده بود. شهیدانی که پیش

انهدام این عظمت گرانقدر را دارند و بی‌تردید تا دشمنانی چنین هست همّت و حضوری چنان باید. چنین نیست که ضرورت «حضور»، امروز به سر آمده باشد. امروز همان دشمن در هیئتی دیگر و چهره‌ای دیگرگون به میدان آمده است.

ما که میراث‌داران آن شور شگفتیم، باید تا همیشه با چشم مراقبت به این ارمان بنگریم و نگاهبانی از آن را فریضه همواره خود بدانیم. (سنگری، ۱۳۷۶، ص ۶۲-۶۴)

منبع

سنگری، محمدرضا (۱۳۷۶)، *یادهای سبز*، تهران: نشر قو.

مقیات ده روزه

جواد محدثی

«والفجر»، سوگند همیشه برپا و برجای خداوند است، که نویدبخش پگاه روشن پیروزی، در افق جهاد امت‌هاست.

«بهمن»، ماه شوریدگان دلداده‌ای است که سرمست از کلام و پیام آن پیر می‌فروش، خود را به خط خون و آتش زدند و «گل تکبیر» را در همه جای این میهن شکوفاندند.

«دهه فجر»، میقات ده روزه یاران امام راحل علیه السلام است که پیش پای

پای امام را با پیکرهای گلگونشان
گلباران کرده بودند و قدم‌های رهبر،
بوسه‌باران دیده‌های منتظر بود.

... و جای شهدا خالی بود؛

جای آنان که با عشق امام سالیانی
دراز، غم هجران را به جان خریدند و چه
شب‌هایی را در انتظار دمیدن این
خورشید به صبح آوردند، ولی پس از
انتظاری جگرسوز، امام رهایی را ندیدند.

... و امام آمد.

از آمدن امام، تا دمیدن خورشید
«یوم‌الله ۲۲ بهمن» ده روز طول
کشید.

ده روز پر حادثه ولی مبارک،

ده روز پر اضطراب، ولی سرشار از
امید.

ده روز، قلب هستی تپید.

ده روز نبض زمان تندتر زد.

ده روز حادثه‌ها از زمان جلو افتاد.

ده روز دل‌ها در تسخیر نگرانی

آمیخته به ایمان و شوق بود

ده روز جدال حق و باطل و فرشته

و دیو بود...

امام آمده بود و ضامن نازنجک

«فتح» را در شهیدآباد «بهشت زهرا»

کشیده بود.

ده روز، چشم تاریخ در انتظار

لحظه انفجار مانده بود و «زمان»،

گوش به زنگ بود، که... صدای انفجار
«الله اکبر» این آمت در فضای ایران
طنین افکند و آن «لحظه موعود»
فرارسید و «ساعت»، قائم شد و
قیامت برپا گشت و محشری عظیم
پدید آمد....

... و جای شهدا خالی بود. (همان،

ص ۵۰)

منبع

محدثی، جواد (۱۳۸۶)، *مجموعه
نثر ادبی درباره موضوعات دینی و
مناسبت‌ها*، قم: بوستان کتاب.

محورهای برنامه‌سازی

- معرفی ارزش‌های انقلاب اسلامی
و تجلیل از آنها
- بیان مصداق‌های ارزش‌های
انقلاب اسلامی
- بیان مؤلفه‌های اقتدار انقلاب
اسلامی
- بیان معرفی و تبیین ضد
ارزش‌های انقلاب اسلامی
- بیان مبانی ارزش‌های انقلاب
اسلامی
- بیان اهمیت ارزش‌های انقلاب
اسلامی
- بررسی ضرورت عملی‌ساختن
ارزش‌های انقلاب اسلامی

- وظایف و مسئولیت‌های نظام اسلامی در قبال ترویج ارزش‌های انقلاب اسلامی
- بررسی نقش و تأثیر سازمان‌ها و نهادهای عمومی، در رواج ارزش‌های انقلاب اسلامی
- آسیب‌شناسی عملکرد سازمان‌ها و نهادهای عمومی، در رواج ارزش‌های انقلاب اسلامی
- نقش و تأثیر خانواده‌ها در رواج ارزش‌های انقلاب اسلامی
- آسیب‌شناسی عملکرد خانواده‌ها در رواج ارزش‌های انقلاب اسلامی
- راهکارهای کلی معرفی و ترویج ارزش‌های انقلاب اسلامی
- بررسی و نقد رویکرد رسانه‌های غربی به ارزش‌های انقلاب اسلامی
- بررسی کارکرد مثبت و تأثیر ارزش‌های انقلاب اسلامی در جذب مردم و حرکت‌های اسلام‌گرایانه در جهان اسلام
- آشنایی با مؤسسات و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی و افراد فعال در حوزه انقلاب اسلامی
- بررسی سازوکار و چگونگی تأثیر رسانه‌ها در ارتقای سطح عمل به ارزش‌ها در جامعه
- بررسی آینده انقلاب اسلامی و ارزش‌های آن
- آسیب‌شناسی ارزش‌های انقلاب اسلامی
- بررسی نوع رابطه و تعامل ارزش‌های انقلاب اسلامی با ارزش‌های فرهنگ غرب
- بررسی موارد نفوذ و تأثیر ارزش‌های غربی در ارزش‌های انقلاب
- بررسی دلایل وقوع انقلابی با ماهیت ارزشی در کشوری با حکومت ضد ارزشی
- آثار و پیامدهای عمل به ارزش‌های انقلاب اسلامی در جامعه
- آثار و پیامدهای عمل نکردن به ارزش‌های انقلاب اسلامی در جامعه
- تأثیر تحقق ارزش‌های انقلاب اسلامی در رسیدن به تمدن اسلامی
- رابطه تمدن اسلامی با حکومت موعود جهانی
- عوامل اجتماعی روی آوردن مردم به ارزش‌های دینی و اسلامی
- بررسی وضعیت عمل به ارزش‌های انقلاب در دوره‌های پس از انقلاب

- واکاوی ولایت فقیه
- سرودها و آواهای ماندگار انقلاب اسلامی
- مروری بر زندگی بازیگران و فعالان سیاسی در عصر پهلوی
- بررسی مبانی قرآنی انقلاب اسلامی
- نقش انقلاب در تحقق تمدن نوین اسلامی
- معرفی آثار برجسته در حوزه کتاب انقلاب اسلامی
- بررسی نقش راهبردی مقام معظم رهبری در هدایت و شکوفایی انقلاب
- ضرورت انتقال راهبردهای انقلاب به نسل‌های بعدی
- جایگاه وحدت اسلامی در فرایند تکاملی انقلاب اسلامی
- تأثیر انقلاب اسلامی بر فرهنگ ایرانی
- بررسی نقش عوامل فرهنگی در پیروزی انقلاب اسلامی
- انعکاس دستاوردهای حوزوی علم و صنعت انقلاب اسلامی
- نقش روحانیت و رهبری در ایجاد همدلی در مردم و انقلاب
- شاخص‌های انقلابی‌گری
- تأکید رسانه بر منحصربه‌فرد بودن انقلاب اسلامی
- بررسی اسلامی و مردمی بودن انقلاب اسلامی
- تأکید و توجه به برکات انقلاب اسلامی
- بررسی اهمیت امنیت ملی در سایه‌سار انقلاب اسلامی
- نمایش آثار مثبت پایبندی به ارزش‌های انقلاب
- مرور حوادث دوران انقلاب
- دستاوردهای انقلاب در بخش‌های مختلف
- نقش خواص در پیروزی انقلاب اسلامی
- بررسی اولین جرقه‌های انقلاب در شهرهای مختلف ایران
- روزشمار وقایع سال ۱۳۴۲ - ۱۳۵۷
- بازخوانی مقاطعی از تاریخ پهلوی
- چالش‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی رژیم پهلوی
- بررسی ریشه‌های مخالفت پهلوی با اسلام (حجاب/ عزاداری و ...)
- مروری بر رابطه محمدرضا پهلوی با بهائیت، اسرائیل و فراماسونری
- تبیین انقلاب اسلامی و ابعاد شخصیتی امام خمینی علیه السلام

- سیر مبارزاتی امام خمینی علیه السلام از آغاز مبارزه تا پیروزی انقلاب
- نوآوری‌های ایران در حوزه پزشکی، داروسازی، هوا فضا، سلول‌های بنیادین، نفت و...
- نقش زنان، جوانان و اقشار مختلف در پیروزی انقلاب
- مروری بر زندگی فعالان انقلاب
- انقلاب اسلامی از دیدگاه شخصیت‌های برجسته غرب
- مروری بر رویکرد ایران در مقابل تهدیدهای غرب
- نقش پیروزی انقلاب اسلامی در معاهدات سیاسی جهان
- بررسی نقش مساجد در پیروزی انقلاب اسلامی
- نقش اسلام و عاشورا در تکوین و پیروزی انقلاب اسلامی
- مروری بر نقش بازاریان و اصناف در پیروزی انقلاب
- مقایسه انقلاب اسلامی با انقلاب فرانسه، روسیه و چین
- اراده انسانی در پیروزی انقلاب اسلامی
- نقش انقلاب اسلامی در تغییر نگرش به آموزه مهدویت
- بررسی عوامل زمینه‌ساز برای ظهور آرمان انقلاب اسلامی
- نقش علما و روحانیت در استقرار انقلاب اسلامی
- انقلاب و شاخص‌های سبک زندگی ایرانی اسلامی
- بررسی عوامل تحکیم خانواده در سایه انقلاب
- تبیین نقش انقلاب اسلامی در بیداری اسلامی
- عملکرد انتقادی دولت‌های مختلف پس از پیروزی انقلاب اسلامی
- بررسی مفاسد اقتصادی حکومت پهلوی
- معرفی شخصیت‌های بزرگ انقلاب
- تحلیل نظر اندیش‌مندان بزرگ جهان درباره انقلاب اسلامی
- مؤلفه‌های شکل‌گیری انقلاب اسلامی
- حق‌محوری و ظلم‌ستیزی مردم ایران
- بررسی مؤلفه‌های ادبیات انقلاب اسلامی
- دستاوردهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی با وجود تحریم‌ها و کارشکنی‌های غرب
- روایت‌های ماندگار از داستان انقلاب

۸. **جرعه جاری** (سی مقاله پژوهشی)، به اهتمام: علی ذوعلم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۷.
۹. **جستارهایی در انقلاب اسلامی ایران**، جمعی از نویسندگان، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۵.
۱۰. **چارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی**، محمدباقر حشمت‌زاده، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۸.
۱۱. **درآمدی بر مبانی فکری انقلاب اسلامی**، محمد شفیعی‌فر، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، ۱۳۷۸.
۱۲. **راه انقلاب** (مجموعه مقالات پژوهشی)، به اهتمام: کمیته پژوهش و مطالعات ستاد دهه فجر انقلاب اسلامی، تهران: نشر هماهنگ، ۱۳۷۸.
۱۳. **سیر تکوینی انقلاب اسلامی**، جواد منصوری، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹.
۱۴. **ویژگی‌های انقلاب اسلامی**، سیدعلی خامنه‌ای، تهران: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۱.
- معرفی کتاب**
۱. **آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی** (مجموعه مقالات)، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۷۹.
۲. **انقلاب اسلامی و انقلاب‌های جهان**، پژوهش‌شکده تحقیقات اسلامی، قم: انتشارات زمزم هدایت، چاپ چهارم، ۱۳۸۵.
۳. **انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن**، محمدتقی مصباح یزدی، تدوین و نگارش: قاسم شعبان‌نیا، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۶.
۴. **انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن**، جان اسپوزیتو، ترجمه: محسن مدیرشانه‌چی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۲.
۵. **مباحثی پیرامون فرهنگ انقلاب اسلامی**، باهنر، محمدجواد، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.
۶. **بیست و پنج گفتار پیرامون انقلاب اسلامی**، تهیه و تدوین: معاونت پژوهش و برنامه‌ریزی و نشر هماهنگ، ۱۳۸۲.
۷. **تقویم تاریخ انقلاب اسلامی ایران**، گروه تحقیق انتشارات سروش، تهران: سروش، ۱۳۶۹.

مبعث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

بعثت، جهانی تاریک بود. خداوند، پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله را هنگامی فرستاد که ملت‌ها در خواب طولانی فرو رفته بودند و سررشته کارها از هم گسیخته بود. جهان در تاریکی جهل و گناه و آتش جنگ فرو رفته بود. چهره آن تیره شده و فریب‌کاری آن آشکار گشته بود. برگ‌های درخت زندگی بشر به زردی گراییده بود و امیدی به ثمردادن آن نبود. در این زمان که فروغ هدایت، خاموش گشته و بدبختی، چهره زشت خود را نمودار ساخته بود، این فساد، تیره‌روزی، فتنه، آشوب و ترس، دل‌های مردم را فرا گرفته بود. از این‌رو، پناهگاهی جز شمشیر خون‌آشام نداشتند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۸۲). در چنین فضایی، خداوند بر مردم منت نهاد و اسوه و الگویی را برای مردم فرستاد تا درس زندگی را به آنان بیاموزد و همگان را به شاهراه حقیقت و سعادت رهنمون شود.

مؤلفه‌های جاهلیت در کلام

علی علیه السلام

سال‌های طولانی بر مردمی گذشت که بر اثر دوری از مکتب

بعثت در اصطلاح کلامی، به برانگیختن حضرت محمدبن عبدالله صلی الله علیه و آله به پیامبری در سن چهل سالگی، از سوی خدا اطلاق می‌شود. طبق نقل مشهور امامیه، پیامبر صلی الله علیه و آله حدود ۴۰ سال پس از رخداد اصحاب فیل، در ۲۷ رجب و مجاور غار حرا به پیامبری مبعوث شد.

عربستان در دوران بعثت، شاهد آشفتگی‌های اخلاقی و اجتماعی و دینی بود، که از این عصر در منابع اسلامی به روزگار جاهلیت یاد می‌شود. از این‌رو، پیامبر از سوی خداوند برای هدایت انسان‌ها مبعوث شد تا مردم را از جهل و گمراهی نجات دهد. پیامبر مدتی مردم را پنهانی به دین اسلام دعوت می‌کرد، اما با نزول نخستین آیات از پیام وحی، پیامبر رسالت خویش را به صورت آشکارا آغاز نمود. بر همین اساس، ایشان نخست سران و بزرگان قریش را به اسلام دعوت کرد. حضرت علی علیه السلام نخستین مردی بود که دعوت ایشان را پذیرفت.

عصر بعثت

حضرت علی علیه السلام در توصیف «عصر بعثت» می‌فرماید: «جهان عصر

می‌شدند. در مغرب‌زمین نیز از نظر اجتماعی و سیاسی، وحشتناک‌ترین دوره‌های تاریخ رقم می‌خورد. قبایل آریایی که به اروپا سرازیر شده بودند، در فرانسه و ایتالیا شدیدترین خون‌ریزی‌ها را به راه انداختند. قبایل انگلوساکسون‌ها نیز در انگلستان، از هیچ خون‌ریزی‌ای ابا نداشتند. سلسله ساسانیان در ایران، حکومتی مستبدانه و ظالمانه بود. طبری، تاریخ‌نگار برجسته، در وصف پادشاه ایران، این‌گونه می‌نویسد: «در جرم و عصیان به باری‌تعالی به جایی رسید که به رئیس نگهبانان خود دستور داد تا همه زندانیان را که عددشان به سی و شش هزار می‌رسید، هلاک کنند» (باهر و هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۲، ص ۳۶). در عصر پرننگ و نیرنگی این‌چنینی، خداوند اراده فرمود و حضرت محمد ﷺ را به پیامبری مبعوث کرد تا بشارتگر امین و امان و هدایت باشد.

جامعه عرب در آستانه بعثت

تفکری هرچند کوتاه در سیر زندگی مردم جزیره‌العرب و تحوّل فرهنگ و تمدن ایشان در پیش و پس از بعثت، عظمت تلاش‌های رسول

پیامبران، در منجلاّب گمراهی و فساد غوطه‌ور بودند، نه امنیت جانی داشتند، نه امنیت مالی و ناموسی. سایه شوم جهل و تعصب همه‌جا را تاریک کرده بود. ظلم و بیدادگری و لجاجت و انواع جنایات هولناک، همه را به ستوه آورده بود؛ به‌گونه‌ای که به فرموده علی رضی الله عنه: «میوه درخت جاهلیت، فتنه و آشوب و غذای مردمش مردار گندیده، لباس زیرینشان ترس و وحشت و لباس روینشان شمشیر بود. آب حیات انسانی در زمین فرو رفته بود و منارهای هدایت، کهنه و فرسوده شده و پرچم‌های گمراهی و تیره‌بختی آشکار گردیده بود». (نهج البلاغه، خطبه ۸۹)

جهان در هنگامه بعثت

پژوهشگران تاریخ و فرهنگ، وصف جاهلیت را فقط مخصوص مردم جزیره‌العرب نمی‌دانند (طالقانی، ۱۳۷۷، ص ۵۶). سیری در جوامع آن دوره، روشنگری و نهضت دین اسلام را در هدایت و تمدن همه بشر به روشنی آشکار می‌سازد. در شرق دور و سرزمین‌های هند و چین، شرک همه‌جا را فرا گرفته بود و بت، گاو، اختران و آتش به‌عنوان خدا پرستش

مردمانی، انسان‌هایی تربیت کرد که بنای تمدن جهانی را معماری کردند.

بارقه آسمانی

افق اجتماع مردم در حجاز هم‌چنان تاریک بود. آشفتگی، اوضاع مردم را ناملایم کرده بود و امنیت جانی و مالی و ناموسی نداشتند. از علم و حکمت خبری نبود. فضیلت آنها فقط در شعرسرایی و قصه‌پردازی بود. ابرهای سیاه جهالت سرتاسر آن محیط را در تاریکی فرو برده بود. ناگهان از شهر مکه نور پاکی همچون بارقه آسمانی فضای عالم را روشن کرد. این نور پاک که حضرت محمد ﷺ بود محیط زندگانی عقلانی بشر را برای همیشه منور گردانید.

مخالفت قریش و آزار مسلمانان

در آغاز دعوت، رفتار قریش، نسبت به پیامبر ﷺ، به ظاهر ملایم بود؛ یعنی با بی‌اعتنایی و انکار و گاهی استهزا همراه می‌شد، ولی هنگامی که رسول گرامی اسلام، از بت‌ها بدگویی می‌کرد، کار به خشونت می‌کشید. آنان دوبار برای شکایت به دیدار ابوطالب رفتند و چون نتیجه‌ای نگرفتند، به آزار پیروان پیامبر پرداختند. آنان نسبت به همه پیروان

اکرم ﷺ را به خوبی نشان می‌دهد. اعراب بدوی، تابع حکومتی نبودند و اساس جامعه آنان را قبیله تشکیل می‌داد. در این نوع زندگی، دیگر قبایل، بیگانه به‌شمار می‌رفتند و هیچ‌گونه حقوق و احترامی نداشتند. در نتیجه، غارت اموال، کشتن افراد و دزدیدن دختران، جزو فرهنگ رایج آنان بود. غارت‌کردن، از راه‌های رسمی گذران زندگی به‌شمار می‌آمد. این مسئله به قدری پذیرفته شده بود که عرب‌ها در شعرهای خود، کشتار و غارت دیگران را سندهای افتخار خود می‌شمردند (همان، ص ۳۶). در جامعه جاهلی شبه‌جزیره عربستان، زن همانند کالا جزو دارایی پدر، شوهر یا پسر بود و همراه با اموال و ثروتی که باقی می‌ماند، به ارث برده می‌شد. (همان، ص ۱۵)

همچنین بت‌پرستی، آیین رایج ایشان بود. دامنه بت‌پرستی آن‌قدر رواج داشت که بت‌هایی به شکل حیوان، گیاه، فرشته، ستارگان یا حتی تخته‌سنگی ساده پرستش می‌شد (همان، ص ۲۰). عظمت و شکوه بعثت پیامبر اعظم ﷺ اینجا نمود می‌یابد که بدانیم حضرت از میان چنین

کوشید رابطه انسان را با خداوند، رابطه‌ای درست تعریف کند و به انسان‌ها بفهماند خدای خالق، همواره در کنار آنهاست و برای ارتباط با خدای خویش، هیچ نیازی به واسطه‌ای به نام بت نیست و انسان با هر زبانی می‌تواند با خداوند سخن بگوید و همه انسان‌ها نیز در پیشگاه خداوند مساوی هستند.

زمان بعثت پیامبر ﷺ، انسان‌ها به خویشتن‌نگاهی منفی داشتند و تصور می‌کردند از هویت، استقلال و شخصیت انسانی برخوردار نیستند، بلکه محور در قبیله و جمع بزرگ‌تری به نام نسل و نژاد است که پیامبر این نگاه نادرست را تغییر داد. اصلاح دیگری که آن حضرت ﷺ بدان اهتمام ورزید، رابطه انسان‌ها با یکدیگر بود. پیامبر ﷺ به آنها آموخت تا نگاهشان به یکدیگر انسانی باشد.

اهداف بعثت

با توجه به آیات قرآن، نخستین و اساسی‌ترین هدف فرستادن پیامبران، دعوت به یکتاپرستی و نفی هرگونه شرک و طاغوت است (نحل: ۳۶). قرآن کریم، دو اصل دیگری هم که بیشتر جنبه عملی و روبنایی دارد در دعوت

پیامبر ستم روا می‌داشتند، اما سنگینی این تعرض بیشتر بر دوش افراد ضعیف و اشخاص بی‌یاور بود.

پیام مهم بعثت

قرآن کریم، خطمشی پیامبر خاتم و ایمان‌آوردندگان به آن حضرت را بر دو محور اساسی «دوستی با دوستان خدا» و «دشمنی با دشمنان خدا» ترسیم می‌کند و می‌فرماید: «محمد فرستاده خداست و کسانی که با او هستند بر کفار سخت می‌گیرند و با همدیگر مهر می‌ورزند» (فتح: ۲۹). این صراحت، پیام مهمی برای همه مسلمانان در همه مکان‌ها و زمان‌ها دارد و آن اینکه در انجام تکلیف الهی و اجرای مقررات دینی، باید تعارف را کنار گذاشت. رفتار خود پیامبر اکرم ﷺ و امامان معصومین هم دقیقاً بر همین خطمشی منطبق بود. پایبندی به این خطمشی جامع و در عین حال روشن، می‌تواند امت اسلامی را به همان عزت و عظمت صدر اسلام برساند. (جمهوری اسلامی، ۳ آبان ۱۳۷۹)

تحولات اخلاقی و حقوقی پس از

بعثت

پیامبر اسلام ﷺ بعد از بعثت، به‌ویژه در دوره سیزده ساله مکه،

عدالت و حل اختلاف انسان‌ها در اجتماع است؛ یعنی اجرای احکام الهی و سیراب کردن تشنگان عدالت از منبع فیض خداوندگاری. در آیه ۲۵ سوره مبارکه حدید آمده است: «ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند.» یا در آیه ۶۴ سوره مبارکه نحل می‌فرماید: «ما قرآن را بر تو نازل نکردیم، مگر برای اینکه آنچه را در آن اختلاف دارند، برای آنها روشن کنی.»

۱. تزکیه

یکی از اهداف مهم و اصلی در بعثت حضرت محمد ﷺ، تزکیه است تا انسان را از شرک به توحید و نیز ترک اخلاق و رفتار ناپسند فراخواند. دو گرایش، یکی به سوی فضیلت و دیگری به طرف رذیلت در نهاد انسان قرار داده شده است. دو راهبر نیز او را راهنمایی می‌کنند؛ یکی به سوی ملکوت و نورانیت و دیگری به سوی تباهی و ظلمت. پیامبر ﷺ انسان را به سوی پاکی و پرهیزکاری هدایت می‌کند و با آموزه‌های الهی، از آلودگی

پیامبران بیان می‌کند. آن دو اصل استغفار از گناه و بازگشت به سوی خداست که به روشنی در آیه سوم سوره مبارکه هود بیان شده است: «و اینکه از پروردگار خویش آمرزش بطلبید، سپس به سوی او بازگردید».

اهداف آموزشی و تربیتی بعثت

قرآن در موارد متعددی، اهدافی را از بعثت پیامبران مطرح می‌کند که بیشتر جنبه تعلیمی و تربیتی دارند. از جمله این اهداف تبشیر و انذار است. هدف دیگر، اصلاح فرد و جامعه است؛ اصلاح در تمام ابعاد اندیشه، اخلاق و... قرآن در زمینه اصلاح فردی و پاکسازی انسان‌ها، در سوره مبارکه نازعات به موسی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «به سوی فرعون برو و به او بگو: آیا می‌خواهی پاکیزه گردی؟ من تو را به سوی پروردگارت هدایت کنم تا از او بترسی (و گناه نکنی)» (نازعات: ۱۷ - ۱۹). این تعبیر قرآن، اشاره لطیفی است به این حقیقت که رسالت پیامبران، پاکسازی انسان‌ها و بازگرداندن طهارت فطری نخستین به آنهاست.

هدف بعثت از نظر قانون و اجتماع

یکی از اهدافی که قرآن از بعثت پیامبران مطرح می‌کند، برقراری

فرشتگان بر آنها سجده کنند. یکی از دانشمندان فرانسوی می‌گوید: «بزرگ‌ترین قانون اصلاح و تربیت، همان دقایقی است که به نام وحی، قسمت به قسمت بر محمد ﷺ نازل شده و امروز به نام قرآن در بین بشر است.» (اسلامی‌خو، ۱۳۸۵، ش ۷۷، ص ۱۱۱) پیامبر و الامقام اسلام در مدت کوتاهی، انسان‌هایی بزرگ مانند علی رضی الله عنه، زهرا رضی الله عنها، سلمان فارسی، ابوذر، مقداد و... را تربیت کرد.

۳. اتمام حجت

یکی از اهداف بعثت، اتمام حجت بر انسان است؛ زیرا بدون تردید عاقبت انسان به دو مقصد رستگاری و تباهی می‌انجامد (بقره: ۲۴). در فرجام کار بشر، سخن از پاداش و کیفر است. کیفر بدون اتمام حجت، از نظر عقل ناپسند است. باید ابتدا راه از بیراهه مشخص گردد، آن‌گاه اگر کسی بیراهه رفت و با قهر و غضب الهی مواجه شد، دلیل و برهان برضد خدای سبحان نداشته باشد. قرآن کریم در تشریح علت آشکارشدن راه حق از باطل می‌فرماید: «تا انسانی که راه تباهی را انتخاب کرده، با آگاهی از عاقبت سوء آن باشد و آن‌که راه رستگاری را پیش

کفر و نفاق که بدترین آلودگی‌هاست، نجات می‌دهد و از پستی‌ها و ذلت گناه و تباه‌شدن می‌رهاند. قرآن کریم این هدف اساسی را این‌گونه تبیین کرده است: «او خدایی است که از بین مردم پیامبری برانگیخت تا بر آنان آیات خدا را تلاوت کند و آنان را تزکیه نماید و کتاب و معارف به آنان آموزش دهد» (جمعه: ۲). نیز در آیه‌ای دیگر، خداوند خطاب به رسول خاتم ﷺ می‌فرماید: «کتاب آسمانی بر تو نازل کردیم تا مردم را از تاریکی‌ها به سوی نور رهنمود باشی». (ابراهیم: ۳)

۲. تربیت

یکی از مهم‌ترین برنامه‌های پیامبر گرامی اسلام، تربیت انسان‌هاست. تربیت به معنای فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل برای به فعلیت رساندن و شکوفاکردن استعدادهای انسان در جهت مطلوب است. او باید زمینه‌ها را برای شکوفایی استعدادهای «خلیفه‌الله» شدن آماده کند که ابعاد گوناگونی دارد. او باید انسان‌ها را آماده کند تا از نظر علمی بهترین رابطه را با خدای خود، با هم‌نوع خود، با قوانین و مقررات اجتماعی، با خانواده و با خود داشته باشند تا

خاتمیت پیامبر ﷺ تأکید شده است. در این باره امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: «خداوند تبارک و تعالی به کتابتان [قرآن]، کتاب‌ها را و به پیامبرتان [محمد]، پیامبران را خاتمه و پایان داد» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۷۷). امام رضا علیه السلام نیز در حدیثی می‌فرماید: «شریعت محمد صلی الله علیه و آله تا روز قیامت منسوخ نخواهد شد و تا آن روز، هیچ پیامبری بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله نخواهد آمد». (ابن بابویه، ۱۳۷۳، ج ۲، باب ۳۲، ص ۷۸)

نماد بعثت

قرآن، یادگار بعثت

بی‌شک، در تمام دوران بعثت، مهم‌ترین ابزار رسول خدا در برابر دشمنان، آیات قرآن بوده است. آموزه‌هایی که ضمن آیات استوار قرآن ارائه می‌گردید، منافقان و مشرکان را در برابر دعوت اسلام خلع سلاح می‌کرد. منطق استوار و نظم آهنگین قرآن، بر جذبه پیام‌های آن می‌افزود و همگان را از ایستادگی در برابر خود عاجز می‌ساخت.

تحول و تمدنی که با بعثت و اعلام نبوت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله آغاز شد، به کمک آیه‌های قرآن، اندیشه خود را در تمام زوایای جامعه جاهل، توسعه داد

گرفته نیز با علم و آگاهی باشد» (انفال: ۴۲). با مبعوث شدن پیامبر خدا، حجت بر مردم تمام شده؛ زیرا آن حضرت مشعل‌دار هدایت است. اگر کسی به پیام و دعوت او توجه نکرد و بیراهه رفت و دچار کیفر و عذاب شد، خود بر خویشتن ظلم کرده و از طرف خدا هیچ ستمی اعمال نشده است. (احمدی، ۱۳۷۷، ص ۱۱۵)

مبارزه با استبداد و انحصارطلبی، گسترش حق و عدالت، خردورزی و تفکرانگیزی، برابری انسان‌ها و سعادت و نیک‌بختی بشر، از دیگر اهداف بعثت به‌شمار می‌آید.

۴. خاتمیت

بدون تردید، جامعیت و گستره ژرف و بی‌انتهای دین انسان‌ساز اسلام، امری مسلم و انکارناپذیر است؛ زیرا هم‌اکنون با گذشت چهارده قرن از ظهور آن، هم‌چنان زنده و حیات‌بخش است. امروز این باور در میان حقیقت‌جویان و حق‌مداران جهان پدید آمده که مکتب شکوه‌مند اسلام، توانایی ماندن و اداره نظام زندگی انسان‌ها را تا همیشه روزگار دارد و از این‌روی، آمدن پیام‌آوری جدید، بی‌معنا است. در آیات (احزاب: ۴۰) و روایات نیز بر مسئله

می‌توانند طراوت و اعجاز خود را حفظ کنند تا راهنمای هدایت‌خواهان باشند.

پنج آیه نخست سوره علق، اولین آیه‌هایی هستند که در آغاز بعثت، پیامبر را دل‌گرم و پر امید ساختند؛ «بخوان به نام پروردگارت که [جهان را] آفرید [و] آدمی را از خونی بسته خلق کرد. بخوان، که پروردگارت بزرگوارترین است. آن‌که با نامه آموخت و به انسان آنچه را نمی‌دانست یاد داد». (علق: ۱-۵)

خواندن، از مقوله علم و فرهنگ؛ توحید، از مقوله عبادت و بندگی؛ آفرینش، از مقوله اندیشه در خویشتن، و راز خلقت جهان، از مقوله نشانه‌های حق است. از ابتدا، سخن از تفکر، تعبد و تعلم به میان آمده است؛ مفاهیمی که امروزه در پس قرن‌ها پیشرفت و تمدن ادعایی، بشر هنوز در الفبای آن درمانده است.

روش‌های تبلیغی پیامبر ﷺ

درسی برای زندگی

دنیا، پسان اسبی تندپا در گذر از کوچه‌های زندگی، ما را به انتهای راه می‌رساند. در این وادی، آنان که از گوهر عقل سهمی دارند، قدر

و به سمت انقلابی بنیادین پیش برد. آیه‌های قرآن با هجوم به باورهای جاهلیت، بعثت حضرت محمد ﷺ را هرچه بیشتر و بهتر در جهان تبلیغ کرد.

عید مبعث، عید نزول قرآن است. جشن هدیه آسمانی خدا به انسان است و قرآن، بهترین سراینده آموزه‌های بعثت است که هرکس به مقدار ظرفیت و توانایی خود از آن سرشار خواهد شد.

نخستین آیه‌ها

پس از قرن‌ها آماده‌سازی بشر به‌دست دیگر پیامبران، اینک حضرت محمد بن عبدالله ﷺ آماده شده است تا پیام‌آور مکتب جاودانه باشد. حال که بعثت، تا ابد در تاریخ جاودانه خواهد ماند، خداوند در نخستین ارتباط با رسولش، چه پیامی برای بشر خواهد داشت؟ اکنون که قرار است آیینی فرا زمان و مکان برسد، در اولین برخورد میان زمین و آسمان، لاهوتیان چه تحفه‌ای برای انسان خاکی دارند؟ از سوی دیگر، همه این پیام‌ها و آیه‌ها، معجزه پیام این دین جاودانه خواهد بود. چه واژگانی از جنس چه مفاهیمی، پس از گذر قرن‌ها باز هم

امروز برای امروز

وقت، ثروتی است ارزشمند که فقیر و غنی از آن به یک اندازه بهره دارند. این آدمی است که گاه با بهره‌بری شایسته از فرصتی که در اختیار دارد، مس وجود را با کیمیای کار به طلای ناب بدل می‌کند و گاه با هدر دادن فرصت و نشستن در انتظار فداهایی که هیچگاه آمدنش را مطمئن نیست، هم‌نشین اندوهی پایدار می‌شود. پیامبر خدا ﷺ در بیانی بلند که از چشمه‌های حکمت و فیض خداوندی سرچشمه گرفته، می‌فرماید: «... از اینکه کاری را به آینده موکول کنی، بپرهیز. امروز از آن توست و از فردا آگاه نیستی. اگر فردایی داشتی، برای فردایت چنان باش که برای امروزت بودی و اگر به فردا نرسیدی، بر کوتاهی امروز، اندوه نخواهی داشت.» (حکیمی، ج ۱، ص ۳۳۲)

علم بدون عمل

در فرهنگ اسلام، دانایی و توانایی تکلیف‌آور است. هرچه انسان بیشتر بداند و بتواند، مسئولیتش سنگین‌تر است. علم و قدرت، زمینه مسئولیت انسان مسلمان است. اگر دانش دست انسان را نگیرد و به نجات نرساند، وبال گردن است و مایه

فرصت‌ها را می‌داند، بر سلامتشان شکرگزارند، توانمندی‌هایشان را ارج می‌نهند و از جوهر جوانی، بهترین استفاده‌ها را می‌برند. این معنا، مضمون موعظه رسول خدا ﷺ بر ابوذر غفاری است. آنجا که می‌فرماید: «... ای ابوذر، پنج چیز را قبل از پنج چیز، قدر بشناس و غنیمت بدان: جوانی‌ات را قبل از پیری؛ تندرستی‌ات را قبل از بیماری؛ دارایی‌ات را قبل از تنگ‌دستی؛ فراغت خود را قبل از گرفتاری؛ و زندگی‌ات را قبل از مرگ...» (علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۴). به‌راستی، چه درس شگفت و بزرگ و حکیمانه‌ای! مگر نه اینکه سرمایه‌های سودآور انسان در بازار زندگی، همین گوهرهاست.

دنیای فریبکار

دنیا چونان پلی است که باید از آن گذر کرد تا به سرای جاودان آخرت رسید. ما، آخرتی هستیم نه دنیایی، باید از این فرودگاه برای آن قرارگاه، ره‌توشه بگیریم؛ چراکه منزلگاه ابدی ما، خانه آخرت است. رسول خدا ﷺ در اشاره به این معنا فرموده است: «شگفتا از آن‌کس که آخرت را باور دارد، ولی برای دنیای فریبکار تلاش می‌کند.» (احسان‌بخش، ۱۳۷۳، ج ۱۲، ص ۳۶۲)

برخاستی، نماز را وداع‌گونه به‌جای آور. از انجام‌دادن کاری که ناگزیر از عذر و پوزش گردی، بپرهیز و از آنچه در دست مردم است، مأیوس باش». (احسان‌بخش، ۱۳۷۳، ج ۱۱، ص ۱۳۰)

بی‌رغبتی به دنیا

دنیا، چنان‌مار خوش‌خط‌وخالی است که عده‌ای، مفتون ظاهر فریبنده آن شده، از سمّ مهلکش غافل‌اند. پیامبر که رسول آزادی است و وارستگی می‌آموزد، دنیایی را که پایبند و دست و پاگیر انسان از «طیران آدمیت» باشد، نکوهش کرده و می‌فرماید: «به آنچه در پیشگاه خداست، رغبت نشان ده تا خدا دوستت بدارد و بدان‌چه در دست مردم است، بی‌رغبت باش تا مردم دوستت بدارند. آن‌کس که به دنیا بی‌میل باشد، فایده می‌برد و روح و جسمش را در دنیا و آخرت آسوده می‌دارد و دوستدار دنیا، در دنیا و در دیگرسرای، جان و تنش را در سختی می‌اندازد». (همان، ج ۹، ص ۲۲۴)

دعوت پنهانی و تبلیغ عملی

از آنجاکه سرزمین حجاز دورانی بس طولانی به شرک و بت‌پرستی آلوده بود و مردم در مُرداب خرافه‌ها و

بدرفجاری. خسارت از آن کسی است که چیزی نمی‌داند و خسران‌زده‌تر، کسی است که می‌داند، ولی عمل نمی‌کند. در این باره، پیامبر خدا ﷺ ابوذر غفاری را این‌گونه نصیحت می‌کند: «ای ابوذر، در قیامت گروهی از بهشتیان به اهل دوزخ رو کرده، می‌پرسند: ما به کمک تعلیم‌ها و آموزش‌های شما و در سایه تأدیب و تربیت شما به بهشت وارد شدیم؛ پس چرا شما خودتان به دوزخ افتادید؟ می‌گویند: «ما به خیر دعوت می‌کردیم، ولی خودمان اهل عمل نبودیم». (محدثی، ۱۳۷۶، ص ۲۴؛ علامه طبرسی، ص ۴۵۸)

موعظه مفید

وقتی موعظه از زبان پیامبر باشد و از جان محمد ﷺ بجوشد، بر جان و دل می‌نشیند. سزاوار است که گوش جان همه عالمیان در همه زمان‌ها، حکمت‌های تراویده از زبان رسول را مشتاقانه خریدار شوند و چهره روح در چشمه زلال این مواعظ بشویند. ابویوب انصاری از یاران راستین پیامبر ﷺ می‌گوید: مردی به رسول خدا ﷺ گفت: یا رسول‌الله، مرا مختصر و مفید، موعظه کن. پیامبر فرمود: «چون به نماز

منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۳)، *عیون اخبار الرضا* علیه السلام، ترجمه: حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری، بی جا، بی نا.
 ۲. احسان بخش، صادق (۱۳۷۳)، *آثار الصادقین*، تهران: ستاد برگزاری نماز جمعه.
 ۳. احمدی، حبیب الله (۱۳۷۷)، رسول الله صلی الله علیه و آله *الگوی زندگی*، حبیب الله احمدی.
 ۴. اسلامی خو، محمدرضا (۱۳۸۵)، «سفیر سعادت؛ بعثت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله»، *مجله گلبرگ*، مرداد ۱۳۸۵، شماره ۷۷.
 ۵. باهنر، محمدجواد و هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۷۲)، *جهان در عصر بعثت*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 ۶. تونه‌ای، مجتبی (۱۳۷۹)، *چراغ تکلیف مرا روشن کن*، قم: همسایه.
 ۷. شهیدی، جعفر (۱۳۶۲)، *تاریخ تحلیلی اسلام*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
 ۸. طالقانی، سید محمود (۱۳۷۷)، *مناره‌ای در کویر*، تهران: قلم.
- تعصب‌ها روزگار می‌گذرانند، اعلان یک‌باره دعوت توحیدی و مخالفت با همه مظاهر جاهلیت، جز برای گروه خاصی از اهل معرفت، قابل تحمل نبود. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله با توجه به این مطلب، تبلیغ و دعوت پنهانی خود را به مدت سه سال آغاز کرد تا با بسترسازی مناسب و تربیت اعضای اصلی تبلیغ، زمینه اعلام آشکار رسالت خود را فراهم آورد. (شهیدی، ۱۳۶۲، ص ۵۴)

دعوت عمومی

پس از اینکه پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله خویشان خود را انذار و آشکارا آنها را به دین اسلام دعوت کرد، در سومین مرحله از مأموریت خود در دعوت اجتماعی و گذر از جامعه جاهلی، گامی بلند برداشت و پس از آنکه فرشته وحی، فرمان هدایت عمومی را به وی ابلاغ کرد، (حجر: ۹۴) طنین «یا صباحاه»^۱ در کوه صفا پیچید. نسیم روح‌افزای آیات الهی و منطق نیرومند پیامبر صلی الله علیه و آله نظر بسیاری از مردم را جلب کرد. گروهی اسلام آوردند، دسته‌ای به تفکر فرو رفتند و عده‌ای مخالفت ورزیدند. (همان، ص ۵۶)

۱. این جمله برای جلب توجه مردم در زبان عرب به کار می‌رود.

۲۷ رجب، سالروز بعثت حبیب
خدا، کعبه دل‌ها، سالار اولین، سرور
آخرین، پیام‌آور مهر و دین، حضرت
ختم‌المرسلین ﷺ بر عاشقان رسالت
تهنیت باد!

بعثت آخرین سفیر الهی، حضرت
محمد امین ﷺ خجسته باد!

یا محمد! حسن ختام نبوت، نقطه
آغاز تو بود؛ روزی که علف‌های هرز
مفاهیم جاافتاده را برکندی و خاک
بشر را زیر و رو کردی تا تنها بذر
وحدانیت الهی را در آن رها کنیم.

مبعث؛ یعنی وساطت تو میان
بنده و معبود. یا رسول‌الله! دستانم را
بگیر تا بت‌های باقی‌مانده دلم را
بشکنم که خدای تو خریدار
دل‌شکستگان است.

عید مبعث، سالروز آغاز برترین و
آخرین دین الهی، بر امت پیغمبر خاتم
گرامی باد!

تماشای سبز صمیمیت

مجتبی تونه‌ای

هنوز بوی سکوت جاهلی، مشام
کوچه‌ها را آکنده بود
و زمین از فرسودگی این اندوه
می‌لرزید
و فریادهای مرده، در خون دست و
پا می‌زد

۹. عسگری، محمد (۱۳۷۴)، *از
عاشورا تا غدیر*، قم: محمد
عسگری.

۱۰. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۷۵)،
اصول کافی، ترجمه: محمدباقر
کمره‌ای، قم: اسوه.

۱۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)،
بحارالانوار، بیروت: داراحیاء
التراث العربی.

۱۲. محدثی، جواد (۱۳۷۶)، *نای
حکمت*، قم: پارسایان.

۱۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷)،
پیام امام امیرالمومنین علی،
تهران: دارالکتب الاسلامیه.

گفتار مجری

آخرین سفیر الهی

عبداللطیف نظری

بعثت سفیر کبیر هدایت، عصاره
خلقت، کعبه آمال بشریت، فروغ
گیتی، خلاصه هستی، تندیس
یزدان‌نما، حضرت محمد مصطفی ﷺ
بر همگان مبارک باد.

بعثت پدر امت، شاهکار خلقت،
منادی رحمت، دعوتگر توحید و
وحدت، حضرت ختمی مرتبت ﷺ بر
مسلمانان جهان خجسته باد!

آمد تا رنگ‌بوی روزهای
سپیدپوش عصمت را
بر گونه‌های یلدای جهان بپاشد
کلید اقیانوس در دست آمد،
تا باران بتکاند بر دل‌های کویری
جاهلی
و باور عشق و ایمان را در جان‌ها برویاند
بشکوه و سبز...
روشن و بلند...
گرم و پرشور...
با دستانی از بهار سرشار آمد
تا در تلاوت کلمات مقدسش
قاموس جهان
تدوین شود
شکفتن وحی
محمد عسگری
خلوت غار حرا را آشوبی برآشفته
است. نسیم آسمانی هم‌راز روحی
گشته که مأنوس با آسمان است.
ستاره‌ای که با فروغش، آتشکده‌ها را
به دست غروب سپرد و کنگره‌های کاخ
استبداد کسری را فرو ریخت، اینک
پیام رسالت را نجوا می‌کند. راهی از نور
در امتداد آسمان تا زمین مکه و افق تا
افق، فرشتگان صف‌درصف از جبرئیل
تا میکائیل و غار حرا در هاله‌ای از نور،
با خورشیدی در میان، جبرئیل آرام بر
زمین گام می‌گذارد، زمین حریرگون
می‌شود، نبض زمان تند می‌زند، شب

و از گورها، ستارگانی زنده
برمی‌خاست
و چشم‌ها به تماشای هرزه عادت
داشت
و آفتاب ناتمام در پس‌کوچه‌های
تاریک می‌دوید
هنوز چشم‌ها به روی حقیقت
بسته بود
که ناگهان پیامبری رسالت بر
دوش
چشم‌ها را گشود
و جهان را سرشار از عطر گل
محمدی کرد
از حرا درخشید با آیات روشنی از
«اقرأ» و تلاوت کلمات خدا
آمد و بر دروازه شهر آشتی ایستاد
و دست‌های بی‌تفاوت را به
تماشای سبز صمیمیت ایمان خواند.
محمد ﷺ!
مهربان‌ترین مردی که در حرای
مکه، الفبای روشن نبوت آموخت و
سرود ناسروده رسالت را غزل کرد.
برگزیده شد تا نافله تبسم را
منتشر کند.
آمد...
روبه‌روی حوصله جهان ایستاد تا
دست‌ها را به اندازه مهربانی باران،
وسعت دهد.

ترسیم می‌شود، از حسن و حسین علیهما السلام تا مهدی علیه السلام. پرچم رسالت از بعثت محمد صلی الله علیه و آله تا میلاد وارث بر چکاده بلند امامت به اهتزاز درمی‌آید و میلاد قائم علیه السلام بر گوش بازنشستگان از حقیقت سیلی می‌نوازد.

حضور حجت، پای بهانه‌گیری را به زنجیر می‌کشد، انسان برای گریز از «خسران»، دل به ولایت «ولی‌عصر» می‌سپارد تا با استمداد از «اباصالح» در زمره صالحین باشد.

«صاحب» از ورای زمان و اعصار و تاریخ، جان‌ها را تصاحب می‌کند. بعثت و حضور محمد صلی الله علیه و آله نوید ظهور مهدی علیه السلام را به ارمغان می‌آورد.

شمیم عطراگین و جامه محمد صلی الله علیه و آله، فروغ چشمان کم‌سوی منتظران سوخته در هجران «منتظر قائم» می‌شود و عزیز مصر را به کنعان وجود می‌خواند.

اینک همان چشمان که به التماس نجات بر آستان «حرا» می‌نگریست در «افق اعلی» به انتظار آمدن «منجی» که وارث بزرگ بعثت است لحظه‌شماری می‌کند.

آری مهدی خواهد آمد، منتقم خواهد آمد و به اسم «رب»، کتاب قطور رحمت و محبت را بر تمام کائنات خواهد خواند.

به امید آن روز پرشکوه

می‌گریزد، چلچراغ هستی به استقبال می‌شتابد، سفیر وحی، دفتر می‌گشاید، امین را می‌خواند که: محمد بخوان! نگار درس ناخوانده با بهت به سفیر می‌نگرد، چه بخوانم؟ بخوان به نام خدایی که خلق از او پیدا شد و این خلق از او دانا شد.

بدین‌سان «حرا» با حریم رسالت، کعبه آمال عشاق می‌شود و اولین قطره از دریای بزرگ وحی، درون غار ریزش می‌کند و غار به پهنای دریا می‌شود.

فروغ نگاهش گرمابخش ساقه‌های شکننده و ظریفی می‌شود که زیر خروارها خاک جاهلیت، خُرد می‌شدند. خنکای گوارای کلامش، آتش نمرودیان را به خاکستر می‌نشانند.

ید بیضایی او، بساط سحر و کفر و عناد را در هم می‌ریزد، دم مصطفایی‌اش عطر خوشبوی زندگی می‌پراکند، دل‌های فرورمده، در انتظار قاصد بیداری‌اند.

آری محمد صلی الله علیه و آله قاصد بیداری دل‌ها می‌شود، آری محمد صلی الله علیه و آله عازم پیکار با بت‌ها می‌شود.

نور رسالت مصطفی بر بوستان علی علیه السلام و فاطمه علیهما السلام می‌تابد و کوثر وجود فاطمه علیهما السلام، عطیه‌های هدایت را بر دنیای ناقص و ابتر مردمان می‌بخشاید. صراط مستقیم، با نور

شعر

غار حرا

و سبز قامت آن نوبهار مشهود است
دلیل گردش لیل و نهار مشهود است
چهل ستاره دنباله‌دار، مشهود است
طنین «اقرأ...» آموزگار مشهود است
که در نگاه زمان انتظار مشهود است
حضور روشنی از یک سوار مشهود است

خدیجه بنحی

به روی قله یک کوه، غار مشهود است
زمانه چشم به راه تولد عشق است
نیاز نیست تلسکوپ، نیاز نیست بین!
صدای جوشش وحی است در حرا جاری است
و باز معجزه‌ای بی‌بدیل در راه است
به روی قله تاریخ - بین گرد و غبار -

فصل آخر

یقیناً آسمان - دائم - به فرمان تو می‌گردد
خدا، می‌دیده و، سی جزء، مهمان - تو می‌گردد
بهارا! آفرینش، روی دستان تو می‌گردد
تو می‌گردد و قرآن نیز حیران تو می‌گردد
و اما فصل آخر، مست باران تو می‌گردد
پس از این، شعرهایم نیز از آن تو می‌گردد

مهدی خلیلیان

مسلمان، دور کعبه... کعبه، قربان تو می‌گردد
تمام ماجرا این بوده: چشم گوشه‌گیرت را
عبایت از گل و عمامه‌ات گل، حرف‌هایت گل
همه آیات قرآن، در مدار چشم‌های تو،
به خشکی، گرچه طی شد فصل فصل زندگی، بی‌تو
نظر کردی و بیت‌الله شد بیت‌الغزل‌هایم

گفته‌بودن به روز می‌آیی

گفته‌بودن به روز می‌آی کاهنای آیینه‌بین
راویای دین خدا، زندونیای دم تیغ
اومد با یه کتاب سبز تا بشه ذکر هر لبی
دلای سر به راه شده تو سایه مذهب عشق
تو که طهارت زمین به رشحه وضوی توست
دستی بکش رو سر ما عاشقای دربه‌درت
تو این روزای بی‌امون بی‌کسیامونو ببین!

سودابه مهیجی

خواب تو رو دیده‌بودن تو طالع پیر زمین
اسم تو رو بلد بودن کتابای عهد عتیق
نگار مهربونی که نرفته بود به مکتبی
تا اسمشورج بزَن تو مشقای هر شب عشق
تویی که دستای همه دخیل آبروی توست
با دستای کریمت و نگاه شق القمرت
تو رحمت دو عالمی! سایه رو سر زمین!

بعثت خورشید

قرن، قرن قحطی آینه‌ها
 قرن، قرن بارش شمشیر بود
 قرن، قرن ساکت یک بید بود
 ناگهان، روح تکلم زنده شد
 بال‌ها، یک آسمان، پرواز شد
 امشب ای شب‌نشینان، کف زنید!
 یا حرا، یا معبد آینه‌ها!
 یا حرا، یا احمدستان خدا!
 ای تکلم‌زار احمد نام تو!
 مطلع خورشید احمد، یا حرا!
 راز احمد در تکلم زار توست
 نور «اقرأ» از دل جامت دمید
 بوی جبریل خدا در غار تو
 «طور» موسی، عبد گلزار تو شد
 یا محمد، یا امیر سینه‌ها!
 ای تمام یاسمن‌ها مست تو!
 یا محمد! شعر امشب را، دری
 احمد! ما بنده نام توایم
 بنده خورشید چشمت، نام ما!

فصل زخم بی‌امان سینه‌ها
 زنگ، با آینه‌ها درگیر بود
 سینه‌ها، در ماتم خورشید بود
 سینه، از شوق خدا آکنده شد
 حلق‌ها، یگانگ، آواز شد
 یاس‌بانان حرای، دف زنید!
 حیرتستان تمام سینه‌ها!
 میرگل، میر گلستان خدا!
 شهد شیرین محمد، کام تو!
 بعثتستان محمد، یا حرا!
 حکمران نور، در گلزار توست
 وحی حق، از گلشن نامت دمید
 فرش بانی محمد، کار تو
 بعثت خورشید، از غار تو شد
 ای رسول روشن آینه‌ها!
 ای زمام سینه‌ها در دست تو!
 مزده بر ما، آخرین پیغمبری!
 تشنه‌کامان خُم و جام توایم
 جرعه جوی شهد جامت، کام ما!

سید علی حسینی اِمنی

عطر وحی

ز فرط شوق، ببین در خودش نمی‌گنجد
 هزار پنجره از آسمان گشوده شده است!
 و کیست؟ این که به محض شکفتن نامش
 دوباره عطر نفس‌های وحی می‌آید

حراست، این که چنین در خودش نمی‌گنجد
 به این دلیل، زمین در خودش، نمی‌گنجد
 مسیح عرش‌نشین، در خودش نمی‌گنجد
 و جبرئیل امین، در خودش نمی‌گنجد

جهان ز منطق دین، در خودش نمی‌گنجد
 و روزگار، یقین! در خودش نمی‌گنجد
 زمان به خاطر این در خودش نمی‌گنجد

خدیجه بنجی

۴. **پیامبر اعظم از نگاه دیگران**،
 محمد کاظم جعفرزاده، ۱۳۸۵.
۵. **پیامبر اعظم و خرافه‌زدایی**،
 فتحیه فتاحی‌زاده، ۱۳۸۷.
۶. **پیامبر و جوان امروز**، محمدباقر
 پورامینی، ۱۳۸۸.
۷. **حیا از نگاه پیامبر ﷺ** (حیا و
 عفت از نگاه پیامبر ﷺ)، عباس
 پسندیده، ۱۳۸۶.
۸. **داستان‌هایی برای فیلمنامه
 پیرامون پیامبر اعظم ﷺ**، مهدی
 داوودآبادی، ۱۳۸۶.
۹. **در ساحل وحی؛ بررسی
 شبهه‌هایی درباره وحی**، محمد مهدی
 علی‌مردی، ۱۳۸۵.
۱۰. **سیره نبوی از نگاه استاد مطهری**،
 حسن اردشیر لاجیمی، ۱۳۸۵.
۱۱. **کانون محبت؛ رهنمودهای
 اخلاقی پیامبر درباره خانواده**،
 سیدحسین اسحاقی، ۱۳۸۵.
۱۲. **کرامت انسان از دیدگاه خاتم
 پیامبران**، شهاب‌الدین مشایخی‌راد،
 ۱۳۸۸.

از این به بعد، سیاه و سفید مطرح نیست
 تمام شد! غم تاریخی بشر امشب
 چه قدر لحظه آن اتفاق نزدیک است

کتاب‌شناسی

- الف) معرفی آثار اداره کل
 پژوهش‌های رسانه
- در اداره کل پژوهش‌ها طی حدود
 سه دهه فعالیت بیش از ۶۰ اثر درباره
 ابعاد مختلف شخصیت، سیره و
 زندگی پیامبر اکرم ﷺ تولید شده
 است که کارشناسان و برنامه‌سازان
 ... می‌توانند این آثار را به همراه ده‌ها
 نشریه مرتبط با مناسبت‌های زندگی
 آن حضرت از سایت اداره کل به نشانی
www.irc.ir دریافت نمایند. در ادامه
 به عنوان نمونه اسامی تعدادی از آثار
 مورد اشاره قرار می‌گیرد:
۱. **اصول و شاخه‌های تمدن
 نبوی**، سیدرشید صمیمی، ۱۳۸۷.
 ۲. **آئین دادرسی پیامبر اعظم ﷺ**،
 محمد درگاه‌زاده، ۱۳۸۸.
 ۳. **پرسش‌های مسابقه‌ای ویژه
 پیامبر اعظم**، جمعی از نویسندگان،
 ۱۳۹۰.

۶. **سرزمین نور**، محمدرضا سرشار، تهران: انتشارات پیام آزادی، ۱۳۸۰.
۷. **سیره اخلاقی پیامبر اعظم**، محمدرضا جباری، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۹۰.
۸. **سیره صحیح پیامبر اعظم** (۱۲جلد)، جعفر مرتضی‌العاملی، ترجمه و تلخیص: دکتر محمد سپهری، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱.
۹. **سیره نبوی «منطق عملی»** (۴جلد)، مصطفی دلشاد تهرانی، تهران: دریا، ۱۳۹۴.
۱۰. **سیری در سیره نبوی**، شهید استاد مطهری، قم: صدرا، ۱۴۰۰.
۱۱. **سیمای پیامبر اعظم در آینه نهج‌البلاغه**، آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰.
۱۲. **سیمای پیامبر خدا** (ترجمه کحل البصر)، شیخ عباس قمی، ترجمه: جواد قیومی اصفهانی، تهران: دارالتقلین، ۱۳۸۹.
۱۳. **شعاعی از نیر اعظم**، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، تهران: سروش، ۱۳۹۳.
۱۴. **فروغ ابدیت**، جعفر سبحانی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۹.

۱۳. **ماه تابان؛ ویژه پیامبر اعظم (ص)**، سیدمحمود طاهری، ۱۳۸۸.
۱۴. **نگاهی به سیره پیامبر اعظم (ص)**، منوچهر حسن‌اللهی، ۱۳۸۶.

ب) معرفی آثار عمومی

- در باب شخصیت پیامبر گرامی اسلام (ص) و ابعاد زندگی‌شان در طی سالیان متمادی آثار ارزشمندی توسط اندیشمندان اسلامی و غیراسلامی در کشور به نگارش درآمده است. در ادامه به ذکر چند نمونه اکتفا می‌شود:
۱. **پاسخ به شبهات کلامی درباره پیامبر اعظم**، محمدحسن قردان ملکی، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۹.
 ۲. **پیامبر رحمت**، آیت‌الله جوادی آملی، قم: اسرا، ۱۳۹۷.
 ۳. **تاریخ پیامبر اسلام**، محمدابراهیم آیتی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۹۱.
 ۴. **تاریخ سیاسی پیامبر**، رسول جعفریان، تهران: انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳.
 ۵. **خاتم پیامبران (ص)**، محمد ابوزهره، ترجمه: حسین صابری، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۹۳.